ژوندون

اطلاعات او کلتور

پنجشنبه ۷ حمل ۱۳۵۹

۲۷ مارچ ۱۹۸۰

سال سی و دوم

شماره اول

قیمت یکشماره (۱۳) افغانی

ضمیمه با یك جنتری

عرض تبریک

کارکنان مجله هفتگی ژوندون فرارسیدن سال نو را به هیات رهبری حزب ودولت، اردوی-دلیروآزادیبخش و هموطنان شریف و زحمتکش کشور مبارکباد گفته سعادت وپیروزی هرچه بیشتر شانرا در روشنی مرحله نوین تکامل انقلاب شکوهمند ثور خواهانند.





ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی وصدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان موقعیکه باخان عبدالغفار خان زعیم بزرگ پشتون ملاقات تودیعی بعمل آوردند .

اختصار وقایع مهم

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر میدهد از جانب ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی وصدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان پیامهای تبریکیه عنوانی حضرت امام آیت‌الله روح‌الله خمینی رهبر ملت برادر ایران وابوالحسن بنی صدر رئیس جمهور جمهوری اسلامی ایران به مناسبت عید نوروز به تهران مخابره گردیده است .

* * *

علم مبارک روضهٔ مطهر شاه ولایتمآب حضرت علی کرم الله وجه در شهر مزار شریف مرکز ولایت بلخ ضمن مراسم باشکوه ومجللی روز اول حمل افراشته شد وتوام به آن میله‌عنعنوی وباستانی گل سرخ آغاز گردید .

هنگام افراشتن علم مبارک حضرت شاه ـ ولایتمآب هزاران نفر از مردم شریف، نجیب ومسلمان ماکه از اطراف واکناف کشور جمع شده بودند ترقی وتعالی کشور، صحت وسلامت مردم افغانستان ، پیروزی های هرچه بیشتر انقلاب ثور، زعامت حزب ودولت جمهوری دموکراتیک افغانستان را از خداوند متعال آرزو بردند .

* * *

ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی وصدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان عصر روز (۵) حمل با خان ـ عبدالغفار خان زعیم بزرگ پشتون در مقر شورای انقلابی (ارگ) ملاقات تودیعی بعمل آوردند .

* * *

روز ۲۱ مارچ ۱۹۸۰ مطابق اول حمل ۱۳۵۹ مصادف باروز بین المللی امحای تبعیض نژادی بوده وبه این مناسبت ازطرف ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی وصدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان پیامی صادر گردید که شام جمعه اول حمل ۱۳۵۹ توسط مجید سر بلند وزیر اطلاعات وکلتور از طریق رادیو و تلویزیون جمهوری دموکراتیک افغانستان قرائت گردید.

* * *

تحت ریاست ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی وصدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان ، شورای ـ وزیران شام سوم حمل در مقر شورای انقلابی (ارگ) جلسه نمود .

شورای وزیران باساس پیشنهاد وزارت آب وبرق تخفیف وتنزیل پنجاه پول در فی کیلووات برق مشترکین انفرادی ولایت بلخ را تصویب وهدایت صادر نمود که از شروع سال ۱۳۵۹ تطبیق گردد .


ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی وصدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان هنگام ایراد بیانیه شان بمناسبت سال نو.

سال ۱۳۵۹ سال پیروزی بزرگ مردم ما در راه ترقی ودموکراسی خواهد بود

متن بیانیهٔ رادیو تلویزیونی ببرک کارمل منشی عمومی کمیتهٔ مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی وصدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان به مناسبت سال نو که، شب نوروز از طریق رادیو وتلویزیون جمهوری دموکراتیک افغانستان ایراد کردند.

بسم الله الرحمن الرحیم

هموطنان گرامی!

خواهران وبرادران شهری ودهاتی!

دوستان و رفقا!

سال‌نو، جشن نوروز باستانی، روز دهقان، جشن کشت وزرع، روزیادبود تاریخ چار هزار ساله وطن کهن‌سال‌ما جشن گلهای سرخ مزار شریف ومیله سخی، جشن غلبه زندگی و امید و روشنایی بر نومیدی و تاریکی رابشما ازصمیم قلب تبریک و شادباش می گویم. باشد که سال ۱۳۵۹ سال شگوفانی، برکت و فراوانی، سال ثمر دهی شگوفه های مبارزه و امید تمام زحمتکشان ما، سال پیروزی های بزرگ مردمان کشور ما، در راه صلح ترقی، دموکراسی وعدالت اجتماعی گردد. سرانجام سال سعادت وخوشبختی، آرامش وامنیت، آشتی ودوستی، سال آزادی و احیای اعتماد و اطمینان مردم عذاب‌دیده ما، سال التیام زخمها وآلام خلق ماباشد، با آمدن بهار، سال نو یکبار دیگر از ماهی خواهد که با او، پیمان همگام شدن ببندیم و در راه آزادی و آبادی وطن خودگامهای بلند قاطع وجدی برداریم.

سالیکه گذشت از یک طرف سال رنج های بیکران برای توده های میلیونی وطن مابود ولی از جانب دیگر سالی بود که اراده پیکار جویانه توده های رنجدیده و زحمتکش کشور مادر مبارزه خونین علیه امپریالیزم، ارتجاع سیاه داخلی و منطقه ودست یاران داخلی آنها حفیظ الله امین و امینی هابه حقیقت پیوست و انقلاب ظفر آفرین ثور در مسیر اصولی خود، وارد مرحله دوم از تکامل خود گشت.

در طول سال گذشته، ترور و اختناق حاکم بر کشور ما، خشکسالی و کم حاصلی ناشی از آن، رکود معاملات تجاری واقتصادی ناشی از جنگ های خانمان سوز و تحریکات خارجی که در نتیجه سیاست نادرست، غیر علمی، ضد ملی، ضد دموکراتیک و خاینانه دوره زمامداری امین براه افتاده بود، مردم ما را در برابر عذاب ها و شکنجه های وحشیانه قرار داد.

در سالیکه گذشت، امین وامینی های سفاک در زیر نقاب نعره زدن های عوام فریبانه و لفاظی های دروغین انقلابی در برابر حزب، خلق انقلاب و دولت خیانت‌ورزیدند به جنگ های خونین، تعقیب ها، آزار ها، شکنجه ها و اعدام های وطن پرستان توهین ها، بی احترامی هاو تجاوز به نوامیس‌ومقدسات دینی، معتقدات‌مذهبی و تعلقات قومی مردم من، آزاد و صادق ما پرداختند.

در اثر این برخورد های سادیستی و ماجرا جویانه وطن ما در پرتگاه بحران عمیق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فساد معنوی واخلاقی قرار گرفت.

آنها خواستند مقاومت ومبارزه آزادگان کشور ما را در هم شکنند و قهرمانان انقلابی را با شکنجه های ضد انسانی جسماو معنا خرد و ذلیل کنند، تا باین ترتیب امید آنها را به‌پیروزی حق‌آزادی، حقیقت و عدالت به یاس و نومیدی مبدل سازند اما آنها که نه بر اساس بصیرت سیاسی یعنی اعمال سیاست ملی و دموکراتیک بلکه بر مبنای تعهد خاینانه خدمت گذاری به باداران امریکایی وانگلیسی خود عمل میکردند نمیدانستند که‌خلقها، هر چند باتن خونین از شکنجه ستمگران‌نو با دل غمگین از شهادت همرزمان، ولی سر انجام به حقیقت و آزادی حق و عدالت دست خواهند یافت، قیام ششم جدی سر آغاز مرحلهٔ نوین انقلاب ثور، پیک نیرومند این فردای آزاد بود و دورنمای وسیع و افقهای نوی را در جهت آزادی و خوشبختی مردم ما باز کرد و زمینه های لازم رابرای آزادی خلق ورشد سریع اقتصادی و اجتماعی کشور بوجود آورد.

مردمان آزاده و رزمجوی کشور ما و در پیشاپیش‌آنها حزب دموکراتیک خلق افغانستان این حزب‌شهیدان وسر سپردگان، این حزب قهرمانان پاکباز و دلیر، درفش مبارزه را همچنان بر افراشته و بر افراشته تر نگهداشتند، وعده های ستمگران آنها را فریب نداد شکنجه های‌وحشیانه جلادان سفاک دست و دل شانرا سست نکرد و حکم اعدام، به اعتقاد، ایمان واراده شان هیچگونه خدشه‌ای وارد نساخت.

لطفا ورق بزنید

اگر گل سرخ زندگی هزاران تن از هموطنان همرزم ما این مبارزان راستین راه آزادی و عدالت پر پر شده است ، گل ها ییکه نشانه مقاومت مبارز مومظهر شرف و آزاد گیست وجاویدان است همیشه شگوفان است زیرا که خلق سر چشمه مقاومت ، مبارزه ، شرف وآزاد گی است .

سیاست ضد ملی ، ضد دموکراتیک و ضد انسانی امین این نا امین نه تنها در جهت پامال نمودن حیثیت ، شرف ، ناموس وسعادت مردم ما بلکه در جهت تحریک دشمنان بر علیه منافع حیاتی کشور ما نیز عمل میکرد و در مسیر تحریک ، تشویق وتهیج روز افزون گروه های سیاه کار ضد انقلاب وابسته به امپریالیزم و توجیه اعمال خرابکارانه آنان در حرکت بود .

در نتیجه این سیاست گروه های معینی از مردم ما که بصورت عینی ، دارای منافع رشته ها و وجوه مشترك فراوان و استوار به انقلاب هستند فریب دشمنان انقلاب را خوردند و ناآگاهانه در صف دشمنان خود و انقلاب خود ایستادند .

هموطنان رنجدیده !

دولت انقلابی شما ، تمام کوشش و امکانات را بکار خواهد برد تا مرز بندی میان عناصر ضد انقلاب و هموطنان پاك ، بی آلایش و ساده دلی که نا آگاهانه فریب خورده اند هر چه بیشتر مشخص تر و روشنتر شود ، و هموطنان صادق وفریب خورده ما جای اصلی خود را در میان سپاهیان انقلاب و پاسداران وطن باز یابند و گروه های تعلیم داده شده‌دزدان ، اوباشان کانگستر ها ، قطاع الطریقان وضد انقلابیون حرفه ای،در انزوا به تنهایی خودبمیرند وبپوسند .

اگر گل های سرخ زندگی هزاران تن از هموطنان همرزم ما این مبارزان راستین راه آزادی و عدالت پرپر شده است گل‌هاییکه نشانهٔ مقاومت مبارزه و مظهر شرف و آزادگیست و جاویدان است همیشه شگوفان است .

هموطنان !

میراث رژیمهای سابق کوه هایی از فجایع، بدبختی ها و بحرانها رابرای ما باقی گذاشته اند برای ما کشوری ویرانشده ، مردم عذاب دیده ، اقتصادناتوان ودرهم شکسته مشکلات ومسایل عظیم و پیچیده قومی ، قبیلوی ، ملی و مذهبی رابجا مانده اند .

اما باجرئت میتوان گفت که کشور ما ، از امکانات استفاده نشده و وسیع رشد اقتصادی ، اجتماعی از قبیل قوای بشری کافی منابع طبیعی فراوان ، موجودیت فضای سیاسی مساعد بین المللی بر خوردار است که تنها وتنها در صورت موجودیت فضای صلح آمیزو آرام است که میتوان از آن استفاده همه جانبه برد واز تمام کوه های مشکلات شجاعانه عبور کرد و تمام مسایل ملی و اجتماعی ما م وطن را حل کرد . ایمان راسخ داریم که به اتکای خداوند بزرگ و نیروی بازوی توانای خلق کشور ، اتحاد و همبستگی نیرو مند و عمیق تمام عناصر ملی‌ودموکراتیک تمام اقوام و ملیت های وطن ما افغانستان شگوفانوسر بلند ، پیشرفته ، نیرو مند ایجاد میگردد . هم اکنون افغانستان با وقار و با اعتبار انقلابی در عرصه جهان قهرمان دوران کنونی ماست .

ایجاد جبهه وسیع ملی پدر وطن که تمام نیرو های ملی، دموکراتیک و ترقیخواه را در خود جمع خواهدنمود سلاح نیرو مند سیاسی‌ایجاد افغانستان نوین است که ما در راه تشکل ، تکامل وگسترش اصولی هر چه بیشترآن گام به گام به پیشش میرویم . در طول سال نو سال ۱۳۵۹ مردم کشور ما حزب‌و دولت ، وظایف بس بزرگی را باید انجام دهند ، باید بخاطر رشد موزون وسالم اقتصادی و اجتماعی کشور حجم تولیدات زراعتی وصنعتی را بر اساس پلان علما تنظیم شده‌باندازه قابل ملاحظه افزایش داد ، رشد هر چه بیشتر امور وتجهیزات فرهنگی و طبی را تضمین نمود و شرایط تامین احتیاجات اولیه و ضروری مسکن‌و رفاه‌هموطنان راآماده ساخت .

هموطنان ، دوستان،رفقا!

اینجا نیز باید برای اعمار جامعه نوین ، برای گسترش وتحکیم دست آورد های انقلاب ثور ، باید با همان قهرمانی ، خرد مندانه و واقعبینانه نبرد را با نیروی صد چندان‌ادامه داد نبردی که باید قهرمانی را با واقعبینی همه جانبه سیاسی با هشیاری و شرافت انقلابی وانسانی توام‌ساخت.

دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان در هم آهنگی کامل با سیاست قاطع انقلابی داخلی خود خواهان سیاست اصولی صلحجویانه در روابط خود با کشور های جهان است و به حیث یك کشور غیر متعهد بوده است وخواهد بود . ما از اصول عدم تعهد مثبت ، فعال وهمزیستی مسالمت آمیز و از سیاست تشنج زدایی یعنی دیتانت و خلع سلاح عام و تام بصورت عمیق و فعالانه پشتیبانی خواهیم کرد و بانیرو های صلح دوست ، دریك جبهه وسیع جهانی علیه جنگ و جنگ طلبان علیه استعمار کهن و استعمار نو ، علیه امپریالیزم و صهیونیزم علیه فاشیزم و راسیزم علیه نژاد پرستی و اپارتاید خواهیم رزمید . دوستی عنعنوی افغانستان با اتحاد شوروی که مظهر اراده آزاد مستقل و ترقیخواهانه خلق افغانستان است اینك وارد مرحله کیفی‌و طرازنوین خود شده است و با گذشت زمان چون کوه مستحکم و پایدار باقی خواهد ماند و هیچ قدرت طاغوتی و شیطانی درجهان نمیتواند به آن جزیی ترین خدشه وارد کند .

کمك های گسترده ، متنوع بی قید و شرط و مفید اقتصادی ، سیاسی وتظامی اتحاد شوروی به صورت‌قطع در جهت خوشبختی و رفاه مردم مسلمان افغانستان و ضامن قانونی اصولی و شرعی ، حفظ امنیت ، استقلال وحاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور محبوب ما افغانستان میباشد .

خلق قهرمان افغانستان از اهمیت عظیم و مفادبزرگ این دوستی و برادری عمیقا آگاهی داشته به هیچ نیرویی اجازه نه خواهد داد که باین پیوند ها لطمه ای وارد کنند .

قطعات محدود قوای مسلح اتحاد شوروی که به تقاضای قانونی دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان برای دفع و طرد تجاوزات خارجی مسلحانه‌و حفظ استقلال ، حاکمیت و تمامیت ارضی کشور ما به افغانستان آمده اند بصورت قطع ، تا زمانی درینجا خواهند ماند که کوچکترین

اثر تحریکات مداخلات وتجاوزات خارجی علیه افغانستان از بیخ و بن محو و نابود گردد و تضمین واقعی و معتبر برای قطع تمام تحریکات، مداخلات وتجاوزات تامین شود.

امپریالیزم جهانی، در راس امپریالیزم امریکا، ارتجاع منطقه و جهان و توسعه طلبان چینی، که نقشه های پلید خود را در اثر مبارزات پیگیر خلق افغانستان و موجودیت موقتی قطعات محدود قوای مسلح اتحاد شوروی نقش بر آب دیدند، از یک طرف تبلیغات زهرآلود، هستریک دروغین وجنون آمیز را در برابر انقلاب ما براه انداخته اند و از جانب دیگر پاکستان را به مثابه پایگاه فعالیت های تجاوزکارانه و تخریبی علیه افغانستان استعمال مینمایند وافراد اجیر، خراب کار، رهزن و جنایت کار را در پاکستان تربیه کرده برای قتل و غارت، آتش‌سوزی وویرانکاری به افغانستان میفرستند. باید به همگان روشن باشد که‌حزب، دولت وقوای مسلح و امنیتی کشور ما به هیچکس اجازه نخواهد داد که بجان، مال، ناموس وشرف وطن محبوب ما افغانستان زیر هر گونه بهانه ای که باشد دست خونین خودرا دراز کند.

هموطنان!

از مدتی باینسو، محافل امپریالست های امریکایی و انگلیسی ووابستگان ارتجاعی وعظمت طلب آنها میخواهند تاریخ سیاهکاری های خود را در منطقه و وطن ما، به فراموشی بسپارند، عوام فریبانه و دسیسه کارانه، از مطالب به اصطلاح‌نیوترال ساختن افغانستان بیطرفی دایمی افغانستان، تضمین بیطرفی افغانستان، قوای حفظ صلح، قوای پاسدار مرزی و غیره و غیره‌خاینانه صحبت میکنند. این‌سیاست های محیلانه و موذیانه‌در واقعیت امر همان سیاست کهنه کار قدیم یعنی سیاست اداره استعماری، فرنگی های انگلیس است که‌اززمان امیر عبدالرحمن تا استرداد استقلال کشور، با چند صد هزار کلدار افغانستان را مورد تجزیه واستعمار قرار دادند، ای حفار کهنه کار! خلق آگاه وآزاد افغانستان دیگر ترا خوب میشناسند.

بدین جهت با صراحت وقاطعیت یکبار دیگر اعلام میداریم که تمام تپو تلاش های مذبوحانه ایکه پشت سر حکومت و مردم جمهوری دموکراتیک افغانستان به غرض بحث روی موضوعی که منحصراً موضوع داخلی افغانستان است صورت می گیرد، مداخله صریح در امور داخلی کشور ما و تجاوز بر حقوق مشروع مردم ما می باشد که هیچ اعتباری‌نداشته ومحکوم به شکست خواهد بود و مردم افغانستان‌چنین طرحهای خاینانه را بانفرت خشم و انزجار از بیخ وبن رد میکنند دشمنان ما باید بدانند که انقلاب ثور اکنون به واقعیتی انکار ناپذیر بدل گردیده که بدون در نظرگرفتن آن حل نهایی و بنیادی هیچ مساله مهم‌ملی ما ممکن نیست.

این فقط و فقط مردم افغانستان و دولت افغانستان است که حق دارند راجع به مسایل کشور خودتصمیمی اتخاذ کنند و بس، نه امریکایی ها، انگلیس ها، چینایی ها، اسرائیلی ها وغیره دشمنان افغانستان که ماسک دروغین و عوام‌فریبانه دفاع از دین مقدس اسلام رابه چهره های سیاه خود زده اندو تحت نام به اصطلاح (کنفرانس‌و کنگره اسلامی) در پاکستان علیه خلقهای مسلمان افغانستان وصد ها میلیون خلقهای زحمتکش مسلمان جهان و علیه دین مقدس اسلام توطئه ودسیسه میکنند و میلیونها خلق قهرمان عرب فلسطین ومقدسات اسلام را سرکوب وپایمال مینمایند، از هم اکنون به تمام وابستگان امپریالیزم و ارتجاع در پاکستان اخطار داده میشود که هرگونه تصمیم فتنه‌گرانه علیه افغانستان مسلمان انقلابی با عکس العمل شدید سراسر خلق قهرمان افغانستان و جهان ترقی خواه مواجه خواهد شد و تمام عواقب ناشی از آن به دوش مقامات ارتجاعی پاکستان، امپریالیزم امریکا انگلیس، توسعه طلبان چینی و دست یاران، دست نشاندگان و جنگ افروزان منطقه خواهد بود.

ما اخطار میدهیم که: هیچگونه راه حل سیاسی دوامدار و دارای محتوی بدون از بین بردن علت واقعی تشنج که مداخله و تجاوز مسلحانه خارجی، عمدتاً از پاکستان به کشور ماست، ممکن و عملی‌نخواهد بود هم اکنون شواهدی در دست است که نشان میدهد افراد اجیر مسلح با پول واسلحه و مهمات جنگی‌و مربیان امریکایی، انگلیسی چینایی، پاکستانی، اسرائیلی و مصری در این کشور ها تربیه میشوند. و بصورت منظم به خاک افغانستان، تجاوز مسلحانه میکنند، این باند ها وعناصر اجیر هم اکنون در پنجاه مرکز و کمپ در پاکستان تربیه میشوند و به‌افغانستان صادر می گردند، به هیچکس پوشیده نیست که قوت های امپریالستی و عظمت طلب مزورانه در تلاش شتند تا از پاکستان به عنوان پایگاه تعرضی بر علیه همسانگانش استفاده کنند.

اما، مابنام اراده خلل‌ناپذیر و قاطع خلقهای افغانستان می گوییم که‌دیگر این توطئه ها و دسایس در اثر مبارزات دلیرانه‌مردم ما در همبستگی عمیق با دوستان استقلال کشور ما و در پیشاپیش آنها کشور بزرگ شوراها نقش بر آب خواهد شد.

راه حل فوری، دوامدار و اجتناب ناپذیر این اوضاع متشنج را باید در قطع وتوقف فوری، کامل‌وبدون قید و شرط تمام اشکال مداخلات خارجی، بخصوص در قطع کامل تجاوزات مسلحانه خارجی‌درافغانستان جستجو کرد.

تضمین آهنین باید برای این مطلب ارائه گردد وعملی شود که دیگر اینگونه مداخلات و تجاوزات هرگز در خاک مقدس افغانستان صورت نخواهد گرفت.

فقط در آن صورت‌ونه حتی یک روز پیشتر از آن شرایط لازم برای بیرون رفتن قطعات محدود قوای مسلح اتحاد شوروی از افغانستان ایجاد خواهد گردید.

پس در فرجام بایدگفت که تاریخ خارج شدن قوای مسلح اتحاد شوروی از

لطفاورق بزنید

پیوند های برادری اسلامی با کشور برادر ایران ایجاب‌میکند که هردو کشور مسلمان درفضای‌برادری وحسن‌تفاهم زیست کرده ومرز های بین‌دو کشور مرز های صلح، برادری ودوستی باشد.

افغانستا ن در قد م او ل به روش آنها یی تعلق دارد که د رامور دا خلی ما باشکا ل مختلف مدا خله مینما ینـــد. مرد م شجا ع افغانستا ن به هیچ قدر تی در جهان حـــق مداخله در امور کشور خودرا نمیدهد و در برابر هر گو نه تجاوزا ت و مدا خلات خار جی با مشت آ هنین جوا بدندان شکن و هلا کتبا ر خوا هـــد داد .

ما از مبارزا ت قهر مانانه خلق فلسطین پشتیبا نی کامل نمود ه ، امید واریم خلـــق پیکار جو ی فلسطین ، بـــا وجود تمام دسایس امپریالیزم امریکا ، صهیونیز م و ارتجاع باکمك و حمایت کشور ها ی صلحدوست و متر قی جها ن

هر چه زود تر در راه حصول آر مان های مقد س خودپیروز گردد. خلق مسلمان افغانستان برادر تمام خلقها ی مسلما ن عرب وجهان است . جمهوری دموکرا تیك افغانستا ن بـــا تمام صداقت و صمیمیـــت آرزو مند بهترین رو ابـــط دوستا نه با تمام کشور های جهان ، به خصو ص کشو ر های منطقه و همسا یه بـــر اساس اصو ل برابر ی حقوق احترا م به حا کمیت و عد م مداخله در امور یکدیگر است وبرا ی نور ما ل شد ن وضع وتا مین صلح ، دو ستی و امنیت دایمی باکشور هـــا ی

برادر همجوا ر در منطقه که استقلال ملی ، حاکمیت ملی و تما میت ار ضی کشور ما را بصورت مطلق و بدو ن قیدو شرط تضمین کند ، آمـــا ده است .

پیو ند های برادر ی اسلامی با کشور برادر ایرا ن ایجاب میکند که هر دو کشـــو ر مسلما ن در فضا ی براد ر ی وحسن تفا هم زیست کرد ه ومرز های بین دو کشـــو ر مرز های صلح ، بـــرا دری و دوستی باشد .

باپاکستا ن نیز که بـــا خلقها ی شریف آن پیو نـــد های عمیق تاریخی ، فر هنگی واسلامی داریم ، خوا هـــا ن روابط دوستا نه هستیم .ولی را هی که مقا م حا کـــم پاکستا ن یعنی راه تشد ید تشنجا ت در اطـــر ا ف افغانستا ن را انتخا ب کرده است به معنی را هی است که خاتمه خو ب نداردو انتخا ب این راه انگلیسی فقط و فقط خطر وا قعی برای پا کستا ن خواهد بود نه برای افغانستان انقلابی قهرمان و مسلمان . زندگی کرد ن در پهلـــو ی همدیگر در فضا ی مملـــو از تفا هم و صلح و صفـــــا این است راه صراط المستقیم.

اینست منافع وتمنیـــا ت خلقها ی هر دوکشـــور و خواست مصر ا نه امنیت و ثبا ت در منطقه .

به نظر ما نفوذ امپریالیزم در پاکستا ن و استفا د ه ا ز آن اکشور بحیث پایگـــا ه تجاو ز بر ضد همسا یگا ن بهنفع امنیت این کشورنیست بلکه امنیت پاکستا ن بسته به تحکیم و گسترش رو ابـــط دوستا نه و صلح جو یانه اش با افغانستا ن ودیگـــر همسایگانش خوا هد بود .

روابط ما با کشور پهنا و ر هند ، خو شبختا نه پیوسته دو ستا نه بوده است ، ایـــن روابط که ریشه های عمیـــق تاریخی دارد و متکی بر نیا ت وتمنیات خلقهای هردو کشور دو ست است هر چه بیشتر توسعه میبا بد .

هموطنا ن ، بـــرا درا ن، خواهرا ن ، دوستا ن ورفقا!
اینك مادر آستا نه سال نوی قرار داریم .

فقط نیرو ی زوا ل ناپذیـــر شما ست که راه بسو ی پیشس بسوی فردا های روشن بسوی پیروز یها ی عظیم بسو ی صلح و آشتی وآزادی ، ترقی وعدالت بسو ی بـــرا دری و برابری میگشا ید .

کا بوس سیاه تر س برای همیشه از افغا نستا ن خاتمه یافته است ، دیگر از فـــردا نترسید ، برای آینـــده ای آسوده، آزاد و آباد پیکـــار کنید و آماده باشیـــد ، از همو طنا ن عزیز یکه در اثـــر ظلم و ستم امین جبار متواری و یـــا د ر مها جرت هستند بخا طر سا ل نـــــــوو زند گی نو برا درا نه دعـــوت میگردد که با اعتماد و اطمینان کامل با غرور و سر بلند ی اسلامی و افغا نی خود بخا نه های تان نزد خا نواده هـــای عزیز تا ن ، نزد فرزنـــدا ن و اقوام تان بر گردید تمـــا م زندگی و حیثیت و قار وشرف و آینـــد ه شما از لحاظ ما د ی ومعنوی تضمین میگردد.

دو باره به مسا جد و تکیه خانه هایتا ن بر گردید و صدا ی الله اکبر را با صلح و امنیت آشتی و دوستی با نیـــا ت پاك واقعاً اسلامی و افغا نـــی در وطن تان برای همو طنا ن تان آزادانه بلند کنید و بکار

حکومت جمهوری دمو کراتیك افغا نستا ن از تمام دهقانا ن زحمتکش کشور که در اثـــر اصلاحا ت ارضی زمین بدست آورده اند میطلبد تاباطمینان کا مل واعتماد به آینده سعادت

مند خویش زمین های دست داشتهٔ خود را کشت و زر ع کنند ، سطح حا صـــلات و تو لید زوا عتی را ار تقادهند طور یکه قبلا اعلام شده است به زود ترین وقت اسنـــا د اصو لی ما لکیت زمین توزیع خواهد شد تا حق ما لکیـــت دهقا نا ن و زمیندا را ن بـــه زمین های شان قانونا تثبیت گردد .

همو طنان رز منده!

در هر جا ئیکه هستید ، از انقلاب تان که ضا مـــن زندگی سعاد تمند آیند ه تان است در برابر دشمنـــا ن ،

خلقی که متحد و بیدار ا ست قهر ما نانه کارو پیکار میکند ود ر نبر د پیگیر ی دا ر د ، علی ا لرغم تمام دشواریها پیروز میشود.

صلح آمیز به کشت و کـــا ر و تولید بپردا زید و اجا ز ه ندهید که دشمنا ن آزاد ی و استقـــلا ل وطن تان تحـــت کلمه مقدس الله اکبر برادران وخوا هران، فر زندان پدران و مادرا ن تانرا قتل عـــا م کنند و خلق افغانستا ن را اسیر و برده خود سازند .

درین روز های زیبـــا و فرخنده بهار ی که به کشت و کار ، زندگی وپیکار مشغولید، بشما ا طمینان مید هم کـــه دو لت انقلا بی شما توا نا یی و اراده خلل ناپذیر آنرا دارد که از شرف ، ناموســـــس شایستگی، مقام ا نسا نـــی واسلا می ، ملکیت وخانوا ده شما قا طعا نه دفاع نما ید ، بکار پر حو صله آبا دا نـــی وطن ادامه دهید ، تو لیـــد نعما ت ماد ی را افزا یشـــس دهید .

با سختی و دلیری دفـــا ع نما ئید ، فتنه انگیـــز ا ن آدمکشا ن ، نو کران و غلامان بیگا نه و جا سوسا ن را از خود برا نید و سر کوب نمائید صلح و امنیت را در وطـــن اجدادی و نیا کان تـــا ن افغانستا ن مسلما ن ، قهرمان و انقلابی بیشس از پیشـــس استحکا م بخشید تا فرزندا ن و نسلها ی آیند ه ما در آغوش پدرو طن خود خوشبخـــت و سعا دتمند ، آرام ومرفه زندگی کنند .

در راه حفظ فضـــا ی دمو کراتیك کنونی ، و دست آورد های انقـــلاب ، در راه تحکیم اتحاد میان توده ها ی مردم بکو شید . فریب دشمنان تانرا نخورید ، عمل و برخورد دولت تانرا معیار قضاو ت قرار دهید .

بقیه در صفحه ۵۸



د پسرلی په را تلو سره نوی کال یو ځل بیاهم نوخخه غواړی
چی له هغه سره دیووالی ترون وکړو او د خپل وطن د آزادی
او آبادی په لاره کی غوخ او کلک گامونه واخلو».
«ببرک کارمل»

پنجشنبه ۷حمل ۱۳۵۹ March 27, 1980 No. 1

باید بهار وطن را از گزندخزان نگه‌داشت

سال نو چنانکه از نامش پیداست باغلبه نو بر کهنه‌وباقدوم‌بهار زندگی بخشش ونشاط آور شس نه تنها روح خسته وملال طبیعت را جان تازه ودو باره می بخشد بلکه انسان رزمنده وپیکار جورا با بیداری و احیای مجدد طبیعت تاب وتوان آنرا می بخشد تا در برا بر مشکلات‌ونا ملا یمات روز گار هنوز هم رزمنده تروا ستوار تر قدم به پیشی نهدو هر گز از تند بادها و تو فان های میدان کارزار خسته وما یو سس نگردد زیرا بهار باقدوم روح پرور و نشاط افزا یشس عملا با ثبات می رسا ند که گر چه باد های خزا نی وسر مای بیر حم زمستان گلها ولاله هارا پرپر میکند وبا طبیعت ظالمانه اش ظاهرا آنها را نیست ونابود میسا زد ولی دیده میشود که دروا قع بدست خود تخم آنها را در هر بیشه وکنار می باشد ودر بها ران دیگر ازیك گل سرخ صد ها وهزا ران گلسرخ دیگر میرو ید . که این خود نمایا نگر آنست که طبیعت تندو ستم پیشه غا صبان آزا دی انسان، هزگر شهفتگان راه آزا دی را نمی توانند نیستو نا بود کنند. ستم پیشگان گر چه بز عم خودشان وحشت واستبداد را راه پیرو زی خود ونا بودی عدا لت پسندان بدانندولی‌سر انجام نتیجه معکو سس است وبجز ازینکه خود نابود وآرمان به گور شوندچیزی دیگری نصیب شان نمیشود چنا نچه حفیظ الله امین و دا ر و د سته آدمخوا رشس چنین راهی را بر گزیدند وسر انجام خود بکام مرگ ونابودی فرو رفتند .

این جا نیان تا ریخ وآد مکشان قرن‌بیست با آنکه به ستمد ید گی ملت رنجد یده ماابدا نه رحمید ندو خون هزا ران وطنپر ست بیگناه ما راریختند ، نتوانستند ندای آزادی رادر گلوها بخشکند وبه‌آرمان خبیث شان که سر به نیست نمودن خلق آزاد منش ما بود بر سند .

از ینجا ست که خلق عذا بد یده وبلا کشیده‌ی ما این بهار را از زش دوگانه قا یلند ، یکی بهار آزا دی‌از قیداسارت واستبداد امین وامینی های خو نخوار ودیگری هم بهار پر فیض وشگو فانیکه‌طبیعت برایشان ارزانی داشته است .

پس بر ماست که این بهار زیبا رادر پرتو مر حله دوم تکا مل انقلاب ثور شاد مانه خیر مقدم گو ییم ودر راه‌پیا ده کردن آرما نهای والاو انسانی آن بیدریغانه به پیش رویم واین کشور تاراج شده مانرا که قربان هو سهای شوم‌امیران وسلاطین خود کام منجمله عبد الرحمن‌ها، نادرها وبالاخره امین وامینی‌های خاین ، این چا کران استعمار وامپریالیزم گردیده است ، آباد وشگوفان سازیم ودیگر نگذا ریم که باز هم ارتجاع وامپر یا لیزم با بهانه قرار دادن این وآن ودراز ای خون «سیاه» امین‌نا بکار ، خون هزا ران همو طن معصوم وبیگناه مارا بو سیله چا کران واجیران حلقه بگو شس شا ن بر یزند .سر سبزی وشا دا بی وطن محبوب ما را که خار چشم‌شان‌است صدمه زنند، سر مایه های ملی رابه آتش کشند وبالاخره زنجیر های اسا رت را به‌دست وپای مردم آزاده ماببندند .

همو طنان آزا ده وشرا فتمند!

این وطن پرشکوه وزیبای شما میراث پدران فدا کار وقهر مان‌شما است . شادابی دره‌های سر سبزو دشتهای پر از گل آن ، از خون قربانیان وشهدای راه آزا دی ونجات وطن سر سبز وگلگونست، شهیدان تانرا ازیاد نبرید،در میله هاوگلگشت هایتان خاطرات آنها را که در راه آزادی شما قربان شده اند زنده نگهدا رید ،گلهای سرخ‌لاله وار غوان راکه از خونهای پاك شهدای آز دی رنگ گرفته‌است بوسه زنیدو سوگندیاد کنید که مشعل فرو زان راه آزادی راجاودان نگهمیدا رید تا روان شاد شان شاد تر گردد وگمان نبرند را هیرا که بر گزیده اند بی پاسبان است.

درمورد البوم هنرمندان که‌درمتن مجله‌بچاپ رسیده است‌باید یادآورشد که باتپ‌وتلاش‌زیاد تاآخرین دقایق چاپ مجله‌تنها موفق به‌دریافت همین چند قطعه عکس‌گردیدیم‌که بدینوسیله تقدیم هنردوستان شد.



گلخانهٔ پوهنتون کابل که مزین باهر نوع گل می باشد .

دست نوازشگر بهار
زندگی را رنگ و زینت
خاصی میبخشد

بهار ، با آرزو ها وامید های نو فرا رسید، بهار یکه با پیروزی مرحله نوین وتکامل انقلاب شکوهمند ثور همه چشم به راه آن بود.

بهار یکه قطره های برف وباران زمستان گذشته ، به کام زمین تشنه لبیکه از چند سال به این سو سیراب نگردیده بود فرو رفته وتشنگی های چندین ساله اش را جبران کرده است و به دهقانین وبا غداران وطن نوید حاصلات پر فیض را میدهد ، بهار یکه عاری از آدم خوران وآدمکشان قرن بیست یعنی امین وباند جلادش است .

درین هنگام که همه دهاقین وباغداران با آرمانها وآرزو های نو مصروف کشت و کارهستند ، خبرنگار مجله با چند تن از ایشان که در سرسبزی کشور ما رول بس عمده ومهم دارند گفت وشنود های نموده که یاد داشتی از آنرا بدست چاپ میسپاریم .

با فرا رسیدن بهار که در همه کنج و کنار وطن نهال شانی وکشت تخم بهاری شروع میشود قدمی به کشتزار های می زنم وبا دهاقینیکه مصروف نهال شانی و فعالیت های بهاری اند به گتفگو می پردازم.

در ساحه پوهنتون کابل چند نفر را مصروف غرس نمودن نهال می بینم، نزد یك ایشان رفته بعد از احوال پرسی خود را معرفی میکنم.

جوان خوش اندام وخوش قامتیکه گرم نهال شانی است میگوید: مه باغبانباشی پوهنتون کابل هستم واز چند روز به این سو به همکاری دیگر باغبانها در کنج وکنار پوهنتون نهال های تازه ونو می نشانیم .

باغبانباشی پوهنتون که خود را محمد کاظم کشتیار معرفی می کند از کار بازمی ماند وبا من به پای صحبت می نشیند ومیگوید:

در این بهار که همه آروزها و امید های مردم ستم دیده وطن ما برآورده شده وبا پیروزی مرحله نوین وتکامل انقلاب ظفر آفرین ثور، امین وباند خرابکاروی از سر راه همه وطنداران وطنپرستان دورگردید امیدواریم به پیشواز بهار تاحد امکان نهال بشانیم واطراف این مرکزآموزش علم و دانش را سرسبز وخوشنما تر گردانیم.



محمد اسلم باغبان سابقه دارکه در اثر کار مداوم مبتلا به مرض ریماتیزم شده است .

قسمیکه جا های آموزش تعلیم وتربیه ومراکز علمی باید سرسبز باشد ساحه پوهنتون کابل آنقدر ها سبز نیست ، امیدواریم ازین به بعد تاحد توان درسرسبزی این کانون علم ومعرفت رسیدگی بتوانیم :

به این منظور در نظر داریم در عقب کتابخانه پوهنتون در حدود دو هزارو پنجصد نهال مثمرو غیر مثمر ، ودر چهار گوشه وکنار مرقد سید جمال الدین افغان که از سالها بدینسو خشك وخاره نگهداشته شده یك هزارو هفتصد نهال زینتی ودرعقب لیلیه مرکز که آنهم از سالیان دراز دست نوازشگر سبز چمن را ندیده در حدودیکهزارو پنجصد نهال زینتی ، مثمرو غیر مثمر غرس نماییم ، همچنان در این روز ها بجای نهال هاییکه در اثر خشك آبی ووضع نامساعد آب و هوا به زندگی نپرداخته اند ، نهالهای دیگری غرس کرده ایم که تابیشتراین ساحه را از سبزی وشادابی مستور بسازیم.

نامبرده اضافه کرد : چون ساحه پوهنتون یك مرکز علمی است وشاگردان زیادی دراینجا مشغول تحصیل می باشند .از اینرو ضروریست که به سرسبزی آن بکوشیم تا شاگردان در اوقات فارغ از درس رفع خستگی نمایند وچندلحظه را درسایه درختان کنار گل ها وروی سبزه ها بنشینند وهوای تازه وخوشگوار استنشاق نمایند .

او گفت :

در گلخانه پوهنتون کابل در حدود چهار هزار گلدان گل تربیه نموده ایم که شامل گلهای جریبن، قیف گل، گل های سایگی به رنگ ها وانواع مختلف، گلهای خوشبووشبو سینل، گوشواره، گل اناروااقسام گلبرك ها وغیره می باشد .

نامبرده افزود : از ابتدای تهداب گذاری پوهنتون کابل تا حال باغبان وپرورش کننده سبزه وگل این مرکز علمی می باشم که درساختن چمن های سبز گرد های گل و غرس نهال هیچ مهندسی ویا مامور زراعتی را احتیاج نشده ایم وروزبه روز از کار های خود ، کار بهتر آموخته ام.

ـ نهال هاییرا که تاحال غرس نموده اید ویا بعد ازین می نشانید از وزارت زراعت وآبیاری بدست میاورید ویا خود تربیه کرده اید؟

ـ باید بگویم که تا حال هر قدر نهالیکه درین ساحه غرس گردیده یکی هم از جای دیگر بدست نیامده بلکه همه تحت نظرخودم در همینجا

تربیه می‌شود. چنا نچه در خت‌های زینتی را که قبلا نام گرفتم همه‌کشت می‌شوندکه بعد از سه الی چهارسال قابل انتقال به جای دیگر میگردند.

در پهلوی آن‌به در ختی که رو بروی دفترریاست پو هنتون بود اشا ره نموده گفت: این‌درخت بنام‌درخت‌سرب یاد میشود این در خت هم در اثـــر زحمات وتجا رب چند سا له خودم کشت گردیده‌وثمره خـــو ب داده است. البته نظیر این در خت خیلی نادروکمیاب می با شد کـــه در پهلوی دیگر در ختان زینتی تحـــت یك آب‌و هوا کشت وتر بیه می‌شود.

—در پهلوی نهال‌شا نی کدام‌جا های پو هنتون را مز ین به گـــل می نمائید ؟

—چنا نچه خود می بینید که رفقای باغبا نم همه مصروف سا ختن کرد های گل می باشند، در نظر دار یم‌تا حدامکان ساحه گل کاری خـــود را افزا یش‌وگستر ش دهیم.

— نهال هاییرا که غرس مـــی‌ـ کنید از کدام منبع‌آبیا ری می‌شوند؟

— در سا لهای قبل جویی بود که ازقلعه جواد به اینطرف سرا زیر می شدواکثرا ازآن استفا ده به عمل‌می آمد امادرین اوا خر جون ساحـــه مذ کور که بنـــام خو شـــحا ل‌ـ مینه‌یاد میشود تعمیرات زیا دی‌اعمار گردیده که جوی مذکور نیز از بین رفته است وآب آن به سا حه پو‌ـ هنتون‌نمیر سد، ریا ست پو هنتون کابل در نظر دارد با کمك ریاســـت آبرسا نی چا های عمیق حفر نما ید که از آن در سا حه آبیا ری‌پوهنتون استفا ده بعمل آید.

درهمین لحظه چشمم به با غبا نی‌می خورد که مشغول جمع کردن‌سبزه های خشکیده از با لای بته های گل مرسل می‌باشد ، نزد یکش می روم وی‌خود را چنین معر فی می کند:

نامم محمد اسلم است‌ومدت هجده سال از سا بقه کارم در ین سا حه می گـــذرد، نا مبرده چنان ضعیف‌و نحیف به نظر می خورد گو یی از مرضی محر قه برخا سته باشـــد، انگشتان دستها شی همه کج شده‌و ازنا حیه پا ها هم تکلیف دارد میگو‌ـ یددرین‌مدت‌هجده‌سال همه‌روز ســرو کارم با نمو سبزه های نمدار بوده‌و مدتی‌هم گلدان کار بودم که در اثـــر آن‌بمرض ریماتیزم گرفتارشده ام .

وی گفت: از سا لیان دراز به‌این سوبا غبا نی این باغ را می کنم‌واز معا شی که بد ستم می آید صرف همینقدر می شود که لقمه نا ن‌بخور ونمیری برای فا میلم تهیه کنم، ولی گا هی همکا را نم در باره من میان شان پچ پچ میکنند که نظر به اینکه تاب‌وتوا نش را مر یضی برده است شایدازادامه کار شی مـــعذ رت خوا‌ـ سته شود که این پـــچ پچ ها نها یت نارا حتم میسا زد ،زیرا دیگر کدام حیله وامیدی برای تهیه غذا یی‌بخور ونمیر فامیلم سراغ ندارم . و تنها همه امید من وخانواده ام را همیـــن معاشی با غوانی تشکیل مید هـــدو بس.

کشتیار می گو ید: در پهلـــوی محمد اسلم ،با غبا نهای سا بقه‌داری دیگری نیز هستند که میتوان از حاجی غـــلام دستگیر ، عید محمد و امثال‌شان نا م برد ،با ید عـــلاوه کنم که‌با غبا نهای ما که در حدودپنجاه نفر می رسد در پهلوی امور با غدا‌ـ ری‌ومرا قبت از در ختان وگلها کار های‌خورد وریزه دیگری را نیز که‌در ساحه پو هنتون خلق می شود انجام می دهند مثلا امور تعمیرا تی جـــوی کنی ،برف پا کی همچو کار هـــای دیگر .

در اخیر باید بگو یم که پیام من‌بـــه عموم با غداران، دها قین ودوا یـــر رسمی ایکه سرو کار با نهال شانی وزراعت دارند اینست که ، در امر سر سبزی کشور محبوب ما افغـــا‌ـ نستان تاپای جان بکوشند ،به نظر من اگر به عو ض نهال های بی ثمر نهال های مثمری در همه جا غر س گردد بهتر خوا هد بود بخا طر اینکه زحمات شان به هدر نر فته از یك سو وطن‌سر سبز گردد واز سوی دیگر ازمیوه آن همه کس استفا ده نماید البته جا های تفر یحی مثـــلا پار کها جا های استثنا یـــی هستند که نمیشود در آنجا نهال هـــای مثمر غر س شود مثلا در شا هراه ها، اگردیده باشید در شاهراه‌کابل، پروان همه‌درختان توت غرس گر ـ دیده بود عا بر ین میتوا نستـــند از اتوت آن‌مستفید شو ند البته ایـــن نظـــر من می باشد .

حال گذری به زمین های زرا عتی می کنیم آنطرف پل آر تل در پهلوی سر ك چهل ستون چند تن ازدهاـ قین‌را مصروف کار میا بم، از جمله دو نفر ایشان در نزد یکی من قرار دارند که بالای‌یك کرد کارمی کنند، یکی جویچه می کشد ودیگر شی در آن‌جو یچه ریشه نعنا فرش می‌کند. یکی آن که قدری مسن به نظر میر‌ـ سد میگوید :

با ماکار ی داشتی ؟

میگو یم بلی! خود را معر فـــی می‌کنم .

گاه به من وگاهی به زمین‌دیـــده گرفته گر فته می گوید :

(بلی برا در دهقان هستیم‌وای‌چند جریب زمین پیشی ما اجاره اسی، حالیکه بهار رسید ماهم دیگه به کار های خود شروع کدیم ببینیـــــم خدا چی میکنه .

—شما در اثر اصلا حات ار ضی صاحب زمین نشدید؟

— اگه راستشه بگویم خود مـــا غفلت کدیم وعر یضه ندا دیم اگه نی خوزمین میگر فتیم .

—شما به غیر از تر کا ری گندم هم‌کشته اید ویانه ؟

— بیا در جان چار جریب زمیـــن پیشی مه اجاره اسی که تما مشه‌تر‌ـ کاری کشتیم جا یی نما نده که گندم میکا شتیم .

—برای تقو یه بیشتر کشت خود از کود کیمیا وی استفا ده می کنیدو یـــا چطـــور ؟

—از کود کیمیا یی هم کار میکریم واز حیوانی هم که هر دو یشی‌یکجا شد قو تشه زیاد تر می کنه، البته از کود سیاه که نامشام نمی فا مم.

—خوب نه گفتید که نام شمـــا چیست تا خوا نند گان مجله ازشنا‌ـ خـــت شما بی نصیب نشو ند !

—نا ممه چی میکنی مه نـــــام ندارم .

چـــرا کا کا جان این خو کاربدی نیست که نام شما را در مجله چاپ کنیم ...

ناتمام



باغبانهای پوهنتون‌کابل مصروف بیل زدن کرد ها دیده می شوند .

ترجمهٔ دیپلوم انجنیر یونس منظور

وظایف اساسی واهمیت سرسبزی منطقه درحیات روزمرهٔ انسانها

هوا که‌آنراهمه روزه تنفس‌وازآن استفاده مینمائیم یکی از بخش های عمدهٔ زندگی روزمرهٔ موجودات زنده وافراد یك جامعه را تشکیل میدهد ، وبه همین قسم ناگفته نباید گذاشت که هوادر زنده نگهداشتن طبیعت نیز رول مهمی را بازی میکند • انسان میتواند بدون آب و غذا مدتی را تحمل نماید ،

تفریحی وساحه کار که انسان اکثر وقت خودرا در آنجا سپری مینماید مضایقه ننموده وسهیم گردند •

علاوه بروظایف‌ابتدائی واستحصال آکسیجن مورد ضرورت که‌از سر سبزی بدست می‌آید بعید نخواهد بود تا نظری به یك سلسله تاثیرات ومزایائی دیگری که منشاء اصلی آن سر سبزی میباشد بیندازیم:

۱ تاثیرات بیواقلیمی سر سبزی :

ـدر تعادل وپائین نگهداشتن در جات‌حرارت

ـمرطوب وملایم نگهداشتن هوا •

ـملایمت وتعین نمودن سمت وزش باد

ـتصفیه وپاك نگهداشتن هوای مناطق پیچیده •

۲ـ تاثیرات حفظ الصحی :

ـتقلیل بخشیدن گرد وخاك وازبین بردن ذربات کوچك‌دود وخاك که برای‌تنفس‌مضر میباشد •

ـوسیله آنز جار حشرات و موجودات زنده بسیار خورد در فضای چار اطراف ما•

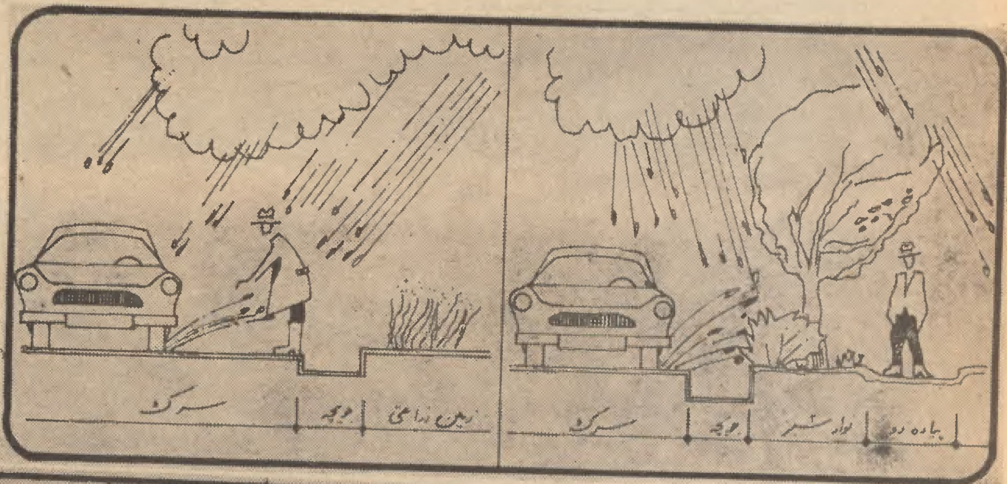
ـدفع وتقلیل بخشیدن صوت و غالمغال های ناگوار •

ـدرتوان نگهداشتن فشار های‌الکترو-ستاتیکی که این عمل اعصاب انسان را راحت نگهمیدارد •

۳ـ اهمیت سر سبزی از نگاه روانشناسی:

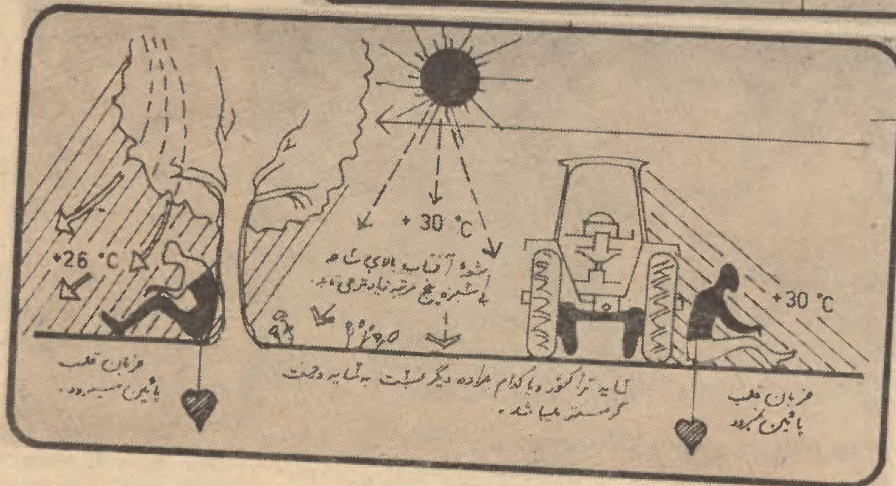
ـتسکین دهنده اعصاب •

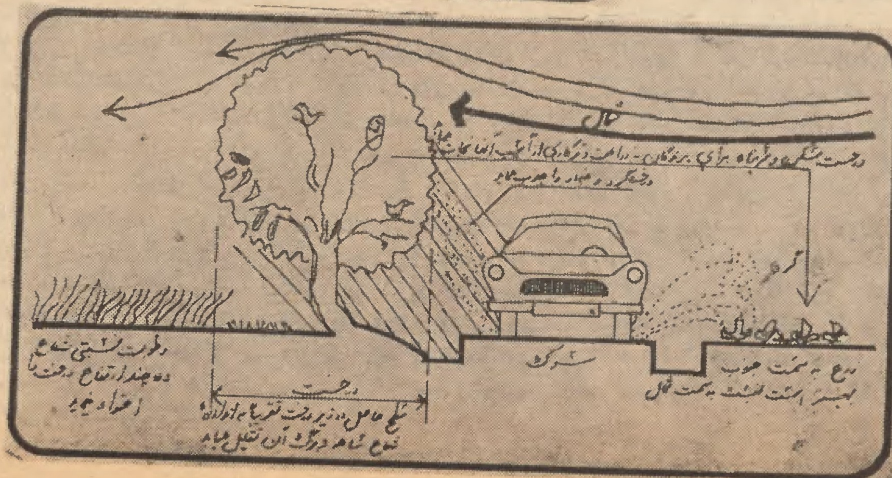
ـزنده ومجسم نمودن‌جامعه هائیکه درزمانهای ماقبل در آن رشد وتکامل نموده اند •



اما بدون موجودیت هوای مورد ضرورت یك سلسله تکالیف صحی را سردچار میشود• ودر صورت عدم موجودیت هوای مورد ضرورت نمیتوان حتی دقیقه را تحمل کرد. پس بادر نظرداشت صفات‌هواکه فوقاًاز آن تذکر رفت وهمه مااز آن به صورت رایگان استفاده مینمائیم پس برهر یك از افراد جامعهٔ ما لازم

است تا در حفظ ونگهداشت پارك ها- سبزه‌های اطراف جاده ها- جمنها وساحات سبز تعمیرات رهایشی سعی به‌خرچ دهندو همچنین بااستفاده از فصل مناسب بهار درغرس‌کردن اشجار وبته های تزئیناتی در کوچه ها -مقابل‌دکانها-جاهای

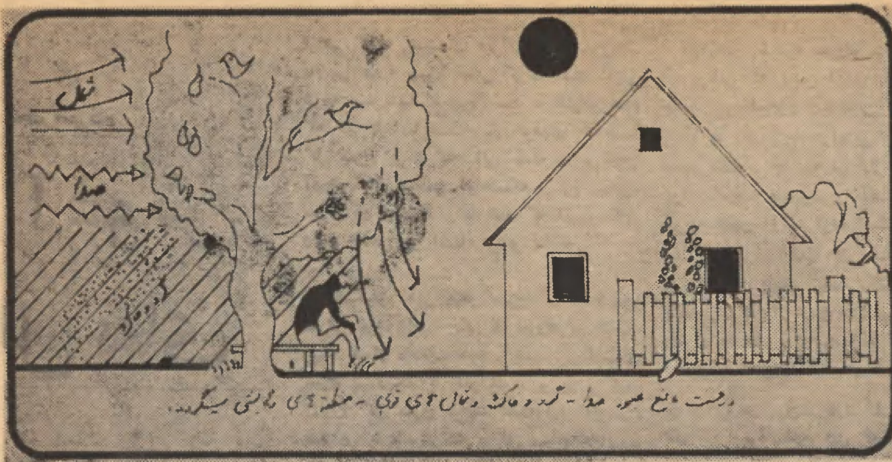




ـاز نقطه نظر حاصلات سالانه و همانقسم فواید ومزایائی بیولوژیکی آن ها .

ـفراهم نمودن سهولت برای ساختن لانه های پرنده گان که اینهم بذات خود اعصاب را تسکین میبخشد •

ـزمزمه پرنده‌گانوشرشر برگهای درختان-بته ها - عطر و هوای گوار ای اطراف آن از نگاه روانشناسی‌بالای اعصاب انسان خیلی مفید وموثر میباشد •



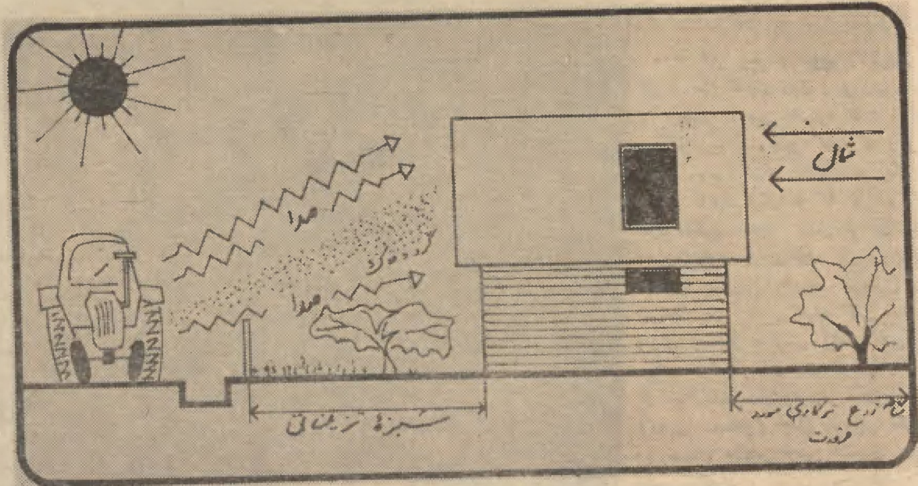
مزایایی سر سبزی ازنگاه بیواقلیم:

-درجه حرارت ساحهٔ سبزنسبت به جای اسفلت شده وبدون سرسبزی ٦ الی ۹ درجه سانتیگرید پائین وسرد تر میباشد ۰

-درجهٔ حرارت پارکها وجنگلها در اوقات تابستان نسبت به مناطق بدون سر سبزی وجنگل ۱۲ -الی ۱٤ درجهٔ سانتیگرید پائینتر میباشد ۰

-به هر پیمانهٔ که سر سبزی غلوو ساحهٔ بزرگی را احتواء کرده باشد به همان پیمانه درجهٔ حرارت اطراف آن به شعاع (۱۰۰- ۱۵۰ متر) از (۱- ۱،۵) درجهٔ سانتیگرید فرق داشته از جانب دیگر سبزه وجنگل یکمقدار زیاد میباشد ۰

آب رابه هوا تبخیر مینمایدو چنانچه در فوق تذکر داده شد که در تقآیل وپائین نگهداشتن درجات حرارت لیزرول بسزائی رادارامیباشد بطور مثال یکدرخت که دارای ساقه وشاخچه های بزرگ باشد دریك روز بطور اوسط (٦۰)

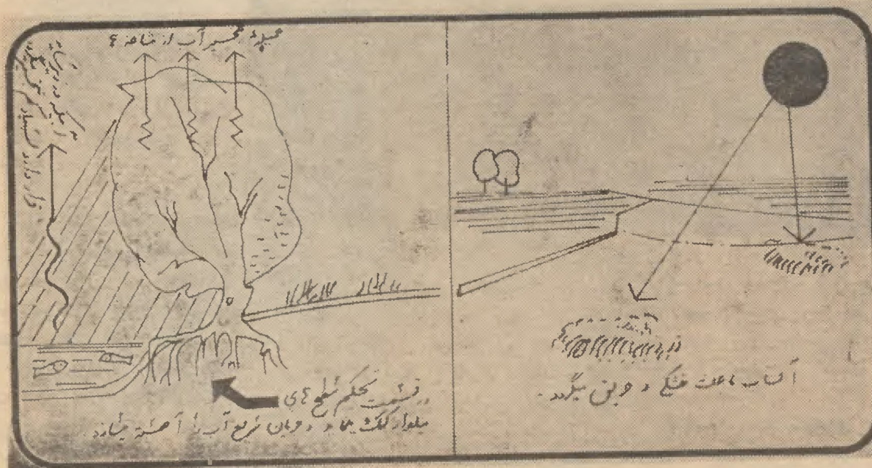


لیتر آب رابهوا تبخیر مینماید. که البته عملیهٔ تبخیر ویاآب‌دادن نباتات‌بهوا دربلند نگهداشتن رطوبت نسبتی که‌در اطراف (۱۸- ۲۲) فیصد میباشد نیز کمك نموده یابه عبارهٔ دیگر رطوبت ساحه سبز یك تناسب مستقیم باارتفاع درختان داشته ، یعنی هر قدر ارتفاع درخت زیاد باشد به همان اندازه تناسب رطوبت زیاد میباشد ۰ و قرار یکه دانشمندان ارزیابی نموده اند این تناسب (۱۰- ۱۲) برابر ارتفاع درخت را احتوا مینماید ۰

در موقع بلند رفتن رطوبت‌نسبتی هوا انسان احساس راحت نموده ودر صورت بلند رفتن رطوبت نسبتی هوا باندازهٔ (۱۵) فیصد بدن انسان آنرا به (۳،۵) درجهٔ حرارت سانتیگرید حس مینماید ۰

اهمیت سر سبزی از نگاه زیبائی:

سبزه ودرختان از نقطه نظر زیبائی خودبه علم مهندسی رابطهٔ نزدیك ومستقیمی داشته واز طرف دیگر در بر جستگی و مقبولی‌تعمیرات اهمیت فراوانی دارد واز همین جاست که امروز مهندسی پارکسازی بذات‌خودیك مبحث‌جداگانه علم مهندسی را تشکیل میدهد ۰ پس



درانیجا میخواهیم نظری به سرسبزی بیندازیم:

۱- وظایف محافظوی سر سبزی منطقه:

-در تحکیم بخشیدن سطح های میل دارو په زار ها رول بسزائی داشته واز محو شدن و تخریب آن ها که اکثراء در اثر وزش باد های قوی ویا سراز یر شدن آب های باران صورت گرفته جلو گیری مینماید.

-تشکیل دادن سدهای محافظوی کنارابحار ودریا ها در مقابل تخریبات که ناشی از جریان شدید آب ها میباشد ۰

- جذب نمودن سریع‌آب های باران وجلوگیری از سرازیر شدن سیلاب ها ۰

-جلو گیری از افتیدن‌خس وخاشاك وکثافات درمنابع آبهای ذخیره شده وتربیه گاه های ماهی ۰

-جلو گیری‌از وسعت وبسط یافتن حریق های بزرگ و خانما نسوز ۰

-وظیفه عایق وطرد نمودن صوت وصدا های ترانسپورت ثقیل درمناطق رهایشی-مکاتب وشفاخانه ها ۰

-در فراهم نمودن شرایط جهت ساختن سر پناه ولانه های پرنده گان ۰

پرنسیپهائیکه دردیزاین وطرح ساحه های سبز که در منطقه های رهایشی از آن استفاده بعمل می‌آید جزء عمده پلان های شهری‌وپلان های بزرگتر از آن محسوب گردیده وجهت‌عملی وتطبیق نمودن این مفکوره برای اینکه زندگی روزمره مابکلی شکل طبیعی رابخود اختیار نماید لازمست بادر نظر داشتن دیگر وظایف بالخاصه وظایف ستاتیکی و محافظوی آن برای هر ناحیه ومنطقهٔ رهایشی ساحهٔ سبزی درنظر گرفته‌ودرتحکیم بخشیدن‌این مدعاکه‌سرسبزی‌وطن ماست بائیست بشمول ارگان های دولتی در زمینه از هیچگونه همکاری دریغ ننمائیم ۰ لذا جهت انکشاف وگسترش ساحه های‌سبز لازمست دستورات ذیل در نظر گرفته شود:

بقیه در صفحه ۵۸

عبدالله محب «حیرت»

در آغوش گل های سرخ و آتشین

در پهنسرای طبیعت خیال انگیز جهان بی پهنای هستی، شمار انواع گلها از نظر رنگ وبو، خوبی و کیفیت ونحوهٔ استفاده از هر کدامش گونه گونه ودلاویز وپذیرنده‌است، چه این طرز استفاده هااز نظر تزیین وپیرایش وآرایش در صنایع بدیع ومستظرفه باشد وچه در ساحهٔ صنعت وچه از لحاظ ذوق‌پروری، هر یك بجای، خود حرفها وکلام مشخصی دارد که ما طی این مبحث در مقدم ورود بهاران ودر جلوه های اندیشه پرداز آن صرف پیرامون گلهای «آتشی» و «سرخ» بصورت موجز وفشرده ، نکات برازنده وچیده های گیرندهٔ را در محضر «گلبازان» خوش‌سلیقه پیشکش میداریم تا از تجلیات نقش رنگار طبیعت بنفع ناز کخیالان وادب دوستان حرف حرفی را باز گو کرده باشیم .

در حقیقت «گل آتشی» گل سرخ و گل سوری را گویند بطوریکه در کتب معتبر راجع بمفاهیم «گل آتشی» و «گل سرخ» سخنان متنوع ومطالب زیادی دستیاب میتواند شد . بطور مثال :

یکی آنرا نشانه «عشق سوزان» و محبت آتشین » خوانده دیگری آنرا مظهر «سرخرویی» وعلامهٔ «سوز وگداز» نیز گفته‌است. چنانچه یکی‌از صاحبنظران پرذوق واندیشمند درقاموس «مفهوم ومعانی گلها» راجع به «گل آتشی» چنین تعبیری را استنتاج نموده واز زبان آن بدین عبارت حکایتگراست : «محبت من تند وسوزنده است ، اگر بامن مهر نورزی از اثر محبت من خواهی سوخت». علاوتاً ازبان «گل آتشی ایکه شکسته ساق باشد» نوشته اند که: «محبت سوزان من نسبت بتو تمام شد ، دیگر ترا دوست ندارم ، ولی هر شب ترا بخواب میبینم». جای دیگر «گل آقاقیای قرمز» را نیز در ردیف «گلهای سرخ» قرار داده واز دل آن چنین حرفهای را تراوش داده اند که : «از کثرت محبت فوق العاده مایل بدیدارت هستم «وسیله فراهم کن». بدینسان «برگ گل سرخ»هم باچنین عبارهٔ چهره نمایی کرده است :«بلی هرچه میفرمایید صحیح است ، اعتراف دارم که حق با شما است». از حرفهای «شاخهٔ گل سرخ بی برگ» این جمله را بر زبان آورده اند : «محض خواهشیکه از من میکنی، من از تو میگذرم . اما بدان که قلبم‌میشکند وهیچ علاجی جز آشنایی باتو ندارم» .

درفرهنگهای ادبی «گل سرخ» را اینطور معرفی کرده اند : یکی از معروفترین گلها- ییکه اقسام مختلف دارد . بر نگهای سرخ پر رنگ یا کمرنگ ، پر پر و کمپر وانواع گل سرخ عبارت است از: گل‌سرخ صد پر یا صد برگ ، گل سرخ جاپانی و گل چای که پر بر گ ولی رنگ آن زرد است اما در ردیف گلهای پر پر آمده‌است. گل گلاب اصیل یا «گل محمدی» نیز یکی از اقسام گل سرخ است اما کمپر وکم دوام میباشد وغالباً سایر اقسام گل سرخ را به



بتهٔ آن پیوند میزنند . «گلاب» که یکنوع گل خوشبو ، خوش منظر ومعطر است در خاندان آن چندین گل نغز وپر گلبرگ و کم گلبرگ دیگر برنگهای مختلف وگیرا وعطر های گوناگون پیدایش دارد ورونق افزای گلزار وگلستان است . مانند :گلاب آتشی ، گلاب سفید گلاب زرد ، گلاب گلابی ودیگر ها . جای دیگر کلمهٔ ترکیبی «گلاب» از دو کلمه «گل» و «آب» باحذف «مدالف» بمعانی (عرق گل). بخصوص‌عرقیکه از یك قسم گل معروف به گل محمدی یاگل گلاب میگیرند) مستعمل میباشد واز عرق حاصلهٔ آن برای خوشبویی برای اغذیهٔ متداول وتداوی بعضی تکالیف صحی باشیوه های عنعوی ومروج آن کار گرفته میشود .

«بیلیتس» شاعرهٔ معروف عشق پیشه وزنده دل یونانی که بیش از (۲۶۰۰) سال قبل در جزیره افسانوی وباستانی کریت میزیسته است به «گل‌سرخ» فریفتگی وعشق‌فراوانی داشته است . چنانچه در قبال ذوق بدیع خود مکنونات ضمیرش‌را تحت عنوان«گلهای سرخ» چنین ابراز کرده است : «هنگامیکه شب فرا میرسد، دنیا مال ما و ... است. من ولیکاس باپای برهنه از میان مزارع‌بکنار چشمه زار ها واز درون جنگلهای تاریك‌بسوی چمنزار ها میدویم وبیم آنکه کسی مارا‌ببیند، نداریم . اختران زیبا در آسمان نیلگون بدرخشش در میایند تاراه مارا روشن کنند. گاه نیز زیر شاخه های کوتاه درختان ، غزالان نیم خفته بصدای پای ما بیدارمیشوند ومیگریزند ولی از همه جا دلپذیر ترگوشه- ای از جنگل است که تنها من واو ، آنرا میشناسیم . در آنجا همیشه بوتهٔ گل سرخی مشغول عطر فشانی است . من از عطر این گل سرمست میشوم ، زیرا هیچ چیزی در روی زمین ، آسمانی تر از عطر گلها بهنگام شب نیست . ولی راستی چرا شبهاییکه تنها بودم ، مستی عطر گلهای سرخ راچنین احساس نمیکردم ».

«بیلیتس» همین سخنرای پر آوازهٔ سر زمین اساطیری کرانهٔ مدیترانه ، باپارچه‌دل انگیز «دستهٔ گل» خود جای دیگر در مورد «گل سرخ» چنین بدیعه سرایی میکند : «پریان جنگل ، امروز بدیدار شما آمده ام. چرا روی از من نهان میکنید ؟ آخر لختی بکمکم بیایید . زیرا از بسکه گل چیده‌ام، خسته شده ام . میخواهم یکی از درختان‌جنگل را بر گزینم وگیسوان سبز رنگش را بازیبا ترین گل سرخی که چیده ام ، بیارایم . ببینید ! آنقدر گل چیده ام که اگر آنهارا دسته نکنید ، بار خود را بخانه نمیتوانم برد. از این خواهش من‌سر باز مزنید وگرنه : دیروز یکی از شما را که گیسوان طلایی دارد ، در آغوش یکی از دیوان جنگل‌خفته دیدم . امروز نامش را بر سر هر کوی وبرزنی خواهم گفت» .

در منابع اسطوره یی شرق وغرب راجع به زیبندگی وفریباییهای «گل سرخ»حکایات متعددی را مندرج کرده اند . از آنجمله در لابلای گفتار حکایتی هندیان قدیمی آورده اند که : در یکی از آخرین روز های‌موسم بهاران ودر مقدم حلول ایام گرمای موسمی، جاییکه شمیم عطر آگین گلها از حرارت روز های فصل آگهی میداد ، «فشنو» یکی از ارباب الانواع مردم هندوستان ، میان رودخانهٔ شنا میکرد ، یکمرتبه گل «لوتس» را دید که بروی آب ظاهر میشود . برگهای‌گل باز گردید واز میان آن آلههٔ «براهما» بیرون میاید . در آنحال الهه «براهما» به رب‌النوع «فشنو» چنین گفت :

«آیا گل عزیز ومحبوبم را دیدی ؟! این گل از تمام گلهای روی زمین زیباتر وخوشبوتر میباشد» . ولی «فشنو» گفت : «درباغچهٔ من گل زیبا تری وجود دارد که (گل سرخ) نامیده میشود» . در آنمیان هر یکی از این دو نفر تاکید میکردند که گل او زیبا تراز گل دیگری است . پس از آن بباغچهٔ «فشنو» رفتند تا «براهما» گل سرخ را ببیند ووقتیکه بیکی‌از درختهای گل‌سرخ رسیدند، «براهما» دید که برگهای گلی شاداب‌میشود وبرای استقبال وخوش آیند گفتن باو سر میکشد وبه اثر آن بوی خوش ومست‌کنندهٔ در فضا منتشر میشود واز میان آن گل ، «کشمی» رب‌النوع جمال وزیبایی خارج‌میگردد وبا صدای دلکش ومهر انگیزی به «فشنو» چنین میگوید : «سرور بزرگوارم ... چقدر من خوشبخت وسعادتمندم که گلها ازمیان خود مرا انتخاب کردند تا دوست وهمسرشما باشم وواقعاً شما بهترین دوستان وهمسران هستید !... ». آنگاه «فشنو» بر روی«کشمی» زیبا وفریبگر خم شده ودست سفید و نرم‌او را در دست گرفت وبلبان گرم خود نزدیك نموده ومشتاقانه آنرا بوسید . درینجا«براهما» دوست «فشنو» بوی چنین گفت : «بدون‌شك تو خوشنخترین رب‌النوعها میباشی ... باغچه وگلهاییکه در آن برایت میروید همیشه جاوید باشد ».

از آنجا که سخن پردازان روشنضمیر از هر گوشه وکنار بدامان «گلهای سرخ» بار با چنگ زنان گلچینی ها کرده اند ، ودامن دامن‌گل چیده‌اند.درین میان«لامارتین» به امید گلهای سرخ بامدادی ، سرسخن‌را بادلداده اش چنین بازکرده است: « بامدادان بباغ رفتم تا برایت دامن گل سرخ را ارمغان آورم ، اما آنقدر گل در دامنم انباشتم که بند فشردهٔ آن تاب نیاورد وگسست . بند دامنم گسست وگلها همه بادست باد راه‌دریا را به پیش گرفتند . همراه آب رفتند ودیگر باز نگشتند . فقطموج آب‌برنگ قرمز درآمد،

بقیه در صفحه ٥٤

از سپو تنیك

ترجمه ی د. سکوت

یک هزار شکسپیر در سال دوهزار

مصاحبه ای با دکتر ایگارلد دانشمندیکه در علوم اجتماعی پیشگویی میکند

ـ چه کشفیات وابتکارات تازه آینده صورت خواهد گرفت ؟

ـ اگر جواب این سوال شما را ...انستم ودر باره کشفیات وابتکار... آینده معلو ماتی تقدیم داشته ...وا نستم در آنصورت کشفیات و ...رات آینده وجودنیمدا شت زیرا ...چه را انسان ابتکار کند و کشف ...اید دیگر از آن برای آینده چیزی ...ی نمی ماند . یك دانشمند مـی ...ند که چگو نگی وپیشر فت ادبیات در آینده طرح نماید اما در باره ...تراعات و اکتشافات و ابتکـارات ...حی ریخته نتوانسته و پیشگویی ...ده نمیتوا ند .

ـ در بیست سال اینده شعر چه ...ولی را خواهد پذیرفت وچهشکلی اختیار خواهد کرد ؟

ـ درباره اشعا ریکه بیست سال ...د توسط گویندگان نا معلوم سروده ...اهد شدنمیتوان بهصورت صحیح ...شگو یی کرد . اگر جواب ایـن ...وال را بدرستی پـر د ا ختـه ...توا نستم پس همین اکنون اشعا... ...میسر ودم که شکل وفرم اشعا... بیست سال بعدرا میداشت وخون ...مان در حروف وکلما تش مـوج ...د .

ـ خوب پس بفرمائید بگویید کهدر ...حه ادبیات چه پیشگویی کـرده ...توانید ؟

ـ در سال دو هزار ، نفوس جهان ...چند خواهد شد و همزمان با ن ...داد نویسندگان ازد یاد خواهـد ...ت واگر امروز پنجصد نو یسنده... ...که چون شکسپیر فکر نما یـدو ...زی بنویسد در جهان وجـود داشته با شد در سال دو هزار جهان یکهز ر شکسپیر خوا هد داشت.

ـ یکی از نو یسند گان پو لندی چنین اظهار عقیده مینما ید کـه وقتی دنیا بیشی از امروز ماشینـی شود ومصرو فیت ها واحتیا جات بشر فزو نی گیرد وتعد د نو یسند گن زیاد وزیادتر گردد نو یسند گان بزرگی که شهکا ر های بی مثلی رابـه وجود آور ند خیلی بند رت پیـدا خوا هند شد شما در ین بـــاره چه فکر میکنید ؟

ـ من بمفکوره دلچسپ او احترام می گـذارم ، اما موا فق نیستم ، مـن عقیده دارم که در هردوره ای از تاریخ زند گانی بشر شکسپیری داستا یسکی و.... وجود خوا هد داشت.

ـ بهرصورت آیاشماعقیده دارید که کیفیت وچگو نگی آرت وهنر قرن بقرن پیشر فت خوا هد کردوقوس صعودی خودش را خواهد پیمود ؟

ـ خوب احترام بههنرمندان گذشته نسبت به هنرمندان معا صـر زیاد تر است . شاید از این موضوع اطـلاع داشته با شید کـه امروز نسبت به دیروز در جهان نویسند گان زیادی وجود دارد . نویسنده ایکه ما آنرا شکسپیر بنا میم وچون شکسپیر بیند یشد وچیـز بنو یسد وجود ندارد زیرا زمـان نو یسنده امر وز بازمان شکسپیر انگلیسی ، فرق دا شته وایجا بات ومقتضیات عصری که مادرآن زندگی داریم با زمان آن نو یسنده نامـدار تفاوت فاحش دارد . بر علاوه تاریخ ثقافت جهان نشان مید هد که در تمدن های مختلف دوره های طـ لایـــی ودر خشا نی از آرت وهنر وجود داشته ودر آینده نیز بوجود خواهد آمد امروز مشکـلات وپرو بلـــم های تازه برای نگهداشت کتـب بوجود آمده وشما را جـع بـــه کتا بخا نه های آینده چه فکــر میکنید ؟

ـ از شصت تا هشتاد فیصد کتابخانه های بز رگ جهان ببـــاد فراموشی رفته وا حدی از مــردم تقا ضای کتاب نمیکننـــد امـــا قرار احصا ئیه ایکه بد ست آمـــده تقر یبا نصف این کتب از طـــرف نو یسند گان مختلف پیرو ی گردیده است .

داکتر تیبت پیشگویی نموده کـه در آینده سیستم جدیدی برای نگهداشت کتب وتقد یم و نتشار معلومـات بو جود خوا هد آمد وسیستم مـذکور جای کتا بخا نه ها رانیـز خواهد گرفت و سهو لت خیلـــی زیادی در بد ستر سی گذا شتن کتب ومعلو مات برای مردم فرا هم خو هد شد . یك عنصر الکترو نی به اندازه شصت فیصد در آینــده خواهد تو ا نست تما م کتا بهـــا راکهدر رشته ادبیات در تمام اتحاد شو روی وجود دارد حفظ ونگهدا ری نماید.

ـ خوب،آیا ممکن است کــــه وظیفه وچگو نگی ا د بیات را درآینده پیشگو یی کنیم ؟

اگر چه پیشگویی کردن وظیفـه سیا نس است اما بنظــر مـــن بزرگی یك نو یسنده را با ید ازروی دور اندیشی وی سنجید همچنان هر اندازه ایکه در اد بیات دور اند یشی بیشتر صورت بگیرد به همان اندازه ادبیات روبه ارتقا میگذارد .

اگر نویسند گان آینده بیشتراز نویسند گان امروز دور اند یشی و متفکر باشندادبیات آینده بهتروپایه دار تر از امروز خوا هد بود ودرغیر آن آثـار ار زنده وجا ودا نی بو جود نخوا هد آمد.

به نظر شما آیا تولستوی وشکسپیر مسا یل آینده را پیشگو یی نکرده بودند ؟

ـ بعقیده من در آثار آنان ایـن مو ضوع در نظر گر فته شده زیـرا اگر چنین نبود آثار او شا ن تـــا امروز ار زش واهمیت خود را حفظ نموده نمیتوانست .

وقتیکه ما سخن از پیشگویـــی میزنیم غرض ما از پیشگویی هـــا وپیشبینی ها یست که در آثــــار بر خی از نو یسند گان در بارهسیانس بعمل آمده است .





عبد الحمید نصیر رئیس محکمه‌فامیلی در حال صحبت زن وشوهریکه در اثر مو ضوعات عادی مــی خواهند از هم جدا شوند .

در محکمهٔ فامیلی چه خبر است؟

ریشه اکثر دعوی ها ییکه امـروز به محکمه فامیلی میاید به سا لهای خیلی قبل ار تباط می گیرد وهمیـن عقد های عدم رضایت تا مدتی دوام وبالاخره منجر به آمدن به محکمه می گردد.

با ارائه مطلب‌فوق عبد الحمیدنصیر رئیس محکمه فا میلی یکی از موارد طلاق‌را عدم توافق روحی دو طرف نسبت ازدوا جها ییکه بزور وبـدون رضایت دو طرف صو رت می گرفت وموا فقه‌دو جا نبی زن وشو هــر بصو رت اساسی حا صل نمی شـد ذکر نمود .

هفته قبل جهت تهیه را پــوربه محکمه فا میلی رفته بودم وو قتــی داخل اتاق رئیسی شدم رئیســی محکمه با قضات چندکه چهارنفــر آن از قشر اناث بود مشغول شنیدن حرفهای زن وشو هر جوا نی بودند که معلوم می شد مو ضوع خوشحاـ لی باید در میان باشد چو نکه زن‌و مرد حین حرف زدن می خند یدند و آثار رضا یت از چهره های رئیس وقضات‌هم هویدا بود . بعد از سلام بگوشه اتاق نشستم ومنتظرشدم تا موقع‌بیا بم وسوا لاتم رامطــــرح سازم که در ینمو قع رئیس محکمه فامیلی گفت خوب وقت آمد یـــد موضوع این زن وشو هر جوان‌راهم بنویس برای خوا نند گان خا لـی از دلچسپی نخواهد بود . تعصبات‌و خصو مت های فا میلی مانع از دواج ایندو نا مزد جوان گرد یده‌بـود. مسا له ازین قرار است که پدر های شان بر سر مو ضوع جنگ مــی کنند وپدر دختر ، دخترش را وادار می‌سازد که به محکمه بیا یــد واز نامزدی با نا مز دش‌انکار کند.دختر هجده سال دارد ، چادر گلدار بسر کرده‌واز فیشنی که کرده معلــــوم میشود که‌باید تازه عـــــرو ســس باشد .

از زن جوان خوا ستم تا ما جراـ یش‌را برا یم بگو ید. وی‌که بــــا جرئت حرف میزد گفت: بلی من‌اول به اثر اصرار وتهد ید پدرم از ناـ مزدی خود با نا مزدم انکار کردم مگر بعد خوب که متو جه شدم احساس کردم‌که نا مزدم شخص بدی نیست وصفات خو بی هم دارد خوشبختا نه بزودی متو جه اشتباه خودشدم وبا خود گفتم که نباید بازیچه پدرم‌شوم او از روی عقده شخصی با من رفتار می‌کند احساس مرانا دیده می‌شمرد وحقوق مرا پایمال می سا زد همین بودکه به نا مزدم که درهمسا یگی مازند گی می کنند اطلاع دادم کــه من حا ضر هستم با تو ازدواج کنم‌و از کار خود پشیمان هستم همین بود که روز بعد من بخا نه‌آنهــــا رفتم بعدبمحضر رفتیم وعقــــــد نمود یم، فا میل شو هرم بخو شــی از من استقبال کرد ند ومجلســــی ترتیب دادند مگر فا میل خــودم خیلی قهر شده اند وحا ضر نیستند تاآخر عمرم روی‌مرابببینند شوهرشس لباس افرادی عسکری را بتن داشت وباعلاقه زیاد بطرف زن جوا نشس نگاه میکرد وحر فها یش را با دادن سر تصد یق می کرد من پرسیدم که فعـلا چه احساس گفت :طبعا احسا سی خو شحا غرور.

آنها آمده بود ند تا دعوی خو پس بگیرند وبا خو شحا لی آنج ترک کردند.

رئیس محکمه گفت در طول ۱۳۵۸ مو ضو عا تیکه بصـو رسمی بین طر فین بعد از دا شدن دعوای به اصـلاح خا تمه در حدود یکصدو بیست قضیه موضوعا تیکه قبل از دایر شـ دعوی به‌اصـلاح منجر شده تعـ شان زیاد میبا شد .

ـ لطفا در مورد فعال یتهای م فامیلی برای ما معلو مات بدهید

ـفعا لیت های محکمه فا میل صورت عموم مو ضوعات اختـلا بین زن‌وشو هر می با شد که اجرا آت فسخ نکاح، طـلاق ، (طـلاقی که در بدل پول است زن به شو هر پول می پر دازدو هر حاضر به طـلاق می گردد) . ضوعات مر بوط به حقوق ومعا ش زوجین وو جایب طر فین از ق اطاعت به پر نسیپ زو جه ، ت لبا س ومسکن ، نفقه وغیره ، ضوع مهر وسایر منازعات مال مسالی مر بوط به حضا نت (نگه ری وتر بیه طفل)وغیره که مو ض عات فوق جهت حل و فصل بـ محکمه فا میلی‌می‌آید.

وی افزود : در اختـلا فا تیکه زن‌وشو هر واقع می‌گردد در اثـ عریضه واستد عا یك جا نب ،جا مقا بل از طرف محکمه در صو رت صلاحیت رسید گی مو ضوع را شته باشد جلب می‌شود وبا حض طر فین مو ضوع در جلسه مقد م قضا یی مطرح وکو ششس می ش که در همین مر حله از طر یق‌مصا بمو ضوع خاتمه داده شود. مگر صورتیکه اختلافات شدید و بـ اوج‌خود رسیده با شد موا فقه و مصا لح طر فین مشکل است وبه نب مد عی مو قـع داده میشود ت صورت دعوی‌مفصل خودرا تر ت ودر وقت معینه به محکمه بسپا ناگفته نما ند که در جلسات مختل باز هم طر فین را دعوت به اصـ می کنند مگر هنگا میکه محکمه بـ اصـلاح طر فین مو فق نشد بـ اصل مو ضوع رسید گی‌نموده



زن وشوهر جوا نیکه بنابر مداخلات غیر معقول خانواده های شان ازهم‌جدا شده بودند ودو باره آشتی‌کنان عقد مجدد نمودند .

نظر به‌قانون مدنی فعلی ، رویه های قضا یی وقوا نین دیگری که بــــه موضوع ارتباط داشته باشد فیصله خودرا صادر می نماید .

–بنظر شما بیشتر عوا مل طلاق در کشور ما چه‌میبا شد ؟

–در قدم اول عدم توا فق رو حی به نسبت ازدوا جها ییکه بز ور و بدون رضا یت دو طرف صو رت می گیردوهم گا هی احسا سات جوا نی که زن وشو هر جوان بعد از مـدت کوتاه متو جه میشو ند که با هـــم توافق ندا رند ودر قدم دوم مدا خله های بیمورد فا میل های دو طـــرف که بیشتر در کشور ما دیده میشود زیرا نسبت وضع خراب اقتصادویا عنعنات بیجا پسر ودختر را کوچك عروسی می‌کنند وآنها با ید تاسا لها بافا میل یکجا زند گی کنند .

ودر همین مو قـــع رئیس محکمه به نفر مو ظف شعبه گفت از شعبه دیگر زن وشو هری را با هم آشتی کرده اند صدا کند آنها رو نا وعبد– الغفارنام دا شتند . زن وشو هـــر جوان داخل‌شدندورئیس محکمه‌گفت بین‌این زن‌وشوهر هیچ‌اختلاف‌وکدورت نیست‌مگر مداخلات بی‌معنی ونامعقول والد ین هر دو طرف سبب شده تـــا کار آنها به محکمه بکشد که خو– شبختانه آنها بمو قع متوجـــــه شدند . زن جوان رویش را بطرفـــم گردانیده وگفت شو هرم آدم بدی نیست مگر روز گارم از دست خشو وبرادر های شو هرم سیاه است من خیلی کو چك بودم که بخا نه اینهـــا آمده بودم‌وما در شس به اندا زه‌بالایم ظـلم کرده که دیگر حا ضر نیستـــم قدم در خانه شان بگذارم ، واصل قصه ما هم اینست که چند روز قبل خشو یم بهانه گر فت وشو هـــرم مرا نا حق لت‌و کوب کرد وطـــلاق خطرا نو شت ومرا بخا نه پدرم فر– ستاد مگر بعدا خو دشس از کـــرده پشیمان شد و بد نبالم آمــــد و تعهد نمود که‌اصلاح می شود وبرایم خانه علیحده می گیرد . پدر دخترکه هم‌آمده‌بود مردی‌نسبتا جوان‌وساکت‌به گوشه ای ایستاده بود بحرف آ مده وگفت: همی بچه ساده افتا ده هــر چه مادر وبرادر ها یش میگفــــت بدون سنجش قبول می کرد بـــا وجودیکه خو دشس در یور تکســـی است ومیتوا ند خا نه وکا شا نـــه مستقل داشته باشد مگرزیر تا ثیر حرفهای‌منفی فا میل بود ، مگر حالا قول داده وتعهد نموده که خانه‌مستقل می‌گیرد ودخترم هم تعهد نموده کـــه بامور زو جیت ، پخت‌و پــز وسایر امور منزل وفادار باشد .

زن وشو هر جوان به حضور دو شاهد تعهدات را قبول کردندووثیقه رابرای ثبت بودند .

رئیس محکمه فا میلی دو باره‌اصل مو ضوع را دنبال نموده گفت: در مرحله سوم اختــلا فات‌ناشی ازپرا– بلمهای اقتصا دی وتفا وت سو یـه اقتصا دی دو جا نب را میتوان ذکر کرد . طور مثال زن از فامیل متمول نسبت بمرد می باشد که در وقت ازدواج زن تو قع‌دارد رفا هیتی راکه درخانه پدر دارد در خانه شو هر نیز برآورده شود ولی شو هریا مامــــور دولت است‌ویا کار گر عا دی بـــا معاشی‌ماهانه که بجز از عا یدمعین مدرك دیگر ندارد واو نمی توا نـــد توقعات خانم رابر آورده نماید .ویـا اینکه در بعضی او قات تو قعات و خرده‌گیریها وسخت‌گیری های‌شوهر باعث کشید گی گردیده در نتیجـه منجر به طـلاق میگردد وبصو رت اساسی گفته نمی توا نیم که زنهـا بیشتر مقصر اند ویا مردها ، هـر قضیه نظر به حا لت خود شس فرق میکند .

خوشبختا نه آمدن تحو ل جد یـد انقــلاب ثور حقوق وتسا وی زن را تامین نموده وتا مین‌حقوق زن درمر– حله اول ازدواج اختــلا فات را کمتر خواهد سا خت وروول بد تـــــر پدر سالاری ویا مدا خلات بیجـــا اقـــا ر ب د ر آ غــاز و صلــت

بقیه در صفحه ٣٦



زن وشوهر جوانیکه بنابر مداخلات غیـر معقول خانواده های شان ازهم جداشده بودندودوباره آشتی شده وعقد مجدد نمودند .



نامزدی

مفهوم نامزدی چیست؟

از منابع خارجی

ترجمه : پ

شکل قانونی ورسمی ارتباط وتعلق گرفتن دختر وپسر را باهم نامزدی گویند . قبل از نامزد شدن پسر ودختر دیده شده است که اکثرا مرکز توجه بعضی از خانواده هاوافراد بخصوصی بوده اند ! که این موضوع خود گاهی شایعات واظهار نظر های خوب وبدرا نیز به همراه داشته است و دختر و پسردرین مرحلهٔ قبل از نامزدی بعضی آزادی ها یی دارند که در وقت نامزدی ممکن نداشته باشند وبالعکس بعضی آزادی هایی را ندارند که در وقت نامزدی بطور کلی دارا میشوند . از طرف دیگر مرحلهٔ نامزدی پسر و دختر و نامزد شدن شان خوب است چون به اصطلاح آب پاکی روی دست خواستگاران دیگردختر ریخته شده وتوجه وفکر شان از او منحرف میشود . مقدمه وطلایه یی اکثر ازدواج ها همین مرحلهٔ نامزدی بوده است که درین دورهٔ حساس «پیوند» ارتباطات سالم و دوراز ترس واندیشه بخاطر بسا چیز های سنتی برطرف گردیده وهردو طرف باروحیهٔ آرام در فضای صلح ودوستی همدیگر را مطالعه میکنند وبادرك این مسوولیت واحساس که هردو باید برای عمرها وسالیان دراز با هم باشند ، زندگی آینده خودرا پی ریزی می کنند . دیده شده است که همهٔ ای نامـزدی ها منجربه ازدواج نگردیده بعضی ها جابجا ودر نطفه خفه میشوند وقبل ازاینکه زنگهای پرطنین ازدواج به صدا درآیند چون حباب روی آب از هم پاشیده و محو می گردد . بناء نامزدی دورهٔ امتحانی وتوافق قلمداد شده است که (البته در محیط ما با درنظر داشت رشته های عمیق رسومات وعنعنات این دورهٔ امتحانی اکثرا باید مثبت باشد .....!) در مورد نامزد شدن و مطالعهٔ طرف به نکات زیر توجه باید نمود :

آیا این شخص برای شما ایدهآل است؟

این سوالات را باید که پیش از مرحلهٔ پیمان نامزدی از خود پرسید :

ـ آیا طرف راه شمارا در زندگی تعقیب میکنند ؟ امیال ، آرزو ها و خواستهای او با شما نزدیکی ومطابقت دارد ؟

ـ آیا چیز هایی راکه شما دوست دارید او هم خوشش می آید یانه ؟ وآیا فا میل های شما ازیك قماش اند ویا اینکه تفاوتهای عنعنوی ، محیطی ، عقیدهوی وسوابق متفاوت فامیلی ومادی دارند وآیا شما در محیط های یکسان تربیت یافته اید ؟

ـ آیا هردو فامیل در موضوع موافقه دارند ؟

ـ آیا شما در کنار «عشق» یکدیگر را ستایش واحترام میکنید ؟

ـ آیا هردوی شما صمیمی، صاف و طبیعی میباشید ؟ سوالات بالا باید قبل از مرحلهٔ نامزدی مورد دقت و تحلیل قرار گرفته و نتیجه گیری گردد ..

موضوع سن ورشد جسمی و معنوی هردو طرف در امر ازدواج وپیمان زناشویی نقش ارزندهٔ داشته وتجربه واحصائیه نشان داده است که زیاده تر نامزدی ها و ازدواجهای ناکام بعلت خامی وعدم رشد معنوی وحوصلهٔ کم دو طرف بوده است .

دورهٔ نامزدی برای چیست ؟

در کشور های دیگر نامزدی بقول خانم ها بخاطر اینست که اسباب و اثاثیه زندگی آیندهٔ دو نامزد جوان بوسیله دوستان و رفیقان آنها تامین شود ورسم بر اینست که هرکس تحفه ای می آورد وخانهٔ شان رازینت می بخشد ... خوب به این نکته توجه باید نمود که این اشیاء وچیز های مادی به اندازه ، (دختر وپسر) در موضوع ازدواج مهم نیستند! ومثلا نوع لباس ماه عسل وارزش آن در مقام مقایسه با کسیکه آنرا می پوشد بی اهمیت است .

مطالعه وشناخت یکدیگر :

دورهٔ نامزدی بخاطر شناخت کامل جنبه های شخصیت یکدیگر است و هر دو طرف فرصت کافی دارند که به خوی، عادات،طبیعت صفات وغیره خصوصیات اخلاقی وروحی یکدیگر پی ببرند ودر صورت لزوم بعضی از آنهارا تغییر ویا اصلاح نمایند وهمچنین درین دوره پسر ودختر میتوانند که خانواده های یکدیگر را بشناسند .

پسر ودختر نباید صرف درین دورهٔ نامزدی سرگرم ساعت تیری جسمی شوند ! بلکه قسمت های خیلی مهم دیگر از قبیل شناخت روحیه یکدیگر، صفات وحالات مختلف است،

وبارعایت نکات فوق میشود گفت که بعدا ازدواج یك حالت گیجی وسردرد کمی نبوده بلکه یك کشف مجدد وخوش آیند خواهد بود .

خودرابه حیث زن وشوهر آماده سازید !

همه مردم می بینندکه دیگر شما بهم بیگانه نیستید بلکه زن وشوهر آینده می باشید وشما مسوولیت دارید که وظایف ووجایب آینده زناشویی خودرا پیش بینی نموده وبا شجاعت وارادهٔ قوی خودرا بهمقابل دورهٔ مشترك زناشویی آماده سازید . شما میدانید که در آینده پدر ومادر میشوید ... ومسوولیت های شما بخاطر تامین نیازمندی های اطفال شما وتربیت شان دو چندان میگردد .

احساس یگانگی :

بعد از اینکه نامزد شدید باید احساس یگانگی ووحدت نمایید،.. وحدت عمل، وحدت فکر وغیره داشته باشید، چون سالهای مجردی را شما تنها بخود زندگی می کردید و هرچه دلتان میخواست آنرا انجام میدادید ولی حالا شما دوتن شده اید باید کار هارا بهصلاح یکدیگر انجام دهید وحالا باید بگویید . «ما» اینطور میکنیم ویا(ما) اینطورنمیکنیم...

وغیره خلاصه جای کلمه من عوض میشود و آنرا (ما) میگیرد واین ما هست که باید به وحدت ویگانگی گراید این وحدت ازردوبدل کردن حلقه نامزدی بدست نمی آید بلکه مستلزم ماها تجربه و تصامیم وپلانهای مشترك هردو میباشد .

مدت دورهٔ نامزدی :

درین مورد نظریات مختلف است از نقطه نظرمن (نویسنده کتاب) من طرفدار نامزدی های کوتاه مدت میباشم . فقط بعد از اینکه تصمیم گرفتید ازدواج کنید به پیش قــدم بگذارید وازدواج کنید واین نویسنده دورهٔ نامزدی را به دندان کندنی تشبه میکنیدکه باید هرچه زودتر کشیده شود . ولی این قسم عجله در اکثر ازدواج ها نتیجهٔ مطلوب نداده است . هرکس نظربه شرایط خانوادگی ومالی وغیره خودش میتواند فیصله کند که دورهٔ نامزدی آن چقدر طولانی باید باشد !

نامزدی های خیلی طولانی :

ممکن بعضی اوقات از جوره نامزدهایـــی شنیده باشید که برای مدت هژده و پانزده سال نامزده بوده اند ولی هنوزهم نتوانسته‌اند که تاریخی را برای ازدواج خود معین کنند. این حالت اکثرا علامت عدم اراده و تصمیم است . واینگونه اشخاص غالبا ازدواج کردن خودرا داشتن مادر یا پدر مریض ، یا عدم‌خانه وپول کافی، انتقال وتبدیلی وظیفه، تحصیل وغیره را بهانه قرار داده اند که درینصورت اصلا بهتر است ازدواج صورت نگیرد .

طول عادی دورهٔ نامزدی :

همانقدر که طرفین یکدیگر را بشناسند ، درك کنند وبه روحیه یکدیگر پی ببر ند .. کافی است. ولی احصائیه نشان داده است که نامزدی های طولانی تر موفق تر بوده‌است وعجله نشان دادن به ازدواج ثمرهٔ خوبـــی نداشته است .

مشکلات دورهٔ نامزدی :

دورهٔ نامزدی نمیتواند که کاملا بدون درد سر باشد وطرفین هیچگونه اختلافی نداشته باشد بلکه این مرحله دورهٔ عیار سازی و آمادگی هر دو طرف حتی بهترین عشـــاق وجوره های نامزد موافق به یکدیگر است. در بسیاری از ساحات زندگی اختلافاتی به چشم می خورد وبه ظهور میرسد که باید باکمال صبر وبردباری پذیرفته ودر اصلاح آن کوشیده‌شود. چونکه‌عاشق‌ومعشوق به‌یکدیگر خیلی توجه میکنند ازین سبب گاهی میشود که از یکدیگر آزرده هم میشوند . مثلاقبل

از نامزدی حرکات واعمال شخصی دیگر برای شما خیلی مهم نیست وبه مجرد نامزد شدن حرکات واعمال شخصی مورد نظر برای شما خیلی جالب وبا ارزش میشوند وذره ، ذره از حرکات ورفتار را از زیر عینك ذره بینی می گذرانید . شمابه حرکات وکرداردیگران خیلی توجه نمیکنید وفقط به آنهای عطـف توجه میکنید که علاقه دارید .

اولین نزاع ها و ستیزه های بین جوره‌های نامزد دلیل جدایی واختلافات شدید نیست بلکه نشانه ها ی از قوت وپخته شدن تجارب وارتباط شان وهم انکشاف احساس (ما)بودن ویکانگی است . این اختلاف نظر ها چیز ی طبیعی است، حتما بروز میکند وحالا بایددید که چگونه این کشیدگی و اختلافات را حل باید کرد ؟

اولین چیز یا عامل ، غرور است که‌باعث فشار های روحی ومتضاد فکری وجر وبحث میگردد واگر میخواهندکه صلح برقرار شود به اصطلاح خودمان باید که از خر شیطان پایین بیایند ! ویعنی در خشم وقهروقبولاندن عقیده ونظر خود از غرور بیجا کار نگیرند گذشت داشته باشد واز خو د خواهـــــی بپرهیزند .

همچنین از جرو بحث بیجا که بالاخره موضوع بحث گم شود وهر دو طرف بکوشند که یکدیگر را مغلوب بسازند و با سرزنش ملامت وتوهین و تهدید کنند. از همه اینها باید دوری جست . اینگونه بحث و مداقـه عوض آنکه «بحث» آرام ودوستانه باشد ، جای خودرا به جنگ وکینه توزی و دشمنی میدهد وجنبهٔ عیب پالی یکی بر دیگری را بخود می گیرد . درو قت منازعه وجر وبحث تجربه نشان داده است که بهتر است موضوع را خود تان بین خود حل وفصل نمایید . تا اینکه اشخاص یا شخص دیگری را میانجی قرار دهید . چون از بد تر خواهد شد . ولی مشورت نیك ها وبدون غرض را نباید نادیده گرفت که خوب است . وقتی با مشوره‌دهنده صحبت میکنید شما خودرا با او طرف نمی یابید واحساساتی نیستیدکه هر طور شـده حق وناحق نظریات اورا منکوب و سر کوب نمایید . وخلاصه درینگونه مواردگرهٔ دست را نگذارید که بدندان باز شود . واین رااز نظر دور نباید کرد که یك نامزدی خوب بدون مشکلات نمیباشد . باید طرفین مشکلات راحل وخودرا به روحیه وایده های یکدیگر عیار بسازند . زمانیکه کدام اختلاف عقیده بوجود می آید . کوشش کنید که نظر طرف مقابل را بدانید . نکوشید که حالت دفاعی بگیرید واز عقیده خود دفاع کنید . بلکـه کوشش کنید که موقف طرف بحـث را و چگونگی احساسات آنرا در همان حـال درك نمایید . وتجارب گذشته وضع مالی، خاطرات وغیره سوابق طرف را که در مقابل کدام عقیده کلمات (بی‌شعور) (احمق) (بی فکر) کنید . بدترین کلمات دروقت بروز اختلاف عقیده کلمات (بی شعور) (احمق) (بی فکر) وغیره است که‌به طرف گفته شود . وقتی شمابه حالت بدی قرار دارید وعصبی میباشید ازکدام طرف عقده گرفته اید وناراحتی روحی دارید، طرف مقابل را قبلا بگویید که شما حالت عادی ندارید . راه حل مهم اینست‌که خودرا در موقف طرف مقابل قرار دهیـد . هروقت که خسته میباشید ، استراحت کنید ویا تفریح کنید .

این فشار روحی شمارا کم میسازد موسیقی، سپورت، قدم زدن ، توپ بازی ، پیاده‌گردی، رقص وآواز خواندن میتواند که گرفتگی‌شما را کـم‌سازد. بکوشید که‌عقده نگیرید وکینه بدل نباشید . چون ممکن روزی همگی این عقده هاوناراحتی های انباشته شده در ددل تان را یکدفعه بروی بهترین دوست خـود بزنید که خیلی بدست !

چه موقع یك نامزدی باید فسخ شود :

بعضی اوقات مجبور میشوید که نامـــزدی رافسخ کنید . چون میگویند یك نامـــزدی بهم خورده وشکسته شده بهتر از یك‌ازدواج نافرجام و ناکا است.

اگر هر دو طرف در دورهٔ امتحان نامزدی نتوانستند که توافق کنند وخوش باشند باید پانگهدارند وبه مرحلهٔ ازدواج قدم نگذارند.

ممکن شماباهم توافق نداشته باشید :

در جریان نامزدی ممکن درك کنید کـــه به موضوعاتیکه فکر میکردید توافق کا مل دارید ممکن نداشته باشید . وبسا که بعضی از اختلافات شخصی دیگر که صرفا توسـط آشنایی همین چانس نامزدی میتوانید کـــه کشف کنید وآنهارا تغییر داده و اصلاح نمایید اگر این مشکلات و اختلافات قا بل حل نبودند ، پس بهتر است که نامزدی فسخ شود . یکی دیگر از علل فسخ کردن نامزدی باید خستگی ویکنواختی باشد . اگر می‌بینید که نامزدی تان بی رنگ وکیفیت است بهتر است هرچه زودتر به آن کیفیت به بخشید واز شکستاندن وپاشیده شدن زیاده تر آ ن جلو گیری کنید، وخلاصه کـــه یك نامزدی فسخ شده بهتر از یك ازدواج کسل کننده است .

چطور یك نامزدی فسخ شده بهتر از یك میشود :

البته این موضوع پس دادن حلقه هـــای نامزدی ومسترد کردن تحفه های قیمتـــی دوستان وخویشان را در بر میگیرد . فامیل های هردو طرف ورفقا ودوستان بایدازموضوع آگاه شوند ومعمولا نظربه رسم ورواج د ر بعضی از کشور ها ، دختر باید تحفه های باارزش را همرای یك آگهی که آنها تغییر عقیده وپلان داده اند به صاحبانشان مسترد نماید ودر ضمن تشکرنماید .

یك نامزدی رضایتبخش چگونه خواهدبود؟

پیوند ویا نامزدی موفقانه از بزرگی‌ونوعیت انگشتری دختر معلوم نمیشود . در حقیقت‌او ممکن است در عوض عدم ثبات و سلامتی ارتباط وپیوند صمیمی را نشان دهد . بعضی از جوانان میکوشند که به نامزد خود حلقهٔ گرانبها وقیمتی بدهند که این خود نمیتواند «گیج» (معیار) درستی جهت اندازهٔ عشق شان باشد . اخیرا دو نامزد جوان اظهار کرده‌اند که‌دادن حلقه الماس به جز ضیاع پـــول دیگر چیزی نمیتواند باشد . بعضی ها در خارج عوض حلقه نامزدی مثلا صلیبی نقره‌ای به گردن می‌آویزندو همچنین بزرگی و خوردی مهمانی مربوط نامزدی هم بیانگر اهمیت و ارزش پیوند نامزدی نمیباشد دیده شده است که بعضی خود سازان به رسم زمانه وخود نمایی کار هـــای نمایشی انجام میدهند و ازدواج ونامزدی شان خالی از محبت و کیف مخصوص بخود است . خلاصه ارزش ، اعتبار واهمیت نامزدی وازدواج به تعداددیگهای‌پلو، نوع ارکستر موسیقی ونوعیت مدعوین ومحل مهمانی نیست، بلکه شرایط وایجابات زیر از جمله مسایل ضروری است که باید مراعات شود :

- تاچه حد هردو طرف برای برداشتن بار مسوولیت ازدواج آماده اند ؟ وتاچه اندازه بهم اعتماد دارند وباامیدواری به پیش بسوی سفر طولانی زندگی گام بر میدارند و د ر مقابل تکالیف زندگی ایستادگی میکنند .
- تاچه حد مطلوب طرفین دوستان وخانواده های موافق، گپ نساز، وصمیمی را به‌مهمانی خود جلب خواهند کردکه از حسادت ودشمنی بدور بوده وچشمان خورده گیر وانتقاد گر خودرا با خود به مهمانی نیاورند ! و دهـــان لغازخوان شان قفل باشد !

- تاچه اندازه جانبین مهارت های کـــار کردن در شرایط گوناگون زندگی راآموخته اند ؟
- وتاچه اندازه هر دو طـرف به رشد و آموزش وازدیاد معلومات خود آمادگی‌دارند؟

نامزدی های موفقانه خود بخود وتصادفـی بوجود نمی آیند باید آنهارا بوجود آورد و جوره های نامزد به اساس تجربه وگذشت زمان همدیگر را درك، خودرا بهم مطابـــق وبه اصطلاح به رگ خواب یکدیگر پـــــی ببرند! بعدهمه چیز آسان میشود . آنهـــا میتوانند که عادت ومزاج وطبیعت یکدیگر را بشناسند وپیش بین رویداد ها باشند .

نامزدی های رضایتبخش طلایه ازدواج های امیدوار کننده :

پلان هاو تصامیم مشترك دختر وپسر کمك بزرگی است . مثلا در امور خانه، آشپزخانه لوازم خانه، اطاق، لباس و غیره همکـــاری مشترك دختر وپسر ضروری است و در نتیجه اگر دورهٔ نامزدی خوش آیند، موافق طبـع وآرام وبا صفا باشد منجـــر بـــه ازدواج درخشان وآینده ساز خواهد شد ، وبالعکس اگر پسر ودختر در جریان نامزدی در گیر جنگ وستیز باشند، ازدواج شان از بدبدتر خواهد بود ...



ژوندون



حمیده قریشی ونظیفه غفار محصلان پوهنځی فارمسی .

در کشور های مترقی رسانه های گروهی ووسایل ارتباط جمعی از قبیل رادیو تلویزیون روزنامه ومجلات همیشه درخدمت مردم وخلق قرار داشته واز ورای امواج و سطور آن اخبار و موضوعات مختلف تقدیم علاقمندان آن میگردد .

ولی این وسایل ارتباط جمعی درممالک غیر مترقی همیشه در خدمت یك اقلیت خاص قرار دارند .

خوشبختانه با پیروزی مرحله نوین تکامل انقلاب ثور همانطوریکه در تمام ساحات مختلف حیات اجتماعی آزادی های به مردم داده شده وبه مطبوعات ووسایل ارتباط جمعی نیز این آزادی داده شد، تا خواست ها نظریات انتقادات واندیشه های مردم انعکاس داده شود .

اگر از مقدمه چینی بگذریم مساله اساسی اینستکه باید رسانه های گروهی ووسایل ارتباط جمعی باید در خدمت خلق و مردم قرار داشته باشد تا از این راه بتوان به نظریات واندیشه های سودمند دست یافت .

به همین منظور از آغاز سال جدید مجله ژوندون که وارد سی و دومین سال نشراتی اش نیز میشود با یک عده از خوانندگان خویش به گفتگو پرداخت نظریات وانتقادات شان را در زمینه بهتر شدن مجله خواستار شد. ازنتایج کلی این نظر خواهی چنین استنباط میشود که اکثر از خوانندگان مجله ژوندون ازاین هفته نامه شان تا اندازه راضی اند . ولی در پهلوی ان بعضی انتقاداتی دارند که بهتر است خود شما آن را بخوانید وارزیابی نمائید .

به پوهنتون کابل که کانون علم ومعرفت است می روم واز یکعده محصلین نظر می خواهم یکتن از ورزشکاران پوهنتون کابل «حمیده قریشی» محصل سال سوم پوهنحی فارمسی که در ردیف چهره های پر در خشش ورزش بالاخص یك باستکبالیست ورزیده بشمار می رود در زمینه چگونگی و نحوه نشرات مجله ژوندون که ار چه‌قرار است گفت :

محال است در مورد مجله وزین ژوندون که در ست سی ودو سال تمام درآسمان مطبوعات کشور در خشیده ابراز نظر کرد علی الرغم اینکه من متواتر شماره‌های ژوندون را نتوانسته ام تعقیب و به‌مطالعه گیرم باز هم منحیث یکد ختر وطنپرست بارسالت عظیمی که در برابر کلتور کشور عزیز خویش می بینیم همواره ترجیح داده‌ام که مجله ژوندون بخوانم تا یک مجله بر زرق وبرق وتجارتی غربی . فرهنگ ما که فرهنگ سچه افغانی است‌واز کلتور و فرهنگ نیاکان ما آب میخورد زیاد افتخار آفرین است از ینرو معمولا مطالب فراوانی درژوندون خوانده ام که افتخارات ومظاهر پسندیدهٔ زندگی ماونیاکان مارا برشمرده ومتجلی ساخته است . باتذکراتی اینکه مجله ژوندون فرصت‌زمانی‌کوتاه‌برای‌نشر یکشماره تاشماره‌دیگر دارد و هم مشکلاتی که از نگاه امورطباعتی دارد مشکل است ژوندون بشکل چنان مجله در آید که کاملا همه پسند باشد .بااینهم در قسمت نحوه نشرو اشاعه مطالب مجله

اگر قرار باشد که‌نظر مرا صاحب بدانند لازم به یاد آوری میدانیم اینکه : ما نویسندگان چیره دست ورزیده و چیز فهم وپژوهشگران ومحققان ورزیده داریم هر گاه هفته نامه ژوندون تدابیری رابکار بندد تا همکاری نویسندگان داخل کشور مارا در مجله ژوندون جلب کند . مطمینا تحقق بخشیدن این مامول بر غنای فرهنگی کشور ما افزوده ودر بلند رفتن تیراژ مجله موثریتش را بزودی بجا گذاشتنی است اگر همکاران ژوندون بیشتر متشبث گردند وبا تحرك ودینامیزمی که دارند در تکاپوی داغتر ین رویداد ها هنری ذوقی بخصوص ورزشی شوند بر رنگینی مجله افزوده مجله همه پسند عرضه خواهد شد. آنعده از مسوولین مجله که وظیفه تنظیم و کار ایدت مجله را بعهده دارند بایستی معیاری برای تناسب مضامین مجله را در نظر داشته باشند چه خوانندگان مجله اعم از روشنفکران ، مامورین، محصلین شاگردان مکاتب دوکانداران و پیشه وران دارای سطوح متفاوتی از دانش اند که بسیار دوست دارند مطالب جالب و دست اول خواندنی در سر گرمی های هر چه بیشتر شان در مجله خانوادگی خویش یافته و به علاوه تاحدودی بر فهم واگاهی خویش نیز افزوده باشند .

نظیفه غفاری از صنف سوم فارمسی به تائید نظریات حمیده قریشی پرداخته افزود :

بدیهی است که مسالهٔ نقد آثار برای پر کردن خلا های علمی و رفع نقیصه‌های تحقیقی در سطح فرهنگی جامعه نقش ارزندهٔ دارد که من خواهان بکار بستن همین روش وامور همه اثار منجمله مجله ژوندون بوده امیدوارم پس از این نقدهای باارزشی در ژوندون روی آفریده های علمی و هنری پژوهشگران، محققین و نویسندگان ما صورت بگیرد .

میر احسان الدین برومند محصل پوهنځی انجینری کابل در مورد ابراز داشت: پیرامون این نظر خواهی و ریفراندم حرفهای زیادی است که میشود گفت .ولی از آنجا نیکه انتقاد پذیری خود به منزله پله های تکاملی است باید به متصدیان امور ژوندون تبریك گفت این روحیه سرشار از احترام گذاری تان نسبت بخوانندگان این مجله . همه تلاش ها و مساعی‌ژوندون بخاطر پیشکش نمودن یك مجله دلخواه ستودنی است . با نظر داشت امکانات محدودی که برای هفته نامه چون ژوندون وجود دارد بیقین ژوندون موفق است من بجای آنکه بناحق ژوندون را باد انتقاد قرار بدهم با توجه به آنکه چه امکاناتی در اختیار یک نشریه قرار دارد یا ندارد ویا دارارضاء ذوق خوانندگان مشکل پسند با چه مشکلاتی کار گران مجله دست و پنجه نرم میدارند نظریه در مورد



میر احسان برومند محصل پوهنځی انجینری

در بوته نقد وانتقاد



سیماساعی

شكل گر فتن بهتر مجله دارم آن اینكه‌اگــر ژوندون با گسیل داشتن گرو پی از گزار شگران خود درمیان خانواده ها ره گشا یند وبا آن ها در جدل آینده ، مشكـــــلات

ومعضلات خانواد گی آن ها رابه كــاوش و بر رسی گر فته ومیتود و طر قی كــه بتوا ند حلال معضلات ورفع نا بسا ما نی های خا نواده ها گردد وآنرا دو با ره‌در مجله منعكس سا زد . اینجا ست كه ژوندون بیقین بجایی گام چندین گـــام بجلـــو بر داشته و محبو بیتش را هر چه بیشتر از اكنون در میان خانواده خوا هد گسترد.

دوتن محصلین از پوهنخـــی ادبـــیات شا یسته نورزی وسیما سا عی از صنـــف دوم دری در مورد ژوندون چنین نظری دارند خو شو قتم كه كار كنان ژوندون ایـــن هفته نامه خانوادگی‌را در بوته نقدوانتقـــاد قرار داده اند بحث روی مجله ژوندون‌یگانه هفته نا مه پر تیراژ كشورا گر حمل بـر نا رسا یی ما نشود امر یست بالاترازصلاحیت ارزیابی ماكه بشود روی این مجله ذو قـی چیزی گفت چو ن ممكنست هر كس از دید گاه مختلفی .

ژوندون در برابر همچو معضلات منـــحیـــث مجله ی خانوادگی است تا با تقد یم بخش های روا نشنا سی و جامعه شنا سی باذكر كردن صفحات طبی رو حیا ت كود ك ،وز زنا شو هری مدو لباس بابه نشر سپر دن داستان های وطنی كـــه‌خود برانگیزنـــــده باشد و غیره غیره و چنگی ، ه‌دل هر یـك از افراد خا نواده ها بزند كه در بر آوردن این مامول نقش ژوندون خیلی موثرمی‌باشد.

برژوندون است تا دست به اقتـــراحـــات جا لب زده و پرا ی كشا ئید ن خوا ندگان بیشما ر بسوی مجله موضو عات بكر رابه اقترا ح بگذارد . در اخیر شا یسته‌نورزی روی این‌موضـــوع تا كید كـــرد كـــه ژوندون بایست به‌تدویر میزهای‌گـــردو سمپوزیم انتقاد ها مجددا دست زده كاركنان

روی يك شی یا يك پدیده قضا و تـی داشته با شد . با وصف آن چون هد ف اسا سی همه ما داشتن مجله بهتر مرغوبتر وپر محتوا تر خانوادگی است با اشترا ك خویش درین رفراندم باید اذ عـان نمـــود

كه ژوندون در همه حال يك مجله خانوادگی است و يك مجله خانوادگی با یستی همه پسند ومطابـــق ذوق همه اقشار بـخصوص فا میل ها اعم از پدر یعنی رئیس فا میل خا نم خا نه ودیگر اعضای خانواده باشد پدر را ،جع به سلو ك یكمرد و ،و قتش‌در منزل رفتار وی با همسر و فرزندا نش‌با ید چیز ها ی در مجله بیا بد كه رهنمو نی‌اش كند . اگر مجله ژوندون فاقد صفحا ت آشپز ی ودو خت با شد . نه غذا مطا بق میل مر دمنزل خواهد بود ونه لبا س هـای فر زندان مطابق میل شان . چو نكه خا نم خانه از مدرن ترین شیوه هـــای تـــربیتی واجتماعـــی بی نصیب میماند ، اگر جـــدل و یا هم مشا جره لفظی میان زن و شو هر وافراد فامیل صورت میگیرد یكسره گنـــاه را بگر دن ژوندون نمی اندازیم ممكن منشا اینهمه نا بسا ما نی ها و بگو نگو هـــا جای دیگری با شد لاكن‌اكنون این رسالت

آن بتپند، بدوند بجویند تفحص بـــداونـــد بیابند به مراجـــع مــــربوط تیلفون بكشند وبانشر واشاعه فشردهٔ از رویداد هـــا اعـم از هنری سینما یی علمی ذوقی مرد می در مجله همت گمارند .

عبد الحمید و ها بزاده از صنف چها رم رشته المانی پو هنخی ادبیا ت پیرامون این نظر خواهی هاچنین ابراز نظـــر دا شت : خدما ت ژوندون یقینا ستو دنی ووصف كردنی

است لاكن قهر نشو ید اگر بگو یم بعضا در مجله تا ن مطالب خسته كن و بكنو اختی بچشم میخورد وخوا نده ها برای هفته های

متوا لی با همان كلیشه خسته كن برمـــی خورد اینجاست كـــه تكـــرار و فزونـــی گر فتن این قما ش مطالب در مجله وذین ژوندون خواننده مشكل پسند سخت گیـــر تحول پسند و پر توقع ما را منز جراز مجله میسازد و خوا نند ه هیچ موردی نمی یابد كـــه مثلا هر هفته داستان (آنهای كـــه زنده اند) ازژان لافایت ... را كـــه كتاب‌آن را سال ها قبل یكبار به دری خوانده اســـت

پشتوی آنرا مكررا در ژوندون بخوا ند صر فنظر ازین ، ژوندون باموقف‌و جای خاصی كه‌در میان خوانند گانش دارد با اشكـــالات

طباعتی كه همیشه نگارندگـانش از آن یاد كرده اند مجله خو بی است و محتوایش را سراسر مطالب علمی ، هنری، سیاسی و فر هنگی میساز د كه این موضوع خواننده را جرئت می بخشد تا روی مجله ژوندون حسا ب كند اما شما را به خدا اگرداستان های دنباله داری گیرتان می آید كـــه تازگی درد و عطش خواننده را برای مطالعه قسمت های بعـدی آن بر انـگیخته و تـــا هفته بعد منتظر وبی قرارش می نشا ندزود تر بچاپش بشتابید .

صلاح‌الدین از ریاست تالیف وترجمـــه وزارت تعلیم وتربیه وزهره از لیسه زرغونه پیرامون این نظر خـــواهی گفتند : سفره صفحه فكا هیات مان چرا مملو ازینهمه بـــی نمكی ها ست . مگر از شوری ها وتند ی هابدتان می آید ، راستش اینكه فكاهیـــات تا ن اصلا خنده چه كه حتی شخص را مجبور به تبسم سا خته نمیتوا ند و چـــه لازم به اینهمه اجبار ...

سه تن از شاگردان لیسه حبیبیه بنام هـای عبدالقدیر ، فریدون و محمدنادر

پیرا مـون چگونـی ژو ندون نظر یا تـی داشته اند كه ذیلا فشرده‌آن‌از نـــظرمـــی گذرد .

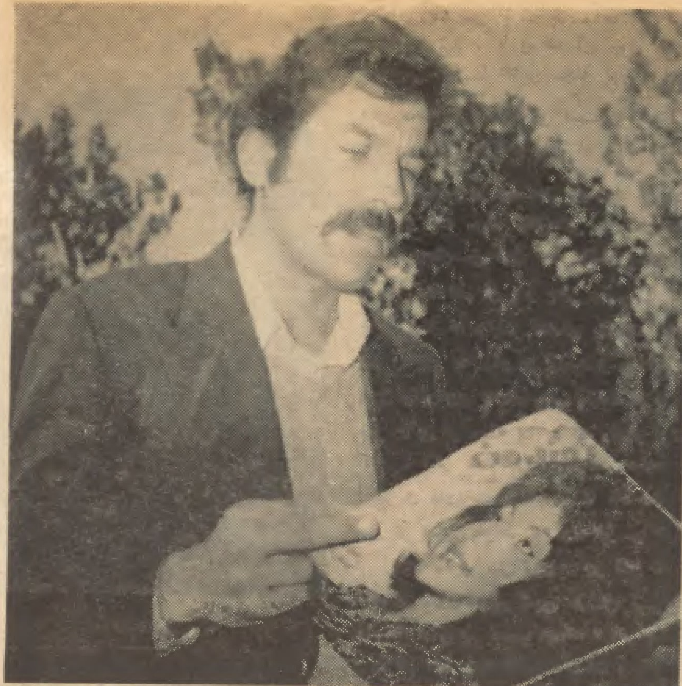
هیچ مجله یسا ن ژوندون از ویژگی های خا صی نشرا تی كه یكسا ن به دل همه چنگ بزند برخورد دار نبوده است .

از ینكه بگذریم مشكل است به اجمـــال روی نشرا ت ژوندون صحبت كرد و طر ح ها و طر قی را برای بهتر شد ن از شكل كنو نی مجله ارائه داشت . بد لیل آنكه

لطفاً ورق بزنید



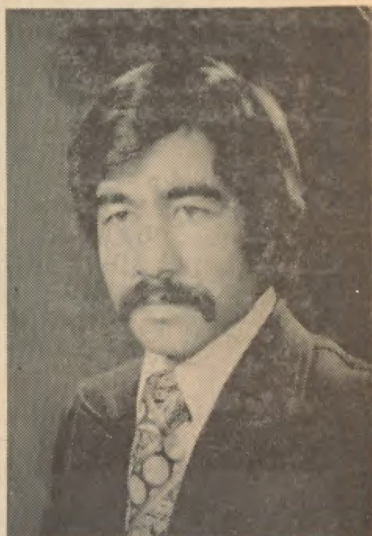
شایسته نورزی



عبدالحمید وهابزاده،ازصنف‌چهارم دیپارتمنت ‌المانی

اگر صر فنظر از فورم و شکل و ظا هـــر مجله به محتوا ی آن داخل شو یم بعضا اغلاط طباعتی بچشم میخورد که اگر کاملا بر طرف شود «نورعلی نور» میدا نیم کـه این ناشی‌ازعدم ماشین های کمپیو تـــریك که خود رفع اغلاط طبا عتی میکند مبیا شد واین از اشکا لاتیست که خوا هی‌نخوا هی گنا ه رابگر دن پروف خوا ن مجله می اندازد . اگر ژوندون مترجمین ورزیـــده‌ای را استخدام و موظف بدارد تا در اسر ع وقت دست به تر جمه تازه ترین رویدادهای ذوقی و هنری که بیشتر خوانند ه را بخود بکشد و مصرو فش گر داند بزند کا ریست مطلو بتر .

یکی از انتقا دا تی که ممکنست عده زیادی از خوانند گان ژوندون تائید شی‌بدارند هما نا کهنه شد ن مطالب واغلبا ع‌دم‌نا وقت برآمدن مجله ازچاپ است کـــه‌این‌خـــود مجله کهنه می‌نمایاند . منظور اینـــکـــه مجله هفتگی با یستی حاوی مسا یل وروی داد های مربوط بهمان هفته با شد بد ین معنی که ژوندون در پایان هر هفته نیزخود



محمد غوث محصل ؟

حثیت مجموعه از رویداد ها ، گـــزارش ها حوا دث ومطا لب تازه دست اول هفتـــه بـــا شد چـــو ن مـــو ضـــو ع نقد و انتقاد در میان کشیده شد منهم بی پرد ه‌از آن مو ضو عات که خواند نش برا یـــم لطفی ندا شت یاد آور شدم اینبود یکطرف قضاوت ، اما چه بهتر که بانگرشـــس عمیـــق به نحوه نشراتی مجله مـــزایاوخـــوبی‌های مجله رانیز برشمرد:ژوندون سرآمدهمه مجله های کشور وقدامت نشراتی دارد. ژوندون‌باز تا بی از حقا یق عینی جامعه است .فر قی نمیکند اگـــر بایك مجله پر طمطراق غـــربی ازنگاه رنگ آمیزی ودیزاین برابری ندارد مهم اینست که‌در ژوندون اکثرا مطالب‌مترقی وبدرد بخورسراغ میکنیم نه مطالـــب اغـــوا کننده وفریبنده .

چون ژوندون مجله‌محبوب خانواده هاست طبعاباید مطالب آن طوری تهیه وتـــدوین‌گردد تادر ازدیاد سطح آگاهی خانواده هـــاکمك قابل توجه‌نمایدچنانچه‌این‌مامول تااندازه‌براورده شده امیدواریم در مجله درمورد معلومـــات های صحی وبهدا شتی توجه بیشتر بعـــمل آید وخانواده های محترم را به پیـــروی از اصول حفظ الصحه وطرق‌وقایه امراض مختلفه مخصو صاً امرا ضیکه درکشور ما‌زیاد تـــر شیوع مینماید ، تشویق نمایند. بخش مصاـ حبه باهنر مندان وخبر های هنری وسپورتی ازتمام دنیا در مجله باید ازدیاد یابد .

اینبود نظریات سه تن از محصلین صنف چهارم تاریخ پو هنځی ادبیات‌ماریاضیا ،حبیبه جمال وآمنه‌صفدری

از محمود غوث «زمری » محصل‌پو هنځی علوم اجتما عی دیپار تمنت تاریخ پو هنتون کابل پر سیدم

● آیا مطالب و مضا مینیکه در ژوندو ن به نشر می رسد از نظر شما دلچسپ‌است؟

بلی !زیرا مطالب ومضا مین که درژوندون به نشر میر سد اکثرا بمثابه ای درسیست برای فـــامیل ها وخانواده ها وجـــوا نانیکـــه دارای مکونات عالـــــی بـــوده ، نه تنها من به مطا لعه ژوندون علاقه وافرو مفر ط دارم ، بلکه تما م فامیل هائیکه خوا هان یك زند گی آرام وبدون تنا قص ومشکلات خا نوادگی اند ، ژوندون را می پسندنـــد و مطا لعه می نمایند ، که اینگو نه مضامین خا نوادگی در لابلای صفحات مجله بـــــه نشر می رسد .

● شما که محصل هستید آیا به مجلـــه ژوندون علاقه دارید واز جملـــه خوانـــنـــده دایمی او هستید ؟

-چرا نی ؟ من که‌به صفت یك جوا نو محصل عضو کانون اجتما ع میبا شم بـــه مطا لعه ای مضا مین هنری و علمی وبویژه انتشا ر راپور ها ی علمی واکتشافی که به کمك علم امروزه به اسا س پیشر فت های (انقلاب علمی وفنی)اکثر جوا نا نوروشن فکران کـــه دانشمندان جـــامعه شـــسان بوده، در زمینه مطالعه بروی کرهٔ زمین ، در ك واقعیت ها ی هنری آموز شی ، تجارب در قسمت ستاره شنا سی، عوا رض طبیعی ، فضا نوردی وغیره میپردازم واستنتاج‌میکنم که به چه مو فقیت ها ی بزرگ رو برو گشته اند ، که درج اینگو نه مضا مین‌علمی وثمر بخش و غنی شده از منا بع‌آموزشی، همچنا ن نشر مضا مین که میتوا ند جوانان را متو جه فر دای زند گی شا ن گر داند و مسو ولیت ها ی شا نرا در قبا ل وظایف مبرم که جا معه از آن تو قع دارد ،نشر میشود و میتوا ند ذوق من ودیگر دا نشـ دو ستان وروشنفکرا ن را اقنا ع کند.

● در مورد ژوندون چه نظر وانتقا دا تی دارید ؟

-البته مجله ژوندون با آنهمه مزایاوخوبی هائیکه یاد کردم به‌زعم خودم دارای نواقصی میبا شد که :

اولا مجله ژوندون به وقت معینه بـــــه بازار عرضه نمی گـــردد و بسیار دیده‌شده‌که چند شما رهٔ ژوندون در یك جلد نشر شده که این خود از خوا نندگان مجله میکا هد زیرا و قتی مجله یك یا دو هفته نشرنمی شود ودر هفته دوم یا سوم یك جلد شامل دو شماره چاپ یا نشر میشود مطالب کهنـــه میشود که هیچ کسی دلچسپی به خوانـــــدن مجله پیدانمی کند.

پس باید هـــر شماره بوقـــت معین‌نشرو برای مشتر کین وخوانند گا ن عر ضه گر دد .

ثانیا اینکه مطالب و مضا مین ژوندون بسا او قات طولانی و خسته کننده نشـــر میشود که این برای خواننده دلزدگی از مطلب ببار میا ورد .

پس با ید مطالب کوتاه ، پر مفهو م و دلچسپ نو شته و نشر شوند .

چون یکتعداد زیاد جوانان به مطا لعه ژوندون علاقه دارند پس با یست با جوانان همیش مصا حبه ها ی در موارد مختلـــف از قبیل مسایل علمی ، درسی واجتماعی‌بعمـــل بیا ید . ولی در ژوندون اینگو نه مصاحبه هاکم ویا هیچ دیده نشده ،که‌ایـــن خـــود یکی از نوا قص مهم بوده واز خوانندگان یا علاقمندان مجله یعنی جوانان میکا هد.

قبلا یك‌صفحه بنا م «قصه‌ازغصه ها»به‌نشر میر سید ولی حالا این صفحه وجودندارد بسیاری از افراد جامعه خوا ها ن مطا لعه آن صفحه بودند . چون حالا صفحه قصه غصه ها نیست پس بازهم نقصی در مجلـــه پد ید آمده که از مطالعه کنند گان‌دیگر خود نیزکاسته . پس بایـــد صفحـــه‌قصه‌از غصه ها دو باره احیا گردد.

● در این مجله بیشتر کدام مطالب برای شما وامثال تان دلچسپ‌است؟

-برای من تمام مطالب و مضامین مجلـــه خو ش آیند ، دلچسپ وخوا ند نی انـــد اما با آنهم به صفحه جوانان ، مصا حبه های خبر نگا ران با افراد جا معه و مطالب و مضا مین علمی ، فرهنگی وهنری علاقمندی شد یدی دارم .

درمورد دیزاین وصحافت‌مجله چه نظردارید؟

ه-درین قسمت گرچه معلو ما ت‌کا مـــل ندارم اما با آنهم نظرم چنین‌است :

درروی جلد تنها به‌نشر فوتو های هنرـ مندان اکتفا نشود ، بلکه بـــا فـــو تـــو های افراد جا معه یعنی زحمت کشان وطبقه ی محـــــرومجـــامعه بیشتربنشربرسد. زیرامردم خو اهان آن اند که ازبین خود شا ن برای خود شا ن نشر شود .

دیگر اینکه اگر صفحات مجله رنگی‌شود خو ش آیند بوده ومجله را زیبا جلـــوه مید هد و علاقمندان زیاد پیدا می نماید.

چون رنگ ها تو جه زیادی ر ابخودجلب مینما ید و هر کس شوق مطالعه مجله را پیدا می نما ید در غیر ازین ها نمی توانم در باره صحافت مجله چیزی ابراز کنـــم.

محمد حسن بیژن محصل صنف چهارم ژورنالیزم در مورد ژوندون چنین ابرا زنظر نمود :

مجلات را عموما به سه کته گوری تقسیم می کنند که عبارت انداز مجله های عمومی، مجله های خصو صی ومجله های اختصاصی مجله وزین ژوندون هم در قطار مجلات‌عمومی جای دارد . این نوع مجله ها طوریکه از نام آن پیدا ست برای استفاده تعداد زیاد مردم وبنا بر آن به تنا سب تیراژ سا بر نشریه هـــا ی کشور های مربوط به تیـــراژ بلند تر نشر میشود .

بقیه درصفحه ۲۲

از مسایل صلح وسوسیالسم

ترجمه : غـلام رحیم

تحفه انقلاب برای زنان

مساله آزادی وتساوی زنان حیثیت وموقعیت شایسته آنها رادر جامعه ودر خانواده نمی‌توان از مساله انکشاف اجتماعی وپروسه انقلابی یک کشور جدامطالعه نمود . زیرا تجربه‌جنبشهای نجات بخش نشان میدهد که پیروزی یک انقلاب مربوط به این امر است که زنان چقدر در آن سهم دارند. چنین است که انقلاب در کشورهای آسیایی وافریقایی که‌راه رشد مترقی را آغاز نموده اند هدایاتی فراوان برای زنان آورده است

درجمهوریت دموکراتیک خلق یمن درشرایط زندگی زنان تغییرات اساسی رونما گردیده است . یک قانون جدید در مورد خانواده‌مورخه سال ۱۹۷٤ به سنن ورسوم فرسوده پایان‌داده وتساوی حقوق زنان بامرد وحمایت مادران را تامین نمود. سازمان‌عمومی زنان‌یمن درانتخابات شورا های خلقی محلی سهم گرفته وفعالین آن میتینک ماه انتخاباتی را همراه بامردان رهنمایی نمودند. زنان حایز عضویت کمیســـیون‌های انتخاباتی ، رول میلفین رابازی کردند. بدین ترتیب از جمله وکلا، ۳۵زن انتخاب‌گردیـــد. دردسامبر ۱۹۷۷ قانون در مورد کارنافذ شد که مزد مساوی را برای کارمساوی‌مقـــرر نموده و منافع زنان را تامین نمود. این قانون رخصتی یکساله بدون معاش‌اخذ نموده‌وبـــدون ولادت و ٦۰ روز بعد از ولادت را تعیین نمود.

مادران به منظور مراقبت از اطفال خود می‌توانند رخصتی یکساله بدون معاش اخذ نموده بدون آنکه وظیفه خودرا ازدست بدهند. تااین‌اواخر زنان یمن از خانه بدون پشماک (پرده) خارج شده نمیتوانستند اما امروزبرای اولین مرتبه در تاریخ‌کشور بامردان یکـــجاکار می‌کنند. جمهوریت دموکراتیک خلق یمن اولین کشور عربی است که تحصیل مشترک دختران وپسران راتطبیق نمود. سازمان عمومی زنان یمنی در ۵۸۸ مرکز امحای بی سوادی که درسال ۱۹۷٦ چهل هزار زن در آن شامل بودند فعالیت می‌کند

در سال ۱۹۷۵ به مناسبت سال بین المللی زنان تحت پروگرام ملی یک‌تعداد مراکز عمـــده تعلیمات حرفیی وعمومی برای زنان اعمار شد زنان یمنی امروز درموسسات تعلیمی خـــارج از کشور مصروف فرا گرافتن علـــوم‌ازجملـــه انجنیری وحـــقوق می باشندبـــه اساس‌رول چشم گیرزنان یمنی در فعالیت های اجتماعی بود که یونسکو به اساس سفارش فدراسیون دموکراتیک بین‌المللی زنان به زنـــان‌یمنـــی یک جایزه بین المللی امحای بی سوادی را اعطا کرد. در جمهوریت دموکراتیک خلق یمن زنان به طور روز افزون در صنایع مصروف‌کار می‌شوند . به طور مثال در فابریکه نساجی که در سال ۱۹۷۵ شروع به‌فعالیت کرد از جمله ۱٤۰۰ کارگر آن ٦۰ فیصد آنرا زنان تشکیل می‌دهد . تمام این زنان به یک سویه عالی‌وقوی ارتقا یافته ۷۰ زن به افتخار قهرمان کار نایل شدند .

در جمهوریت تانزانیا زنان از حقوق مساوی متمتع می‌شوند . بعد ازحصول استقلال تساوی حقوق زنان بامردان در قانون اساسی کشور قید گردید . زنان تانزانیایی بخصوص زنان دهقان از مدت‌هااسیر مردان بودنددرحالـــیکه باتوجه به سنن ملی این زنان یگانه نان آور خانواده‌خویش هم بودند . اما امروززنان دراین کشور حایز مقامات رفیع درارگان های دولتی بوده وهفت زن در کمیته مرکزی (حزب انقلابی تانزانیا)عضویت دارند یک قانون که دراواخـــر نافذ شد به زنان کارگر حامله یک رخصتی ۸۷ روزه قایل می‌شود . تقریبا از ۱۵ سال به این طرف‌مبارزه علیه بی سوادی درسراسرکشـــور جریان دارد. درسال۱۹۷۷ تمام اطفـــال حا یز سن مکتب به شمول دختران برای اولین مرتبه شامل مکاتب گردیدند . حکومت توسط مقررات از دواج جبری دختران‌راکه هنوز مکاتب‌ابتدایی را پایان نکرده‌اند یک‌عمل جرمی‌پنداشت امروز دختران نصف محصلین پوهنتون هارا تشکیل می‌دهد .

سازمان انقلابی زنان کانگوکه در پروسه نوسازی انقلابی جامعه سهم فعال دارند چهارده سال قبل در جمهوریت خلق کانگو تاسیس‌شده زنان رول روز افزون‌درزندگی اجتماعی وسیاسی بازی می‌کنند . زنان عضو کمیته مرکزی(حزب کار کانگو) و عضو حکومت می‌باشند . حکومت دموکراتیک انقلابی زمینه رهایی زنان راازستم فراهم ساخته وحقوق مساوی شانرا بامردان به شمول حق کار تامین‌نموده چنانچه سطـــح استخدام زنان تقریبا چهار مرتبه در پایتخت کانگو در جریان سال های انکشاف مستقل بلند رفته که خود این امرسهم هر چه بیشترزنان‌را در تولید نشان میدهد .

توجهات همه جانبه برای زندگی بهتر مادران صورت گرفته است . مادران حامله حق سه ماه معاش بار خصتی را دارند .درست پنجاه فیصد مصارف حاملگی را برای زنان مساعدت می‌کنند حقوق‌ماهانه۱۵۰۰ فرانک برای هـرطفل پرداخته می‌شود . تعداد دختران که مصروف تعلیمات عمومی ویا شامل موسسات تحصیلات عالی می‌باشند به‌طور مستدام افزونی می یابد.

درجمهوریت خلق‌انگولا نهضت زنان‌درجریان سالهای مبارزه برای استقلال تاسیس شده.

اعضای «سازمان‌زنان‌انگولایی»دوش بدوش‌مردان در راهی حصول استقلال مبارزه کردند . زنان تاهنوز سلاح را بر زمین نگذاشته اند چهل هزار زن عضو سازمان زنان انگولایی به قطعات دفاع مردم غرض به عقب راندن نژاد پرستان افریقای جنوبی پیوستند . امروز در جامعه غیر استثمار ی انگولا زنان بامردان حقوق مساوی در تمام ساحات زندگی دارند . یک تعدادزنان در اولین کانگرس (حزب خلق زحمتکش) بـــه ۱۹۷۷ به عضویت کمیته مرکزی انتخاب شدند هم چنین زنان‌دراین‌کشور عضوحکومت می‌باشند به‌تعقیب ملی ساختن تشبثات خصوصی زنان فرصت های زیادی به‌منظور احرازو ظایف‌یافتند سازمان زنان انگولایی اهمیت فراوان به امحای بی سواد ی قایل بوده واین کاررا به اشتراک زراعت تعلیم وتربیه انگولاانجام می‌دهند.

پیشرفت ها درایـــن ساحه‌ازاین واقعیـت به خوبی درک می‌شود که‌یک تعداد زنان مردان را سواد یاد میدهند هم اکنون زعامت حزب خلق زحمتکش از سازمان زنان انگولایی توقع نموده است که پیشنهادات خودرا مبنی بـر تنظیم یک مقرره درمورد مرخصی چهار ما هه زنان حامله تقدیم مقامات دولتی نمایند .

اولین کانفرانس‌سازمان زنان موزمبیق که‌در سال ۱٤۷۳ در جریان مبارزه این کشور برای رهایی ازستم استعماری انعقاد یافت .از آن تاریخ به‌بعد تحولات به سود زنان دراین کشور صورت گرفته است. قانون‌اساسی کشور حقوق مساوی زنان رابا مردان تضمین می‌کند . زنان در امور دولتی سهم فعال دارند . در انتخابات ۱۹۷۷- ۲۷ زن به عضو یت اسامبله ملی این کشور انتخاب شدند ویکصد وده زن نمایندگان اسامبله ولایتی را احراز کردند . یک میرمن امروزمتصدی وزارت معارف و کلتور میباشد

کارهای زیادی به خاطر جذب زنان در اداره موسسات صورت گرفته است . زنان در آزادی کار مساوی ، حق‌مساوی‌می‌آورند واهمیت‌فراوان به‌خاطر تعلیمات حرفوی شان داده شده است.

به‌اساس پروگرامی که اخیرا براه انداخته‌شده است زنان در حرفه های که قبلامختص به‌مردان بودتربیه می شوند. زنان حامله ازمرخصی‌دو ماهه استفاده می‌کنند .

کشور های روبه انکشاف به شمول دولی‌که جهت گری سوسیالیستی را انتخاب کرده‌اند. مشـــکـــلات زیادی برای رهایـــی زنان ازقید ظلم‌وستم‌دارند.حل‌آنها نه‌تنها‌به‌شرایط داخلی وملی مربوط بوده بلکه حمایت و تجارب بین المللی جامعه سوسیالیستی رادر حق‌کشور های روبه انکشاف همیشه روا داشته اند نیز مهم می‌باشد .

ژوندون در بوته نقد وانتقاد

از خصو صیات بارز این دسته مجلات در پهلوی تیراژ وسیع ، تهیه مواد برای تمام مردم بدون در نظر داشت سویه دانش،سطح در آمد نو عیت جنس واندازهٔ سن میبا شد این دسته مجلات بیشتر به منظور اطلاعات یاسرگرمی ویاهردو نشر میشود.

بادر نظرداشت مطالب فوق خوانندگان مجله ژوندون را نمیتوا ن به یك دسته ویا طبقه تقسیم نمود . مطا لبی که در مجله ژوندون نشر می گر دد باید مطابق روحیه تمام اقشار و طبقات اعم از: دهقا نا ن، کارگران ، ورزشکا ران ، مامورین ،استادان محصلین ،متعلمین ، هنر مندان نویسندگان ، دکا نداران ، خا نواده ها وسایر مردم با شد . بنا هر کسی که اگر بخواهد مجله ژوندون را ورق بزند با ید مطلب مورد علاقه خود را در آن بیابد . ولی بعضا یك سلسله شکا یات ونارضا یتی ها ی در قسمت مطالب مجله ژوندون شنیده شده که علت عمده آن را میتوا ن عدول مجله ازهدف اصلی اش دانست • سال های رامن به یاد دارم که مجله ژوندون در غرفه ها ی فرو ش به کسی نمی رسید و خوانند گا ن باشتیاق تمام انتظار نشر شماره جدید آنرا می کشید ند ولی گا هی هم دیده شده که کسی بطر فش حتی دور نخورده است.گاهی هم ژوندون کاملا شکل یك مجله اختصاصی

رابخود گرفته است وبا نشر مطالب علمی وبعضی مطالب دیگر روحیه خودرا ازدست داده وخوانند گان دایمی خود را فرا موش کرده است خوانندگان ژوندون نسبت به مطالب خارجی مطالب داخل کشور را بیشتر می پسندند بجای اینکه یك هنرمند و یا ورزشکاران خارجی را بشنا سند ، آرزو مند شنا ختن هنر مند وورزشکا ر خود مان میبا شند ، ولی اکثر اوقات دیده شده که ازمطالب داخلی درین قسمت خبری نیست واین بدان مفهوم است که یا ما اصلا هنر مند وورزشکا رنداریم ویا کار کنان ژوندون به این مطالب علاقه نمی گیرند .

لذامجله ژوندون بخاطر بر آورده شد ن هدف ژور نا لیستکی اش باید مطا بق خواست خوا نند گان خویش حرکت کند واین ما مول وقتی بر آورده شده میتوا ند که مجله ژوندون پیشنهادات وانتقادات خوانندگان خویش را تا حدامکان بپذیرد . همچنان مو جو دیت کار کنان مسلکی در راس صفحات اختصاصی مختلف ژوندون که بتواند رضایت خا طر خوا نند گان را فرا هم بسازد ،ارزشی خا صی دارد .

بناء برای هرچه بهتر شدن مجله ژوندون ضرور یست تا مواد ومطالب داخلی بیشتر نشر شود . همچنان سعی بعمل آید تا در هر شماره یکی از چهره های هنری وسپورتی همراه باعکس های آن معرفی گردد • نشر داستان ها ی کوتاه از نو یسند گا ن ورزیدهٔ کشورمان وهمچنان مصاحبه باآنان مطالبی دلچسپی برای اهل ذوق درین رشته بحسا ب می آید .تهیه راپور تاژهای شهری از اهل کسبه وایجاد صفحه برای نشر فانتیزی ها ودیگر مطالب ذوقی در پهلوی صفحه فکاهیات بیشتر باعث جلب توجه خوانند گان می گردد. همچنان تهیه مطالب فیچری ، معرفی مراسم مختلف از گوشه و کنار کشورمان همراه با تصویر های زنده وتشویق خوانندگان به گرد آوری چنین مطالب از سا یر ولایات به زیبا ئی ژوندون می افزاید،همچنان نشر مطالب خارجی درساحه های سینما،تیاتر موسیقی ، سپورت ، ادبیات وسایر قسمتها بسیار مهم است • علاو تا قطع وصحافت دیزاین مجله وچاپ عکس های مطلوب در پشتی مجله بصورت واضح وروشن مرغو بیو جذا بیست مجله را بیشتر سا خته وباعث جلب توجه خوانندگان می گردد .

سیما ترانه خوانندهٔ رادیو تلو یز یون در مورد نحوه نشرات ژوندون نظر داده گفت. ژوندون همانطور یکه از نامش پیدا ست مجله یی است که میتوان همه مطالب و موضوعات مختلف موردعلاقه خوانند گان را درآن بیابد بنا عخوا نند گان این مجله از همه اقشا ر وطبقات اند .

اینموضوع واقعا حقیقت دارد و منآنرا بخا طر خو شی شما نمیگو یم .

-بلی این یك حقیقت مسلم است که ژوندون یك مجله خواند نی و جالب است.

بیشتر کدام مطالب و موضو عات برای شما وامثال شما جالب است ؟

یکی از مسایلی که برای من و شاید برای همکا ران وهم مسلکان من جا لب ودلچسپ با شد مصا حبه ها و گفت وشنود ها باهنر مندان است . تااز این راه خواست ها، نظر یات ود رد دلهای آن ها انعکاس داده شود .

موضوع دیگر ی که میتوا ند این مجله محبوب خانواده هارا دلچسپ ترو خواندنی تر سازد ترجمه ها وراپور های متنو ع ازمنابع مختلف خا رجی است .و مخصو صا اگر مسا یل هنری بیشتر نشر شود بیشتر مورد علاقه قرار خواهد گرفت . وباید این نکته را نباید از نظر دور داشت که هنر حدو مرزی نمی شنا سد و نباید انسان در این مورد تنگ نظر باشد .

درمورد صحافت مجله سیماترانه گفت : صحافت مجله به نظر من زیبا وتوا م با سنگینی خاص این هفته نامه است و لی بعضا عکس های در روی جلد این مجله بچاپ می رسد که از زیبا یی این مجله می کا هد . البته باید بگو یم که من ژورنا لیست نیستم واین تنها نظر شخصی خودم است و شا ید در این مورد اشتباه کرده با شم .

ادامه دارد



تاثیر سگرت بالای وضع ظاهری انسان

درجستجوی مرد سالخورده

وظیفه بمن سپرده شد تا در قسمت مرد صد سا له ئی نکتهٔ چند بنو یسم وبه این تر تیب به خوانند گان نسخه هد یه نما یم تابد ین وسیله بتوانند هر چه بیشتر طویل العمر شو ند منحیث مثال شخصی رابابد انتخاب میکردم که ازتمام مزایای زند گی بهره مند می بود نه اینکه گوشه گیر وتارك دنیا

چند سالخورده راکه درکوچه وبازار مخا طب قرار دادم نه می توانستد قهر مان صفحه شو ند زیرا یکی هنوز پا به سن صد سا لگی نگذاشته بود ودو می همینکه زبان به سخن کشودم بدو ن مقدمه در باره نقایص سگرت ونوشیدن مشرو بات الکولی لکچر برایم می خوا ند .

گفتگو ئی که با شخص سا لخورده نسبتاً نیرو مند انجام دادم نیز مایو سم سا خت همینکه زبان به سخن کشود چنین گفت : من یکصد وسی سال دارم اما هنوز هم از صحت کامل بهره مند هستم میخوا هید بدا نید چطور بیشتر زندگی کرد ؟ من به دا نستن این کارمیل داشتم اما وقتیکه ازفوا ید سبز یجات وتفر یح درهوای آزاد به بسیار قیل وقال سخن به میان آورد وبا گو شت وماهی جنگ اعلام داشت من با استفاده آزازد حام اشخاص بیکار که اطراف مارا احاطه نمودند به بسیار آهستگی بدون اینکه متو جه شو ند بدوررفته وخو درا از شراو نجات دادم تجسس رابعدا بسیار دیر ادامه دادم تا اینکه بالا خره شخص مورد نظر را یافتم!

کمانی که در پشت سر حمل می کرد ازسا لخور دگی وپیری اش شهادت می داد.

زمانی که از پهلویم می گذ شت ازقیا فه ووضع حد س زدم اقلا

بقیه در صفحه ۵۰

نزدیکی و پیوند هر چه بیشتر روابط بین سیستم جهانی سوسیالیسم وجنبش آزادی بخش ملی وهمکاری متقابل میان این دو نیروی عظیم درکلیه رشته ها نظیر فعالیت های حزبی ودولتی و زندگی اقتصادی وفرهنگی جهان جهات اصلی پیشرفت مناسبات وگسترش روابط را میرساند .

برای ملل تازه به استقلال رسیده که راه ترقی اجتماعی رادر پیش دارند تحکیم وپیوند روابط با جامعه کشور های سوسیالیستی و نزدیکی روز افزون میان هر دو جهت مساله در شرایط کنونی جهان حیثیت قانون رشد وتکامل را کمایی نموده است . خلقهای میلیونی کشور های نوبنیاد واحزاب انقلابی وپیشرو آنها به این نکته زیاد اهمیت میدهند که : در شرایط معاصر ترقی اجتماعی وانجام کلیه عواید و منابع طبیعی آنها را می بلعد ، بدین لحاظ بشریت برای نخستین بار درتاریخ دربرابراین‌وظیفه‌قرارگرفته‌که سیستم استعماری را با انجام عملیات وسیع به مقیاس جهانی نابود سازند . بعد از فرو ریزی وبرانداختن رژیم های استعماری مبارزهٔ پر توان توده‌های مردم علیه استعمار کهنه ونو ، باز هم یک مبارزهٔ سیاسی بوده که در مرحله عالیتر انکشاف خود هر چه بیشتر تغییرات فشردهٔ اقتصادی کسب میکند .

با تعویض شیوه های اقتصادی وسیاسی سرمایه داری ما قبل انحصاری بمرحله عالیترین آن یعنی امپریالسیم مساله ملی منحیث یك پدیده جهانی تلقی گردید . گر چه امپریالیسم ، ازطریق تقسیم ملل جهانی بدو گروه : غنی وفقیر ، ستمگر وستمکش

نغار «عریف»

اهمیت تحکیم و پیوند روابط میان نیرو های پیشرو جهانی

وجنبش های آزادی بخش ملی

در روند تاریخ

موفقانه و سریع تغییرات ریشه یی در سیمای جامعه از طریق اتحاد برادرانه با نیرو های سوسیالیستی جهانی امکان پذیر است .

پشتیبانی عام وتامی که کشور های سوسیالیستی و جنبش بین المللی طبقهٔ کارگر از مبارزات آزادی بخش ملی بعمل می آورند، گواه راستین بر این واقعیست است که : جنبش آزادی بخش ملی پرابلم ها ومعضلات جدید خویشرا در ساحه این همکاری موفقانه حل مینماید وبه پیروزی‌های چشمگیری دست خواهد یافت . این پیروزی ها ازنقطه نظر اهمیت خویش همان ارزش را دارد که کشور های مستعمره سابق برای حصول استقلال سیاسی در جریان مبارزات قهرمانانه خویش با سیستم استعماری بین - المللی انجام داده وافتخارات بی شماری را نصیب گردیده اند .

همانطوریکه در بالا توضیح گردیده سیستم استعماری غارتگرانه در ساحهٔ اجتماعی واقتصادی کشور های وابسته ریشه میدواند به این خصلت نیروی تازه بخشید وهمراه با رشد نیرومند انقلابات کار گری ، جنبش های آزادی بخش ملی مستعمرات باوج خود رسید .

همکاری متقابله وروابطپرشور میان‌سیستم جهانی سوسیالیسم وملل کشور های که راه ترقی اجتماعی را در پیش گرفته اند ، ضربت وفشار سیاسی واقتصادی را که امپریالیسم بر کشورهای تازه به‌استقلال رسیده وارد میاورد، تقلیل میدهد وحتی خنثی میسازد ونیرو های صلح از راه‌ها وطریقه های مختلف به آنها کمك میرساند .

امداد و کمك های سیاسی ومعنوی را که جهان صلح وترقی به کشور های نو بنیادکه راه‌ترقی اجتماعی را در پیش دارند ، مینماید این امکان را فراهم میسازد تاکشور ها باقبول کمترین تلفات از سیستم اقتصادی سرمایه داری نجات یابند ویا حد اقل وابستگی‌خویش رابه آن تقلیل دهند .

در شرایط کنونی موجودیت سیستم جهانی سوسیالیسم ، وحدت وهمبستگی بین‌المللی طبقه کار گر کشور های سر مایه داری ، عامل اساسی تاریخ را در بر میگیرد . در تحت تاءثیر این عامل نیرومند ، کشور های تازه به استقلال رسیده ، نو بنیاد وروبانکشاف بادر نظرداشت شرایط معین داخلی ، باساس اتحاد وسیع وآرایش جدید نیرو های‌طبقاتی، توانائی بیشتر کسب میدارند تا در راه ترقی اجتماعی ، راهی که در آخرین تحلیل‌بسوی ایجاد واعمار جامعه فاقد استثمار منجرمیشود، گام نهند. مساله موردبحث تنها این نیست که سوسیالیسم جهانی منحیث پشتیبان فعال ونگهبان واقعی انکشاف مستقل و مترقی‌کشور های کم رشد خدمت میکند ، بلکه وظایف طبقاتی امداد جهانی سوسیالستی که به کشور های رو به انکشاف مینمایند نیز قابل ارزش بیشتر است .

حقیقت کاملا روشن است که : سیستم جهانی سوسیالستی بحیث نیروی پیشروانقلابی جهانی ، نقش رهبری بین المللی طبقه کارگر را بازی میکند . باین لحاظ اگرسیستم جهانی سوسیالستی وجود نمی داشت ، راه رشد غیر سرمایه داری برای بسیاری از کشور های جهان که از وابستگی واسارت استعمار آزاد گردیده اند ، مسدود بود .

تمام سیستم جهانی سوسیالیسم در دشوار ترین شرایط ، تکیه گاه همکاری های بی شائبه وبرادرانه برای‌کشورهای عقب نگهداشته شده وروبانکشاف میباشد ، که به یقین کشور های تازه به استقلال رسیده به این همکاری مطمئن اند .

بدین ملحوظ همکاری کشور های پیشرفته ومترقی جهان ، بیشرفت اقتصادی و اجتماعی جامعه کشور های دیگر را تضمین میکند . بطور کلی سوسیالیسم برای زحمتکشان جهان شرایط زندگی تازه بوجود میاورد ، موجبات رشد سریع تولید مادی ، سطح زندگی ، دانش وفرهنگ را فراهم میکند ومحترم شناختن شخصیت افراد را تضمین مینماید .

برای همکاری موفقانه وبرادرانه میان ملت ها در راه از بین بردن عدم تساوی که میراث شوم گذشته میباشد ، دو شرط لازم وضروری پنداشته می شود :

۱ـ اعطای امداد های لازم ووسیع برای کلیه ملل عقب مانده جهان که بواسطه این کمك ها توانائی انرا پیدا نمایند تا به عقب ماندگی خود خاتمه بخشند واز نقطه نظر رشد اقتصادی و فرهنگی هم پایه با کشور های پیشرفته گردند .

۲ـ همبستگی کامل میان طبقه کار گر ملت های رو بانکشاف با طبقه کار گر ملت های پیشرفته سرمایه داری وطبقه کار گر کشور های مترقی جهان .

امدادی را که کشور های پیشرفته وصلح دوست جهان با کشور های کم رشد وعقب نگهداشته شده در زمینه تربیه وپرورش کادر های ملی ، ایجاد شرایط درست معارف‌عمومی، احیای فرهنگ ملی انها مینمایند ، امپریالست ها وکلیه نیرو های ارتجاعی را از بخش‌های عمدهٔ ومهم اعمال نفوذ مادی ومعنوی درحیات اجتماعی این کشور ها ومجرای انتشار افکار و نظریات ارتجاعی ضد سوسیالستی محروم میگرداند .

بادر نظر داشت پیوند و تحکیم روابط دوستانه بین نیرو های آزادی بخش ملی و جامعه کشور های سوسیالستی ، .در پرتو شرایط رشد اقتصادی مداوم وپر تحرك‌خویش دامنه سایر کمك های خود را به کشور ها ی نو بنیاد ، گسترش میدهند وعمیق ترمیسازند تجارب فراوانی که کشور های جهان صلح وترقی از رویداد های پیهم جهانی در دست دارند . مساله پشتیبانی و تضمین همکاری های بی غرضانه برای آن گروه از کشور های آزاد شده که راه رشد غیر سرمایه داری را بر گزیده اند اهمیت ویژهٔ دارد .

اید یالوگ ها وسیاستمداران امپریالستی باتمام انرژی وتوان مادی ومعنوی مذبوحانه وتب آلود در تلاش اند که : از کشور های روبه انکشاف بمشابه «هستهٔ حیات بخش» برای ارگانیسم پوسیده بورژوازی استفاده نماید وبدینطریق عوام فریبانه با ماست‌مالی، زوال حتمی سرمایه داری رابه عقب اندازند . سرمایه داری با تهیه ومصرف نیروی بیشتر برای ایجاد خلل وتزلزل در اتحاد کشور های پیشرو ومترقی ، صلحدوست و مدافع صدیق منافع زحمتکشان جهان، باجنبش آزادی بخش ملی که از بوته آزمون زمان موفقانه بدر آمده و دربخش های مختلف تحکیم یافته، سعی فراوان بخرچ میدهد

پیدایش وتحکیم سیستم جهانی سوسیالیسم این نیروی عمدهٔ ضد امپریالستی اوضاع و شرایط جهان را از ریشه تغییر داد وتاحدود بیشتر فرو ریختن پایه های سیستم استعماری رادر زیر ضربات نیرومند انقلاب های آزادی بخش ملی تسهیل کرد .

پیدایش سیستم جهانی سوسیالستی به قدرت وفرمانروایی سیستم استعماری ضربهٔ قاطع وکشنده وارد آورد وبدین طریق درامر تبدیل قطعی نیروی زحمتکشان کشور های مستعمره به عامل نیرومند وفعال تاریخ جهان نیرویی که پایه های امپریالیسم را متزلزل گردانید، کمك ویاری رساند .

خدمت گذران جامعه سرمایه داری با تمام امکانات ووسایل در تلاش اند تا مانع‌پیشرفت کشور های گردند که تازه از جنگ اسارت بار استعمار نجات یافته اند ودررا ه مبارزات ضد امپریالیستی این کشور هاکه بطورعینی به مبارزه برعلیه تمام اشکال استعمار مبدل میشود ، سنگ اندازی نمایند .

هنگامیکه استعمارگران باقدرت‌ونیرومندی تمام در مستعمرات خویش فرمانروایی میکردند واز حاکمیت مطلق برد وسوم از سکنه روی زمین برخوردار بودند اجتناب ناپذیری اعتلای مبارزات رهایی بخش ملی وضرورت در هم آمیختن آن با جنبش انقلابی طبقه کارگر بین المللی به اثبات رسانید که : همه شرکت کنندگان پیگیر وفعال مبارزات ضد امپریالیستی بدرستی میدانند که اتحاد ملل کشور های سوسیالستی وجنبش های آزادی بخش ملی، موفقیت‌های سیاسی مشخص و سرنوشت پیشرفت سراسر گیتی را بطور کامل استحکام می بخشند .



نویسنده : الکزاندرابریو گونا

ترجمه داود (سکوت)

مقام ومنزلت زن در اتحاد شوروی

مساوات وبرابری مردوزن در امور اجتماعی وفضایی وبوجود آوردن شرایطی که‌زنان بتوانند در حیات اجتماعی وتربیه کودکان ، معقولانه وبه صورت موثر سهیم شوند ٠پالیسی وجایب اخلاقی دولت اتحاد شوروی را تشکیل میدهد. زن ها ، از قرن هابا ینطرف از جمله قشر



زن اتحادشوروی بگونه‌ایکه ازحقوق مساوی بامرد برخوردار است درکنار اوبرای‌شگوفانی هرچه بیشتر کشور عرق‌میریزد.

های ، ستمدیده واستثمار شونده بودند وموقف تاثر باری را ، در میان اجتماع داشتند .
مشکلات وپر وبلمهای زنان از مشکلات و پرابلمهای بغرنج اجتماعی محسوب میشود که

در گذشته ها، تیوریسن هاو جامعه شناسان نظر به‌خصلت‌طبقاتی‌شان‌اساس‌مشکلات‌پرابلم‌های زنان را ، بدرستی حل‌نموده نمیتوانستند وآنرا توجیه دگر گونه میکردندوبشکل تراژیدی‌بیولو- جیکی آن وانمود می‌ساختند وچنین ابراز عقیده میکردند که این مقام پایین وعدم توانایی زنان است که نمیتوانند بکار های مهمی دست‌یازند وافکار واندیشه های خلاقی را تبارز دهند .

مارکس وانگلس بر یشه واساس این پروبلمها تماس گرفته ووانمود گردانیدند که نابرابری وعدم مساوات زنان بامردان ، در جامعه ،کانون خانواده ،اساس های اجتماعی‌و اقتصادی دارد .

لینن، باربار میگفت واصرار میورزید که آزادی و مساوات زنان ، بابوجود آوردن ، یك جامعه انقلابی ، پیوند عمیق وارتباط ناگسستنی دارد .

انقلاب کبیر سوسیالستی اکتوبر، برای نخستین بار ، در تاریخ، زمینه آزادی اجتماعی وکلتوری زنان را ،که‌قرن هاخواب آنرا میدیدند پدید آورد .

نخستین فرامین حکومت اتحاد شوروی‌تبعیض میان زن و مرد را لغو گردانید . اما مساوات قانونی . بین زن و مرد ، همزمان با آزادی‌زنان صورت گرفت. ازاین روخیلی ضروری بودکه آزادی آنها بطور واقعی و موثق اطمینان داده سود تازنان در زندگی نوین نقش فعالی داشته باشند .

لینن پیرامون این موضوع چنین اظهارداشته ست :

(کاری راکه دولت قدرتمند شوروی‌آغازنموده ست تنها زمانی پیشرفت مینماید که بعوض صرف چند صد ، ملیون ها، ملیون زن اتحاد شوروی ، در سر تاسر کشور ، در آن اشتراك ورزند . همچنان مایقین داریم که درین صورت زمینه انکشاف وگسترش سوسیالیزم نیز ، برمبنای درستی صورت خواهد پذیرفت).

حزب کمونیست دولت‌اتحادشوروی واتحادیه های تجارتی به حل و فصل مشکلات وپرابلمها ومسایل زنان در کلیه امور ساختمان یك جامعه سوسیالیستی ، توجه عمیق و خاصی‌مبذول داشته وبرمبنای دگر گونی ، کلی قیافه اجتماع راه حل های ، مشکلات وپرابلمهای زنان راپیدا نموده وکار های خلاق و موثر وشادی آفرینی را، درجهت رفع نیازمندی ها وخو شبختی زنان انجام داده است .

هر قانون و مقرره ای اتحاد شوروی که طی سالهای (۱۹۱۸-۱۹۲۴و۱۹۳۶)بارتباط مرحله‌ای معین ساختمان جامعه سوسیالیستی ،بمیان‌آمده بودند اثرموثری‌دربهبود زندگی زنان داشته است .

قوانین که درسال ۱۹۷۷ در اتحاد شوروی به تصویب رسید موفقیت هاو پیروزی های سوسیالیزم را ، قانونا در مورد برابری و مساوات کلیه زنان بامردان در حیات اجتماعی، سیاسی فامیلی وکار تضمین میدارد . آنچه که امروز از همه چشمگیر تراست عبارت از کمک های مادیست ، که‌بزنان بخصوص‌مادران صورت می‌گیرد .

برخورداری از فرصت های‌مساعد وامتیازات:
درجمله تضمین های مساوات وبرابری زنان که در قانون اساسی اتحاد شوروی ثبت گردیده یکی هم برابری استفاده در کار استخدام‌است. شرکت زنان درکارهای مفید ومولد اجتما عی منجر به آن می‌شود که از یکطرف آنان ، از نگاه اقتصاد مستقل وآزاد شوند واز جانبی ، اساس حقیقی وواقعی ، برابری زنان بامردان مستحکمتر گردد .

در اتحا د شوروی ، حق وحقوق هر تبعه ای آن سر زمین ، به شمول مردو زن توسطملکیت



چهره ای ازچهره های زیبا، جوان، شاداب وخندان کشور شوراها

عامه، وسایل تولید وتشکیلات سوسیالیستی طرح وتضمین گردیده است .

در اتحاد شوروی ، شمولیت زنان ، در کلیه کار های با ارزش اجتماعی بی نظیر است‌وپنجاه ویك فیصد کارگران صنایع‌وموسسات کارو اقتصاد ملی را احتوا می‌کنند. تقریبانصف‌زنان کارگر ۴۹ فیصد در صنایع استخدام شده اند وتعداد زنان در شعبات پیشبرد امور تخنیکی روز افزون است .

در اتحا د شوروی دگر گونی ها،ازنگاه‌نوعیت کار، برای کارگران زن در دیه‌ها، بمرحله‌تطبیق قرار گرفته وکارگر زراعتی در آن کشوربتدریج صناعتی میشوند وحیرت انگیزنیست که یک تعداد زیاد زنان درفارم های تربیه طیور، کمپلکس های تربیه حیوانات. تراکتوروکمپاین ها. بحیث او پراتورکنترول دستگاه‌های اتومات



درافزایش محصولات زراعتی نیز زنان‌کشور شوراها، نقش موثری را بازی‌می نمایند

مصروف فعالیت دیده میشوند .

بادادن حق کار مساوی بامردان برای زنان حکومت سوسیالستی اتحاد شوروی تبعیض را بصورت عموم درمورد حقوق ودستمزد آنان بادادن حق کار مساوی‌بامردان برای زنان ، حکومت سوسیالیستی اتحاد شوروی تبعیض را ، به صورت عموم ، در مورد حقوق ودستمزد آنان نیز از بین برده واین پرنسیپ سوسیالیستی را یعنی از هرکس باندازه لیاقت او وبه هر شخص باندازه کارش)درمورد زن ومرد یکسان تطبیق نموده است .

درکشور شوراها، هرگونه تقلیل دستمزد، نسبت به جنسیت کارگر (همچنان عمر ، نژاد،





...لیت) ممنوع قرار داده شده است. در کلیه ...عب اقتصاد ملی ، معیار دستمزد و معاشات ...اوی واندازه کار، برای زنان‌ومردانی که‌دارای ...ن درجه تحصیل‌عالی باشند. مراعات می‌گردد. ...برعلاوه قوانین اتحاد شوروی ، یك ...لسله امتیازات وسودمندی برای زنان کارگر ... دربردارد بطور مثال درهنگام‌ولادت زنان ...ظایف‌وکارهای‌آسانتر گمارده میشوندومیتواند ...معاش و حقوق قبلی شان برخوادر شوند ...انی که ماشین های زراعتی رابکار میندازند در ...لیکه کار آنها ده فیصد نسبت بمردان کمتر ...میباشد دسمزد مساوی بامردان را اخذ ...کنند .

...حق مساوی زنان کارگر ، بامردان در قسمت ...یمات اختصاصی وتحصیلات مسلکی، تضمین ...ه است .

...اتحاد شوروی ، بطور کلی ، مراحل تعلیمات ...وی را باپایه‌تکمیل‌رسانیده است وتحصیلات ...ر سویه ، طبق پروگرام های مرتبه برای ...یك از تبعه شوروی رایگان است .

...در اتحاد شوروی ، شبکه وسیع و گسترده ...تب مسلکی و تخنیکی وجود دارد و زنان و ...تران میتوانند ، در زمینه های گوناگون ، ...موزش بپردازند . البته باستثنای مشاغلی ...برای زنان لازم پنداشته نمیشود . زن ها، ...جاوپنج فیصد محصلان رادر مکاتب ثانوی ...صاصی تشکیل میدهند . پنجاه فیصدجمعیت محصلان موسسات تعلیمات عالی عبارت از زنان می‌باشند .

از ۱۹٤۱ تا ۱۹۷۷ تعداد زنان متخصصین که تحصیلات عالی واختصاصی‌ثانوی دارندهفده باربلند تر رفته وچهارده اعشاریه هشت‌ملیون ویا پنجاه ونه فیصد تمام متخصصین را تشکیل میدهند .

در اتحاد شوروی انواع مختلف تربیه مجدد صورت می‌گیرد ودر هر زمان شیوه تدریسی دگرگون می‌شود ودرجه تحصیل افرادی که بخواهند بلند برده می‌شود .

زنان اتحاد شوروی چنان عشق وعلاقه شدید به تحصیل وبلند بردن سویه علمی و مسلکی شان دارند که بعداز مرخصی از وظایف شان به تقویه مسلك خویش می‌پردازند ودر پهلوی کاری که انجام میدهند سویه علمی شان‌رابلند می‌برند . بدین صورت آنها می‌توانند دانش‌نو را فرا گیرند ، به شیوه کار ماشین آلات جدید آشنا شوند وتربیه پروفشنلی وعمومی خود را بهبود بخشند ودر عین حال مسلك تازه ای را نیز فرا گیرند .

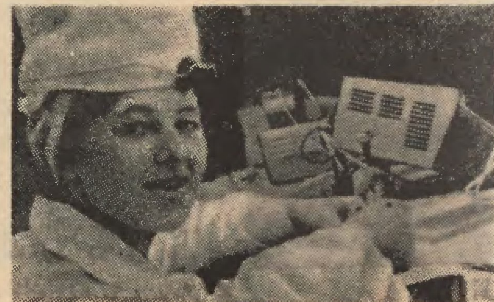
در شوروی تنها درسال ۱۹۷۷ در حدود نه ملیون کارگر زن ، حایز شهادت نا مه‌ای تحصیلات بلند تر شده و بیش از یك اعشاریه هشت ملیون مشاغل تازه و مسلك های جدیدرا آموخته‌اند.

در اتحاد شوروی مقررات خاصی در قسمت حمایت کارگران از نگاه وضع صحی ، مخصوصا توجه به صحت وسلامت زنان کارگر، وجود دارد واین برخلاف قانون است‌اگرزنی‌بکاری استخدام شود که دشوار ورنج آور باشد وبه صحتو سلامت او، آسیب رساند.

همچنان در کشور شورا ها نمیتوان زنان را، به‌کار های موظف گردانید که آنها مجبورگردند اعمال ، زور طلبی راکه بیش از اندازه ایکه قانون معین گردانیده ، انجام بدهند .

زنانی که در مسالك سنگین کار میکنند از امتیازات زیادی بر خوردارندکه امتیازات مذکور عبارت از ساعات کم کار ، رخصتی بیشتر و طولانی ترو حقوق تقاعد زیاد می‌باشد همچنان برای مادران کارگر ، امتیازات خاصی داده‌شده است .

دولت اتحاد شوروی ، همیشه این نکته‌رادر نظر داشته که تضمین بدارد که زنان در شرایط مساعد کار نمایند . چون این عمل توسط مجهز





ساختن مجدد موسسات تخنیکی ، بهبود وضع کار ، دگر گونی شرایط کار و محفوظ ساختن انواع کار ها برای زنان وفراهم آوری تسهیلات برای کار گران ، انجام شده میتواند لذا شرایط فوق را ایجاد نموده اند وبرای همه امورزندگی کار گران خدمات در خشانی را انجام داده‌اند.

در اتحاد شوروی تطبیق حقوق زنان کارگر، از طرف یك هیات مخصوص وبا صلاصیت، نظارت وکنترول می‌گردد . یعنی بوسیله نمایند کان مردم اتحاد شوروی، شعبات حقوق‌واتحادیه های تجارتی همچنان کمیسیون های عامل کار زنان وبهبود شرایط زندگی اطفال ومادران ،که زیر نظر شورای عالی اتحاد شوروی فعالیت میکنند .

موظف است تاتطبیق حقوق زنان رادرکلیه شورای عالی اتحادیه جمهوری های خودمختار دوایر و موسسات اتحاد شوروی تعقیب نماید وبهبود شرایط زندگی زنان کارگر را همیشه مدنظر داشته باشد .

قانون اساسی اتحاد شوروی ، برای تمام اتباع اتحاد شوروی حق صحت سالم را تضمین میدارد . زنان کارگر مانند کلیه کارگران ازتداوی صحی‌مستقیم درموسسات و فابریکات خودودر کلنیك هاو مراکز صحی

اتحادیه های تجارتی ، مساعی خاصی رادر جهت آماده گردانیدن خدمات صحی ، برای‌زنان برخوردارند .

هنگامیکه زنان کارگر در حین کار ، آسیب بیند ویا خطری متوجه‌آنها گردد ، طبق توصیه داکتران ، بوظایف سهل وساده تبدیل میشوند .

درسال ۱۹۷۷ سناتوریم ها،مراکز استراحت وکمپ های توریستی ،جوابگوی پنجاه ملیون کارگر واعضای خانواده ها یشان‌بودند واتحادیه های تجارتی مراکز استراحت مخصوص بودو باش درین مساکن‌وتفریحگاه هایارایگان است ویا بمصرف خیلی ناچیز صورت می‌گیرد .

ارزش‌های حیاتی شیر مادر در

۱٤ـشیر مادر دارای مقدار کافی عوا مل معا فیت و مقا ومت دهنده بمقا بل مکروب ها و انتا نات دارد زیرا اکثر مواد معا فیت ومقاومت دهنده خلطی، حجروی‌و نسجی وظیفوی از طریق پلاسنتابه طفل نمی رسد لیز وزیم وغیره و همین عوامل است که بیشتر ما نع انتا نات گرام منفی وویروس ها میشود واین مواد بمقدار کا فی درشیر مادر موجود است وارزش نجات دهنده‌بمقابل انتا نات وامراض دارد که اکثرا اطفال‌شیر خوار را مصاب میسازد .

۱٥ـ شیر مادر ودادن آن به‌طفل نقش‌بارز وعمده ای در نشو و نمای ذهنی و ذکایی واحسا س صمیمیت طفل واحسا س‌مصئونیت او دارد چه طفل نه تنها به شیر بلکه به آغو ش پر محبت مادری محتا ج‌ونیاز مند است .

۱٦ـشیر دادن مادر به طفل احسا س عشق وتو جه ماهر به فرزند را تقو یت میکند زیرا تجربه ثابت نموده که مادران با تغذیه مصنو عی طفل کمتر علاقه‌و محبت به طفل دارند . وآنقدر ها وجود خود را حتمی نمیشما رند این موضوع ارزش‌اجتماعی داشته واکثر طلاق ها وفجا یع اجتما عی از آن سر چشمه میگیرد .

۱۷ـشیر دادن مادر را از کا نسر شدید مصئون میسازد .

۱۸شیر دادن متواتر ودوامدار طفل باعث افراز هر مونهای مانع حا ملگی شده واز نگاه فامیلی پلاننگ طریقه محفوظ‌وعالی است .

۱۹ـ شیر مادر تا پنج ماهگی غذای مکمل برای طفل است که هیچ مادری را نمیتوا ن از آن معاف نمود وتازمان طولانی حتی دو سال طفل را با ید شیر داد محض بعد از سه ماه غذای مکمل را بعد از شیر دران افزود تاقا نون جدا کردن تدریجی وعلمی از شیر نیز تطبیق شود .

عوامل که طفل را محروم از شیر مادر میسازد .

۱ـ عدم معلومات مادر .

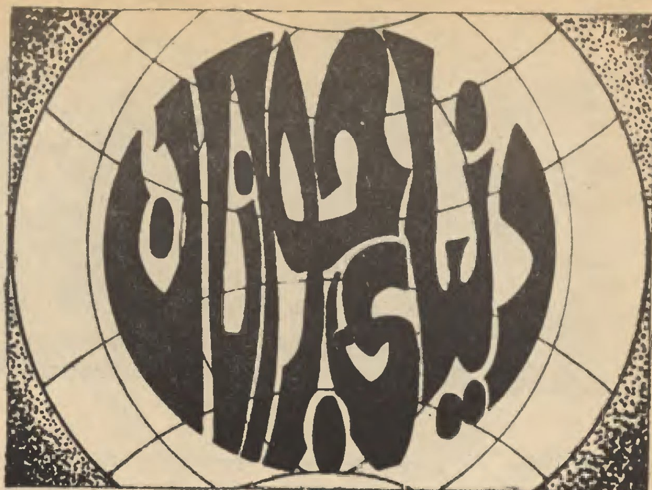
مادران هر گاه از ارزش های حیاتی

بقیه در صفحه ٥۰

در تمام‌ساحات زندگی مردم‌ما محیا گردانیده است. پس با استفاده ازفرصت ومو قعیت باوحدت وایثار در راه شگوفان ساختن کشور بکوشیم.

- بلی بدون ایثار واز خود گذری ممکن نیست بر مشکلات فایق آمد ، باید عمل کرد ودر عرصه زندگی اجتماعی اقتصادی ،سیاسی وفرهنگی به پیش رفت .

سعادت واقعی وقتی مسیر است که وحدت وهمفکری واعتقاد را ازدست ندهیم.



سال نو و آغاز کار

تازه سال نو آغاز شده ، فصل کاروپیکار بخاطر زندگی آسوده وپرنعمت ، پیکار بخاطر پیروزی بر عقب ماندگی هاو نابسامانی های اجتماعی واقتصادی شروع شده است و این آغاز زندگی برای همه ما وشما است .

پس بیایید در این سر آغاز سال که سرآغاز زندگی است دست بدست هم بدهیم وبا اتفاق وهم‌نظری وهم فکری ، کاری کنیم که فرزندان ما وآینده گان بر ما واعمال ما خرده نگیرند وانتقاد نکنند گرچه میراث که از گذشته برای ما مانده آنقدر مشکلات و موانع سر راه ما قرار داده که نپرسید ولی باعزم متین وارادهٔ محکم میتوانیم بر تمام این مشکلات فایق آئیم وزندگی جدیدی را روی این خرابه هابناکنیم.

دهقانان جوان !

امروز که وطن به بازوان نیرومند وکار خلاق تو نیاز دارد، دل‌زمین را بشکاف و آنچه را که مردم به آن ضرورت دارد کشت نما ودروکن. زمین های وسیع لامزروع که سا لها و قرن‌ها دست نخورده باقی مانده در انتظار تلاش وپیکار تست.

کارگر جوان !

امروز وطن واجتماع ما بقدرت دماغ‌وبازوان توکه چرخ های ماشین‌رابحرکت درمی آ وری احتیاج‌دارد‌و‌تو‌برای‌شگوفان ساختن‌مملکت‌خویش بیشتر از هر وقت دیگر عرق بریز وزحمت بکش . زیرا اقتصاد مملکت بستگی به‌تلاش وخلاقیت تودر کار ها دارد .

وبالاخره جوانان ، روشنفکران این شما هستید که میتوانید ، آن میراث های شوم گذشته را ازچهره این مرزو بوم بزدائید و بجای آن تمدنی را ایجاد کنید که قرن ها قبل نیاکان ما بجا گذاشته بودند .

اکنون که سال ۱۳۵۹ آغاز شده ، برتمام نیرو های وطن پرست وبخصوص جوانان‌است تا دست در دست هم داده برای آبادانی کشور تلاشی بی امان بخرج دهند .

قیام ملی ششم جدی که مرحله از تکامل انقلاب ثور است بیشتر زمینه های فعالیت را که در تحت رهبری حزب پیشاهنگ خودشان

نوشته : شیرمحمد «هاج»

پیکار جوانان در اعمار جامعه

به همگان هویدا است که انکشاف مادی ومعنوی یك کشور ارتباط نا گسستنی به کار وپیکار عادلانه مردم ونیرو های ایجاد گر ، روشنفکران ، جوانان آنجامعه داشته وآنان اند که سهم بارز در انکشاف اقتصاد کشور خویش بازی می‌نما یند. جوانان پرانرژی کشور که متشکل از دختران وپسران آگاه وعناصر روشنفکر اند ، مسوولیت های عمده را بدوش دارند .

کشور انقلا بی‌ما افغانستان درازمنهٔ تاریخ پرخم وپیچ‌خودشاهد فراز ونشیب های زیادی است که درجریان اینهمه فراز ونشیب ها مردم غیور وجوانان وطنپرست کشور بااتحاد وهمبستگی برای آبادی میهن خود کار وپیکار نموده اند . ولی نقش جوانان واقعی که‌چون مشعل های فروزان در پیشاپیش کاروان انقلاب خویش در حرکت اند ، آشکاراست.

جوانان آگاه ، امروز مسوولیت های فردی واجتماعی خویش را درك کرده ودرفش کار وپیکار را بدوش بلند داشته اند . همچنان مسوولیت فراوان در تحکیم انقلاب و دفاع از دست آوردهای آنرا نیز بدوش دارند. زیرا پلان های ارزشمند ومترقی که از جانب‌دولت دموکراتیك‌وانقلابی ماطرح‌وترتیب‌شده‌بهمکاری مردم وروشنفکران مترقی در ساحه تدبیق‌قرار داده خواهد شد .

آنطوریکه نا گفته پید است انقلاب ثور ومرحله نوین تکامل آن با در نظر داشت ضرورت های اساسی مردم به پیروزی رسید ، پس از جوانان توقع دارد کار وپیکار نمایند ، که‌این عمل انقلابی را جوانان بادرك ماانجام داده وخواهند داد .

ولی با تاسف باید بگویم که دشمنان‌خلق ما پیروزی های انقلاب ثور وخاصتاً پیروزی مرحلهٔ نوین‌تکامل‌آنرا به‌چشم دیده‌نمیتوانند. روی‌این ملحوظ دست به‌تبلیغات‌وحتی حملات مسلحانه در امور داخلی کشور ما میزنند تا آرزوی باداران امریکائی خودرا بر آورده سازند . واما جوانان ماکه مجهز باتیوری انقلابی اند برای دفاع ازدست آورد های انقلاب وبرای‌دفاع‌ازمنافع‌اکثریت‌مردم‌علیه هر گونه مداخلات، اخلال‌گرانه اجیران خارجی آماده پیکاراندومبارزه مردم ماعلیه امپریالیزم وارتجاع‌داخلی‌وخارجی‌ومبارزه واقعی‌وحقه آنان بوده د رنتیجه پیروزی نیز از آن شان خواهد بود .

موقف ها ومسوولیت های که تذکر داده شد، وظایف ومسوولیت‌واقیعی پسران ودختران انقلابی میهن ماست که آنها باجدیت تمام در ایفای آن مصروف اند . پس بگذارید دشمنان ما یاوه سرایی کنند ! ولی مردم ما بدون هیچ ترس وهراس به پیکار عادلانهٔ خویش ادامه میدهند . زیرا آنان راه اصولی وواقعی رادرپیش دارند وتاآنکه د شمنان خود وکشور خودرا نابود نسازند دست ازاین مبارزه برنخواهندداشت . آن‌سانیکه انقلاب ظفر آفرین ثور وقیام پیروزمند ششم جدی که به نیروی مردم ما به پیروزی رسیده و حامی صلح و نگهبان راستین وواقعی حیات مردم ماست .

اندیشه‌های

نسرین صافی :

دوشیزه گان امروز دارای وظایف سنگین هستند .

دختر انیکه در روز گار آغاز جوانی‌بجای درس و کتاب بدنبال تجمل پرستی و هوسبا زی بروند به یقین از لبخند سعادت واقعی دلشاد نخوا هند شد و اگر بخانه‌شوهر بروند سر شکسته وناراحت هستند و پس از آنکه دارای فرزند شدند مادران بی هنر و نا دان وعصبانی وتند خو میشوند و نمی توا نند وظیفه مقدس وبزرگ مادری راخوب انجام دهند . یکی دیگر از وظایف دختران امروز دوری از فساد و هو س های نا پایدار است .

عفت و پاکدامنی‌دختران امروز سبب‌پاکی وصفای زندگی مردان وزنان آ ینده کشور ماست زیرا دامان مادر بهترین دبستان



فرزندان برومند اجتماع است .

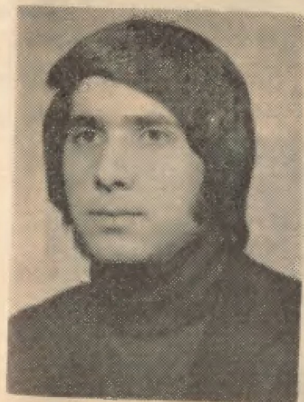
بیشتر کسانیکه براه پیروزی در زند گی گام نهاده اند ابتدا دراین مکتب، خوب پرورش یا فته و تربیت شده اند .

محمد احسان سعیدی :

... رنجی بزرگتر از ین نیست که دراین عصر وزمان جوانان ما از نعمت سواد بسی بهره باشند وشکی نیست که از مهمترین عوا مل عقب ماندگی ملت ها بی سواد ی است .

جوانی که بی سواد وبی دانش با شد روح مبارزه در او می میمرد . پس این سواد و دانش است که جوان را قدرت‌میدهد تا بر مسایل بغر نج وپیچیدهٔ جهان‌ما فا یق آید .

خو شبختانه پس از انقلاب ثور ومخصوصا بعد از پیروزی مرحله نوین تکا مل انقلاب ثور بیشتر از هر وقت دیگر به جوانا ن موقع داده شده‌است تاازمزایای دا نش بشری بهره مند گردند وبافرا گیری هر



چه‌بیشتر ، رسالت خو یش رادر برابر وطن و اجتما ع به بهترین صورتا نجا م دهند .



برای اینکه اندام زیبا داشته باشید

دراین جای شکی نیست که با آغاز سال جدید هرکس مخصوصاً دختران مایلند تا از سلامتی کاملی بر خوردار بوده ودر ضمن خوش اندام نیز باشند برای رسیدن به این مامول ومخصوصاً ازآغاز سال برنامه ویژه غذایی برای خود اختصاص بدهید تابه این خواست وآرزوی تان موفق گردید . این‌امر واضح وهویدا است که چاقی بیش از حد هماندر مضر است که لاغری زیاد . باید در هر امری توازن و تعادل موجود باشد.

چاقی بیش از حد نه فقط باعث خرابی‌اندام انسان میگردد، بلکه برقلب وسایر اعضای بدن فشار می‌آورد وتندرستی را همراه زیبایی به خطر میافگند . این وضع نه تنها از نگاه، جسمی بلکه از لحاظ روانی نیز بر شخص‌تاثیر دارد . مثلا شخصیکه بیش از حد نیاز چاق است وخود را با سایرین مقایسه میکند یك نوع ناراحتی روحی برای او بوجود می آید واین وضع باعث‌میشود که انزوا وگوشه گیری را اختیار کند والبته عاقبت این انزوا را خود میتوانید حدس بزنید .

چاقی در درجه نخست ، زادهٔ پر خوری است ، البته گاه ، بهم خوردن تعادل هرمونی موجب چاقی میشود که البته این نوع چاقی با مراجعه به دکتور درمان می گردد .

بهرحال ، مبارزه با چاقی وبر خور دارشدن از اندم متناسب ، کار ساده‌ای است وفقطیك غذا بخوریم و ورزش را فراموش نکنیم .

شرط دارد وآن ورزش های متناسب مطابق به‌سن وسال شخص است . این را بیادداشته باشید که برای مبارزه ، باچاقی هرگز به‌دوا ودارو پناه نبرید زیرا اغلب دوا هاییکه برای مبارزه باچاقی تبلیغ وتوصیه میشود ، جز خرابی سلامت قلب وسایر اعضای بدن کدام فایدهٔ دیگر ندارد .

همانطوریکه قبلا تذکر رفت بهترین راه رسیدن به سلامت کامل واندام زیبا ورزش متناسب ومتداوم است . رژیم غذایی مناسب یکی از بهترین روش های مبارزه باچاقی است،البته وقتیکه میگویم رژیم‌غذایی‌مناسب منظور اینستکه این‌رژیم باید طـــوری باشد که صدمه ی به ارگانیزم داخلی بدن نزند وبدن را ضعیف نسازد .

وزن نمودن هر ساعت ویا هر روز باعث وسواس انسان دراین زمینه میشود که این خود بدتر از چاقی است زیرا باعث ناراحتی روحی وازدیاد این مرض میگردد .

برای اینکه اندام متناسب داشته باشید غذای خوب ومقوی بخورید این را میدانیـــد که بدن برای ادامه تلاش های خود نیاز به مصرف انرژی «نیرو» دارد انرژی که بکار هضم ، حرکت ، عضلات وفعالیت مغز خواهد خورد وسوخت تامین کننده آن از راه غـذایی که می خوریم ، بدست می‌آید . پس خـوب

فعالیت‌های هدفمند جوانان‌ما

جوانان یك موجود آفـــریننده است و لـــی چه عواملی قلمرو این آفرینندگی راوسیعتـر میسازد کدام یك ازجوانان آفریننده تر انـد.

چه شرایطی برای آ فرینش جوانان‌بـکار است.

قبـــل از اینکـه در مـــو رد ا یـــن سوال ها بحث کنیم بهتر است‌مشخص‌سازیم که‌منظور آفرینندگی چیست ؟ عامـل اسا سی که در بنیاد زندگی اجتماعی بشری قرار دارد ومشخصه اصلی جوانان بشمار میرود عمـل است . عمل از چندین طریق آفریننده وخلاق بوده میتواند .

ازطریق بوجود آوردن ارزشهای مادی ورفع احتیاجات زندگی که در این صورت منبـع چنین عملی اکثریت های مولدند . از طریق دانش که قوانین طبیعت را خواه در جهـــان طبیعی وخواه در جهان بشری کشـــف‌میکنند وبه این ترتیب دامنهٔ نیرومندی وتوانائی‌بشر رامی افزایند . ازطریق نوآوری در و سایل تولید وتکنولوجی که باز هم عمل جوانانرا در تسخیر طبیعت موثر تر ونیرومند ترمیسازد شرایط رفاه مادی را برای افراد انسانی میسر میسازد ولی منظور مادر این بحث ار یکنوع عالیتر افرینندگی است که در عمل سیاسی واجتماعی تجسم می‌یابد . این عمـل خـــلاق مبارزه به‌خاطر نوسازی و نـــو آوری ، عمـــل افریننده ایکه پرورش نوزاد تکامل را بـه عهده دارد رسالت تاریخی هر نسل است . هر نسل برای ایفای این رسالت به فعالیت و تلاش پایان نا پذیر وجهاد دایمی وسرسخت مکلف میشود. هرنسل برای ارتقای جا معه خود بمرحله عالیتر تکامل مکلفیت تاریخی دارد . اگر راست است که تاریخ حرکـــت جوانان به جانب اهداف شان است پس هر نسل را تاریخ بجانب اهداف معینی‌سوق‌میدهد منتهی اهداف را بایست در چندین سطـــح ملاحظه کرد. عمـل خلاق وانقلابی متوجه‌اهدافی ابعاد تاریخی کسب میکند که همه جانبه و همگانی باشند. تنها اهدافی تعدادکافی‌انسان‌هارا بجانب خود کشانیده میتوانند که در سطـح تمام جامعه طرح شوند واین اهداف را دردوران ما ارمان های اکثریت مردم بمیان می آورد وشکل میدهد زیرا هر حرکت وهر عمل که در جهت منافع اکثریت مردم باشد خود بخود از حمایت زمان برخوردار میشود وپیروزی آن حتمی است .

ولی رسالت هر نسل در زمینه عمل خلاق وافریننده سخت پر مسولیت است هر جـوانی که ایفای این رسالت را وظیفه خو دمیداند خود بخود بسوی تعهدات سنگینی در برابر آینده ودر برابر تاریخ کشانیده میشـود . بنابر این ایفای رسالت‌تاریخی وانجام‌فعالیت آفریننده خواستار یك نوع تعهد است .تعهد در برابر اهدافی که در سطح تمام جامعـه طرح شده باشد وبه این ترتیب ابعاد تاریخی داشته باشد .

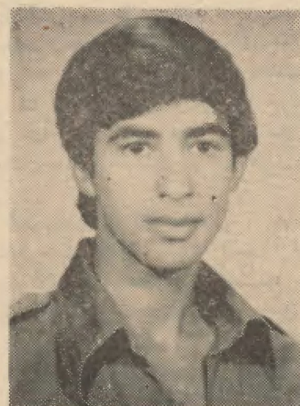
تعهد در برابر اهدافی که متوجه آینده باشدوخصلت مترقی وانقلابی وپیشتاز داشته باشد . بعد از مرحله نوین تکامل انقلاب‌ثور جوانان بائیست دارای اهداف معین باشند و نظام جمهوری دموکراتیك خود هدف مقدس خدمت به اکثریت‌مردم افغانستان را دربرابر خود مطرح بحث قرار داده است .

واقعاً تنها جوان میتواند مسولیت در برابر وطن وملت را ایفا کند که در جهت اهداف متعالی وشر بفانه پیش رود . تنها جوان‌میتواند در تعیین مسیرتاریخ ودرنجات‌جامعه از طریق تولیـــــد گسترده وو سیع نقش آ فـــر یننده داشته باشد که بخاطر یك هدف عالی کـــار کند وزندگی اش از خورد ونوش وآمد و رفت روز مره وملاحظات پیش پا افتـــاده و خصوصی فراتر رود . تنها کسی از نظیـــــر اجتماعی وتاریخی زنده وفعال محسوب شـــده میتواند که زندگی خود را وقف تعمیر وبهبود زندگی همگان سازد .

جوانان

عاطف عثمانی متعلم صنف ۱۲ لیسه‌انصاری

به پیروزی رسیدن انـــــقلاب شکوهمندثوردر پهلوی پلان های اقتصادی وتصامیم دیگر یکه دولت بخاطر شگوفانی افغانستان عزیز روی دست گرفته ودر ساحه عمـــــل پیاده‌نموده است ، در مطبو عات کشور نیز تحو لا ت زیادی بمیان آمده است بلی از آنجمله مجلهٔ ژوندون است کـــه بعد از پیروزی‌انقلاب‌ظفرمند ثور در خدمت همه قرار گرفته و حاوی‌مطالب ارزشمند و علمی میبا شد ، و نو شته‌هاییکه از طـــریـــق این مجله بـــه نشر میـــر سد ارزشمند و خواند نی است همچنان نکتـــه



دیگریرا که باید متذکـر شوم اینست کـه بخش دیگر این مجله (اند یشه های‌جوانان) بخش خوب میبا شد .

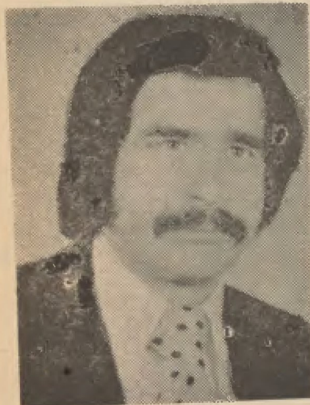
شاه محمدنور:

افتخار داریم که در سا یه نظام نو یـن مردمـی جمهوری دمو کراتیـك در سرز مین کهن سا ل وباستانی خود به سوی آینده تا بناك وبا سعادت گام بر میداریم.

در این مرحله نوین وظایف همه ماسنگین و با اهمیت است یعنی هر قد می که بـر میداریم ودر هر موقف که قرار داریم باید ملتفت مسوولیت ها و وظایف خو یش باشیم.

مسوو لیت در مقابل درس مکتب ،دربرابر فا میل و مسوولیت درمقابل جا معه وکشور خـویش یعنی افغانستان سر بلند و مسعود زیر اافغانستان خانه مشترك همه ما ست وسر نو شت آن بستگی به سر نوشت افراد آن دارد .

بـــاطـلوع جان بخش ثور کـــه نظـــام



خجسته جمهوری دیمو کراتیك در کشورما استقراریافت زندگی مانوشـــده ٠٠٠

باستان سر زمین مابا داشتن عمر زیاد وبا این کهنسالی ایکه تاریخ شاهد آنست بها ران زیادی را بخود دیده است بهاران آمده اند ،رفته اند وباز هم آمده بار های دیگر نیز . ولی آن همه بها ران تنها بهار طبیعت بود یعنی در بها ران پا رینه بهار به معنی طبیعی کلمه و در چار چو ب موجود طبیعی (بجز انسان ایند یار) فر ا می رسید و با آمدن خود تنها نباتات وحیو انات را فیض می بخشید .
بلی در آن بها ران مشتی چند از انسان

بهار دوگانه

این سر زمین هم بهره مندو متمتع می شد مشت محدود وانگشت شمار مفت خوا ران و با لائی ها، در بار ، منسو بین در بارسلطنتی قرون و سطا ئی وسایرطبقات واقشاراستثمارگر ومفت خوار .

انسان این سرزمین درطول اعصار وقرون پیوسته درین تکا پو بودند تا بهار را همه گا نی سازند تا بهار را خو شی آور برای همگا ن سازند تا فیض بهار را از چنگا ل بالائی ها ، مفت خوار ها وسلطان ها برهانند تا بهار سبزی آور و خوشی آور برا ی انسان های واقعی این دیاریعنی کسانیکه

کار می کنند ، زحمت می کشند ، تو لید می کنند ، می دروند ، خرمن می کنند آرد می کنند و می پزند، زیرا آنو قت ها وقت های بسیار طولانی بعد از انجام این همه کار هاوتامرحله ی آرد کردن وپختن برعهده ی زحمت کشان بود ولی بعدازآن یعنی برای خوردن حاصل آن همه رنج ها و زحمات ،کما نی دیگر می رسید ند ودر مقا بل چشما ن زحمتکشا ن وباپر داخت حد اقل به اصطلاح مزد که بخور و نمیری بیش نبود همه را تحو یل گدام ها وکندو های خود می کردند . پس بگو ئید آیابهاران گذشته که آنهمه رنج وزحمت و حر مان داشت بهار واقعی انسان واقعی این مملکت بود ؟

وتازه تنها به یغما بردن حاصل دسترنج کا فی نبود این انسا ن ها ی مفت خوار که برای بدست آوردن سود وطعمه های هرچه بیشتر از هیچنوع کاری روگردان نبودند، بنا بر خصلت نظام های گذشته همه قدرت دولتی را نیز یا بدست داشتندویا بزیر فرمان شان بود وازین قدرت وبا استعمال این قدرت چه کار ها و مظالمی نبود که بر زحمتکشا ن تحمیل نمی کردند .
بها ران پر فیض وحاصل آور هما نا به

ثروت وپول مفت خواران می افزودولی هنگامیکه بهار کم طراوت تر یعنی بی با رندگی وبه اصطلاح خشکسا لی می بود ضر به ی کشند ه ی آن دا منگیر ومتو جه دهقان وسایر زحمتکشان می بود خیلی دور نمی رویم همین سال های ۱۳۴۹-۱۳۵۰را بیادبیاوریم که چه تعدا دهموطن بیچاره و بلاکشیده ی ما از گر سنگی جان دادند واز فرط فقر و تنگد ستی جگر گو شه های شانرا می فرو ختند ویا در کنار سرک ها رها می کردند .

آری بها ران تنها بها ران در بارو همد ستان و کاسه لیسان آن بود . کار گران، دهقا نا ن ، روشنفکران مربو ططبقا ت متوسط وپا ئین ، ما لکین زمین ها ی کو چک وحتی تجارو سرمایه دار ملی ووطن پر ست درآن زمان ها بهاری نداشتند وپیوسته سیلی سلطنت ، فیودالیزم محتکرین وکمپرادور ها وغیره را می خوردند .

طوریکه قبلا گفتیم مردم افغانستان در طول تاریخ پر عظمت وحما سی خو یش با انحصار کنند گا ن بها ر جنگیده اند و از خون قهر ما نی ها و سر بازی های بیشما ر ی در طی مبا رزه با آنها از خود بیاد گا ر گذاشته اند . ولی چون این مبا رزات پراگنده ومتشتت وبدون یك رهبری علمی بود بجز امتیا زات نسبی مو فقیت قا طع ورسید ن به بهار واقعی را باخود نمی داشت مردم افغانستان بعد از آنکه اولین انقلاب مردمی در همسا یگی شان در سال ۱۹۱۷ به پیروزی رسید ، دا نستند که یگا نه را ه نجات واقعی شان هما نا بمیان آمدن یك گر دان پیش آهنگ وآگاه می با شد که

آنها را در راه جنگ با انحصا ر گرا ن بهار واقعی وچپا ولگران خو شی ها وآرامی شان بو جه احسن رهبر ی نماید هما ن بود که گر دان نجات دهنده و سر با ز خو یش را در جنوری ۱۹۶۵ تشکیل داد تد این حزب بمثابه پیش آهنگ همه نیروهای انقلابی و متر قی در کشور از همان روزهای نخستین تشکیل خود به مردم افغانستان در عمل نشا ن داد که می توا نند با جمع شدن بدور این شمع فروزان و ستا ره ی رهنمای به بهار واقعی و همه گانی دست یا بند . آری مردم افغانستان تحت رهبری حزب قهرمان وزنجیر شکن دموکراتیك خلق افغا نستان در ماه اپریل ۱۹۷۸ انقلابی را در کشور به پیروزی رسا نیدند که آرمان ها ی قرو ن متوا لی واعصار را بر آورده می سا خت .
در گیرو دارمبا رزات مردم افغانستان قبل از پیروزی انقلاب شکو همند ثور ، همان طور یکه دو ستا ن وطن ومردم حزب دموکراتیك خلق افغانستان را ناجی خود می شمردند دشمنان مردم ووطن مایعنی فیو دالیزم و امپر یالیزم وارتجا ع منطقه نیز در وجود این حزب زنجیر شکن دشمن ونا بود کننده ی خود را می دیدند . لذا در قدم اول با تلاش های مذبوحانه و تحر یك سلطنت فیو دالی علیه آن، خوا ستند آنرا در نطفه ازبین ببر ند .. همو طنا ن ما بیاد دارند که فیودالیزم وسلطنت فیودا لی چه ضربه هایی که بر فعالین قهرمان این حزب وارد نکردند از به غل و زنجیر کشید ن و زندا نی سا ختن آنها ، ازبیکار ساختن وتبعید آنها توسط دولت همه وطند اران و حتی جها نیا ن آگا هند وحتی برای از عاب ونا کا م سا ختن حزب دموکراتیك خلق افغانستان دست به ترور وکشتار اعضا ی قهرما نو تسلیم نا پذیر آن زدند و لی آن همه تلاش ها مذ بو حانه وبی تا ثیر بوده وعلاوتا سبب آبدید گی ووحدت بیشتر آنها شد و روز تا روز با مبا رزات بی گیرو انقلابی خود ، وطن ومردم وطن را به فرا رسیدن بها ر وا قعی نزدیك می سا خت.
امپر یا لیزم ودر را س امپر یا لیزم امریکا

به کمک سلطنت ارتجاعی وفیودالیزم علا وه از سنگ اندازی ها ی متعدد در راه به پیروزی رسیدن مردم افغانستان بر هبری حزب قهرمان دمو کراتیك خلق افغانستان تو طئه ها ودسا یس دیگری را نیزعملی می نمود و آن اجیر کردن و جا سو س ساختن بعضی خا ئنین ووطن فر و شان بود . .
امپر یالیزم امریکا جاسوس نا مدار و مکارو محیلی چو ن حفیظالله امین را برای بپاده کردن نقشه های آتیه ی خود به این حزب داخل نمود واین جا سو س در مراحل اول فعالیت خود به درز اندازی ها و انشعا با ت دست زد واز ین راه کمك های شا یانی به بادار و لی نعمت خود یعنی امپر یالیزم امریکا وسی ، آی، ای انجام داد .

ولی مردم افغانستان وحزب دموکراتیك خلق افغانستان علی الرغم توطئه ها، دسایس و دست اندازی های متعدد امپریالیزم، فیودالیزم، سلطنت فیودالی وارتجاع منطقه موفق شدند که به بهار واقعی دست یابند .
آری بهار سال ۱۹۷۸ (۱۳۵۷) مصادف بود با بهار واقعی مردم افغانستان یعنی بابه پیروزی رسانیدن انقلاب شکوه آفرین ثور مردم افغانستان به بهار واقعی دست یافتند.
در آن سال دو بهار باهم یکجا به استقبال مردم افغانستان آمد . بهار طبیعت وبهار پیروزی برظلم واستبداد واستثمار بیر حمانه مفت خواران.
گل های آرزوی مردم افغانستان درین بها ران به شگفتن آغاز یدند ، شگوفه ها بارورشدند.
ولی قبل از آنکه میوه های آن کام تلخ مردم را شیرین بسازد واز این بهار ثمر بر-
گیرند اژدهای محیلی چون باد سردزمستان وزیدن گرفت وبعوض شیرینی آن همه میوه ها زهر تلخی به کام مردم ریخته شد. این اژدها واین بادسر وآمدن یخبندان بالای بهار آرزوهای مردم جز حفیظ الله امین وباندجنایتکارش چیزی دیگری نبود .
حفیظ الله امین این منافع امپریالیزم وارتجاع که قبلاء از طرف سی، آی ،ای وتحت رهبری وقوماندهٔ آن چون مار آستین درحزب جا - گرفته بود اینك که مردم افغانستان به بهار واقعی دست یافته بودند نه تنها آنها را ازین بهار محروم ساخت بلکه غنچه های امید شانرا درگل بته ها پژمرد.این جاسوس ووطن فروش نامدار قرن آنچنان برهستی وشرف مردم تاخت وتاز نمود که حتی در گذشته ها هم نظیر آنرا ندیده بودند . انقلاب را از سیر اصلی اش بازهم بحکم باداران امپریالیستی خود به بیراهه کشید. بهترین فرزندان حزب رایاتبعید نمود ویا اینکه در غل وزنجیر کشید وبه باستیل های خود فرستاد وچه بسا تعداد بی شماری از هموطنان ماازجمله انقلابیون وطن پرست ، روحا نیون وطنخواه وخداپرست ، دهقانان ،کارگران ، اهل کسبه و غیره را به کشتار گاهها فرستاد وحتی زنده زنده بگور کرد .
امین و کام خود ساخته ی او چنان کام مردم را تلخ نمود که هتلر کام مردم اروپاوسایر سر زمین های غصب شده را تلخ نموده بود . امین میخواست باکشتن هاو بستن ها- وسایر مظالم مردم افغانستان را ازامید به بهار واقعی ومتمتع شدن ازآن منصرف سازد !؟
بقیه در صفحه ۵۵

از لایف چکو سلواکیا

ترجمه سکوت



انسانها و دستها

چرا از دست راستتان بیشتر استفاده میمنایید؟



عموما انسانهارا ازنگاه استعمال دست به سه دسته تقسیم میکنند که این سه دسته عبارتند از آنانیکه هرکار را بادست راستاجرامیکنندو کسانی که با دست چپ مهارت بیشتر دارند واشخاصیکه با دست چپ وراست مساویانه کار میکنند.

اکثر مردم ترجیح میدهند در کار وفعالیت های خود از یك دست (دست راست) کار بگیرند و اختلاف زیادی در مهارت شان بین دست راست وچپ وجود دارد اما ممکن هیچ انسانی در جهان وجود نداشته باشد که از نگاه ارزش حیاتی یك دست خودرا نسبت بدست دیگر ش مهم تر بداند وحاضر باشد که یکی از دست های او آسیب ببیند ویا بریده شود همچنان اگر ازکسانیکه با دست راست کارمیکنند ویادست چپ پرسیده شود که چرا از آن دست دیگر شان کارنمی گیرند دربین آنها اتحاد نظروجود ندارد یعنی اگر از فرد فرد کسانی که با دست راست کار می کنند پرسیده شود که چرابا دست چپ کار نمیکنند ویااز کسانی که با دست راست کار های را انجام میدهند سوال شود که چرا ازدست راست کار نمی گیرند هر یك جوابات مختلف خواهند داد.

بعضی از مردم عقیده دارند که کار کردن با دست راست یك موضوع ازلی است . برخی معتقد هستند که انسان از کودکی باین کار عادت می کنند وچون عادت کردند با ترتمرین بمرور زمان به همان دستی که کار میکنند مهارت پیدامینمایند بعد نمی توانند بادست دیگربا همان مهارت کار کنندو بخشی از مردم میگویند که این کار بالـر قوای داخلی و جودانسان که دارای نفوذ زیادی میباشددر آغاز زندگی صورت می گیرد و رفته رفته انسان باآن عادت می نماید.

در جواباینکه کدام یکی از این نظریات صحیح است باید بگویم که ممکن هر سه نظریه فوق درین کار موثریت داشته باشد. اما قرار مطالعات ومشاهداتی که به عمل آمده دیده شده که در میان فرزندان والدینی که با دست چپ کار میکنند، یکی دو فرزند آنها با دست چپ کار میکنند .

در هنگام تولد اکثر اطفال میلان دارند که یك دست خود را تکان بدهند وبحرکت آورند (عموما دست راست را)واطفالی که دست چپ خویش را حرکت میدهنددر مقابل کودکانیکه دست راست خویش را حرکت میدهند تعداد شان خیلی کم میباشد .

اگر درهمان کودکی نیز ازحرکت همان دستی که در طفولیت حرکت میدهد بطورمنظم جلوگیری نمائیم واو را وادار نمائیم که دستدیگرش را حرکت بدهد باین عمل خودچندان موفق نمیشویم وباز هم مینگریم که کودك خیلی میل وآرزو دارد ومی کوشد که همان دستی را که خودش میخواهد حرکت بدهد واین ثبوت گرآنست که در نیمه اول سال تولد علایم ترجیح دادن یك دست نسبت بدست دیگر در کودك نگریسته میشود وانسان از همان روز گارمی داند که کودك میخواهد در آینده باکدام دست خود کار کند .

بهتر دانستن دست راست وتبعیض قایل شدن در مقابل دست چپ از زمان باستان درمیان همه اقوام جهان خصوصا در بین بابلی ها دیده شده وحتی بعضی هاعقیده دارند که بشر از روز گاری که آغاز بکار کردن کرده دست راست را نسبت بدست چپ ترجیح داده وعلت آناین بود که کسانیکه با دست چپ کار میکردند در میان آنها در اقلیت بوده و چون درزمانهای قدیم مردممعلومات علمی نداشتند این اقلیت بااختلاف اینکه کار های شان را در حضور اکثریت مردم با دست چپ انجام میدادند مورد اشتباه قرار میگرفتند و انسانهای عجیب وغیر عادی تلقی میگردیدند.

بقیه در صفحه ٥٤



مدولید



ظاهر هویدا



استاد مهوش



نگامه



سیما ترانه



قمرگـ

بهار

شبنمی آهسته از چشمان برگ
می چکد بر دامن رنگین خاک،
گل می افشاند بچشم آفتاب
ناز خندی خوابناک

ناگهان از جای میخیزد نسیم
شادی رقصد میان شاخسار،
گفت و گویی نرم می لغزد بگوش
«هان بهار؟»
«آری، بهار»

د ښکلا پسرلی

ستا د مینی وږمی
زما دژوند غوټی گلونـه کـړل
او بیا :
هما غو گلو نو
ستا د ښکلا پسر لی وپسوله ...
نو را شه!
ماهم در سره په دغه پسر لی کی
در گلو کړه ،
او
له یا ده می مه با سه!!؟
دو کتور زیار ۵ـ۱ـ۵۹



عطر و آواز

دسته‌ای سینه‌سرخ تازه نفس
از دل سبزه در اوج گرفت،
عطر و آواز در هوای لطیف
بر سر شاخسار اوج گرفت

سایه‌ای از فراز تپه گذشت
تکه ابری ز چنگ باد گریخت
بوته‌ای زیر آفتاب شکفت؛
خارپشتی جهید و شاد گریخت.

«وه! چه آهوی نازنین بدنی!»
دل تپیدن گرفت و تاب گرفت
«های صیادمن، درنگ، درنگ..»
عشق چو پیرمرد شد شتاب گرفت

کیانوش

خوش بحال غنچه‌های نیمه‌باز

بوی باران ، بو ی‌سبزه ،بوی خاك ،
شا خه ها ی شسته،باران خورده ، پاك
آسما ن آبی و‌ابـــر سپید ،
بر گها ی سبـــــزبید ،

عطر نر گس ، رقص‌باد ،
نغمهٔ شو ق پر ستـــوهای شاد ،
خلوت گرم کبو تـــرهای مست ...
نرم نر مك مير سـداينك بهار ،
خو ش بحا ل روزگار !

خوش بحال چشمه ها ودشت ها ،
خو ش بحال دانه هـاوسبزه ها ،
خوش بحال غنچه‌های‌نیمه باز ،
خوش بحال دختـــرميخك ـكه مى خندد بناز
خـوش بحـال جـام لبـــريز از شراب ،
خـــو ش بحـــا ل‌آفتاب ،

ای دل من، گر چه‌ـدر این روز گار ـ
جا مهٔ رنگین نمــــی‌پو شی بکام ،
بادهٔ رنگین نمی بینی‌بجام ،
نقل وسبزه در میـان‌سفره نیست ،
جامت ـاز آن می که‌می باید ـتهی است ،

ای دریغ از تو اگـرچون گل نر قصی با نسیم !
ای دریغ از من اگـرمستم نسازد آفتاب !
ای دریغ از ما اگـرکا می نگیر یم از بهار .

گر نکوبی شیشهٔ غـم‌را بسنگ ،
هفت رنگش میشـــو دهفتاد رنگ !

فريدون مشيرى

خندهٔ باغ

باد باز آمد و بوی گل و ریحان آورد
خندهٔ باغ مرا گریهٔ هجران آورد
باز گلهای نواز در دهن بادام داد
غنچه‌ها بر جگرم زخم چو پیکان آورد
جوی آن گمشدهٔ خویش نمی‌یابم هیچ
زان چه سودم که صبا بوی گلستان آورد

«ناصرخسرو بلخی»



غریو

ناگه اصلی ز زمین برآید که: منم!

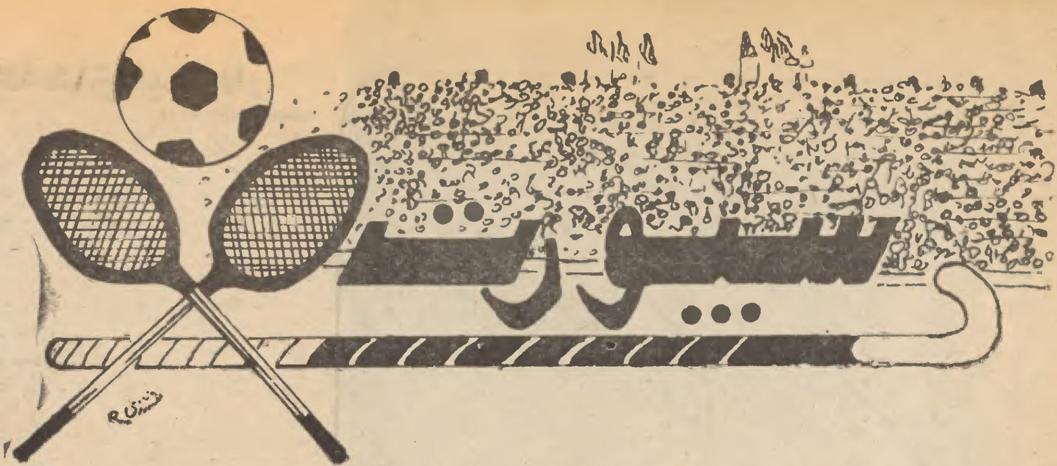
خیام

سحر با من درآمیزد که برخیز
نسیم گل بسر ریزد که برخیز
زرافشان دختر زیبای خورشید
سرودی خوش برانگیزد که برخیز
سبو، چشمک‌زنان، از گوشهٔ طاق
بدامانم درآویزد که برخیز
زمان گوید: هان گر برنخیزی
غریو مرگ برخیزد که برخیز!

نوبهار

کائناتو رنگ بدل کـړ خلك وايـــی‌نوبهار شو
دلا له دگل‌د پاسه‌بلبل بیاگډ په چغار شو
دجهان په ننندا ر تون کی جو ړی‌نوی‌تما شی شوی
خوك رمی‌صحراته بیا یی خوك په‌هخه‌دبل کارشو
نن دنوی ژوند پیغام دی پسر لـی‌بیا موږ ته را وړی
چا چی ځان‌دی‌سترږی کړی دهغوی وطن‌گلزارشو
دوږ می په بد ر گه کی بهارداسی‌زمزمه کړی
زړی‌هیلی‌شولی‌پا تی او سس دنوو هیلووار شو
شاو خوا کی هنگامی دی‌دژوندون‌خبری اورم
یو احساس‌دی‌ژوندی شوی‌چی پری‌لروبربیدارشو
نوی کال سره ملگرو نوی فکـر هم پکار د ی
خوك چی تل‌کوی خو بونه دهغـوی عاقبت خوارشو

وطنپال



در کلپ ورزشی تعلیم و تربیه همه روزه ۴۵۰ شاگرد تمرین می نمایند

- نامم محمد ضمیر مامور خارنوالی حرایم ولایت کابل هستم. آنقدر خسته هم نیستم امابايد بگویم که امروزدرمسابقات انتخاباتی تیم ملی شرکت نموده بودم وهمین چندلحظه قبل آمده‌ام که یك اندازه مانده می باشم .

-از مسابقهٔ امروز چه‌نتیجه گرفتید ؟

- درپایان مسابقات عضویت تیم ملی را کمایی وهمچنان بارثانی قهرمان وزن (۵۷) کیلوشناخته شدم . که از مدت چهار سال به اینطرف قهرمان‌همین وزن می باشم .

- چه انگیزه باعث شد تا پهلوان شوید؟

- اگر راستش را بگویم چندین سال قبل هروقتیکه در ستدیوم ورزشی مسابقات‌پهلوانی دایر میگردید من به تماشای رفتم اینکه تشویق تماشاچیان آنو قت را مـــی دیـدم وهمچنان افتخارات غالب ومغلوب را، در همین آرزو بودم تاروزی در میدان مسابقه ازطرف هموطنانم برایم کف زده شود، همان بود که کم‌کم به تمرین شروع کردم ومدت هفت‌سال میشود عضواین کلپ می باشم .

- از نظر خودت پهلوانان خوب در هروزن کی ها اند :

- ازنظرمن پهلوانان‌ورزیده وبا استعداد دروزن اول ابراهیم، دروزن دوم نجف علی ، درهمین وقت می خندد وگرفته گرفته میگوید دروزن سوم خودم در وزن چهارم محمدصدیق لوگری ودر کلاس پنجم غلام صدیق زرگر ودر کلاس ششم تاج‌محمد می باشند که‌درفش سپورتی افغانستان را با انرژی گرفتن ا ز شوربای کله درهمه جابلند نگهداشته اند، گفتم شور بای کله، باید بگویم که‌اکثر یت پهلوانان ما وضع اقتصادی شان همچو خودم آنقدر ها خوب نبوده وبعد از تمرین درکلب خودرا رسانده اند به یك دكان كله پزی که ازشور بای آن کسب کرده اند انـــر ژی وکالوری تازه!

نامبرده افزود: از نظرمن یك پهلوان تـا وقتی موفق بوده می تواند کـــه به تمر ین پابندی داشته باشد وهمچنان با مردم خـــود رویه‌نیك‌داشته‌وآراسته‌به‌اخلاق‌سپورتی باشد در خلال صحبت می گوید :

اکثر پهلوانان شناخته شده ازهمین کلپ بدر شده‌اند، که ازجمله اعضای تیم‌ملی کشور که تعداد شان به بیست وشش نفر می رسد به غیر از دوسه نفر آن دیگر تماما در همین کلپ تربیه شده اند .

- در پهلوی مسابقات داخلی در مسابقات خارج از کشورهم شرکت نموده اید ویاخیر؟

- در مسابقات خارج ازکشور یکبار به ایران رفته‌ام که‌درمسابقات آنجا نتیجه نگرفتم بعدا در مسابقات پهلوانی پاکستان حصه داشتم که مدال نقره یامدال دوم مسابقات را نصیب شدم ودر مسابقه دوستانه ایکه بین پهلوانان اتحاد شوروی وافغانستان درآنکشور دایر گردید همچنان مؤفق‌به‌گرفتن امتیازی‌نشدم اماتخنیك‌هاوتکتیك‌های خوبی آموختم‌باردیگرسال گذشته جهت مسابقات رسمی به ایران رفتم چون وضعیت داخلی ایران خوب نبودمسابقات دایر نگردید .

در خلال صحبت چنین گفت : درصورتیکه درهرکلپ پهلوانی تریتر کلپ ورزیده باشد وبصورت درست وفنی با شاگردان کار کند. وهمچنان شاگرد پابند به تمرین باشد در مدت پنجسال ورزیده می‌شود.

چنانچه شش سال قبل یك استادپهلوانی اتحادشوروی بنام کلو سنیك همکار وترینر مابود ، که شاگردان همان دوره همه نام‌آور وقوی پنجه شدند که بعد از آن تاحال همچو استاد را سردچار نشده ایم .

دراخیر میگوید: پیام من به عموم پهلوانان وورزشکارن اینست تادر قدم اول وطن خودرا از هر اخلالگر ووطن فروش پاك سازنـد ، فروخته شدگان امپریالیسم را موقع ندهندکه درکشور زیاده ازین دست وپا بـــزنند . ثانیا : هر پهلوان باید در وقت برد مسا بقه مغرور نشود وهمچنان درباخت مسابقه متاثر چـــرا که درهر باخت درسی مـــی آمـــو زد وبرای مسابقه بعدی آمادگی عام و تـــام میگیرد .



این پهلوانان خردسال میگویند:

از همین حالا تمرین می‌کنیم تادر جوا نـی حریف رابه آنواحد چت نمائیم. وروی دوشك هموارش کنیم.



چندتن ازنوجوانان وجوانان ورزش پهلوانی‌که‌باتمرین وممارست آیندهٔ درخشانی رادرقبال دارند



گروهی از وزنه بر داران کلب‌تعلیم وتربیه .

خود را از گیرو دار پهلوا نان رهانیده بسراغ وزنه بـــرداران میروم، در یك اطاق خرد حـــدود بیست وزنه بر دارد مصروف تمرین هستند ، یکی وزن ثقیل را بلنـــد می‌کند ، دیگری حرکت بازو میرود ودیگری... چون تعداد زیاد اســت نمیشود از هر یك پا سخ سوال‌را یاد داشت کنم ودر صفحه ور زشس چا پشس نماییم و ورزشکار خو شس



ورزشکار جمنا ستیك کـــه در محدودهٔ میله یك حالت دورانـــی را انجام میدهد .

اندا میکه معلوم میشود سا بقـــه سپور تی زیاد دارد نزد یکم میشود وبه نمایند گی همه گفتنی های خود را چنین میاغازد : اسمم تاج محمـد وآریا قیضی تخلص می کنم مـدت زیا دی میشود عضو کلپ‌تعلیم‌وتربیه می باشم .

از چند سال به این سو ور زشس می کنید ؟

ـاز سال ۱۳۴۳ تا سال ۱۳۴۹ عضو تیم فوتبال لیسه حبیبیـــــه بودم واز ۱۳۵۰ ـ ۵۳ افتخار عضوـ یت‌تیم فو تبال دافغا نستان با نـك را داشتم ، امانظر به عـلا قه ایکه به زیبایی‌اندام داشتم، فو تبـال‌را برا در خوانده، به زیبا یی انـــدام رو آوردم ، بعد از یکسال تمر ین ،در مسا بقات زیبا یی اندام حصه گرفتم ودر کلاس متو سط ســوم شنا خته شدم . همچنان در ســال ۱۳۵۷ در مسا بقات وز نه بر داری تعلیم وتر بیه در کلاس پنجم کپ قهر مانی نصیبم گردید .

همینطور در ششس مسا بقه دیگر شرکت کرده ام که‌سه بار کپ سوم قهر مانی، دو مر تبه کپ دوم قهر ـ مانی‌ودر مسا بقات چها رده حـوت ۱۳۵۸ مقام اول را در کـلا س‌متوـ سط حا یـز گرد یدم .

به پا سخ سوا لی چنین گفت: سپورت وز نه بر داری‌برای او لین بار در سال ۱۳۴۳ از طرف ریاست عالی ور زشس در کشور مـــا اساس گذاشته شد که بعــد از بیمودن مر حله قهقرا یی‌خود تا حال ادامه دارد ، اما متا سفا نه یـــا بگو یم بد بختا نه تا حال مسا بقات آزاد این ور زشس دایر نگرد یـــده تاتیم ملی انتخاب ودر پهلوی ورز ـ

شکاران ممالك دو ســـــت مسا بقه بد هند . باید بگو یـــم ور زشس کا ران وز نه بر دار مـــا آنقدر ور زیده اند ، اگر تیم ملـــی انتخاب شود یقین دارم که ورزشـ کـــا ران وزنـــه بـــر دار مـــا خود را در مسا بقات آسیا یـــی جازنند وافتخا رات خو بی را نصیب گردند ، اینکه تا حال چـــرا تیم ملی وز نه بر داری انتخاب نکرد یده نمیدانم چرا؟ شایدعلتی‌داشته‌باشد.

ـچون سپو رت وز نه بر دا ری یك سپو رت ثقیله می باشد ازنظر شما یك ور زشکار از کدام سن‌باید به این سپو رت تمر ین نماید ؟

ـبه نظر من بهتر یـن ســن، هجده سا لگی می باشد که‌ور زشکار نباید دفعتا وزن را بلند کند بلکه قبـلا با ید وجود شس آما ده سپورت باشد یعنی اینکه قبل از سن هجده سالگی به سپو رت های دیگـــر بپر دازد تا مقا ومت وجودشس‌زیادتر شود.چرا که قبل از سن هجـــده استخوان بندی وجود آما ده ایـــن

تمرین می نمایند به چند نفر مـــی رسد؟

ـجمله یکصدو بیست نفر مـــی باشند که به‌پنج گروپ تحت یــك پروگرام منظـم تمر ین می نمایند.

ـاز نظـر شماور زشس طبقه‌اناث در کشور ما در کدام سطـح وا قـع است؟

ـاز نظـر یك ور زشس کـــار خوب ور زشس اناث در کشور مـــا مر حله بسیار ابتدا یی اشس رادنبال می کند وآنهم علت دارد، اینکه در سا بـق تعصبات فا میلی زیاد بوده اکثر فا میل‌ها راضی‌به این‌نبودندکه دخترشس باید سپو رت کنــــدو ورزشکار بار آید البته بعد از انقلاب شکو همند ثـور وا لیبال وباسکتبال دختر ها تا اندا زه‌یی خوب وقا بـل دیدن شده است .

ـ در بالا برد هر چه بیشتر و بهتر سطـح ور زشس در جا معه‌خود چه نظـر دارید ؟

ـدر قدم اول آرزوی هر ورزشکار اینست که ور زشس شکل‌انحصا ری



یکتن از وزنه بر داران کلب‌تعلیم‌وتربیه که به وزنه برداری مشغول است .

ورزشی نمیبا شد اگر آنی ودفعتا وزنه هارابلند می‌کند در عو ضـــ مفاد ، ضر به شد یدی به پیکـــر شس وا رد خوا هـــد آمـد . بـه همین تر تیب اگر یك وز نه بر دار دفعتا این ور زشس را به کلی تـرك می کند ، باز هم نقص جبران نا۔ شدنی به وجود شس وارد می شود. قسمیکه در ابتدا از خورد وپاوشروع می‌شود تابه من وسیر، در وقـــت ترك‌دادن هم ازمن‌وسیر به‌چارك باید پائین آمد نه دفعتا به مثقال .

ـتعداد شا گردا نیکه با شمـــا

نداشته باشد که این خود سبب‌ورـ شکستی ور زشی در جا معــــه میگردد هر ور زشکار با ید آزا دو دلشاد باشد، دیگر اینکه تیم هـای انتخا بی ور زشی تشکیل گردد که‌به وجود آمدن تیم های زیاد خود با عث رقا بت های سا لم سپور تی‌گردیده ور زشس در جا معه خود بخو دبا را فراتر گـذا شته وبه مر حله عا لی خود می رسد ، دیگر تشویق شاگرـ دان‌ور زشی است که ازترینـــر شروع وبه ریا ست عا لی ور زشس ختم می گردد در پهلوی این همـــه

بقیه در صفحه ۵۱

درمحکمهٔ فامیلی چه خبر است

کمتر شده است .

-لطفا بگو ئید سر نو شت اطفال ایکه پدرومادر شان از هم جدا می شوند چگو نه تعین گرد یده ؟

-قا نون مدنی مکلفیت های زوج وزوجه را در قسمت حضا نت (تربیه ونگهداری طفل) تعین نموده ،هنگامیکه زن وشو هر از هم جدا می شوند ودر صور تیکه وضع زند گی هر دو طرف از هر حیث عا دی باشدحق او لیت بما در داده می شود تا نگهداری پسر صغیر الی سن هفت واز دختر تا تکمیل سن نه رابعهده بگیرد البته مصا رف طفل و اجرت حضا نت برای مادرازطرف پدر طفل پردا خته میشود در صو رتیکه مادر از حق حضا نت خود بگذ در به کسان دیگر که جر یان مفصل آن در ماده ۲۳۹ ، ۲۴۰ و۲۴۱ به تفصیل ذکر است به حضا نت طفل به اعتبار در جه حق داده میشود .

اطفا لیکه از سن حضانت گذشته باشند در صو رتیکه پدر دارای صفات واهلیت حضانت باشد بپدر تعلق می گیرد مگر در صورت دیگر اگر امین محکمه تصد یق کند که مادر نسبت به پدر خو بتر است وپدر دارای اخلاقی می با شد که تر بیه طفل در نتیجه نا قص بار آید ومادر هم تقاضای تر بیه طفل رانماید محکمه مصلحتا کودك را بما در شس می سپارد .

از رئیس محکمه فا میلی که از پو هنځی شر عیات فارغ شده ودر رشته حقوق در مما لك خارج تحصیلات خویشرا از طر یق پرو گرا مهای ترینګ انجادم داده می پر سم که بنظر شما یك قا ضی باید دا رای چه صفا تی باشد ؟

در پا سخ گفت :صفات بر گزیده یك قاضی اینست که بیطر فی خودرا برای تامین عدالت حفظ کرده بتواند، تا وقتیکه قاضی افکار خودرا خالی از احسا سات وعوا مل خارجی بر کنار نسازد قضا وت عا دلا نه کرده نمی تواند ، علم دا شتن به قوا نین عرف وعا دات منطقه از جمله ضروریات است ، ولی در قدم اول عا ملیت خود قاضی(مثل دا کتر روا نشناس) شرطهای اساسی موفقیت در کار است قا ضی با ید از علم روا نشنا سی بی بهره نبوده و قدرت آنرا داشته باشد که علل وعوامل اختلاف را در مسا یل حقوقی تشخیص دهد. بعباره دیگر همانطوری که برای طبیب تشخیص مرض جهت معالجه مریض از جمله ضر ور یات است قا ضي نیز باید در تشخیص علل اختلاف در مسا یل حقو قی و علل ار تکاب جرم در مسا یل جزا یی حاذق اباشد .

از رئیس محکمه فا میلی سوال نمودم در مسا له قضا یی از متودهای جهان تاچه حد پیروی می کنید وهم برای بلند بردن بیشتر سو یه قضات کدام پرو گرام های دارید ؟

گفت : در جواب با ید بگویم که وظیفه قا نو نگذار است که ازمتود های جهان متر قی پیر وی نماید، محکه فامیلی تنها به اساس قوا نین موضوعه مملکت ومقر رات شرعی ،عرف عا دات ورو یه های قضایی قبلی بمو ضوع رسید گی می کندو برای بلند بردن سویه قضات کدام پرو گرام مخصو ص فعلا ندا ریم مگر چون کار شان پرا تیك است در زمینه تجربه حاصل می نما یند والبته در مواقع خا ص در صو رت لزوم دیدتمام اداره عا لی قضاسمینار های را جع بمو ضو عات خاص ویا عمو می دایر می گردد .

قا بل یاد آوریست که فعلا به تعداد هشت قا ضی داریم که پنج نفر آن ازقشر اناث وفارغان پوهنځی حقوق وشر عیات میبا شند . واین انتخاب از سببی است که خانمهای شاکی را اینها خو بتر قنا عت داده میتوانند وما تا حد زیاد مو فق بوده ومیتوا نیم بگو یم که در کارخود موفق وور زیده هستند .

-از رئیس محکمه فاملی خوا ستم تایکی از خا طره های دوره کار خود رابرای ماحکا یت کنند ؟

-خاطرات من زیاد است طور مثال خاطره ایکه با عث تا ثر من شده اینست : یکروز دختر جوا نی که محصله صنف دوم اکا دمی تر بیه معلم در حا لیکه سنش کمتر ازبیست بود بایك مردی در حدود شصت سال اینجا آمدند که با هم از دواج می کنیم .مرددارای یك زن وپنج طفل بود، ازدواج اینها را من نظر به تجربه ایکه در محکمه فا میلی دا شتم نا مسعود تلقی کرده وبسیار تو صیه کردم که نسبت تفا وت سن ومتاهل بودن مرد مخصو صا مردیکه دارای پنج طفل بودوز نش هم از علم و تحصیل بی بهره نبود ودر یکی از ار گا نهای دو لتی وظیفه داشت به محکمه حا ضر شد واصرار ورزید که ازدواج بین شو هر ش وآن دختر صو رت بگیرد من وسا یر قضات اورا ملتفت عوا قب سا خته ومتذکر شد یم که این ازدواج باعث از هم گیسختگی یك فا میل وپنج طفل می گردد مگر زن گفت من با خانم جدید شو هرم مثل یك خوا هر گزران خوا هم کرد زیرا من به شو هرم علاقه فرا وان دا رم و آرزو دارم هر چه او بخوا هد به آرزوی خود برسد و بالا خره من درپای عر یضه شان عدم موا فقت خود را نظر بد لایلی که نزدم بود بصرا حت تحر یر نموده ومو ضوع رامسترد نمود م ولی مدت بیست روز بعد دیدم که مرد با خا نم جدید شس به محکمه آمده وگفتند که مابا هم ازدواج کرد یم، من چیزی نگفتم وبعد از مدت سه ماه بود که خانم اولی در حا لیکه اشك ازچشمانش جاری بود به اینجا آمده و بعد ازاظهار یك سلسله تاثرات وشکایات گفت : من به نصا یح شما عمل نکردم ولی فعلا میدا نم که بد بخت شده‌ام زیرا شو هرم از مد تیکه با آن دختر ازدواج کرده بکلی تغییر کرده تمام قول وقرار ها یشس رابا من بهم زده من وپنج طفلم رافراموشس کرده وحتی قصد طلاق مرا نیز دارد وحیات ما را می خوا هد به تبا هی بکشاند . من برا یشس چیزی گفته نتوا نستم تنها اینقدر افزدوم که خودت اینکار را کرده ای کو شش کن با شو هرت بسا زی و او راراضی کنی تابا طلاق زند گانی اطفال وخودت را خراب وتباه نکنی .

درین قسمت مصروف صحبت پیرا مون مو ضو عات مختلف اختلافات زن وشو هر وعوا مل طلاق و جلو گیری طلاق با را حله حبیب قا ضی محکمه فا میلی ولا یت کا بل بودم که دو مرد باز نیکه چا دری سبز بسر داشت وارد شدند یکی ازمرد ها خودشرا برا درزن معرفی کرده و بدون مقد مه شر وع به سخن کرد:قا ضی صا حب شما ببنید این مرد به ناحق میخواهد خواهرم را طلاق بدهد اگر ایرادی داشت من شو هرش را حق بجانب میدانم ورویش را بجانب خواهرش نموده گفت خوا هر رو یت را نشان بده به همشیره ها، وزن بدو ن تا مل چادر یشس را پس زده و رو یش را برای نشان دادن بالا گرفت زن تا اندازه مقبول بود روی سرخ و سفید ، ابر وان پیوست ، بینی خوبی هم داشت وبسیار معصوم معلوم میشد سنش کمی زیاد معلوم می شد .

قا ضی(راحله حبیب) پر سید ببهینم مشکل شما چیست ؟

شو هر زن که مرد میا نسال با پیرهن وتنبان نصوا ری و کلاه قره قلی با دا می که تا کنون سا کت ایستاده بود با لهجه اطرافی غلیظ به صحبت آمده گفت ، قاضی صاحب کار ، کا ری دل است ، دلم بند شده با وجود یکه زن خو بی هست پدر کرده عا جز ومظلوم هم می باشد مگر چه کنم که بد لم بس ن آمده نمی توا نم گناه از خا نوا ده همی زن هست که او را برا یم قبل از ازدوج نشان ندادند ، من مر د هوسبا زی نیستم با خانم قبلی ام که خدا بیامر زشس بیست ویکسال زند گی کردم ودا رای ششس دختر ودو پسر هستم، وخودم آشپز می با شم ومدت چهارماه از ین عروسی ناخو شم می شود کسی ایند خترزا برایم پیدا کرد، دختر ها یم را فرستادم برای خوا ستگا ری وچند ین مراتبه بخا نه شان رفتیم مگر آنهـا دختر را پنهان کرد ند.

درین هنگام برا در دختر سخن مرد را قطع کرده و گفت دروغ چرا میگویی ، شب عید را فرا مو شس کردی که آمده بودی هنوز چندپاکت میوه ودو قاب سا عت هم آورده بودی وبخواهرم گفتی که از ین ساعت هایکی را انتخاب کن وبا او حرف زدی ، میتوا نستی هما نشب اورا نگیری حالا چرا اورا رهامی کنی ؟ خوب حالا که تو نمی خواهی ماهم ترا نمی خوا هیم .

بقیه در صفحه ۵۱

از ریدرز دایجست
نو یسنده :دو نا لد ـپسی تایت

مترجم:د.سکوت

پندك‌ها وعده‌های جاودانی طبیعت

بمجر دیکه در خت بید پشم آلود معلوم شود با ید متو جه بود که طبیعت کار شس را از نو آغاز می کند زیرا نما یان گرد یدن پشمك های خا کستری جلا دار درشاخه های سیاه رنگ در ختان بید نو ید دهنده پندك های است که در نزد تعداد زیادی مردم ، خیلی عزیز ودو ستدا شتنی است زیرا نمایان شدن این پند کها پیام آور آغاز سال نو است که همیشه با بهار می آید وبا بهار بطو مار زمان می پیچد .

فصل بهار در حقیقت فصل پند کها یست که بدا خل آنها برگ گل ویاشا خچه های جد یدگنجانیده شده میبا شد . این را نیز باید بدا نیم کههر یك پند كاحتیا جات وضرور یات آینده خود را بدا خل خود دارد وبدون پندك هیچگاه بر گی بو جود نمی آید وآثار و علایم مر ض بشکل لکه های سفید ظاهر نمیشود ویا شا خچه به لطف خاص بلای شاخچه های کهنه پهن نمیگرد د.

در منطقه ما که در ختان درموسم زمستان لچو بر هنه میبا شند میتوانیدیك پندك را در بیخ دمچه هر بر گ پیدا کنید بر گها باو جود کهنشوونمای خالص«بدون تخم،قلمه» دارند اما باز هم نموی نطفه ای نیز دارند، ودر یك در خت کهنسال ممکن است بر گها ما نند نوك ناخنها سطحی بنما ید اما با یدبدانید که بر گها در شا خچه ها ریشه های عمیق دارند وتا رو پود آنها اصلا با مر کز شا خهای قویتر وقد یمی تر اشجار مر بوط ومنوط میبا شد .

این برگها درآغاز فصل بهارطبق معمول آهسته، آهسته رشد مینماید و دریـن ز مـا ن آ ثا ر و ر م وآما س در آنها دیده میشودهمچنان در همین‌هنگام‌است که پوست شا خچه هابه سبزی ما یل میشود. اگر با ری بکنار در یا جهت تماشا برویم ونباتات سبز رابنگریم وعمیق شو یم که پند كآنها چگونه در حال نمو میگرد ند ویا در میان اشجار آنجا دا خل شو یم ومتو جه بازشدن پند کهای آنها که چون مشت انسان شل بسته میبا شد گرد یم ،میتوا نیم در زاو یه دمچه بر گها ، بر علاوه پندكامسال پندك سال آینده را هم ببینیم که در محلی که باید باشد قرار دارد ودر زاویه اخیر الـذکر برو شنی خواهیم دیدکه پندك سال بعد نیز به چشم میخورد .

بلی! این است خوا ص پند کهای هر نوع بته‌وهر گو نه اشجار .

متخصصین با تجر به ودانشمند که‌در اند یشه کشف را ز های اشجار بسر میبر ند ودر باره هر نوع در ختی به تحقیق وتجر به میپردازند و هر نوع آنرا یا به وسیله فلس یا پو ست آنها پندك های زیبا و استوار کرا تیك را می بینند که فلس بر نجی دارند واز این کاربه راز ها واسرار درون اشجار پی میبرند .

درختان «داك وود» دارای پندکهای پیاز ما نند میباشند وپندکهای منگو لیا فلس های بز رگ‌ابر یشمی مانند گو شس پشك دار ند . همچنان پوشس پند کهای بعضی در ختان چسپناك وسر شی میبا شد .

از این تـذ کرات‌معلوم‌میشود که این پو ششها به هر شکل ونو عی که با شند برای حفا ظت پند کها در مقابل سردی زمان وسیله خوبی محسوب میشود . درحقیقت پندکهای خزا نی یا تیر ما هی بـذات خـود مانند یخ سرد میباشند زیرا با تر تجار بی که صو رت گر فته کرستل های یـخ از دا خل آنها بد ست آمده‌است اما این مو ضوع کـدام ضر ری بر پند كکه در خواب می باشد نمی‌رسا ند. همچنان ایـن فلسها که ما نند پاکت های سرشی شده میباشند انساج نازك پند کها را در مقا بل خشك شدن حما یه می کنند . زیرا باد های که حتی بر فها را هم تبخیر کرده میتوا نند «بدون آنکه آب آنرا انسان دیـده بتوا ند» ممکن است این پند کهارا اگر این فلسهای سر شی شده بدور شان قرر ندا شته با شند از هم جدا سازد . از این جهت است که گرم شدن هوا در او یل فصل بهار برای اشجار و نباتات خیلی خطرناك تمام میشود . چه انساج پند کهای آنها با زی خورده شروع به نشوو نما کرده باز میشو ند وبزو دی‌توسط باد های‌سرد خشك میشو ند.

اگر یك پندك تیر ماهی را قبل از آغاز فصل بهار از بین قطع نمائیم تاکرا سس شکن آن معلوم‌شود میتوا نیم که بدون ذره بین نیز بنگر یم که مادر طبیعت بطورماهرانه تمام سر سبزی آینده را که در تابستان آینده رو نما میگردد در بین این پند كکو چك گنجا نیده است.

در طبیعت هیچگاه بر گها روی همد یگر ما نند تیوب تلسکوب قـرار داده نمیشوند که چملك گردند و یا ر گ بر گها ی آ ن شکستا نده شود . زیرا این رگها هستند که هم ستون فقرات آینده بر گها را میسا زند و هم نلهای شرایان آب و غذای برگ محسوب میشو ند در حا لیکه قات شـدن انساج بر گها همه در بین رگ‌بر‌گها وسایر رگها صو رت میگیرد .

در پندك آلو بر گ ها بد رازی شان تاب میخورد ودر بر گهای آلوبالو ، شفتا لو ، سیب بدو طرف رگها مهم تاب خورده اند .

بر گهای در خت چنار و(سو یت گم) از آنجا که تعداد زیاد رگ‌برگ مانند پکه دستی که همه آنها در حصه آخر بر گ نقطه و صل شده اند مانند پکه در بین ر گها منسجم شده که توسط باد های تا بستان باز میشو ند .

حینیکه برف هنوز در کو هها باشد در زیر سا یه اشجار نا جو حرارت پند کهای تیر ما هی بیشتر وبلند تر شده میرو ند وهر روز تفا و تی در درجه حرا رت آنها به وجود می‌آید علت اصلی این مسا له عبا رت از آغاز نمو نبا تات می باشد که بـذات خود ما نند فعا لیت دویدن انسا نها ست واین مفهوم را مید هد که آکسیجن بیشتر برای دویدن ویا نشو نما بکار است به تندی نفس کشیدن ویا نشو ونموی سر یـع به معنی جریان شد یـد عملیات او کسیدیشن میباشد که سر انجام منجر به تو لید حرا رت میشود لهـذا تعدا دی از پند کها تا وقت باوج رسیدن بهار صبر وحوصله ندا رند و بزودی آ غاز بفا لیت می نما یند وحرا رتی را که تولید میکنند شا یدبرف دورو پیش شانرا آب نمایند . لـذا روی همین مطلب است که تعداد زیاد اشجار کو های آلپ در وقتی گل میکننـدکه هنوز روی شان برف وجود می داشته باشد .

چرا بعضی از پند کها در او یل بهار شگو فه میکنند وبر خی‌دیگر دراواخر فصل بهار و بخشی حتی در تا بستان وتعدا دی حتی در خزان گل میکنند .

طول روز های آفتا بی در ین مورد فکتور مهم وکنترول شده آن است‌از تحقیقات وتجا رب جد ید معلوم گردیده که بر خی از نبا تات در روز های کو تاه وشب های دراز شگوفه می کنند این شگو فه ها عبا رت از شگوفه‌های اولی‌آنهاست‌وقتیکه‌روزها دراز میشو ند وشب ها رو بکو تاهی میگـذا رند شگو فه های آخر فصل بهار ، شروع به شگو فان شدن مینما یند .. همچنان تابستان طولانی وشبهای کو تاه منجر به شگوفه های تا بستا نی میشو ند.

در یك در خت چیز یکه فوق العاده مهم است عبا رت از مو قعیت پندك هابروی شا خچه ها میبا شد زیرا پند کهای که در روی شا خچه های قدیمی تشکیل شده با شند آماده شگوفه کردن در فصل بهار میباشند واگر پند کی بروی شا خچه بهاری تشکیل شده با شد وقت کا فی برای تکمیل نمو نطفه ای خود درین فصل بهار ندا رد وشا یـد هم این نوع پند کها در ایام تیر ماه‌گل کنند مانند در خت «وچ هازل» که گلهای سبزو طـلا یی آن بعد از آنکه اکثـرا بر گها افتید ند ونخستین

بقیه‌در صفحه ۵۸



از: ولد هلت

ترجمه‌داود زهدی

سال نو و کودک نو

شاید در ابتدا جواب این سوال برای شما تردد آمیز باشد ونزد خود بیندیشید که آیا درخانه ویا در شفاخانه ، در کدام یکی از این دومحل، میتوانید به آسانی ، یك طفل طبیعی وزیبا بدنیا آورید .

آیا در هنگام ولادت شوهر شما نیز آنجا حاضر باشد ویا خیر !

جواب این سوال شمارا داکتر مسوزان کرت میدهد. وشمارا رهنمایی میکند که چطور خویش را برای بوجود آوردن نوزاد تان آماده گردانید .

ولادت یك کودك، یکی از واقعات خیلی مهم زندگانی انسان محسوب میشود . در زمانهای قدیم عموماولادت ها، بدون آنکه، متخصص ، ادویه ویا وسایل مغلق امروزی وجود داشته باشد وبکار برده شود در خانه هاصورت می گرفت .

امروز، هر انسان شهری، فهمیده میتواند که علم وتکنالوژی، تاچه اندازه ولادت های دیروز را دگرگون گردانیده وبرای مادران سهولت پدید آورده اطمینان خاطر بخشیده وراه ها وطرق دیگر زایمان رابار نموده است .

خانه یا شفاخانه :

ولادت در خانه بعضی سودمندی هارا حائز میباشد چه مادران، در ماحول شان احساس آرامش مینمایند واعضای فامیل شان رابدور وپیش شان میداشته باشند . اگر قرار باشد که تولد طفل در خانه صورت بگیرد این عمل چنین معنی میدهد که مادر صحت سالم وبرای ولادت در منزل آمادگی دارد .

اما اگر نوزاد نخستین‌طفل‌مادر وباصطلاح اول باری باشد ویا سن مادر از مرز میان سالگی گذشته باشد ویامشکلاتی‌دربار داری های سابق وی رونما گردیده باشد بابیست باومشوره دادکه در شفاخانه ولادت کند .

ولادت در شفاخانه رانیز میتوان درصورتی توصیه نمود که‌وضع مادر خوب نباشد و به‌امراض ازقبیل بیماری شکر، یاپرابلمها ی قلبی، مصاب ویا دشواری های رادر ولادت های قبلی اش سپری نموده باشد حتی اگر یکی از این موضوعات وجود نداشته باشد ومادر بخواهد طفلش را در شفاخانه بوجود آورد میتواند باین عمل اقدام نماید چه در حقیقت باپذیرش شفاخانه، مساعی ممکنه‌اش را، در جهت سالم بدنیا آوردن کودکش ، بخرج میدهد .

جای شك نیست که شفاخانه ها دارای وسایل کافی اند وتا اندازه زیادی میتوانند، از حدوث وقایع غیر مترقبه و اضطراری جلوگیری بعمل آورند . زیرا، متخصصین ورزیده در مورد لوازم، بصورت فوری میسر می‌گردند.

گذرانیدن یك مدت کوتاه، بعد از ولادت در شفاخانه زمینه را برای مادر مساعد می گرداند تابدون آنکه به سایر مسایل‌فامیلی، متوجه باشد، کودك خودرا، به آرامش خاطر ببیند واز صحت وسلامت او اطمینان حاصل نماید .

اگر شما وطفل شما، هردو دارای، صحت کامل میباشید مدت توقف تان را، درشفاخانه از ٤٨ ساعت تایك هفته طولانی تر نگردانید زیرا برای اعضای خانواده و دوستان تان سرگردانی های پدیدمی‌آید.



این طفل سالم وصحتمند ،متحیرانه به چه نگاه می‌کند

موجودیت شوهر در هنگام ولادت :

امروز اکثر شفاخانه های جهان، اجازه میدهند که شوهران در هنگام ولادت اطفال شان حاضر باشند زیرا آنان میتوانند کمك های اخلاقی، تشویقی ویا مددگاری های‌مهمی را ، در جهت سهولت بخشیدن زایمان زنان شان، بعمل آورند .

اکثرپدران، با سهم گرفتن در این تجربه، احساس همدردی کرده وبعداز آن رابطه زناشوهری شان مستحکمتر گردیده است .

البته این تصمیمی است که مربوط طرز تفاهم بین زنان وشوهران میباشد وتا اندازهٔ زیادی به‌تفاهم آنها تعلق‌دارد.

چگونه‌مینوانید بخودکمك کنید؟

اکثر از داکتران عقیده دارند که ، یك مادر اگر بخواهد وتجارب سایر مادران و توصیه های داکتران را ، بکار ببندد میتواند خود ونوزاد خود را ، در هنگام زایمان کمك زیادی کند .

مطالعات وتحقیقات تازه ، این نظریه را تائید ونشان میدهد ، مادرانیکه ، قبل از ولادت کورسی را ، درین رشته خوانده در هنگام ولادت درد های کوتاه مدتی راگذرانیده وبه ادویه جات مسکن کمتر ضرورت احساس نموده اند . همچنان زایمان برای این چنین مادران یك تجربه شادی انگیز بوده وآنان به کمترین مشکلی فرزند شان را بدنیاآورده اند .

شفاخانه ها ویا مراکز صحی‌محلی، عموماً این گونه کورس های قبل از ولادت رابرای مادران دائر مینمایند وطی جریان کورسها در پهلوی فهماندن موضوعاتی از قبیل روش های نوین‌پرورش نوزادان‌بانها تلقین‌مینمایند که بدون از فکر و تشویش خود را برای زایمان آماده سازند .

همچنان مادران درین کورسها پیرامون بار داری نورمال ، درد زایمان ، ولادت‌طفل، تطبیق ادویه بی حسی موضعی، مراقبت ازسینه ها. تغذیه کودك توسط پستان وسایرمسایل تربیه سالم اطفال مطالبی را فرامی‌گیرند .

اگر شما مایل مساعدت باشید .

چند ماه قبل از ولادت به زایشگاه مراجعه کنید وازکار کنان آن مساعدت بخواهید آنان بکمال خورسندی شمارا ، رهنمایی و مدد گاری خواهند کرد ودر ضمن خواهند گفت که‌شماچطور استراحت کنید چه‌سپورت های را انجام بدهید وچگونه عمیقانه نفس بکشید وروحاً خویش رابرای طفل بدنیا آوردن آماده گردانید .

شوهر شما نیز میتواند تا اندازه ای درین راه برای شما کمك نماید مشروط براینکه‌به او اجازه بدهید تا در هنگام زایمان حضور داشته باشد .

چگونه نجات از درد :

برخی از زنان ، بدون کمك نیز ، با درد زایمان ، مقابله کرده میتوانند بخصوص اگر آنها تجاربی اندوخته باشند وتوصیه های‌قابله ها وداکتران را بگوش داشته باشند . اما بعضی دیگر اززنان ،محتاج‌کمك وادویه جاتی می‌باشند تاآنها را ، از چنگ درد های شدید نجات داده بتواند . این چنین زنان با وجودیکه ، خود را روحاً خیلی زیاد ، آماده کرده باشند مگر در هنگام زایمان بمشکلاتی مواجه می گردند وبصورت فوق‌العاده دردمی کشند. قابله ها وداکتران باید به‌زنان مذکور دلداری بدهند وکمك کنند . اما آنها باید بدانند که درد های زایمان گوناگون بوده وهر زن ، یك انسان بخصوصی است ودردها، با وجودیکه بیك نوع جریان می‌یابند ولی در اصل متفاوت میباشد .

طریقه ها وشیوه های مختلف برای جلوگیری از درد وجود دارد . اما متاسفانه هیچ یك از این طریقه ها وروش ها صد در صد موثر نمی‌باشد وهریك آن دارای نقایصی می‌باشد .

امروز ادویه جات زیادی وجود دارد که‌درد را ازبین می‌برندا‌ما «پیتی‌داین» مواردا‌ستعمال

زیاد دارد این ادویه توسط پیچکاری «دروجود مادر تزریق میشود وخیلی موثر میباشد .

اما نقص این ادویه درین است که شاید بروی چنین اثر سؤ بگذارد. اگرچنین شود، نوزاد به آهستگی تنفس می‌کشد وگریه‌می کند اما دراکثر موارد تاثیر ادویه‌مذکورآنقدر مهم نمی‌باشد .

از تحقیقاتی که‌درین تازگی هـا صورت گرفته این نتیجه بدست آمده که نوزادانی که ، مادران شان در هنگام زایمان «پتی‌داین» گرفته اند میلان زیادی بطرف دنیای خواب داشته ودر روز های نخست زندگی در هنگام گرفتن غذا به مشکلاتی ، مواجه میباشند که این برای یك مادر جوان خیلی هراس‌انگیز می‌باشد زیرا وی احساس می کند کـه طفلش ، دردی دارد که نمیتواند شیرش را بخوبی وبدون تکلیف صرف نماید .

همچنان امروز گاز های نیز وجود داردکه مادران میتوانند خود شان آنها را تطبیق کنند، از جمله این گاز ها سه نوع آن قابل‌تطبیق است . که نمیتوان نسبت سـود منـدی و زیانمندی آنهایکی را بدیگرش برتری‌داد .

اگر مادری بخواهد استعمال یکی از این گاز هارا ، فرا گیرد میتواند بیکی اززایشگاه ها مراجعه نماید . موظفین شفاخانه هـا ، برای او می‌آموزند که چطور ماسك گازرا بالای بینی خود بگیرد وتنفس نماید آنچه



که مهم پنداشته میشود وباید بخاطر سپرده شود این است که شما وقتی گاز را تنفس می‌کنید انقباض صورت می‌گیرد واین انقباض شکل درد را نمیداشته باشد باوجودیکـه تنفس گاز همیشه منجر بـه‌نجـات از درد نمیشود ولی میتواند وضع مادر را در مقابل درد بهتر سازد . البته تنفس گاز، مادر را خواب آلود میگرداند .

بر علاوه گازها ، ادویه جات ، بی‌حسی ، جلدی نیز وجود دارد . این نوع نجات‌دادن از درد ، دارای مفاد زیاد می‌باشد زیراتاثیری روی جنین نداردواز هرده واقعه در ۹ واقعه آن بدون آنکه صدمه‌ای روی صحت مـادر وارد گردد ، موثریت ثابت دارد .

مادرانی که در شفاخانه ولادت می‌نماینـد واز این نوع ادویه جات استفاده مینماینـد در هنگام زایمان بکلی به هوش می‌باشند .

اما بااین هم بی‌حس کردن جلدی دارای نواقصی نیز است . که خوشبختانه آنقـدر موثر نمی‌باشد .

یکی از نواقص آن عبارت از کم شـدن فشار خون وتولید سر دردی شدید برای‌مادر است .

البته‌درتطبیق این نوع ادویه جات مهارت



وتجارب زیاد خیلی بدرد میخورد وچون تعداد زیاد داکتران در تخنیك استعمال آن مهارت ندارند ، بکار بستن ادویه جات بی‌حس‌کردن موضعی چندان گسترش پیدا نکرده است .

آیا درد بکشیم یاخیر؟

اگر شما بدانید که در کدام روز ، طفل تان بدنیا خواهد آمد سود فراوان می‌برید . زیرا برای آن روز قبلا ترتیباتی گرفتـه میتوانید ، آمادگی روحی برای تولد نوزاد تان میداشته باشید وحتی برای درد کشیدن نیز خویش را آماد میگردانید ودر لحظاتی که به شفاخانه میروید هیچگونه تشویشی نمیداشته باشید .

زنانی که نمیدانند کدام روز طفل شان بدنیا خواهد آمد بمشکلاتی گرفتار می‌گردند زیرا چندین روزدر شفاخانه می‌مانندهمچنان چون وقت زایمان این چنین زنان بدرازا می کشد لذا داکتر ومتخصصین مجبور میشونداز از طریقه وادارکردن مادر به ولادت کارنگیرند بهترین وموثر ترین‌روش وادارکردن ولادت عبارت از چکانیدن «آکسی تاکسن» است . آکسی تاکسن ، یك ادویه محرك در انقباض‌و انبساط اعضا بدن بوده وکار درد زایمان را ایفا می‌کند .

وقتی این ادویه بداخل رگ عقب دست میگردد بکار خود آغاز ودرد را بوجودمی‌آورد اما باید متوجه بود که آکسی تاکسن ، به مصاب ساختن اطفال به بعضی عوارض موثر میباشد .

سیزارین (طفلی که‌دراثر پاره شدن شکم بدست می‌آید

طوریکه گفتم ، نقایصی زیادی به شمول تکلیف صحی، درطریقه های ولادت های‌فوق‌الذکر وجود دارد وهیچ زن نمیخواهد نوزاداو بمشکل بدنیا بیاید .

اما اتخاذاین تصمیم‌که‌در هنگام موجودیت مشکلات چگونه طفل شما بدنیا آورده شود مربوط بخود شما است . البته ما نظریه داریم که اگر دانسته شود که خطر متوجه مـادر ویا نوزاد میباشد بهترین طریقه برای درامان ماندن طفل ومادراز خطر، جراحی شکم‌است.

اگر چه برای مادری که از این طریـق نوزادشی را ، بجهان می‌آورد این نا امیدی دست میدهد که نتوانسته بصورت نـورمال زایمانش را ببیند . اما این چنین مادران ، نباید تشویشی را بخود راه بدهند وبخاطر داشته باشند که این عمل‌را بخاطر زندگـی وسلامتی وجود او وطفلش صورت پذیرفته وچانس اینکه در آینده ولادت نورمال داشته باشد خیلی زیاد است .

شیردادن طفل توسط بوتل یاپستان

قبل از ولادت در هنگام بار داری از شما سوال می‌شود که چطور میخواهید به کودك تان شیر بدهید . شاید اگر شما تصمیـم گرفته باشید که کودك تان را خود تان شیر بدهید از این سوال احساس غرور وشادمانی می‌کنید .

همچنان اگر آرزو داشته باشید که از راه پستان ، طفل خود را ، تغذیه نکنید نبایـد احساس قصور را بخود راه بدهید زیراشیر دادن طفل توسط شیر چوشك نیز قناعت‌بخش می‌باشد .

اما تاهنگامیکه سوال فوق از شما بعمل می‌آید اگر کدام تصمیمی نگرفته باشید باید متوجه مفاد زیادی که تغذیه کودك از راه پستان مادر دارد باشید

طفل را درکجا نگهداری کنید

دراین روزها برای مادران ، ضرورت‌واهمیت در بغل گرفتن طفل شان ، خیلی مهم تلقی میشود .

قرار تجاربی که‌به عمل‌آمده ثبوت‌گردیده که ۲۴ ساعت بعد از ولادت برای طفل و مادر زمان خیلی حساس است زیرا در همیـن ساعات است که روابط طفل ومادر بنیانگزاری میشود واگر درین ساعات مادر از کنارفرزند دور باشد در استحکام این روابط خلل وارد میگردد . باین منظور امروز اکثر شفاخانه های دنیا، ترتیباتی گرفته اندکه مادرمیتوانند تاحد امکان وجود واکسیر محبت خود مستفید گرداند . حتی اگر مادری بنابر بیمـاری و مشکلات بعـد از ولادت از کـودکش دور نگهداشته شود سعی میشود تا باندازه‌مطلوب از طفل وارسی نموده بتواند .

یکی از متخصصین معروف بنام داکتـر «لیبویر» مولف کتاب «ولادت به‌سهولت»توصیه میکند که خیلی سعی وکوشش بکار برود تانوزاد آرام ومستریح ودر محیط مملـو از شادی وشادمانی بوجودآید. متخصصین‌مذکور می‌گوید که‌مادر نوزاد باید تشویق گردد تا با طفلش در جریان ولادت حرف بزند .

تاثیر این عمل هرچه باشد اما این گونه ولادت ها، بطور خیلی روشن پیوند روحی طفل ومادر را مستحکم وعشق وعلاقه انسان‌را افزون ترمی گرداند .

آینده اش چگونه باشد :

آنانی که عمر شان را در راه تربیه اطفال ومددگاری مادران باردار بپایان رسانیده اند، تجارب ارزشمندی را، در چگو نگـی بدنیا آوردن، از خود بیادگار گذاشته اند .

مثلا ولادت نشسته که یکی از اشکال ولادت طبیعی بوده وامروز نیز یکی از بهترین‌طریقه ولادت در شفاخانه ها میباشد .

عده‌ای از مردم فکر می کنند که ولادت های طبی نسبت به‌ولادت های طبیعی، پیشرفته است وباید سعی وتلاش صورت گیرد تا در آینده کودك به آرامش وسلامت بوجود آید ومادر در هنگام ولادت کوچکترین مشکـل وتکلیف نبیند .

پیوسته بگذشته

مراقبت بهتر طفل

در واقع به منظور تعدیل وضـع موجوده بطر ف بهبود ی اقدا ما ت زیا دی را میتوا ن از طر یـــق تطبیق پرو گرا مهای وسیع‌وقایو ی در زمینه به عمل آورد یك معیـار عمو می بمنظور اطمینا ن در موفقیت به مبارزا ت مصو و نیت با هـر گونه اقدام در رشته صحت عا مه بصورت عمو م ضرور ت حتمـی حصو ل دانشی و همکار ی مرد م که مستقیما در پرو ژ ه دخا لـت دارند میباشد .

با درنظر داشت آنچه که تذ کر داده شد (دولت جمهـور ی دموکر اتیك افغا نستان) باپیروزی مرحله نوینی‌انقلاب شکوهمندثورباب تازه گی در زندگی مرد م ایـن سر زمین کشو ده شد و دولـت جمهور ی ما تلاش میورزد که شعار عا لی انسا نی را که « صحت حق طبیعی خلق است » به زود تریـن فرصت تحقق بخشد . دلیل ثا بت که ما را متیقن می سازد که ایـن اهدا ف مانند دیگر پلان هـا ی دولت که در عمل پیاده گردید جا مه





بقیه در صفحه ۴۷

نویسنده: الکسی تولستوی

طفولیت نیکیتا

مترجم: دوکتور خدایداد بشرمل

درخت عید مسیح ...

یك درخت بزرگ یخ زده صنوبر به‌اطاق پذیرائی کشیده شد ـ پکون ، وقت زیادی را صرف بریدن وچکش زدن باتبرش نمود تا آنرا برصلیبی که باید برآن می ایستاد نصب کند . بالاخره درخت را بلند نمودندو درخت بحدی بلند بو دکه قامت آن در زیر سقف خم شده بود . باد سردی از درخت می آمد اما تدریجاً شاخچه های یخ زدهٔ نرم‌شدو بحالت نورمال خود باز گشتند اطاق را بوی صنوبر فرا گرفته بود ـ اطفال : زنجیر های کاغذی وصندوق‌های وسایل زینتی را به‌اطاق پذیرائی آوردند ، چو کی ها را گردا گرد درخت گذاشتند وبه آرایش‌کردن آن پرداختند. چون وسایل زینتی بقدر کافی بدسترس نداشتند مجبور بودند مخروط های کاغذی بیشتر برای توزیع شیرینی آماده سازند ـ وچارمغز ها را برنگ طلائی اندوده کرده تار های نقره‌ئی را به کیك ها وسیب ها بسته کنند ـ اطفال‌را تاشام‌بکار مصروف نمودند... لیلیا در حالیکه سرش را بالای بازوانش گذاشته بود بخواب رفته بود .

عید مسیح (کرسمس) فرارسید . تزئینات درخت تکمیل شده بود ـ درخت رابا اشیای پرزرق وبرق طلائی ونقره‌یی پوشانیده‌بودند، زنجیر های کاغذی را آویخته وشمع ها را در شمعدان های کوچك رنگه جاداده بودند ـ زمانیکه همه چیز آماده گردید مامی گفت : ـ«بچه ها ، حالا دور شوید تاشام بـرسد ، باطاق پذیرایی نروید حتی اشاره هم نکنید.» درآن روز نان چاشت را ناوقت وباعجله‌صرف کردند ، اطفال همان‌پودنگ سیب را خوردند، اطاق پر ازغوغا بود ، بچه ها یکدیگر راآزار می‌دادند ومی گفتند که تاشام چقدر انتظار بکشند ...

حتی ارگادی ایوانوویچ هم یك کرتی فراك ویك پیراهن نخودی رنگ پوشیده‌بود، نمیدانست با خود چه کند واز یك کلکین‌به کلکین دیگری اشپلاق زده می‌گشت ، لیلیا پیش مادرش رفت . آفتاب بآهستگی بسوی غروب نزدیك شده می‌رفت ویك رنگ گلابی خفیف را بخود اختیار کرده بود ، ابر ها چهره اش را پوشانیده بودند ، سایه های ارغوانی ایکه کنار چاه بر روی برف های سفیدافتاده بود دراز شده می‌رفت ، بالاخره مامی بچه‌ها را گفت که باطاق رفته و لباس بپوشند ، نیکیتا بر بسترش یك پیراهن ابریشمین‌آبی یافت که نقش ستون فقرات ماهی را دریخن، دور آستین ودامنش داشت . یك کمر بند ابریشمی نیز آنجا دیده می‌شد . او لباسش را پوشید وپیش مادرش دو ید ، نیکیتا موهایش را باشانه مرتب کرد بعداً در برابر آئینه قد نما ایستاده سرا پای خود را بدقت تماشا کرد ، او در آئینه یك جوان خوش لباس وبا سلیقه زیبا را بنظر آورد ، یقیناً او خودش‌نخواهدبود ؟ «آخ ، آخ ، نیکیتا!» مادرش آهی کشید وسر ورویش را بوسید «کاش همیشه همینطور یك جوان خوب و آراسته باشی .» مادرش گفت .

نیکیتا از اطاق با غرور خارج شده بسرعت روان بود ، ناگاه دختری را دید که با لباس سفید ملبس بوده وبطرف او می آید . بلی آن دختر جوان یك لباس سفید در خشان‌با یك دامن کوچك چیت بر تن داشت ، یك بوی کلان سفید نیزبر موهایش دیده می‌شد، زلفانش تا شانه‌ها آویخته بود، پیش‌نیکیتا آمد وبسویش بایك ادای خاص سلام داد .

«آیا فکر می‌کردی که من شبح یا خیال بودم ؟»آن دختر پرسید ...«از چه می‌ترسی؟» این را گفت وباطاق مطالعه وارد گردید وبر روی کوچ نشست ... نیکیتا هم به تعقیب او رفته ودر گوشهٔ دیگر کوچ قرار گرفت ... بخاری روشن بود ، کنده های چوب قوغ‌های آتش ایجاد کرده بودند . یك نور سرخ قسمت های عقبی چوکی های چرمی ومجسمهٔ نیم تنهٔ «پوشکین» را که بین دو صندوق کتاب قرار داشت روشن ساخته بود . این نور سرخ هردم گل وبل می‌شد .. لیلیا بی حرکت بجایش نشسته بود طوریکه فروغ آتش بخاری رخسار گرمش را نورانی تر ساخته بود ... وکتور نیز یك یونیفورم آبی با تکمه های جلا دار ویك یخن گلاباتونی طلائی بر تن داشت ویخنش را طوری محکم بسته بود که بمشکل حرف زده می توانست.. وکتور بریك چوکی بازو دار نشست ،همچنان ساکت ، دراطاق پذیرائی که نزدیك اطفال بود آواز مامی واناپولو سوفنا بگوش می رسید ، آنها بسته هارا باز می کردند وچیزی رابر زمین می‌نهادند وباآهستگی‌سخن می‌زدند وکتور می‌خواست از سوراخ کلید آنها را به‌بیند اما از آنطرف آن را باکاغذ سریش کرده بودند .

بعداً اطاق بیرون بسته شد ، آنها صدای بعضی اشخاص وآوازپاهای شان‌را شنیدند.. این اطفال ده بود که رسیدند ، نیکیتا باید می‌دوید تاآنها را خوش آمدید بگوید ، لیکن نمی توانست از جای خود حرکت نماید، یك نور آبی رنگ از خلال کلکین ها تابید، درین اثنا لیلیا با صدای لطیف گفت :«یك ستاره بر آمده .»

ناگهان دروازه های اطاق مطالعه باز گردید. اطفال از کوچ پریدند ، در اطاق پذیرائی از زمین تاسقف ، درخت عید مسیح باتعداد بیشماری از شمع های فروزان می‌درخشید . جرقه وشعاع های نور آن طوری معلوم‌می‌شد که گویا یك درخت‌آتشین بهرسو طلا،جرقه ها واشعه های دراز نور پخش میکند . این نور ثقیل بود که ازآن بوی حرارت ، بوی برگ های صنوبر ، موم ، رنگ سرخ وکیك های دوائی گرم شده از آن می‌آید .

اطفال از دیدن این مناظر دلاویز مبهوت ایستاده بودند وبسوی کیك هامی دیدند ...

از دروازه های خارجی اطاق پذیرایی،اطفال ده وارد صالون شدند ونزدیك هم کناردیوار ایستادند ویکدیگر را فشار میدادند ، همه آنها بوت های نمدی را از پا های خود کشیده وجراب در پا داشتند لباس ها ی شان سرخ بود، بعضی گلابی وزرد پوشیده بودند ، دستمال های شان هم زرد و لاکی وسفید بود .

مامی به نواختن (رقص پولکا) توسط پیانو شروع کرد، وقتیکه پیانو می نواخت باتبسمی که برلبانش داشت بسوی درخت دور خورد واین نغمه را سرود :

« ماهی خوار با اینکه لنگ های بسیار دراز دارد »

«اما دو باره بوطنش آمده نمی تواند ...»

نیکیتا دستش را بسوی لیلیادرازکرد، لیلیا دستش را بدست خود گرفت در حالیکه فروغ تابناك درخت در چشمان شان منعکس شده بود ، اطفال خاموش و مودب ایستاده بودند . ارکادی ایوانوویچ بسوی جمعیت دختران وپسران دوید ، از دست های شان گرفت ودورا دور درخت باآنها برقص شروع کرد .. سپس نیکتیا ولیلیا ووکتور وبالاخره همه حاضرین واطفال دست های شان را بهم داده در اطراف درخت عید مسیح برقص پرداختند ، کودکان ده این نغمه را می سرودند :ـ

(حالامن طلاپنهان می کنم، طلا پنهان می کنم).

(حالا من نقره پنهان می کنم ، نقره ...)

نیکیتا یك کاغذ مخصوص را از درخت گرفت وآنرا باز کرد، در میان آن یك سرپوش دراز نوك تیز بایك ستاره وجود داشت ... دیری نگذشت که کاغذ ها ی ادویه بهر طرف منفلق می شدند ، بوی‌باروت وفش فش کلاه های کاغذی بهر طرف منتشر می گردید .. لیلیا یك پیش بند کاغذی جیب دار رابرتن کرد، رخسارش مانند سیب سرخ بود . لب هایش از اثر خوردن چاکلیت رنگین شده بود، او همیشه وقتیکه به گودی کلانش که زیر درخت عید مسیح گذاشته شده بود می دید می خندید..

در زیر در خت همچنان بسته های کوچك کاغذی را برای بچه ها ودختر های ده گذاشته وآن بسته هارا بدستمال های رنگارنگ بسته بودند ... وکتور شکل یك نظامی را داشت با خیمه وتوپ ـ ونیکتیا یك زین چرمی ویك قیزه وقمچین اسپ سواری داشت ....

حالا آواز شکستن مغزیات و لوزیات‌شنیده می شد ... اطفال وقتیکه تحفه های شان را باز می نمودند از بینی های شان نفس های عمیق می کشیدند ...

مامی بازهم پیانو می نواخت ، کودکان گرداگرد درخت کرسمس می رقصیدند و می سرودند . اما شمع هابه آخر رسیده بودند وارکادی : پایین وبالامی دوید تاآنهارا خاموش کند، درخت تاریکتر شده می رفت. مامی پیانو را بسته کرده وبه حاضرین‌گفت: باطاق نان تشریف ببرند، ارکادی باعده‌از پسران و دختران باطاق نان روان شدند .... در دهلیز ـ لیلیا کمی توقف کرد تا نفسش را تازه کند وبطرف نیکیتا با چشمان پسر خنده دید . آنها نزدیك ایستگاه در دهلیز ایستاده بودند ، جائیکه بالاپوش ها را می آویزند ...

«چرا خنده می کنی ؟» لیلیا پرسید .

«توخود بخود می خندی» نیکیتا جواب داد .

«وچرا بسوی من می‌بینی ؟»

نیکیتا سرخ شد ، باو نزدیکتر شد ، او نمیدانست چطور چنین واقع شد ، بسوی‌لیلیا پیش رفت واو را بوسید ـ او فوراً گفت : «تویك پسر خوبی هستی ، ترا دوست دارم برایت نگفته ام زیرا نخواستم کسی بداند ، این یك راز است .» هردو باطاق نان وارد شدند .

بعد از چای ـ ارکادی ایوانوویچ یك‌بازی برد و بای راترتیب داد. اطفال ازفرط سیری خسته بنظر می رسیدند ـ نمی دانستند که چه باید بکنند .. بالاخره یك بچه کوچك که‌پیراهن خالدار بتن داشت به‌چرت رفت، از چوکی اش افتاد وبه گریه آغاز نمود ..

مامی گفت که مراسم تشریفات درخت کرسمس پایان یافته ...کودکان به راهرو، جائیکه بوت های نمدی ولباس های شان را پهلوی دیوار گذاشته بودند رفتند ـ پوستین هاو بالاپوش های شان را پوشیده در آن‌شب سرد بسوی خانه های خود حرکت کردند .

نیکیتا ،اطفال را تانزدیك درمشایعت کرد، وقتیکه دو باره بخانه مراجعت نمود ، قرص ماه باحلقهٔ نور درخشان می‌تابید ..درختان در پرتو مهتاب درازتر بنظر میرسیدند . بسمت راست یك دشت سفید وسرد دیده می‌شد . یك سایه یا یك شبح باسر کلان وپا های دراز در پهلوی نیکیتا در حرکت‌بود.. نیکیتا احساس کرد که در عالم رویاء در قلمرو افسانوی یادردنیای خیال قدم می‌زند. تنها قلمرو خیال یادنیای افسانوی در حین مواقع پر سرور نشاط بوده میتواند ...

بد چانسی وکتور ...

درروزهای رخصتی : وکتور باملیشکا ـ کوریا شونوك رفیق شد وبه حوض پائین با او رفت ودر گودال عقب حوض یك دژ نظامی ساختند ـ یك منارهٔ برفی باچاردیواری مکمل با دروازه ها وکمینگاه ها .... بعداز آن وکتور به گروه کونچان مکتوبی نوشت: «شما آهنگران خروس چشم کونچان که یك موش رانعل کرده اید، ما شما را چیزی خواهیم داد که مارا فراموش نکنید ـ ما ، در جبهه انتظار شما را خواهیم داشت ... »

(وکتور بابکن) ورزشکار کلاس دوم

قوماندان جبهه

آنها نامه را به یك چوب میخ کردند و ملیشکا کور یا آنرا بقریه برد وآن را بر یك تهءی برف کنار کلبه ارتامون نصب کرد.

یومکا ، لیونکا وار تامو شکای صغیر ، الیوشکا و وانکای سیاه گوشی وبرادر زاده ها: ساوسکا پتروشکا نزدیک چوب‌بر تپه برف برامدند وبرای مدت زیادی به جمعیت کونچان اخطار می‌فرستادند ، توپ های برف برآنها می‌انداختند وبعداً باملیشکا کوریا شونوک رفته وجبهه را اشغال کردند ..

وکتور به آنها دستور داد که گلوله ها با جسامت های مختلف تهیه نمایند - اوشان در داخل دیوار جبهه گلوله ها را انبار نمودند یک‌بیرق را بایک دسته‌نی بر قله مناره‌در اهتزاز در آوردند ودر انتظار دشمن نشستند.

نیکیتا آمد ، باستحکامات آنها نظری انداخت ودست هایش را در جیب هایش برد . «کسی نخواهد آمد ، جبهه شما خوب نیست ، من نمی خواهم با شما بازی کنم ، خانه می روم .» «یکدختر را پیدا کن وباو بازی نما .» وکتور این سخن را گفت .«دختر کش !»پسران ارتامون‌باصدای بلندخندیدند وینکای سیاه گوشی با انگشتان خوداشپلاق کرد . «اگر می خواستم تمام شما را ازجبهه تان بیرون می کردم .»

نیکیتا گفت ، «تنها اینکه شما ارزش آنرا ندارید که دست هایم را به شما آلوده‌سازم» وزبانش را بسوی وکتور بر آورد واز کنار حوض بخانه رفت .

گلوله های برف بسویش پرتاب می شد اما حتی او پشت سرش را هم ندید ..

آنهائیکه در جبهه نشسته بودند دیرانتظار نکشیدند ، از سمت ده ، از روی آب هائیکه برف روی‌آنرا پوشانیده بودبچه های‌کونچان آمدند ، آنها مستقیماً بطرف جبهه آمدند در حالیکه تا زانو در برف فرو می رفتند - همه در حدود (۱۵) نفر بشمار بودند .

وکتور از قهر برای شان گفت که آنهارا مانند چوب سوخت پارچه پارچه خواهد کرد. چشم هایش را دور داد . پسران کونچان در دروازه های جبهه توقف کردند وبعضی ازآنها روی برف نشستند . آنها پسرکی را که‌شال مادرش را پوشیده بود نیز باخود داشتند - گروه کونچان توسط ستیوبکا رهبری می‌شد- او جبهه را بادقت دید ومستقیماً بطرف دیوار حرکت کرد .

«این بچه‌رابادکمه‌های جلادارش بما تسلیم کنید .» ستیوبکا گفت .« ماگوشی هایش را در برف خواهیم مالید .»

وکتور هوای سرد را استنشاق می‌نمود - ملیشکا آهسته گفت : «یک کتله‌ی برف را بردار وبرسرش بزن.»- وکتور یک‌کتله‌ی برف را برداشت وآنطرف انداخت اما نتوانست هدف را بزند - کرنوشکین با گروه خودش عقب رفت . پسران کونچان بساختن گلوله های برف مشغول شدند - گلوله های برف از جبهه زمستانی بسوی شان پرتاب می شد. پسران ارتامون خاصتا در پرتاب کردن‌گلوله مهارت داشتند . آنها نخست پسرکی را که در شال مادرش پیچیده بود مورد هدف‌قرار دادند . پسران کونچان به مقابله وعکس‌العمل پرداختند . گلوله های برف از هر دو طرف در هوا پرتاب می‌شد وبجالب همدیگر زده می‌شد . دیرک با ملحقات آن از بالای مناره افتاد .

وانکای سیاه گوشی از دیوار افتاد و به کونچانی ها تسلیم شد - ناگهان کلاه‌وکتور افتاد ویک گلوله دیگر برف برویش اصابت کرد - پسران کونچان بغوغا پرداختند ، چیغ زدند واشپلاق نمودند ..

وبه جبهه حمله نمودند ... دیوار شکست و دفاع کنند گان ازنی زارکنار تالاب گریختند...

درگلدان بالای ساعت چه است ؟...

خود نیکیتا نمی دانست چرا بازی کردن بابچه ها برایش خسته کن است - و خانه رفت کلاه وکرتی اش را برآورد و وقتیکه به اطاق هال داخل‌شد صدای لیلیا که‌با مادرش سخن می گفت بگوشش رسید .

«مامی ، آیا از روی مهربانی برایم یک پارچه قالینچه پاک خواهی داد ؟» والنیتنا ، گودی جدیدم ، لنگش را زخمی کرده ومن راجع به صحت او تشویش دارم .»

نیکیتا خاموش ایستاده شد وسروری‌را که در تمام آن روز هاداشت احساس کرد ، خوشحالی اش بحدی زیاد بود که گوئی‌یک صندوق موسیقی یاریکارد طرب انگیز درقلب ویا کدام جای از وجوش گذاشته شده و یک نغمه وآهنگ دلربائی را می نوازد .

نیکیتا باطاق مطالعه رفت ، وبر کوچ در جائیکه لیلیا دو روز قبل آنجا نشسته بود بیادشی نشست وچشمش را به کلکین‌دوخت. بمطالعه یاد داشت‌های خود متوجه گردید ضمناً نقش های کلکین یخ زده را عمیقاً مورد ملاحظه قرار داد ... آنجا نقش های غریب وقشنگ دیده می‌شد - نقش ها ازسر زمین پری ها - از جائیکه صندوق موسیقی بی صدا نواخته می‌شد - در آنجا شاخچه ها، برگها ، درخت ها واشکال عجیب و غریب حیوانات وانسان ها وجود داشت ، وقتیکه اوبه نقش ها میدید ، نیکیتا احساس نمودکه کلمات خود بخود بپهلوی هم قرار می گیرند وسروده می شوند ، واینکه این کلمات و جمله ها مبهوت کن واین نغمه ها تا فرق سرش سوزش تولید می نماید ، نیکیتا با احتیاط از کوچ لغزید و پارچه کاغذی را بر میزکار پدرش جستجو کرد وبه نوشتن قافیه ها بحروف کلان شروع کرد :

آخ، جنگل من، توجنگل منی ..
توسرزمین پری های منی، جنگل من !
توازپرنده هاوحیوانات وحشی مملوهستی ..
آدم های وحشی کلمات مبارکی را نجوا می کنند ،
جنگل ، من ! من به توعشق دارم ..

بسیار مشکل بود اضافه از آن راجع بجنگل چیزی بنویسد، نیکیتا نوک قلمش را جوید وبطرف سقف خانه دید، حتی کلماتی را که او نوشته بود همان کلمات نبو د که کمی قبل آن را خود سرانه وبرای آزادی شان سوال کرده بود. نیکیتا شعر فوق راسراپا خواند ومورد پسند ش واقع شد ، او کاغذ راهشت قات کرده به جیب‌گذاشت ، اوباطاق نان رفت ودر جایکه لیلیا پهلوی کلکین نشسته بود و مشغول دوخت بود نزدیک شد. دست های نیکیتا از عرق‌مرطوب‌شده بودو با دلیلی که نزد خود داشت نمی توانست آن شعر را به لیلیانشان بدهد .شایدباین‌دلیل که مبادا لیلیا از بعضی کلمات شعر برلنجد.

وکتور در تاریکی خانه آمد . از شدت سرما آبی گشته وبینی‌اش پندیده بود. اما ابرواسوفنا دست هایش را روی هم زد ..

انااپولو گفت : «آنها بینی اورا دو باره شکسته اند ... باکه جنگ کردی ؟ فورا جواب مرا بده .»

- «با هیچکس جنگ نکرده ام، بینی ام خودبخود پندید ، هوابسیار سرداست...»

وکتور با افسردگی جواب داد و باطاقش رفته بربسترش دراز کشید ...

نیکیتا به تعقیب آن رفت وپهلوی بخاری ایستاده شد.در آسمان نیلگون چندستاره ظاهر شده بود . گویی که با سوزن کشیده شده اند ...

«آیا علاقه داری که برایت یک شعرراجع به‌جنگل بخوانم ؟» نیکیتا پرسید:

وکتور شانه هایش رابالاانداخت وپاهایش رابردسته چپرکت گذاشت :

«توباین سیتو بکا کر نوشکین گفته می توانی که برایش بهتر خواهد بود که با من دو باره روبرو نشود .»

«آیا میدانی ؟»نیکیتا گفت : «این‌شعر یک جنگلی را تشریح‌می‌کند، این‌یک جنگلی است که بچشم دیده نمی‌شودواما همه کس‌راجع به آن می‌داند، اگرحالت خراب باشد آن شعر جنگل را بخوان ، احوالت بهتر می شود ...» ، یا اینکه بعضاً، میدانی ، چیزی را در خواب‌می‌بینی که بسیار خوب است نمیدانی چه هست ؟ اما چیز خوبست ، بیدار می شوی اما بیادآورده نمی توانی که چه بوده ... فهمیدی ؟»

«نی، من نمیدانم .» وکتور گفت : «و من نمی خواهم که به شعر هایت گوش دهم .»

نیکیتاآهی کشید ، یک لحظه‌نزدیک بخاری ایستاد وبعد بیرون رفت .

در دهلیز کلان که با آتش بخاری گرم وروشن شده بود، لیلیا بالای یک صندوق نشسته بود در حالیکه پوست گرگ را در بر داشت .. او شعله های آتش را تماشا می کرد، شعله هابروی آتش می رقصیدند .

نیکیتا پهلویش نشست ، از اثر حرارت‌بوی بالاپوش ها وهم بوی اشیای کهنه که بالای الماری قرار داشت بمشام می رسید ..

«بیاکه کمی گپ بزنیم» لیلیا با تا مل شروع کرد ، «چیز دلچسپی برایم بگو» .

«آیا علاقه داری که در مورد خوابم‌برایت بگویم، خوابی که چند روز قبل آن را دیده‌ام ؟..»

«بلی، لطفا، راجع به خواب خود قصه کن» .

نیکیتا به گفتن خواب جالب‌خود، بادیدن پشک، تصاویریکه زنده شدند، چطور پرواز کرد، ووقتیکه نزدیک سقف پرواز می کرد چه دید، شروع کرد ، لیلیا بدقت گوش میداد . گودی اش راکه یک پایش پانسمان شده بود در دامن خود جاداده بود، وقتیکه قصه اش را تمام کرد لیلیا بسویش دورخورد در حالیکه چشمانش از ترس و کنجکاوی برآمده بود ؟

«در گلدان چه بود ؟» او با آهستگی پرسید :

«من نمی دانم .»

«باید هم چیز دلچسپی در آنجا باشد .

«اما من آنرا در خواب دیدم .»

«فرقی نمی کند، باید توآن را می دیدی، تویک بچه هستی ، توچیزی را نمی‌دانی، بگوکه آیا شما حقیقتا گلدانی مثل آن دارید ؟»

«مایک ساعت مثل آن داریم .» اماگلدان رانمی دانم . ساعت در اطاق مطالعة پدرکلان است . کار نمی کند .»

«بیا که برویم وببینیم...»

«آنجا تاریکی است » ...

«مایک چراغ را از (درخت عید) خواهیم گرفت، تو چراغ را بیار ، لطفا بیار ..»

نیکیتا باطاق پذیرایی رفت‌ویک‌چراغ‌را که‌کلکین های رنگه ساخت شیشه معدنی داشت از درخت عید برداشت ، آن را روشن کرده دو باره بدهلیز رفت .

لیلیا یک شال پشمی کلانی را دور شانه - هایش پیچاند ، کودکان وحشت زده براه و برآمدند وبسوی اطاق های تابستانی رفتند دراطاق کلان صالون که سقف بلندی داشت روی کلکین‌ها یک طبقه ضخیم‌یخ‌نشسته بود ، نور ماهتاب سایه های غلیظ شا خچه های درختان را برآن انداخته بود ، اطاق سرد بود وبوی سیب های گنده بمشام می رسید، دروازه های بلوطی ایکه بین دو اطاق قرار داشتند نیمه باز بودند ..

«آیا ساعت در آنجا هست ؟» لیلیاپرسید:

«نی، پیشتر، در اطاق سوم قرار دارد .»

«نیکیتا ! آیا تو از چیزی نمی ترسی؟»

نیکیتا دروازه را کش کرد، باآوازرقت‌انگیزی بازشد وآن آواز در اطاق خالی انعکاس کرد، لیلیا از بازوی نیکیتاگرفت، چراغ لرزید وشعاع‌های‌سرخ وزرد آن‌در دیوار ها گل وبل می شد .

بچه ها به نوک پنجه باطاق دیگر داخل شدند ، در این اطاق : نورماه از ورای‌کلکین هامی تابید وصحن زمین را روشن و سفید ساخته بود . چوکی های باز ودار را هدار: نزدیک دیوار وکوچ کج پادر کنج خا نه گذاشته شده بود، سر نیکیتا گیج میخورد

«آنها بسوی مامی بینند.» لیلیا درحالیکه با انگشتش بسوی تصاویر دیوار اشاره می‌کرد.. تصویر آن مردوزن سال خورده ... به آهستگی گفت :

اطفال ازاطا ق دویده ودر وازه دیگر رابار نمودند ، اطاق مطالعه را فروغ‌مهتاب‌روشن ساخته بود .. جام های شیشه ای .. الماری های کتاب وپوش های مطلای‌کتاب ها همه در پرتوماه درخشان می تابیدند ، بالای بخاری دیواری، در نور مهتاب : خانمی که لبا س سوار کاری را برتن داشت طور مرموز می خندید ...

«این کیست ؟ لیلیا در حالیکه به نیکیتا نزدیک شد پرسید :

«این آن زن است .»نیکیتا به آهستگی جواب داد :

لیلیا سرش را شور داد ، اطراف اطاق را دید وناگهان فریاد زد :

«گلدان ، نیکیتا !، ببین ..گلدان!..»

در انتهای اطاق یکساعت دراز در یک صندوق چوب شیشم بنظرمی رسید، رقاصة ساعت بی حرکت آویخته بود، دربالای ساعت دربین دو قبهٔ مخروطی، یک گلدان بر نجی که کلة شیر را نشان میداد گذاشته شده بود، نیکیتا هیچگاه آنرا ندیده بود اماحالا میدانست که این گلدان همان گلدانی است که آنرا قبلا در خواب دیده بود ، او یک چوکی را نزد ساعت گذاشت ، بالای آ ن برآمد وبا اینکه بانوک پنجه اش ایستاده شد به گلدان رسید، در میان گلدان کمی گردوخاک ویک چیز سخت بدستش تما س کرد .

ناتمام



شعراز: محمد نعیم (جوهر)

فصل نو بهار آمد

بازآن فصل نوبهار آمد
باز بوی شگوفه زار آمد

از دل کوه وسینه صحرا
لاله بامژدهٔبهار آمد

بهر ماوقت کشت وکارآمد

گل دراین باغ زود سر بکشید
خارو خاشاك‌راز بـر بکشید
یکقلم این بهار دارد عیش
غنچه هارا به سیم وزر بکشید

باد نوروز چه خوشگوارآمد

فصل پرشور نو بهار رسید
مژده وصل آن نگار رسید
همه کس رابه خویش جلب نمود
(جوهر) رفته در دیار رسید

باز آن میلهٔ مزارآمد

ساحل خورشید

دریا نورد زندگی ، باقایق زمان
دربحر بی کران رهٔ زنده زیستن ،
باعشق آتشین
درراه زندگی
عاری زبندگی
باموج های تند، باکوسه های خشم
پیکار می‌کند
لیکن بردو راههٔ پیمان راستین
آن پیکر غنوده به‌انوار ، راه را
در تند باد هستی پندار آرزو •
طوفان موج تند، درآغوش می‌کشد
اما، که موت تن شده ، از خشم موجها
خود رابه شمل ساحل خورشید می‌کشد
ع، فکور

چخوف میگفت :

ترجمه : غلام معروف

من بدون مهمان زندگی کرده نمیتوانم!

این سال ، یکصدو بیستمین سالگرد تولد نویسنده شهیر روسی انتوان چخوف که حتی تو لستوی در مورد ش تذکر بعمل‌آورده می باشد «چخوف ••• هنر مندزندگی••• بزرگتر ین اثر کارش عبارت از دانستن مطالب مختلفه وی به‌صورت بسیار آ سان که نه تنها مردم روسیه آنرا درك کرده میتوا نند بلکه د یگر ان نیز همه بصورت آسان متوجه شده ودرك صحیح از آن در ذهن خود حك کرده میتوا نند ... وی هیچ تر سی از چیزی ندا شت و همین کار پر ارزش وی قابل یاد آوری و اهمیت‌بسیاری می‌باشد • او همیشه طوریکه می دید وچیز ی را که می دید در با ره آن می نوشت .

چخوف یکی از نادر ترین نویسنده های که عیناً مانند دیکنز ، پوشکین و یکتعداد دیگر نویسند ه ها فوق العاده کا ر می نمود • با گذشت زمان چخوف آهسته آهسته شهرت کسب نمود و آثار او به ۸۲ لسا ن مختلف که شصت ویك لسان آن از زبا ن های مختلف مردم روسیه وبیست ویك لسان دیگر آن مربو ط ممالك مختلف دنیا بود چاپ و منتشر شد • نمایشنامه های وی عمو ما به صورت متواتر در تیا تر ها به نما یش گذاشته می شد .

ذیلا گفتار یکتعداد از اشخاص برجسته را که در مورد چخوف چیز های گفته اند مطا لعه فرما ئید :

جیو ر جی برید نیکوف آمر انستیتوت ما کسیم گورکی وادبیا ت جها ن ،میگوید:

چخوف واقعا یك نو یسنده روسی بود البته با تمام کلما ت پر مفهو م وی نه‌تنها به‌منظور عشق وعلاقه اش به مردم‌وطبیعت وطن عزیز ش اتحادشوری، بلکه بخاطر کارشس• چخوف دارای یك قدرت افاده دما غی‌فو ق العاده قوی در مورد تحریر و پخش نظر یه ها ومفکوره ها مخصو صا در حل مسا یل پر پیچ روسیه بوده است که عمو ما به مسا یل و مشکلات اصلی زندگی عا مه‌ارتباط می‌گیرد که تنها دارای نفوذ وتاثیر بسیاری بالای مردم روسیه بلکه با لای تمام‌اشخا-صیکه نه تنها از نگاه نژاد وملیت با هم یکی هم نیستند تاثیر بارز وارد کرده میتوا ند .

سیرجی لو ندار چوك دایرکترفلم میگو ید .

چخوف در جریان بیست سال کار درزمینه تهیه فلم های مختلفه تما ماً نظر یات‌و مفکوره ها ی متنو ع که از وی حتی از زما ن طفلی آمو خته بودم ومطالعه نموده بودم مخصو صا ناول که‌به یاد گار گذاشته بود استفاده های خوبی نموده ام ،مخصوصا در عرصه احترام به کرامت انسانی

چخوف یك نویسنده عجیب ودارای احسا س عمیق و بسیار عالی و ضمنا یك معلم پر قدرت و دارای صلا حیت و لیا قت در نوشتن درامه های روانی همراه با نشا ن دادن قدرت وا قعی مردم روسیه و تمام حا لات آن بود و هم چنا ن دارا ی قدرت درك کا مل عنا صر ترا ژید زندگی بود، این بهمین منظور است که‌چخوف‌و تگیا کو فسکی را تما ما بصورت مکمل می شنا سند ، هر دوی آنها دارا ی‌احسا س بسیا ر عالی درمقابل سر زمین ما در ی‌شان وطبیعت خا ك روسیه داشتند.

میخائیل کوپریانوف ، پور فیری کیری-لو ف ، نیکو لای سو کو لوف ، میگو یند:

خاطرات گنشته بسیار شیرین ودل‌لچسپ مارا به یاد خاطره سا ل ۱۹٤٤ اثروی» زن

بقیه در ص مقابل

بهار نو

زگذشت هر بهاران ، گل نوبهارمارا،
به بهار هاشنیدن (غزل بهار ما را)
به ترانه های مستی ، طربست ورنگ‌معنی،
(همه شور زندگانی) دل بیقرار مارا،

قدم بهار نو خیز،سرفرش سبزه زاران،
چه خوش است ، پاك دیدن ،رخ‌سبزه زارمارا،
به بهای شعر گیرا ، به نوای سازموزون
رمقست و روح زنده ،رگ تارتارمارا،

گهر سخن نمودار،بغزل‌بشعر ، زیباست،
نم‌اشك چشم گفته، (در آبدار مارا)،
می‌وساقی سیه چشم، بجهان می‌پرستی
هوس نهفته باشد ، سرپر خمار مارا،
سر شیشه ولب جام ، شکند بهار ساقی،
زشراب ترنسازد ، لب میگسارمارا،
همه نونهال زیبا، سرو گردن کشیده
به‌بهار قدبلندان، ببرد نگار مارا
رخ دلربای دلبر ، بصفای قلب (مسرور)
همه لاله‌روی دیده، گل‌لاله زارما را

مسرورنجیمی

فلك آخر صدا کرد

بیا بنگر امین باما چها کرد
بهرخانه غم و ماتم بپا کرد
جوان وپیرو برنا جمله کشته
چوچنگیز قتل عامه بر پا کرد
بهر خانه‌که‌باندش‌حمله ور بود
زهر فامیل‌گرفت وسرجداکرد
فغان مافلك بشنود وبگیر یست
بهر خانه زما تم کر بلاکرد
زآه ودرد وسوز سینه چا کن
نگر تیغ‌فلك آخر صدا کرد
چوخوش باش نجفی ازطی دل
شکایت ازجفاوظلم هاکرد
شعر از نجفی

من و تو

من وتو
تو ....
تو برایم فقط تو بودی
و من ...
منهم فکر میکردم که برای تو ، بودم
افسوس
دریغا که من ندانستم
ندانستم که‌من برای تو، شما بودم
وقتی به چشمانت نگاه میکردم
وجودم به لرزه می افتاد
و آنگاه
آنگاه فکر میکردم
که نگاهت به من میگفت
میگفت ترامیخواهم
آری ترا
ولی دیری نگذشت که دانستم
دانستم که فقط
تو برای من هست وبودم بودی
نه من برای تو

نسرین صافی

نیکمرغه پسرلی

را غلی پسر لیه په خیررا غلی‌دسمون سره
زیری دوحدت‌یی‌ته را غلی دتـــــپر ون سره
نوی پسر لیه یی پسر لیه نوی وخت کی ته
خوزه‌شی پسر لیه‌ستړی مشی خو رژو نـدون سره
نوی وخت دپاره پسر لیه ته یی‌زیری او سی
زیری دژوندون‌یی ته را غلی دمضمـــون سره
یو پسر لی نه یی ته پو هیری‌څوپسرلی یی ته
یو یی دژو نـدون‌پسر لی بل ئی دسمون پسر لی
یویی دوحد ت پسر لی بل‌یـی‌درفعت‌پسرلی
یو دصدا قــت پسر لی بل دخد مــت پسرلی
ته دخو شحا لی پسر لی تــه‌د نیکمر غی پسر لـــی
ته پسر لـــی‌د هیلو یی ته یی دخو بنی پسر لی
تل داسی تازه اوسی تل داسی‌شباب او سی
ته‌انقلابی‌پسرلی‌تـل د انقـــلا ب او ســـی

شاه جهان «سدید»

از : محمد ناصر (نصیب)

تابش حسن

نگارا : رخ اشعه بارت بنازم
لب لعل وچشم خمارت بنازم
زهی عشوه آرائی و خود نمایی
بصد غمزه گشت وگذارت بنازم
لباس قشنگت ، نظرمی‌فریبد
بتا: شیوهٔ دل شکارت بنازم
رسد مژده آنگه، که‌آیی به‌گلشن
شقایـــق کشد انتظارت بنازم
نهی پاچودرساحه‌ی باغ وبستان
شود برگ صد گل نثارت بنازم
چوبلبل فصیح وچه شیرین ادایی
تـــن‌نـــازک وگلعذارت بنـــازم
نمودم چو اظهار عشق و محبت
زعکس العمل های یارت بنازم
دهد خاطر خسته را انبساطی
به آواز ثبت نوارت بنازم
خجل نرگس‌وسنبل‌ازچشم وزلفت
زایما رسانـــی فشارت بنازم
نه تنها ست جای تودر قلب عشاق
بخوبان بسی اعتبارت بنـــــازم
هنر سازی ، آهنگ زیبا نوازی
به‌دانشوری ساز گارت بـــنازم
به عزم تماشای جشن((گل سرخ))
به طیاره سوی مـــزارت بنازم
ترا سا یه آسا نصیب‌است‌در پی
نگاهی تغافل شعارت بنازم

من بدون مهمان...

همراه باسگ اش» مـــی‌اندازد ، جـــنگ هنوز ادامه داشت ما تما ما کار یکا تور های هیتلر را آماده سا خته بود یم و در پهلوی آن این در خوا ست و خوا هش از طرف مو سسه طبع کتب به ما رسید که‌به اثر مهم آقای‌چخو ف «زمان صلح» تـو جه جدی میزول بداریم . از مطالعه این اثــر، جوانب محرك آن رابدرستی درك نمـودیــم مردم دو با ره با اظهارات پر احسا س و عمیق خــواهان خـوشی ورو گـردا نیـدن دوباره به دراما تیـزم نشان دادند• طبیعت درونی زند گی بدون جنگ ، لسا ن وزبا ن گر مش البته در مورد گفتار وی برای بن کارتقریبا بصورت مطلق‌حکم‌شده میتواند که آماده بود . که حتی دا ستا ن های بسیار کوتاه چخـوف عینا بــه مـا نند نـا و ل با کتا بها ی بزرگ دیگر مقا یسه‌شده میتوانست• کـارهـــای چخـو ف مستلـزم ظاهر ساختن ووانمود ساختن احساس پـــر عا طفه و ظوا هر زند گی همرا ه بانداشتن هیچ اشتبا ه بزرگ واین هم از با عث داشتن معلومات کا فی ومطلق یك نویسنده نسبت به مردمش مـی‌باشد و میتـو ا نـــد کـــرکترهای فرا موش نا شدنی‌را ایـــجـاد نما ید .

حخوف ومهمانان وی :

چخوف میگفت که، مــن بدون مهمـــان زند گی کرده نمیتوا نم . این حر ف ها ی گذشته‌وی‌را ا مروز هــم میتوانیم‌در منزلش در سود وو بـــا کـــو در ینسکیـادرشهر مسکو بشنویم•

به‌خاطر یکصدو بیستمین سا لگرد تو لـــد وی دروازه های خانه مخرو بـــه اش کـــه منحیث یك موزیم آثار هنری وی از آن استفاده بعمل می آید ، بصورت کلی ومکمل برای و رود دیگرا ن باز گر دید ه‌است. مردم صرف به منظور دیدن آثار قدیمی وادبی دلچسپش به این جا می آیند . آنها آرزو دارند تادر فضای که‌چخوف در آنجـــا دیده به دنیا گشوده ، کارو زخمت را بخود متحمل گردیده و جا یی که زند گی خودرا ادامه داده دیدار مختصر بعمل بیا و ر نـد•

ما مورین مو ظف موزیم مذکور همیشه بصورت محتا طانه تما م اشیا و آلات را که به‌خود چخوف ویا به نام وی بـــوده جمع آوری می نما یند .

زندگی چخوف د مرسکو تــوام با عادتش یعنی طبابت محلی و بــر و سی احـــوال مر یضا ن بود . هر روزه مر یضا ن‌مختلف نزد ش مرا جعه نموده وازوی کمك طلب می نمود ند ، ضمنا خا رج از زند گی‌فامیلی خود همیشه در صدد کمك برای مرد ما ن که ضرورت به کمك دا شتند ، بود . این موزیم نما یانگر شهکار و فعا لیت های بی سابقه وی‌می‌باشد•

عارف ولی محصل صنف‌دوم رشته‌دری پوهنځی‌ادبیات وعلوم بشری

شعر نو و رسالت شاعر امروز

با در نظر داشت این نکته که شعر کلامی است موزون ، وباز تا بی است از واقعیت های جامعه ، بایدگفت که بسیاری ازشاعران ما هستند که موضو عات عشق ها ی فردی و درد ها ی خصو صی خود را بشکل سروده اند . واین استعداد خو درا تنها به عشق ها و درد های خصو صی خود که به هیچ درد شا ن نمی خورد ، منحصر سا ختـــه اند . ویا اینکه اگر شعر اجتماعی‌هـــم سروده با شند شعری است که دا رای مفا هیم گنگ وتر کیبات پیچیده وآمیخته با ابهام است • پس ، هر گزچنیـــن شعری رابه نام شعر (به معنای کـــه شعر زائیده درد ها ی اجتما عی است) ، یاد کرده‌نمی توانیم • چه، شعر اگر به‌خاطراکثریت‌مردم‌است وبیانگر دردها وآلام خلق ها است• بایـد حتی الا مکا ن‌در آن کلمات و عبا راتی‌کار برده شود که از یکطرف مطابق به‌مقتضیات عصر با شد واز طرف دیگر درك آن‌دشوار نبا شد ، یعنی قا بل فهم با شد ، تـــا بتوا نند اکثریت مردم آنرا مورد استفاده قرار داده و مشعل راه خود سازند . نـــه اینکه شاعر ترکیبات بغر نـج، لغت پردازی و سمبو ل های ساخته و پر دا خته خودرا بر رخ مردم بکشد .

وقتی ما شعر برای مردم می سراییم و ادعا میکنیم که رسا لت تا ریخی خود را درك کرده ایم باید مطابق به خوا ســت زمان‌شعر بسراییم ، البـــــته در بیـــــان شعر (چه شعر نو، چه شعر کـــلاسیك) محتوی مهم است ، نه قالــب • تا وقتی‌ما،در سرودن شعر او زان عروضـــی را مــــراعات می کنیم که ما نع بیان احسا سات عمیق وتا ثرات ما نگـــر دد• ما با ید تا جــای امکان بکو شیم کـــه واقعیت ها را در قالب شعر بیان نما ییم • پس مهم نیست‌که قالب بشکل کـلاسیك باشد یا قالب شعر جدیـــد•

ناتمام

ما میرویم به پیش

از تنگنای یاس وخرافات وکاهلی
واز کوره راه ظلمت فقر وبرهنگی
باعزم راستین وبا گامهای تند
در پرتو فروغ جهانتاب انقلاب
طی طریق میکنیم وپیش میرویم
ما میرویم به پیش وسر انجام میرسیم
دروادی امید
جایی‌که بوستان وحدت وصلح وبرادریست
قانون مردمش همه عدل وبرابریست
سرشار ازلزاکت واخلاق کارگریست
ای خلق کارگر
ای نسل بالغر
دهقان ورنجبر

وای صنف کسب گر
باهم یکی شوید
دور از همه ریا
با خاطر صفا

باقلب پر امید وبا آرزوی پاك
طی طریق کرده سوی ماروان شوید
چون مارفیق ویاوردهقان وکارگریم
ای خلق کارگر
مانیز چون شما ستم وجبردیده ایم
رنج وعذاب ومنت دونان کشیده ایم
باما یکی شوید
اکنون زمان وحدت وکار وبرادریست .

عثمان (شام)

مار های آبی

از ویکلی اف هند یا

ترجمه ی زکی ،پا کیزه

اگر میخوا هید در دا منه هــاو بلندی های(ستر یات مـلا کا) گردـ ش کنید باید به احتیاط قدم بزنید وهشیار جا نتان باشید تا صحت و زندگی تانرامار ها ی زهرناك وکینهـ توز مورد خطر قرارند هند.

اگر چه این مار ها رابعضی ها دوست انسان میدا نند اما متو جـه باید بودکه اینها مار ندو بدو ستی مار اعتبار و اعتماد نیســت و باید ازآنها دوری نمائیم و مرا قب حال خود با شیم وبکو شیم در چنگ آنها نیفتیم ور نه زهر این خز ند گان ما رادر منجـلاب درد و الم ومر گــ ونیستی خواهد انداخت .

در موا قعی که مد وجـذر در یـن سر زمین صورت میگیرد وامواج آب را به خشم می آورد وسر کشی و طغیانی می سازد مار های ز هر دار آبی نیز بر آشفته وعصبا نی می گردند ودر انتظار مو جودی بسر می بر ند تا اورا نیشی زنند ، عقده شان را بالای او آب سا زند وخشم شان رافرونشانند واورا رنجور وناتوان وبا مر گــ دمساز سا زند .

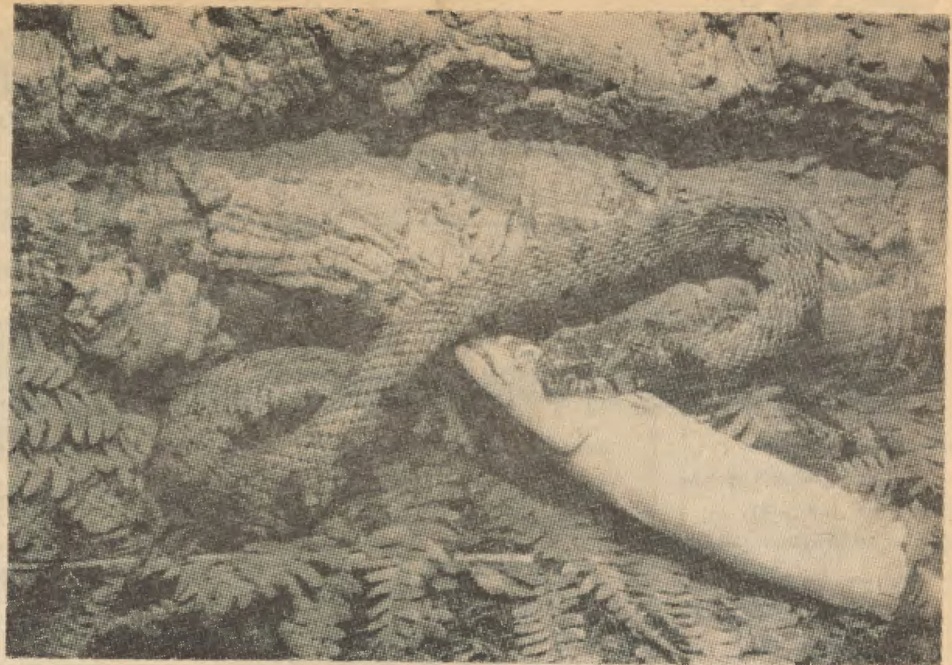
خزنده شنا سان را عقیده بر این است که این مار ها هر حا دثـه ای چه طبیعی وچه غیر طبیعی را ، از جانب انسان میدا نند از ین رو در کو ششی وتـلاشی هستند که او را بچنگــ آور ند وبا فرو ر یختن زهر شان در وجود وی از او انتقام بکشند واز انتقام کشیدن لـذت ببر نـدو شاد شو ند .

زهر ما ر های آ بی کشنده تراز زهر مار کبرا میبا شد . اگر یکیاز این مار ها زهر خود را به یکبا ر گی در وجود انسانی تزریق کند بدون شك اورا از پا درخو اهد آورد.شدت مر گ آوری زهر این مار هــا را نمیشود بازهر مار کبرا مقا یسه کرد. اما قرار یکه دیده شده خشـم وغضب مار های آ بی نسبت به مار کبرا کمتر وصبر وحو صله آنهــا بیشتر است . این مار ها بزدوی عصبانی نمیشوند چه ایــن ما ران اعصاب آرام دارند . یعنی در کلاس او سط قرار دارند . در کــلا سی که زهر دارند خشمگین میشو ندمگر خشم وقهر آنها در هر مو قــع به ظهور نمیر سد . همین خا صیت و تفا وت است که مار های آبی را از مارا نی که در سورا خها ،دردشتها وبیابان ها ودر کوه ها ودره هـــا زند گی میکنند جدامیسا زد .

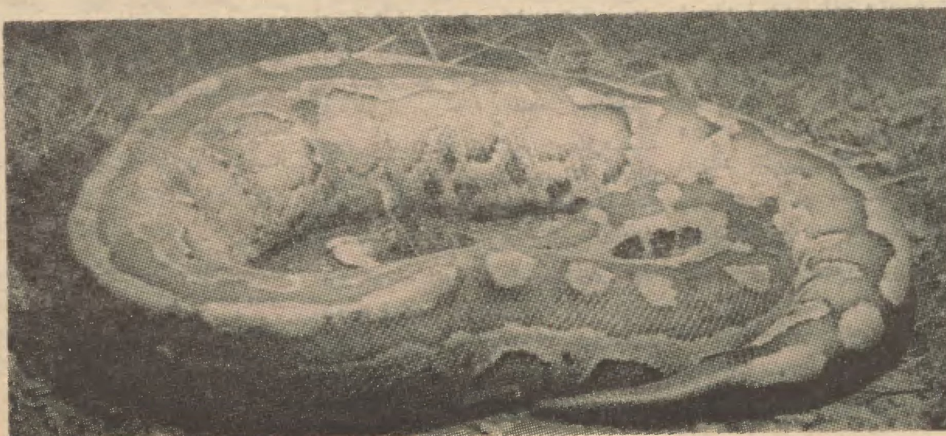
مار های آبی تا صد مه ی ازجاـ نـب موجود ی‌نبینند با لای اوحمله نمیکنند اما زما نیکه با اینجا نــور آسیبی رسد و زند گی خود را مواجه باخطر بنگر ند آتش خشم ایشان شعله ور می گردد ومیکو شند تــا جانب مقا بل را نیشی بز نند .

بلی!

تا باذیت وآزار این زنده جانها نپر داز ید ، آنها را عصبا نی‌نسازید زیانی از آنان نخوا هید دید، روی همین دلیل است که بعضی ها بدون آنکه تر سی وهرا سی را از آنهـا بخود راه بد هند این مار ها را جمعـ آوری مینما یند . البته کسا نی کـه باین عمل دست میز نند در کار شان تجا رب زیا دی دا شته به عادت‌و خاصیت این جانو ران آشنا یی کاملی دارند . آوان سر خشم بـــودن و عصبا نی بودن آنها را میدا نند ، از آن حصه ای جسم آنها می گیر ندکه باعث رنجش شان نگرد ند ایــن دسته مردم به گر فتن این مار هــا چنان مها رت پیدا کرده اندکه جانور مو صوف را بخون سر دی جمــع میکنند ودسته میسا زند بدون‌آنکه کو چکتر ین صد مه ای از جا نــب آنها ببینند .



خشم وغضب مار های آبی نسبت به مار کبرا کمتر است .



مارها با گزیدن انسان وسایــر موجودات عقده های شان راآب می‌سازند .

این مارها زندگی در آب را از زیستن در کوه ها وغار ها بیشتر دو ست میدارند زیرا در آب خو یشس را از حوادث واتفا قات مصون تر میدانند آرا متر وآسوده تر زند گی میکنند وچون در آب بسر می بر ند آنها را بنام مار های آبی یاد میکنند .

مرد ما نی که شغل مار گیری دارند همو ا ره در تلا شس اند تا مار هارا نیز شکار نما یند وبرای صید کردن مار های آبی ازسیم های چنگك دار استفا ده می کنند .منظره مار گیری را در هنگا میکه مدو جذر خفیف در ابحار خمید هند در کنار بحر ها زیاد میتوان مشا هده کرد. مرد ما نی که در غرب سنگا پورزندگی میکنند در گر فتن مار های آبی توسط وسایل ساده مهارت زیادی دارند وهمیشه در زمان مدو جذر خفیف در کنار در یایا بحر مشغول بدست آوردن مار های آبی دیده میشوند .

غذای شبا نه این مو جودات را مار ما هی وما هیان کو چك دیگر تشکیل مید هد. مار های آبی در سوا حل بحر هند زیاد تر ازسائر مناطق دیده میشو ند . مار های آبی این منطقه خیلی آرزو دار ند دریا های کو چك را گشت وگذار نمایند . روی این منظور همواره در خط وسیر این در یا ها این سو و آنسو آواره وسر گردان حر کت مینمایند وبرای بدست آوردن لقمه‌ای که بتوا ند رفع گر سنگی ایشان رابنما ید در جستجو وتکا پو میبا شند . در بین این مار ها، مار های هم وجود داردکه رو ی سنگهای غول پیکر وبز رگ در یا میچر خند ومستی مینما یند واگر بخواهند سنگها ی مذکور را با همه عظمت وبز رگی تکان داده میتوانند.

این مار ها در مقا بل‌سر دی‌حساسیت دارند ودر بعضی شبها که هوا سرد می‌با شد در خو یشس‌احساس‌ناراحتی مینما یند ومیکو شند جای گرمی را پیدا کنند وا ز شر سر دی در آنجا پنا هنده شو ند . ازهمین سبب است وقتی‌احسا س می نمایندفضای بحرراسردی‌فرا میگیرد به سر عت زیاد بحر کت وسفر می پردازند و در حدود یك صد تا یکصدو پنجاه میل فا صله را طی میکنند خط السیر حرکت آنها عموما در کناره هاو لبه های سوا حل می باشد ورروی همین مطلب است که به کوچکترین وضعیف ترین مدو جذر بروی ریگهای کنار در یا ظا هرمی گردند دم های قوی این مار ها پهن وکشا ده بوده وچون پا رو یست که (گر جی ها) هنگام کشتی را نی در بحر از آن کار می گیر ند . همین دم های پهن برای آنها وسیله‌ایست که تو سط آن میتوا نند به سر عت در آب شنا کنند. این حیوا نات قادر اند که بدون تنفس نیز مد تی را در میان آب سپری نما یند.

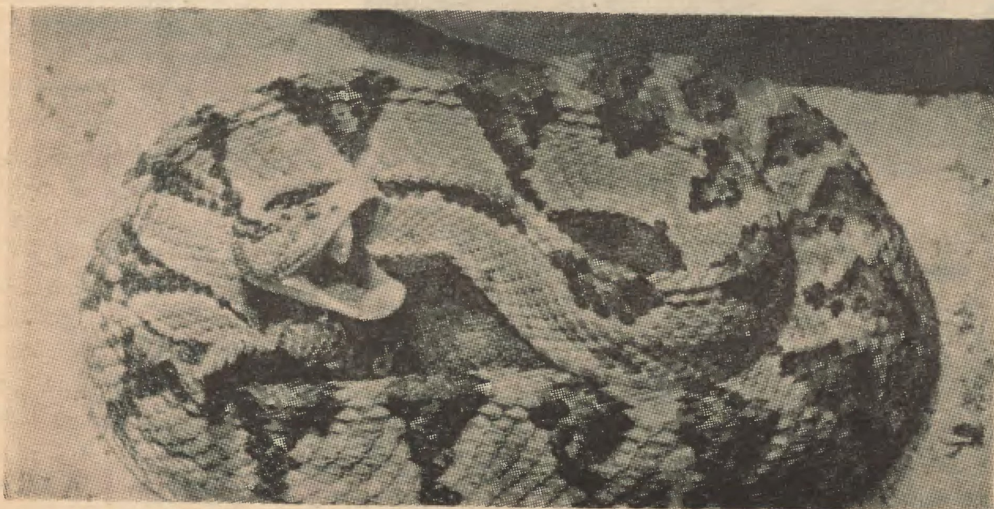
در راپوری که طی تجر به های عمیق تهیه شده‌درج گرد یده که‌این جا نوران تا یك سا عت هم می توا نند بدون تنفس در بین‌آب‌به صورت معلق زیست کنند در حالیکه کو چکتر ین تکلیف ومشکلی بر ای آنها پد ید آید .

ماران آ بی عادت دارند که با نیشس زدن وزهر ریزی در وجودسایر مو جودات آبی‌آنها رااز بین ببرند وتوسط آنها رفع گر سنگی نمایند. اگر این مار ها نتوا نند درمیان آب چیزی بد ست آورند و خود را سیر نما یند از آغو شس آب خارج میگرد ند با لای سنگ های کنار در یار میرو ند وخود را آفتاب می دهندو از استرا حت روی سنگهای داغ‌و سو زان لذت می بر ند.قسمت زیاد قر با نیان این جا نو ران را اشخا صی تشکیل مید هند که شغل ماهی گیری دارند . هنگ میکه بعضی از انواع این مار ها خود را در بین جال ما هی گیر در می یا بند ومی دانند که بدام دشمن افتا ده اند بخا طر تر س جان با تلاشس‌حیرت انگیزی خود را به ما هی گیر می رسا نند وبا آنها پیکار نموده می گزند واو شا نرا از پا در می آورند وخود مجددا باب میرو ند.

در ما نیلا تعداد این ما ران به اندازه زیاد است که در هر جال بزر گی که بغر ض گر فتن ما هی به آب اندا خته میشود از صد تا دو صد عدد از این مارهابدام می افتند .



این مار یکی از مار های خطرناك وکینه سوز جهان است .



غذای مارهای آبی‌را ماهیان وموجو دات کوچك دیگر تشکیل میدهد .

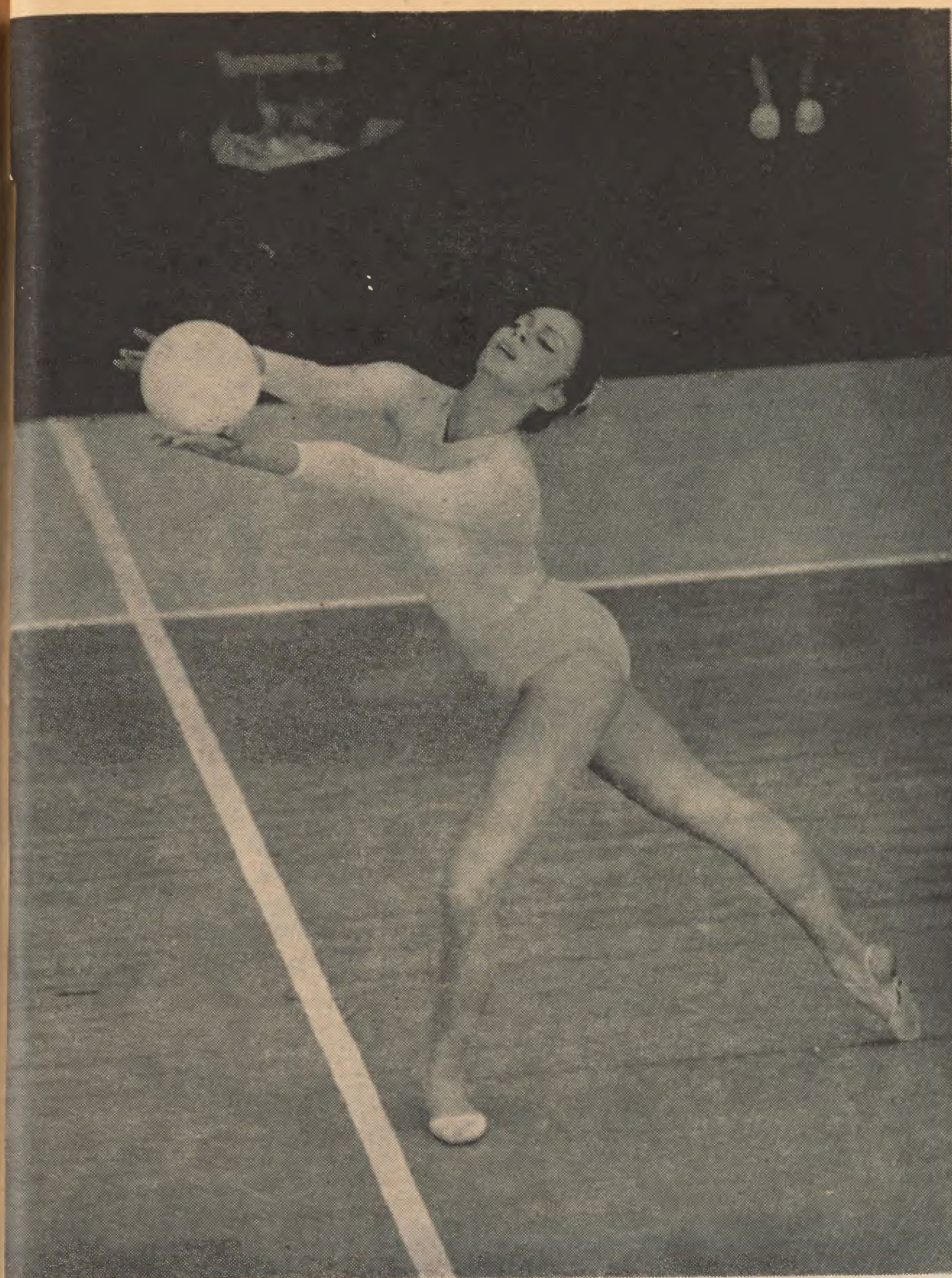
دغیور ژباړه

نامتوورزشی خیره: ایرینا دیریوجینا

که چیری دشوروی اتحاد دورزش اواتلتیکی لو بو ورو ستیو انکشافونو ته په غور سره یو نظر وا چول شی څرگنده به شی چی «ایر ینادیریو-جینا» چی اوس یوازی اته لس کاله عمر لری دهغه هیواد دور زش او اتلتیکی لوبو یوه نا متو او مشهوره خیره بلله کیږی .

«دیر یو جینا» وروسته تردی چی دلیننگراد دښکلا او فز یکی روز نی په کورسو نو کی برخه وا خسته دلو-مړی ځل دپاره په مونتر یال کـــی دالمپیک په نړ یوا لو لو بو کی گډون وکړ اود سپینو زرو دمډال په گټلو باندی بریالی شوه ایرینا دیر یوجینا د جوړ شوی پرو گرام له مخـــــی هره ورځ ددوه نیم سا عتو نو له پاره دښکلااو فزیکی تمریناتو پرو گرام تطبیق او عملی کوی . دایرینا،دیر-یو جینا په عقیده غذایی رژیم او د تمر ینا تو کیفیت او کمیت دبدن د ښکـلا اودغه راز اتلتیکی لو بوپه افاقی معیارو نو باندی زیا ته اغیـزه کوی. کله چی دشو روی اتحـــاد-دور زش او اتلتیکی لو بو ددغـــه نامتو لوبغا ړی څخه مسکو د۱۹۸۰ کال دالمپیک دنړ یوا لو لو بو په باب پوښتنه وشوه په ځواب کی یــی وویل چی هیله لری په دغو نړیوالو مسابقو کی برخه واخلی او پخپلـو حریفانوباندی دبری دتر گو تو کو لو په صو رت کی په اتلتیکی لو بو کی دسرو زرو دمډال په لاس ته راوړلو موفقه شی .

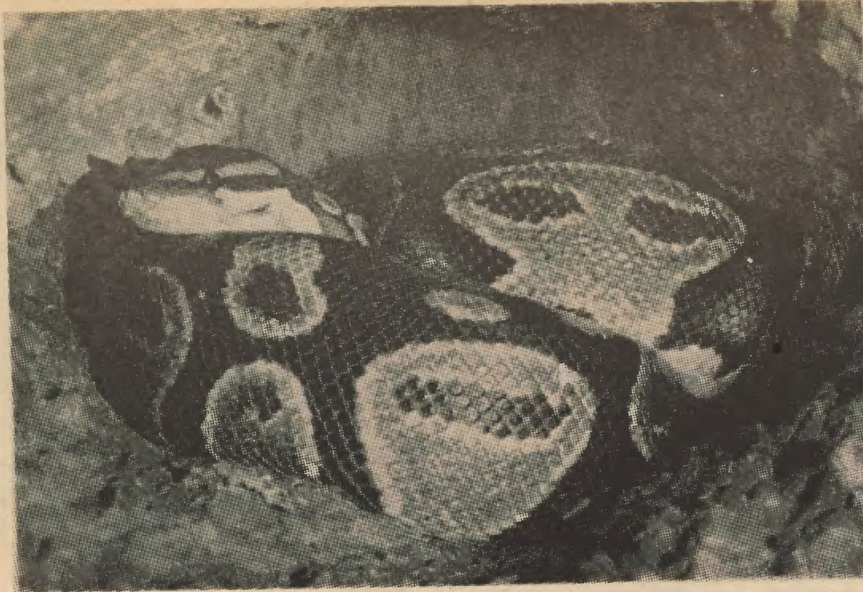
دشو روی اتحاد دغه نا متو ور-زشی خیره عقیده لری چی تشویق اوسمه لار ښوونه دنړی په ټولـــو هیوادو نو او په تیره بیا په شو روی اتحاد او نورو سو سیا لیستـــی هیوادو نو کیدورزش اوبدنی روزنی له ودی او پرا ختیا سره پوره مرسته کولای شی . ایرینا څوکاله د مخه جاپان هم سفر وکړ او شوروی - اتحاد ته دبیرته راستنیدلو په لاره کی فنلند ، پراگ ، برلین ، هاوانـــا، پیو نگ یانگ اود آسیا اوارو پـــا ځینو نورو هیوادو نو ته سفر وکړ. کله چی دشو روی سو سیا لیستی جما هیرو اتحاد دورز شی او اتلتیکی لوبو ددغه نوی خیری «ایرینا دیریو-جینا» څخه دالمپیک د ۱۹۸۰ کال درا تلو نکو نړیوا لو لو بو په مقا بل کی د امپر یالیستی هیوادونو ددریځ په باب پو ښتنه وشوه په ځواب کی یی وویل : دالمپیک دنړیوا لـــو لوبو دجو ړید و مو ضوع په واقعیت یو نړیوال جنبش دی چی دنـړی د بیلابیلو هیوا دونو دکلتور سره نژدی اړیکی لری، دنړی دځانگړو کلتورونو دپه نظر کی نیولو سره به دغه لوبی په ټاکلی وخت په مسکو کی جوړ ی شی او هیڅوك نه شی کولای او قدرت نه لری چی دالمپیك دجنبش دنړیوال نهضت مخه ونیسی . لکه چی دشو-روی اتحاد دورزش اوبدنی روزنـــی وروستیو را پورونو څر گند ه کړی ده ایرینا د ۱۹۷۷ کال څخه راپه دی - خوا دشوروی اتحاد دالمپیک دچارود انسجام له کمیتی سره نژدی همکا ری کوی. اوحا ضره شوی ده چی دضر-ورت او غوښتنی په صورت کـــی د۱۹۸۰ کال دالمپیك دنړیوا لولوبو په دوران کی چی د ټاکـــل شوی پروگرام له مخی دمسکـو اوتالیـن په ښارونوکی د «۱۹۸۰ »کال دجولای په میاشت کی جوړیږی دورزشکارانو دیوی ملیمه پالی په ډول په رضاکاره توگه گډون وکړی .«ایرینـا» دیریو-جینـا»هغه کـــوی چی دورزش او فزیکی تمریناتو تر څنگ د مسکو اویالیننگرادپه سپورتی تربیوی مرکز-ونوکی د ورزش اوبدنی روزنی پـه برخه کی خپلو زده کړو.ته دوام ور-کړی.



ایر ینا دیر یو جینا دلیننگراد په یوور زشی جمنا زیوم کی دسپور تی تمر یناتو داجرا کو لو په حال کی.

بقیه صفحه۱۷

مارهای آبی...



بعضی از ما هی گیران هم وجود دارند که این ماران را برای استفاده ازگوشت شان شکار می کنند ودر هنگام گر فتن برای آنها مجال نمی دهند که شور بخور ند . این هاوقتی این مار ها را بد ست می آور ند در یخچا لها میگـذارند ودرمواقعی که میل بخوردن آنها پیدا کردنـد آنرا می پز ند وصرف می کنند.

چینا یی ها هم از این جانوران آبی استفا ده اعظمی را می نما یند. آنها این مار ها را پار چه پار چه کرده در بین روده ها پر می کنندو در وقت ضرورت از آن استفا ده‌می کنند.

سا کنین تا هیتی نیز بخور دن مار های‌مذ کور عا دت دار نـدو این نوع مارها مانند چینا یی هـا میخورند .

برعلاوه‌انسا نها که از دشمنان سر سخت‌این مو جودات بشمار مـی روند ما هیان بز رگ ودر نده نیز از دشمنان فوق العا ده بیر حـم این جا نوران مجسوب شده اند.

این ما هیان مار های آبی را حر-یصا نه وبه یکبار گی در دهن فرو می‌بر ندونا بود میسا زند .

انواع مختلف مار های آبی رامی توان دراعماق وکنار دریا ها وابحار سراغ کرد این مار ها از نگاه شکل ظا هری وخوا ص مخصو ص خود ازسایر ماران فرق می گردند .

درازی یکنوع از مار های آبـی بصو رت او سط سه فت اندا زه‌شده آماًز بعضی انواع دیگر آن در حدود نه‌ف ت‌میبا شد که این نوع آن زیاد دیده میشود .

جمعیت کثیری از این مار ها را می توان در آبهای قسمت جنوب‌آسیا پیدا کرد . مارهای آبی که درافریقا وجود دارد دارای خال های زرد و سیاه میبا شد وبا مار های آسیا یی در شکل و خاصیت فـر ق دارند .

همچنان در مکسیکو وپا نا مـه تعداد زیادی از این مار ها پیدا میشود که‌با مار های آسیا وافر یقااز نظر رنگ وشکل دارای تفا و تهای می باشند.

بقیه‌صفحه ۳۹

مراقبت‌بهتر طفل

عمل خواهد پوشید عمل تقـدم داد ن به مسا له طب و قایو ی در بخشس صحت است زیرا مسوو لین دولت میدانند و قایه بهتر ارزانتر وموثر تر از تداو ی است بنا همه پلان های صحت را به اسا سـ وقایه متکی سا خته یقین کا مـل داریم رو زی هم فرا خوا هد رسید که افغانستا ن عزیز ما هـم سر



تفکیت محو امرا ض را مثل محو چیچك بدست آرد باید متذ کر شد. که در هر پرو ژ ه سهم همکار ی مرد م جز حتمی آن شمرد ه شد ه یقین داریم که مرد م نجیب ما در همه سا ختمان خصو صا در سا حه طب با دولت خود همکار ی می‌نمایند ونمود ه است به این آرزو مـی پر دازیم به تقد یم مطلب خود د ر باره مراقبت بهتر طفل امید واریم که مطالب گرد آورد ه ما مـو رد استفا د ه و قبو ل تا ن واقـع گردد . نا گفته نباید گذ اشت که مطالب ما نه تنها متو جه ها درا ن شهر ی می باشد بلکه ز یاد تـر متو جه مادرا ن دها تی مابـو د ه بنا از خوانند گا ن نهایت گرا می صمیما نه تقاضا می نماییم که د ر انتقا ل یا رسانید ن این مطالـب به گوش مادر اینکه در قرا وقصبات کشور ما زندگی می نمایند با مـا همکاری نما یند . زیرا این مطالـب بما دران . محترم یاد میدهد کـه چطور به اطفال خود کمك نما ینـد تا آنها قو ی و صحت مند حتـی در قر یه ها بار آیند برای ایـن منظور طفل به غذا ی کافی ومراقبت خوب نیاز مند است . ما در با یـد قبل از آنکه طفلش تو لـد شود باید از غذا های مقو ی‌و مغذی استفاده نماید هر ما در حا ملـه آرزو دارد . که طفل صحت منـد داشته باشد بنابرا ن او مکلـف است در اثنا ی که او حا مله است زیاد تر غذا بگیرد او مجبـو ر است برا ی دونفر غذا بخورد برای خود ش و برای طفلیکه در بطنشـ است وقتیکه ما در غذای کافی‌بگیرد طفلش خوب وصحت مند بارمی آید برای‌اینکار مادراز سبزیجات‌سبز و حبو بات مانند لوبیا ، نخود و دال همیشه استفا ده کند .

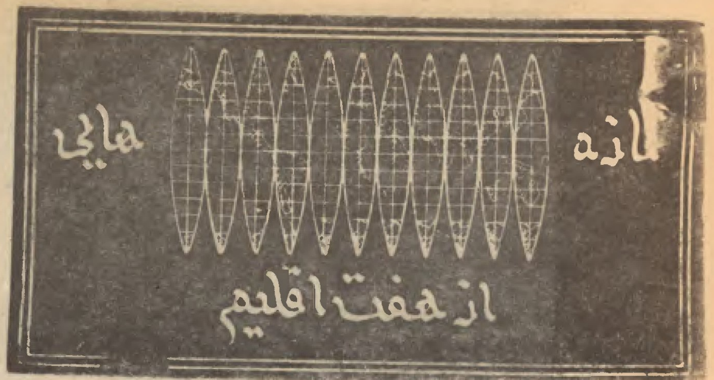
یك مادر حا مله به غذای‌مخصوص ضرور ت ندارد آنها باید از عیـن غذا ییکه در خانه شا ن مرو ج یا میسر است استفاده نما یند لاکـن باید تنو ع در غذا را فرا مو شـ نکنند آنها به غذایی متمم دیگر مانند برنج، گندم،جوار ودال ضرورت‌دارد همچنا ن او ضرور ت دارد کـه از سبزیجا ت سبز بر گ دار یاتاریك هر روز استفاده نما یند . بر علاوه غذای متمم را در پهلو ی غذا عا دی خود جا دهد .

بعضی او قا ت ز بان و لب ها ی مادرا ن حا مله بیرنگ یا خا سـف به نظر می رسد این بخا طـر آنست که و جود آن از مقدار کافی خو ن بی بهره است یا مقدار کافی خون ندارد .

این کمی خو ن او را ضعیـف سا خته همچنا ن کمی خون بالا ی طفل اش نیز تاثیر نمود ه او ر ا خوردو ضعیف بار آو رد ه و شاید ولادت هم به خطر موا جه شود .

بناء لازم است تا وجودشـ را قوی سا زد . همچنان آنها بـر ای رفع‌این نقیصه همه روز ه به‌خورد ن سبزیجا ت سبز تاریك بر گ دار ضرورت دارد . زبا ن و لب ها ی‌یك مادر صحتمند هیچگاه بـی رنگ ویا خاسف نمی باشد آنها مقدا ر کافی انرژی می گیرند و خـود را صحتمند سا خته و بـرای ولاد ت آماده می باشد بخا طر اینکه اومقدار کافی خون داشتـه بـا شـد.

ناتمام



تنظیم وترجمهٔ : میرحسام الدین برومند

پیروزی های روز افزون خلق قهرمان کمپوچیا

قبل از جنوری سال ۱۹۷۹ که نقطهٔ چرخش عظیم در تاریخ کمپوچیا میباشد ، مردم کمپوچیا برای یکزندگی نوین ، صلح آمیز ودر مجموع سلامتی وترقی اجتماعی تلاش میورزیدند، امارژیم پول پوت ،اینگ سامری وتمامی خائنین وابسته بهوی محیلانه بهخدعه ونیرنگ بزور متوسل ودر فرجام کمپوچیا در معرض مهلکه وفلاکتباری ووحشت قرار دادند که منتج به قتل سه میلیون از افراد بیگناه توسط رژیم خونین پول پوت گردید. اما نهتنها اینگونه اعمال ضد انسانی وجابرانه فروکش ننمود بلکه روز تا روز ندا آزادیخواهی این مردمان دوستدار صلح وآزادی اوج میگرفت بحدیکه شکاف عمیق در رژیم منفور پول پوت ایجاد کرد وجلادان پول پوت خودرا تحت فشار نیرو های رهایی بخش خود را تحت فشار نیرو های رهایی بخش احساس میکردند . در دوم دسمبر ۱۹۷۸ نمایندگان گروپ های متعدد مردم جبهه را بمنظور نجات کمپوچیا از چنگال رژیمخونین پول پوت تشکیل دادند . این جبهه متشکل بود از کارگران ، دهقانان وسایر نمایندگان طبقات واقشار بشمول روحانیون وطنپرست . اولین کنگرس جبهه و حدت ملی منعقده کمپوچیا از نگاه تاریخی ارزش بس فراوان وسازنده دارد چه در قبال همین کنگرس بود که رویا های خلق کمپوچیا تحقق پذیرفت و مردم برای نجات خویش بیشتر متشکل گردیده ووحدت یافتند، نخستین کنگرس جبهه وحد ملی مردم را بیشتر برای متشکل شدن ویکپارچه شدن ومبارزه میهن پرستان علیه رژیم خونین وهمچنین مبارزه علیه پیکن فرا میخواند . وحدت مرد ومقاومت مردم برای سقوط هر چه زود تر خانواده مرتجع پول پوت اینگ سامری ازوظایف اولیهٔ کنگرس بود . همزمان با انعقاد کنگرس مزبور ، برای نورمال ساختن اقتصاد واحیای زندگی کلتوری واجتماعی مردم ، فعالیت های صورت گرفت. در هفتم جنوری ۱۹۷۹ بود که عملا نیات وآمال انسانی خلق کمپوچیا تحقق یافت وپنوم پن پایتخت آنجا به آزادی خویش دست یافت ، بهمان تاریخ جمهوری خلق کمپوچیا اعلام وشورای انقلابی کمپوچیا در تحت رهبری انیگ سامرین ، جبهه وحدت ملی بیشتر تقویه گردید جمهوریت خلق کمپوچیا وکمیتهٔ مرکزی جبههٔ وحدت ملی ، بخاطر آزادی تمام قلمرو های کمبو چیا وپاك ساختن آن از بقایای رژیم سقوط یافته ، به عملیات انقلابی آغاز کردند وخائنین وعناصری را که با انقلاب ضدیت داشتند وانقلاب راسد میشدند محوو نابود کردند در حال حاضر در سرحد میان کمپوچیا وتایلند آخرین بقایای پول در حال نابودی اند چه سراسر کمپهچیا در تحت کنترول دولت درآمده است . یک کمیته خاص بهمین منظور که متشکل از نمایندگان منتخبنزده ولایت میباشد، تاسیس یافت . برای التیام بخشیدن زخم های آنانیکه از اثر حملات غیر انسانی گماشتگان واجیران اجنبی ورژیم پول پوت برداشته بودند، سعی بعمل آمد. درتحت رهبری جبهه وحدت ملی وشورای انقلابی ، خلق کمپوچیا از حمایت بیدریغانه کشور بزرگ سوسیالیستی اتحاد شوروی محافظ وپاسدار صلح در جهان، همچنان ازمساعدتهایجمهوریت سوسیالیستی ویتنام و سایر کشور های سوسیالیستی پیوسته برخوردار بوده ومیباشد . دریںفرصت کوتاه کهاز پیروزی خلق کمپو چیا میگمارد (۵۷۰۰۰۰) هکتار زمین برنج ودر حدود (۲۰۰۰۰۰) هکتار زمین سایر حبوبات کشت گردیده . مراکز صنعتی رشد قابل ملاحظه یافته وخطوط آهن زیاد بخصوص خط آهنی که (کوم پونگ) وپنوم پن راوصل میدارد و (۲۶۰) کیلومترطول دارد ، ساخته شدهاست. درساحه کلتور ، تعلیم وتربیه وصحت توجه خاص مبذول گردیده که اعمار (۱۵۰۰) مکتب جذب بیش از (۵۰۰۰۰۰) شاگرد واستخدام (۲۶۰۰) معلم درسال تعلیمی ۱۹۷۹_۱۹۸۰ باعث اثبات این ادعا میگردد . موسسات کلتوری ، اعمار ۲۵ شفاخانه ، صنعتخانه سازی توسعه یافته ودر عرصهٔ جهانی باید گفت که ۳۱ کشور جمهوریت خلق کمپوچیا را برسمیت شنا خته اند . در دسمبر ۱۹۷۹ دومین کنگرس در کمپوچیا دایر گردید که هدف عمدهٔ آن همانا تقویهٔ نیروی مردم ، رشد اقتصاد ، صنعت ، طرح قوانین دموکراتیک برای مردم وتسریع بخشیدن فعالیت های سیاسی بود . دومین کنگرس ضرورت کار مستدام میهن پرستان وفزونی چنینافراد میهن پرست ، مهم تلقی نمود تا در اثر رشد نیرو های مترقی ووطنپرست تمامی بقایایباند پول پوت وسایر مرتجعین ، امپریالیست ها محو وکاری را از پیش برده نتوانند تاباشد که کمپوچیای مستقل ، آزاد ودموکراتیك، بسوی سوسیالیزم نزدیك ونزدیکتر گردد . امروز اصناف کار گران ، دهقانان ورنجبران روز بروز بیشتر بهم پیوند خورده ودرتفکیك دوست ودشمن خویش خوب بلد اند . احترام به حقوق مردم وجلب توجه افراد جامعهبرای جلب روحیهٔ همکاری آنان ، از پرنسیب های دیگر جبهه وحدتملی است. بااعمارسرکهای جدید امکانات موثری برای رسانیدن مواد اولیه ودار وبمردم مسیر گردیده فامیل هاییکه در جریان انقلاب افراد شانرا از دست داده ویتیمان وناتوان همه وهمه وسایللازمهٔ شانرا دولت تدارك دیده وهمواره برایشانبه اسرع وقت رسانیده است . انقلاب مجبور است از خود دفاع کند . چه از اهدافدومین کنگرس جبههٔ وحدت ملی دموکراتیزه ساختن . قدرت دولتی بیشتر از بیش است وعقب راندن دشمنان خاك همبستگی کشور های همسایه های کمپوچیا ، لاوس وویتنام کهسی سال تمام علیه دشمن مشترك رزمیده اند ، قابل یاد آورست . خلق کمپوچیا با توجه به اهمیت وظایف دومین کنگرسجبههٔ وحدت ملیکنون بیشتر ازپیش بهآینده مطمئن ،سرزمین شانرا شگوفان مییابند.


یکی از آثار مکشوفه مربوط ۴۰۰۰سال قبل از میلاد که یك یاد داشت روی گل مخصوص نو شته شده .

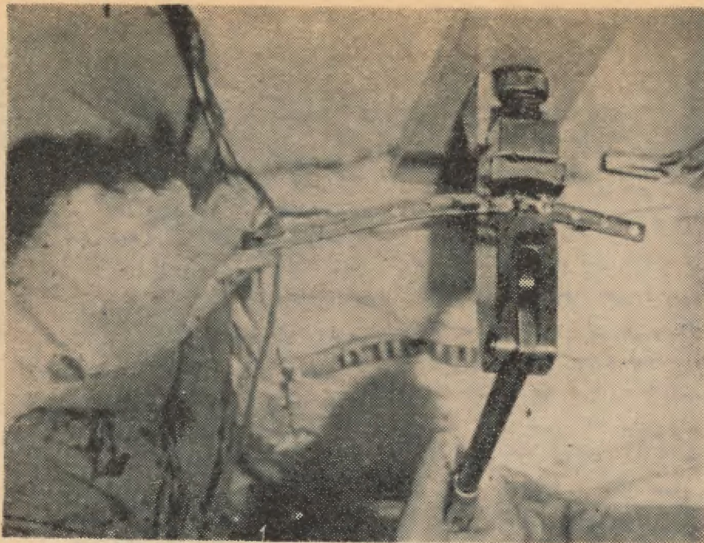
باستان شناسان قلمرو یك قیصر مستبدرا که در ۴۰۰۰ سال ق.م میزیسته کشف نمودند

در آثار وبقایای بناهای مکشوفه ، باوجود گذشت قرون متمادی ، آثاری حریق وآتش سوزی دیده شده است . منظور از «البما» پایتخت یکی از سر زمین های آنروز گار در مشرق زمین است که امروز اصلا بدین نام سر زمینی وجود ندارد اما بتازگی ها باستانشناسان به یك کشف عظیمی دست یافتند که حکایت از روز گاران چهار هزار سال قبل از میلاد این محل دارد . این سر زمین که به اسناد تحقیقات باستانشناسان بنام (البا) یاد میشده است فعلا کاملا یك ویرانه وخرابه است واین باستا نشناسان بودند که کنونباشواهد و مدارك مستند ثابت گر دانیده اندکه در همین سر زمین متروك وویرانه روز گاری قصر مجلل بنایافته بود که همه منقوش بود اما امروز بشکل ویرانهمتروکیدر آمد . باستا نشناسان مدعی اند که در آن سرزمین نظربه مدارك مکشوفهترور

قیصر ان آندیار حدوحصر ندا شته
نشا نه های خط میخی نیز از ین
فت گردیده که این خود به‌قدامت
حل صحه میگذارد وچنین معلوم میشود
ه قیصران آنعهد روش صهیو نیستی
اند . اگر دقیق تر حرف بزنیم
در ۴۰۰۰ ق،م درست درقسمت شمال
سوریه مو قعیت داشته است . عد ة
حققین کنونی روی یک موضوع گنگ
ق تحقیق اند و آن اینکه آیا منشا
یهودی از البا آمده است یا چسان ؟
ان کنون درین مورد مترددانند
گهواره کلتور «عبری» نشو و نظر به
ین از «البا» نشات یا فته باشد. در
حال مو قعیت «البا » در ۱۹۷۵ توسط
نشنا س ایتا لوی تحت نظر برو-
ر پاولو ما تهیا»ازشهر روم درتپه
به «تل مارد یك » واقع در شصت
متری جنوب شهر «حلب » کشف
تبیت گردید که بعد ها کار حفر با ت
رو ید ست گر فته شد . زما نی
۳۰۰۰) نفر سکنه درمرکز قلمرو مذکور تا
لیا شمال «موزویو» تا مین ودر جنوب
کوس میرسد بودو باش دا شت
قدرت مصری ها و بابلی ها
میبر دند . این قلمرو ریشه تا ریخی
نته و نا م دورهٔ شکو فا نی آنرا که

از (۲۴۰۰_۲۲۵۰) سا ل قبل از میلاد را
احتوا میکرد ، کسی نمیداند «البا» که‌روز
گاری پا یتخت یك قلمرو بزرگ بود بر-
وایتی درحدود (۱۶۵۰ ق.م بایداین‌نام
را کسب کرده باشد ، درست نهصد سال
قبل از بنیا ن گذاری رو م قد یم.اما
این شهر دیگر یك ویرانه ابیت .

بمو جب یك گزارش‌دقیق(۱۵۰۰۰)تابلوی
گلی که ۴۰ × ۴۰ سا نتی متر بزرگی‌دارد
ازین محل‌یا بعباره ازاین شهر یافت‌گردیده
که پهلوی هم قرار داشت گفته میشود که
این قصر تو سط یك حمله امپراطور (آکاد)
بخاکستر مبدل ساخته شد . علایم‌خط
میخی که با خط تصو یری هیرو گلیف در
تباین است ، نو شته ها و کلمات
نو شته شد ه با آب نقره ، از آثار یست
که چیز چیزی در مورد زند گی آن سامان
معلو ما ت مید هد . این تا بلو ها و لوایح
نشان میدهد که در شهر البا قیصر
همرا ها نش ، بر مردم ظلم فرا وا ن
میکر دند . با ستا نشنا سان زبا نی را بنام
(البا) که به الباتیک شهرت دارد،
نسبت میدهند . عده یی هم‌زبان (الباتیك)
راباسامری مختلط میدا نندیك‌کتاب
لغت یا لغتنامه آنروزگار کشف‌گردیده
که ترجمه لغات با اشکال چون‌ماهی،
پرنده ها ، سنگ ها ومکا ن ها ، نشانداده
شده است . بقول پروفیسورایتا لوی



فعالیت های پروفیسور در مان فلج پاقابل‌شادمانی است .

گیوفانی تیناتو» کلماتیکه ازین کتیبه
ها و لوا یح یا فت گردیده ، راجع به
آنروز گار معلو ما تها یی بد ست خواننده
میدهد که گواه روشنی است اززندگی
آنمردم گفته شده که کمیته مو ظف حاوی
متر جمینی که قادر بخوا ند ن نو شته
لوا یح مذکور میبا شد ، وظیفه یا فته اند
تا در مورد متو ن مذکور همت گما رند .
جد ل روی این مطلب که آیا ممکنست
گهواره اصلی کلتور«عبری»در البابوده
با شد ، دوام دارد .

ممکنست در طی این تحقیقات با ستا نی
مو ضو عاتی جالب وطرف تو جه بد ست
بیا ید که بر غنای کلتوری و فر هنگی
تا ریخ بشر افزوده ومدارك گوا هی درموزیم
های‌جهان در مورد شناخت از منه‌ماقبل
التا ریخ در دست بشر قرار داشته باشد.

ساختن دیگ‌هاو لوازم گلی بمنظور پیروزی درمسابقه

با وصف کشفیا ت فرا وانیکه باستانشنا-
سان بعمل آورده اند تاکنون نتوا نسته اند
موفق شوند تا در مورد تاریخچه‌صنعت‌دیگ
سازی ، البته با نظر داشت اینکه برای‌بار
اول در از منه با ستانی وبسیار بسیار
قدیم ، دیگ ها را از گل ها ی کو زه
گری یا گل رس میسا ختند ، اطلاعی کسب
بدارند وبورموثق ودقیق نخستین صنعت
دیگ سازی گلی راتثبیت بدارند . لا کن
دیگ‌مطلبی را که باستا نشناسان زیاد
روی آن پا فشا ری میدارند همین است که
صنعت ساختن دیگ های گلی وسا یر
ابزار گلی قرن ها ی متمادی قدامت دا رد
منکوره ساختن دیگ ها از گل بدون‌شك
مجزا ء از تمدن بشر بوده نمیتوا ند ،
منتهی شکل و صنعت دیگ سازی باگذشت
اعصا ر مختلف تکا مل یافته است . گرچه
امروز بشر در عصر شکو فانی و تر قی
مدنیت ها قرار دارد لاکن با وصف اینهمه
تکا مل ، با وصف لوازم چینی وکریستالی
ها نو ع دیگر ، دیگ ها و لوا زم
کا ر آمد گلی در میان بسی خانواده ها
تا حدودی توا نسته ارز شش را حفظ بدارد
و امروز در بسیا ری از ملل جهان ازدیگ
ها ی گلی به عنوا ن یك عنعنه استفاده
میبرند ، گرچه که اسباب متکا ملتری

در اختیار دارند .

دریك صبح یکشنبه در شهر (لیتاون)
شعا عات آفتاب انوارش را بالای بشقاب ها،
کاسه ها کوزه ها وخم ها ی فرا وان گلی
وجك ها ی گلی که در پا رك بزرگ شهر
دردسترس فروش قرار داشت ،می پا شند.
اشیای مذکور بعضا روی میزك های
مخصو ص گذاشته شده بودند . خریداران
بحدی محو زیبا یی این سا مان آ لات‌گلی
شده بودند که قادر نبودند یك‌آن‌از لواز م
مذکور چشم شانرا دور کنند .

در ینجا همه اسباب خا نه و ظرو ف‌طرف
نیاز با شیوه ها ی خا ص صنعتگر ی ا عم
ازمنقو ش و غیر منقو ش با اشکا ل‌دلچسپ
وگوناگون ،دیده میشد. بعلاوه صنعت
دیگ سازی و لوازم‌گلی معلو م است که

ساز ند گا ن ابزار گلی برای شو خی
وسرگرم نگهداشتن مردم ، بازیچه‌هاو
چیز ها ی عجیب با اشکا ل گونا گو ن‌که
ممکنست ساعت ها بیننده را تماشایش
بخند اند ، ساخته اند که اشیاء بطورشیطنت
آمیزی بسوی شخصی خیره میشو ند. گویی
اشیا ی مذکور با آدم حرف میز نند وخیال
خندا ندن شخصی را دارند .

یکتن از تما شاگران که معلوم بود
خود نیز در هنر صنعت دیگ سازی از گل
تخصص داشت، گفت : میتوانم در میان
دیگ ها قشنگتر ین بزرگترین ومستفیدترین
دیگ ها را بر گزیده و هرگاه قرار باشد
که سازند گا ن آن دریك محل جمع
شده باشند . سازنده همان دیگ منتخبه
راپیداکنم ، یعنی این دیگ‌ها گویااند
واز کر کترو صنعت سا زند گا ن خو بش
نیز حر ف می ز نند . اینکه د ر
پارك مذکور لوازم واسبا ب گلی گذارد ه
شده بود ، این پارك حیثیت ما ر کیت‌اسباب
گلی را دارد که در هر چهار سا ل یکباردر
همین نقطه شهر متذکره دایر میگردد.درین
پارك ابیات و اشعار محلی را در ین روز
میخوا نند و رقص ها ی قد یمی تو سط

بقیه در صفحه ۵۸



مردم باخوشی ازبرگزاری مسابقات دیگ های گلی استقبال می نمایند .

بقیه صفحه ۲۵

ارزشهای حیاتی شیر مادر

شیر شا ن بی خبر باشند روی تجمل و به اسا س دانش ها ی عامیا نه وبا تبلیغا ت غیر علمی دیگران از دادن شیر بطفل خود داری میکنند و بعضا از ترس اینکه شیر دادن ممکن به ضرر خود شان تمام شود از این کار شانه خالی میکنند واز شدت بی خبری خود و با لخصو ص طفل معصو م خود را که نیاز مند جدی حما یت مادر است به تهلکه میاندازد به این چنین مادران اگر بیسواد با شند مطا لب بالا را جع به ارزش های حیا تی شیر مادر بهتر است تو سط رادیو ،جراید، تلو یزیون وشوهران شان ویا مادران با سواد تفهیم شود تا بعد ها با کمال دلچسپی وبدون ترس مادر خو بی شوند زیرا ثابت شده که شیر دادن طفل قطعا به ضرر مادر نیست و حتی ما دران رنجور و ضعیف با گرفتن سه گیلا س شیر ویا مواد غذائی اضافی (معادل شش صد کالوری) به بهترین و جه ازعهده این وظیفه عالی وانسانی بخوبی می توانند بدرآیند.

۲ـ امادگی نگرفتن برای شیردادن در دوران حا ملگی که مسئو لیت طبیب است :

۳:کم شیری یا بی شیری مادر.

بعضی مادران نسبت شکا یت کم شیری یا بی شیری طفل را از شیر پا ك و مصفا و آغو ش پر محبت خود محرو م میسازند و از شیری که طبیعت برای چو چه گا و تهیه نموده استفاده نا مشروع میکنند آرزو مند م بد ین امر خود سرانه اقدام نکنند چه کم شیری یا بی شیری مادر عوامل و علل دارد که طبیبان اطفال وولادی آنرا به اسانی تداوی مینما یند اکثرا با تطبیق چند دستور ساده این مشکل حل میشود بطور مثال هر قدر بطفل زود زود وبیشتر شیر بد هند هما نقدر شیر زیاد ترمیشود ه نگا میکه طفل به مکیدن شروع میکند بگزارید تا شیر همان پستان ر ابکلی تخلیه کند وبعد پستان دیگر را تا آخرین قطره آن تعار ف نما ید بعد ها مادر استراحت نموده غذا ی ما نند آب گو شت وشیر صرف نما ید وبهتر است جهت جلو گیری از کم شیری طفل رابعد از تولد به نو شیدن فله یا کولسترم ودارا سازند . هرگاه باو جود تطبیق دستور یکه گفته شد هنوز هم مادر شا کی با شد که طفل سیر نمیکند بعد از هر شیر دادن طور مکمل شیر گاو تهیه شده با قاشق داده شودنه شیر چوشك ومقدار شیر ینی آن زیاد نبا شد تا طفل بتوا ند بمیل زیاد شیر مادر را بگیرد زیرا سوراخ وجسامت بزرگ شیر چو شك اکثرا ما نع گرفتن نوك سینه مادر میشود واین کار به ذات خود باعث خشك شدن شیر مادر میگر دد .

۳ـسو سکلات وامراض شدید وامرا ض عمومی مادر :ـ

بعضی مادران نسبت کوتاه بودن حلیمه (نوك پستان)یا درد نا ك بودن و در زبودن ویا التها ب سینه از دادن شیر خود داری میکند هر گاه یکی از پستها نها مرضی با شد با ید از پستان دیگر به طفل شیر داد زیرا جز سو سکل نو ك پستا ن تمام امراض شد ید و وغیره قابل تداوی است شیر محتو ی آن باید دو شیده شود.سامان وو سا یل زیاد موجود است .

٤ـامراض مادر : گرچه بعضی از مریضی های مادر ما نع شیر دادن او میشود اما ما دران در کشور ما با ساس نصا یح مادر کلان ها بدون مشوره طبیب معالج از دادن شیر خود داری میکنند مثلا در حا لت تب بما در تو صیه میشود که شیر تب پر را بطفل ند هد ویا بنا بر خوردن غذای سخت ویاگرم یا سرد که ازطریق شیر طفل مر یض نشود از شیر دادن خود داری که نها یت غیر علمی وغلط محض است

در این اواخر حتی مادران سل را با خوب ما در و تطبیق (بی سی مقاوم بمقابل ادویه ضد توبر کلوز شیر دادن طفل معاف نمی سا زند به خرافا ت واو ها م غیر علمی .

٥ـسو سکلات ولادی طفل که ما مکید ن او شود مانند لب چاك ، ند کام ،سو سکلات بینی ویا تشوشات وتا خر عقلی که در اینمورد طفل را و شیر چو شك ها ی مخصو ص از دو شید گی مادر تغذیه میکند .

٦ـحاملگی مادر : اکثراء مادرا ن میکنند بمجرد یکه حا مله دار شد شان مر دار میشود که عقید ه غلطی تا اخیر ما ه ششم حا ملگی ازادا داده میتوا نند .

۷ـ مظا هر تمدن : بعضی خا نم ها زیبایی اندام ، لباسهای تنگ ،موجو شیرخشك بااعلان‌های پرزوق‌وبرق‌مبالغه فر یب خورده و شیر دادن طفل را یك دور از تمدن و فیشن احساس میکنند همینکه بکدا م شغل خا رج از منزل طبا بت ، معلمی ، یا نرسنگ یا سکر وغیره‌مصروف باشند طفل بیچاره خود شیر چوشك نهایت مضر شیر داده از شیر خود میساز ند .



مادری درحال شیردادن طفلش .

بقیه صفحه ۲۲

در جستجوی مرد...

صد وپنجاه رادر پشت‌سر گذاشته.

ببخشید میخوا ستم ازشما در موردی سوال کنم ؟ شخص مذکور می خواست خودرا به شنیدن سوال آماده ساز د سگر تی دود کرد وبا سوال که از من کرد شما سگرت می کشید ؟ چقدر وقت شد نزدیك بود از خوشی پرواز کنم .

ازسن دوازده سا لگی .سگرت رابادست لرزانش به‌دهن‌می برد همینکه از خواب بیدار می شوم به بسیار عجله سگرت رارو شن نموده وتمام رو زدود می کنم .به بسیار زودی پی بردم شخص‌مقابلم از سبز یجات وهوا ئی آزاد استفاده می‌کند همیکنه سخن از سبز یجات میوه جات وشیر بمیان آوردم دفعتا تکان خورد . این است قهر مان صفحه ام !

به‌این تر تیب خوراك عمده شما راگو شت تشکیل می‌دهد ؟ بلی

شما باید بامن موا فق باشید اگر گاه گاه باگو شت بریان شده مشروبات .... نیز همراه باشد ممکن است بهتر شود نظر شما دراین مورد چیست

من‌به علامت تصد یق سر تکان دادم .اما چرا گاه گاه ؟ مرد مخاطب با تبسم گفت :

مقصد ازگاه گاه وقت نان صبح ، نان چاشت ونان شب است. من برای اینکه رشته کلام ازدست نداده باشم پرسیدم .چند سال‌دارید ؟

بیائید فکر کنیم .... دراین اواخر حافظه ام بکلی از بین رفته کدام سال است ؟

من سال راگفتم .

به‌این تر تیب ....مرد مقابل چیزی باخود میگفت وبا انگشتا نش می شمرد وسپس گفت: سی وسه‌سال دارم ! همینکه کلمه سی و سه رابه زبان آورد میخوا ست چیزی اضافه کند من اصلا در قصه اش نشدم ونه میخواستم اورا اضا فه تر گو ش کنم وبه جستجوی بعدی پرداختم .

بقیه صفحه ۳۵

در کلپ ورزشی تعلیم تربیه ...

منابع تبلیغاتی از قبیل روزنامه‌ها و مجلات در بلند بردن در سطح ورزش در جامعه رول مهم وارزنده دارد در اخیر منحیث یک ورزشکار سابقه دار، اما شاگرد، نه استاد چراکه تاحال استاد نشده‌ام و مقام و منزلت استادی خیلی ها عالی و مهم است، خواهشم از تمام منابعیکه در مسابقات ورزشی دخل وغرض دارند اینست که در وقت مسابقه از خود مانی وخویشاوندی بگذرند و تمام ورزشکاران را به یک نظر ببینند چراکه در وقت مسابقه حق تلفی باعث عقب مانی وشکست ورزش در جامعه میگردد واز ورزشکاران تمنا دارم تا آراسته به خلاق نیکوی اجتماعی وسپورتی باشند.

اینطرف وزنه برداران در حدود بیست الی بیست و پنج نفر دورادور یک سیخ و دوسه متوازی نصب شده روی اطاق می چرخند، چند نفر به تالاق ایستاده ودو سه تن دیگر هم خیزو جست دارند. گویی پرواز را می آموزند. اینها شاگردان جمناستیک این کلپ می باشند دفعتا چهار نفر از اعضای تیم که سابقه دار معلوم میشوند نزدیکم آماده میگویند: هر چار ما مصاحبه می کنیم چرا که اولین بار است خبرنگار جلوه ژوندون با تیم جمناستیک تعلیم و تربیه مصاحبه می کند ...

هرچار تن خودرا چنین معرفی می کنند: من احمد شاه محصل صنف چهارده انستیتوت تربیت بدنی، خودم محمد عمر صاحبزاده محصل صنف دوم پوهنځی انجنیری، اینجانب محبوب فارغ التحصیل صنف دوازدهم لیسه شیر شاه سوری و من عبدالواسع محصل صنف اول پوهنځی انجنیری که هر چهار ما از شاگردان سابقه دار این رشته می باشیم میگویند: در دل زیاد داریم واین اولین بار است که با ورزشکاران جمناستیک مصاحبه میشود، هنوز هم باور ما نمیاید تا روی صفحه ژوندون گفته های خود را چاپ شده نبینیم(!) باید بگوییم که در افغانستان فعلا یک کلپ ورزشی جمناستیک است و آنهم همین کلب که ما عضویت آنرا داریم.

ـ توضیح بدهید که چرا علاقمندان جمناستیک کمتر می باشد.

ـ علت عمده واساسی ایکه ازدیر مدت ورزشکاران جمناستیک راکم ساخته بی توجهی به این ورزش میباشد. چنانچه یکی دو سال قبل به مقامات مربوط ورزش پیشنهادی نمودیم که یک اندازه سامان جمناستیک به سترس ما قرار بدهند. مقامات مربوطه به بی اعتنایی گفتند: جمناستیک.... این کدام ورزش است اصلا این ورزش کار دختر هاست شما را با جمناستیک چه سرو کار یست؟ بی خبر ازاینکه جمناستیک یکی از مشکلترین سپورت ها است.

ـ فعلا اعضای تیم جمناستیک شما به چند نفر میرسد؟

عجالتا به یکصدو بیست نفرمیرسد که اکثرا تازه به این رشته جذب گردیده اند. از جمله یازده نفر آن سابقه دار این رشته می باشند که وظیفه ترن دادن شاگردان راهم اکثرا بدوش دارند.

ضمن صحبت گفتند: اگر جمناستیک قسمیکه درسابق طرف توجه قرار نگرفت، بعد ازین هم ازنظر هابدور باشد روی آتشی را خاکستر **گرفته و آهسته آهسته ازبین خواهد** رفت. بعضا اینطور فکر می کنند که همین حرکات آزاد سپورتی جمناستیک است حالانکه غلط فکرمی کنند اصلا ازجمناستیک بی خبر اند.

ـ خوب برای بهتر شدن وگسترش این ورزش چه نظر دارید؟

ـ نظر ما اینست تا تیم های آزاد جمناستیک تشکیل شود که این کار خود رقابت های سالم سپورتی را بار می آورد، در پهلوی تشکیل نمودن تیم های جمناستیک اگر وسیله تمرین نبا شد باز هم کمافی‌السابق خواهد بود. مهمتر از همه به کار گماشتن ترینران ورزیده می باشد تا با شاگردان به صورت درست تمرین نمایند، اگر تمام این وسایل به دسترس علاقمندان جمناستیک قرار بگیرد سپورت جمناستیک توسعه وانکشاف میبابد.

در پایان صحبت باید بگوییم خواهش ما از تمام مقامات مسوول ورزش صرف همین است که جمناستیک رابه دیده حقارت ندیده وطرف توجه خود قرار دهند تا باشد مانند سایر ورزشکاران دیگر در مسابقات داخلی وخارجی شرکت نماییم.



آیا این حرکت به نظر شما ساده و آسان معلوم می شود؟

بقیه صفحه ۳٦

درمحکمه فامیلی ...

مرد گفت ـ خلاصه قاضی صاحب اصل مطلب رابگویم این زن گنده بغل دارد ونزد داکتر هم بردمش مگر فائده نکرد. واز شما هم خواهش می کنم که اصرار به آشتی وسازش نکنید زیرا فایده ندارد. دلم سیاه شده ونمی خواهم او رابیشتر زجر بدهم بهتر است آزادش کنم، مگر بدبختانه درین روز ها گلی شگفتانده ومیگوید من حامله هستم نزد داکتر بردمش جواب منفی بود مگر نمی دانم چرا اصرار دارد که حامله است.

برادر زن گفت: حقیقت است او رامن نزد یکی از دوکتوران لایق بردم او تصدیق کرده که طفل دارد.

قاضی گفت: در صورتیکه حامله باشد بازهم تصمیم دارید او راطلاق بدهید؟

مرد گفت: بلی حرفم یک حرف است منتها در آنصورت خرچ مدت حاملگی وکودک را خودم می پردازم. وباگفتن جمله فوق مرد گفت بیایید همین حالا من خودم نزد داکتر می برمش واز اتاق خارج شد وزن که آرام در گوشه‌ایستاده بود همانطور خاموش بدنبال دو مرد روان شد.

ما دنبال صحبت خویش را گرفتیم که در آخر گنجانیده شد. چند روز بعد که راپور آماده نشر بود تیلفونی از محکمه احوال گرفتم که مساله آنزن وشوهر چطور شد قاضی گفت: متاسفانه به طلاق انجامید.

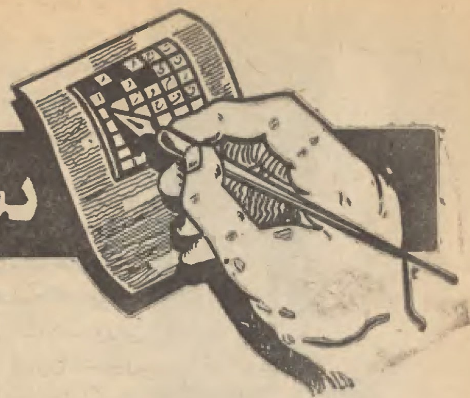
زن هم موافقت کرد وحاضرشدتا طلاق گیرد. وقاضی افزود مطابق ماده ۱۳۵ قانون مدنی طلاق شان به شعبه وثایق اجرا گردید.

نسبت عیبی که زوجه داشت مرد صلاحیت آنرا دارد که زنش را نسبت عیب طلاق دهد وهم زن اگر دلایلی نزدش موجود باشد میتواند طلاق خود را مطالبه نماید.

خوب راحله جان حالا چطور است که در مورد تامین حقوق زن درین اواخر صحبت کنید؟

ـ **احیای حقوق زن** طوریکه می دانید .فرمان شماره هفتم شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان که موضوعات خریدو فروش زن‌را بکلی منسوخ ساخت وعلاوتا برای خانمها حق وآزادی کامل را در مورد انتخاب شوهر داد یعنی بعد از فرمان متذکره خانمها را هیچکس مجبور ساخته نمی توانند تا به جبر وبدون رضایت شخصی، شوهر کنند که فرمان متذکره تااندازه حقوق خانمها را تامین می نماید.

چون تعداد مراجعین زیاد بودبیشتر وقت آنها را نگرفته واز آنجا خارج شدم.



سرگرمی ها و مسابقات

تهیه و تنظیم از صالح محمد کهسار

جدول کلمات متقاطع

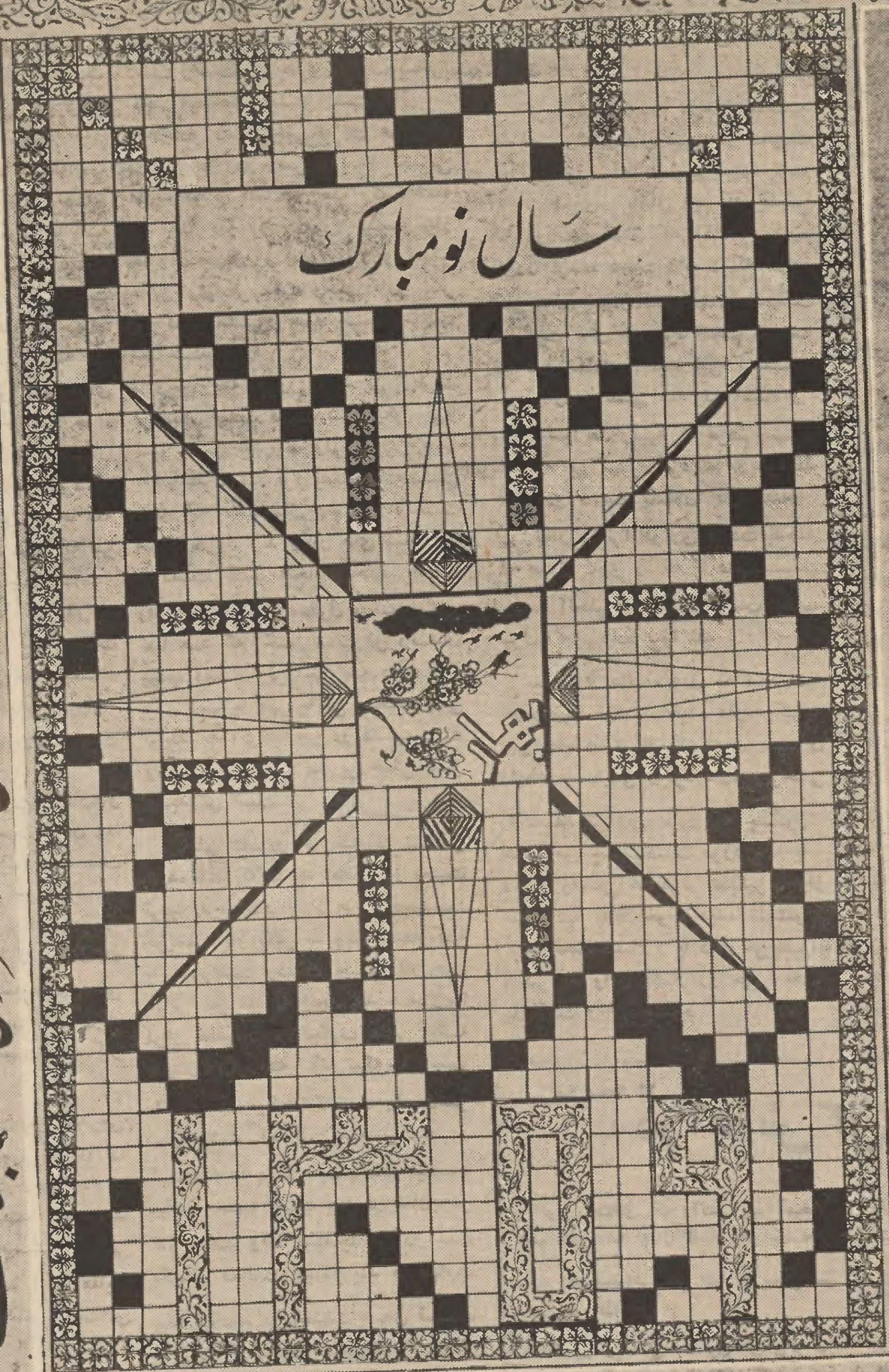
افقی :

۱ـ مرکز پخش اخبار، خودم هستم، مرکز کشور انقلابی است ، روز نیست، انسانیت وظیفه آن میباشد ـ۲ـ جلادار، برادر شوهر، طرف ، رفیق سوزن، اثری از ماکسیم گورکی نویسنده شوروی ـ۳ـ حاصل آکسیجـــن و هایدروجن، مار مغشوش ، هدایت کننده ، اثری از استفان زوایك ، از آنطرف سلمی ، منع نشده ـ٤ـ ردیف غضب، منظم آن رانی است، نویسنده کتاب اعتراف، اثری است از داستایوسکی، ردیف شمال، منظم آن اغنا میشود، برای کلکین ها ودروازه ها انداخته میشود ـ٦ـ ضد ماده است ، داغ نشـــده ـ۷ـ چمن که سر ندارد ، نل خون در بدن ـ۸ـ امر بدویدن ، نوعی از سبزیجات و هم ردیف سخا می آید ـ۹ـ رفیق پری است ، اسم سابق یکی از کشور های آسیایی ، امینی وامینی هارابه آن منسوب سازید ، یکی از ولسوالی های جنوب کشور ما، نون بی سر ـ۱۰ـ وظیفه کارگر است ، چالاك در ردیف آن میباشد، این شخص از چاکران امپریالیزم بود، اسم یکی از فلمهای هندی، رفیق کمان ـ۱۱ـ آتش عربی، کان آن در عینك لوگر شهرت دراد ، حـــرف ربـــط ، اکثریت ـ۱۲ـ آب که از چشمان بزمین می افتد، گردنبند ، یك حرف درسه خانه، دوره جوانی رابه پایان رسانیده است ـ۱۳ـ مباح نشده، گرداست، اتحاد ، مور را سمبـــول قهرمانی آن شمرده اند ـ۱٤ـ ازآنطرف وظیفه عادل است، یکی ازمجلات کشورما، اثـری است از نویسنده مشهور وانقلابی کشور ما، جست اما تا آخرنه، میم درسه خانه، مارکه دمش قطع شده، ازآنطرف کلمه مثبت پښتو، ازپرندگان ، شمر ـ۱٦ـ ازدریای های مشهور افریقایی ، از آلات نجاری ، خبر، رفیـق و دوست، از حیوانات وحشی وهم اهلی میشود، دربین کوها قرار دارد ـ۱۷ـ در بین پدر و فرزند اما ناتمام، جای فروش موادخوراکی، رول میا ن تهی ، روز بزبان اردو، خـودش امریه است، گاز که تکمیل نشده ـ۱۸ـ خود ما ، دیوار ـ۱۹ـ اثری از عبید زاکـانی میباشد ، این کتاب را ۲۰ـ۲۱ـ۲۲ـ یکی از مخترعین مشهور جهان، این مخترع تلگراف بی سیم را اختراع نمود ـ۲۳ـ جام بی سر، دل چپه ـ۲٤ـ آغاز و انجام غند، قایل‌شدن، محل، رطوبت ، یکی ا ز فلمهـــای شرقی، ضمیمه به پښتو ـ۲٥ـ از حیوانـــات بسیار مضر، مرکز یکی از کشور های اروپایی . آب جو، شیر به عربی، برای آبادی کشور خود ... کنید ، نوع از گلهای بهاری ـ ۲٦ـ اره کوتاه، فلم به اشتراك منوج کمار، آغاز وانجام قرن، درزمان های سابق در خانه هامیساختند ، برادر به پښتو ، از آنطـرف مرکز آلمان ـ۲۷ـ از کلمات شطرنج ، آداب ناتمام ، حمام بی سر، اولیـــن مـــادر بشر ـ۲۸ـ ولسوالی است در شمال کشور ما ، خط بین کشور ها، مهربانی است، از غله جات به پښتو، بزقهرمان آن است، بالای چت‌قرار دارد، بایك عددتاریك میشود، به‌پایان رسید ـ۳۰ـ نوعی از موسیقی غربی ، دال نا تکمیل، روزکه پایان ندارد، اسم یکی از فلمهـــای هندی ـ۳۱ـ فریاد در ردیف آن میباشد ، از حروف بهار انتخاب کنید، قوت ، عطر نا رسیده ، از آلات دهقانی ـ۳۲ـ از حیوانات خانگی به پښتو ، هدیه پراگنده، بـــالای آب، نوع ازدرختان جنگلی، عکس‌پشت‌دست ـ۳۳ـ درآن خشت پخته میشود ، جمع کنری، گریختاندن وترور ، برای پخته کردن سرك ها بکار میرود ـ۳٤ـ غدود نا مکمل از آلات دهقانی، دوحرف مختلف دردو خانه، نصـف آسیب، منسوب به یك نوع رنگ است ـ ۳٥ـ سه حرف مختلف درسه خانه، در بین جواب، تردید، برف بی آغاز، منظم آن قیل میشود ـ۳٦ـ بالای تنه قرار دارد ، منظـــم سازید تایکی از شهر های هندوستان شود، سرك نا تمام ـ۳۷ـ دوپنج، عکس راحتی ، منظم آن یکی از ولسوالی های شرق کشور ما است، امروز به پښتو ، لام کوتاه ـ۳۸ـ نام کوتاه ، انار ریخته شده ، کلی شکسته، زهر، یك حرف ودوخانه ، ضمیر اشـــاره ـ ۳۹ـ از حروف انبور انتخاب کنید، سازناتمام، از حروف الفبا، حرف میم در دو خانه ـ٤۰ـ بیره ناتمام ، هستم به پښتو، از ابر بزمین می آید، یك حرف و دوخانه ، گروه .

عمودی :

۱ـ نویسنده کتاب تحفه العراقین، جام آن شهرت دارد، اسم اصلی آن قیس بود، از محلات تفریحگاه های کشور ما، از ولایات کشور ما، دروازه دهن ـ۲ـ این جدول رابه افتخا رآن ساخته ایم، ردیف قهر، ازازدیاد آب پیدا میشود، نزدیك نیست، عادت ، کم عقل، دربین ادنا ـ۳ـ ابر ناتمام، رنگ‌نشده، ردیف جز، درچمن هازیاد است، محل، وصل نشده، از حشرات مضره صحرایی ، اثر این نویسنده بنام جهان بصورت اراده ونمایش میباشد ـ٤ـ باجمع یك ضمیر اشاره درمـــان میشود ، از حکمروایان کشور ما ، اولیـــن پدربشر، پایان روز، زندان ـ٥ـ رفاقـــت و دوستی، سرك، از کشور های جهان ، ازدوغ ساخته میشود ، جای گل وبلبل ، منسوب به سنگ‌است ـ٦ـ ردیف عزت، حیوانات وحشی چنین میشود، عکس زن، با تغییر بسیار کم روز میشود ، ردیف آواز، بار میبرد ـ۷ـ کل[illegible] ربط ، دار شکسته، حرف مثبت پښتو، ام[illegible] ناتمام ، سرود ملی کشور ها ، اسم ساب[illegible] آن بهارت میباشد ـ۸ـ کشور ، محبت، منظ[illegible] آن سوم است ، موی پراگنده ، رفیق،پیاله، یکی از شعرای مشهور کشور ما ، ـ۹ـ نوا[illegible] کـــوتاه، مسترد شـــدن، هشتـــم آن بـــرای دهقانان بسیار مفید بود ، یك حرف ودوخانه، حرف ربط ، جمع بندر، عکس نیکـــی ـ۱۰ـ منظم درج میشود ، نصف جبره، دو «ه» [illegible] اثریئ‌والاس ـ۱۱ـ دونیم، نویسنـــده کتاب سرخ وسیاه است، یکی ازجمهوری هـــای شوروی ـ۱۲ـ اسم کوتاه ، آخـــرین حص[illegible] حیوانات ، سیم بی سر، اثر از مارك تواین ـ۱۳ـ عطر میدهد ، نصف دیدن، دردبی آغاز، یکی از ولایات کشورما، تند میان خالـــی، اثری از هرمان ملویل، سفرنامه را اونوشته است، دوازده ماه ـ۱٥ـ ریل، ضمیر اشاره، از فلزات، ردیف طالع، رنگ نشـــده، شام طویل ـ۱٦ـ با تغییر کم بعضی حیوانـــات دارند، بالای آب، اثراز افلاطون، عکس روز، جای آن در گلدان است، بادویه مـــریض می یابد ، ردیف سبب، از آنطرف لیس می شود ـ۱۷ـ یکی از کشور های جهان، شرکت بنام این است، بین سروپا ، مادر بزبان‌عوام پښتو، ازآنطرف‌بدر، حافظ درآن شهرت‌دارد، سرش را ببرید یك پرنده خوش خوان بجا می ماند که در تقلید شهرت دارد، اسم‌سابق یکی از ولایات کشور ما ـ۱۸ـ دوخانه ودو حرف مختلف، ردیف جادو ، کندوی آرد ، آغاز اعداد، بدون قیمت ، نصف طالب ـ۱۹ـ گردنبند به پښتو ، از ماهای سال، مورچه، از خزندگان، خروس بر سردارد، اثـــر از ـ۲۰ـ فریاد ، اثر از استفاین زوایك ، چوب بزبان پښتو، هوارمنظم آن است، برای نصب پرده بکار میرود ، اثر از ناصر خسرو ـ۲۱ـ بدون آخر سد میشود ، اثر از ریچاردرایت، جای درخت وگل، صحت مند به پښتو، دست به پښتو ـ۲۲ـ دار بی سر، برگ نا رسیده، حاصل نیشکر، ازآن طرف رام میشود ، جاز نامکمل، انفجار آن خطر دارد ، محبت، اثری ازچارلی چاپلین ـ۲۳ـ مداد منظم آن است، سمبول باریکی، پدر شوهر، پوش درختـــان، درجنگ بکار میرود ، بوسه، لین سیم ، نان بی آغاز ـ۲٤ـ یکی از ولایات کشور مـــا، رطوبت ، به کوهکن مشهور است، همه‌حروف الفبا، از براعظم های جهان، جام آن شهرت دارد .

بزرگترین جدول بهاری سال ۱۳۵۹ شمسی صفحه سرگرمی و مسابقات



۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴

بقیه صفحه ۲۹

انسانها و...

رومی‌ها کسانی را که بدست چپ کار میکردند انسانهای بدبخت میدانستند اما امروز افراد دست چپی ودست راستی یک نظر دیده میشوند و یکی بر دیگر برتری وامتیازی ندارد.

در گذشته ها اشخاصیکه با دست چپ کار میکردند مردمان ناپاک میدانستند فرانسوی ها آنها را بی مغز و بی ذکاوت تصور می‌نمودند در انگلستان با نهادست نارسس ودر امریکا بو شانراحیوانات جنگلی میخواندند. تعدادی ازسیا نسدانها آنانرا انسانهای غیر نورمال بی اهمیت و خود خواه تصورمیکردند. زنی که در زمان قدیم با دست چپ کار میکرد، در این باره گفته است که در یک جامعه سه طبقه بد بخت وجود دارد که‌آنها عبارت اند ازناداران ، سیاه‌پوستان وچپ دستی ها، در نظریه این میرمن این حقایق نهفته است که در طول تاریخ این سه طبقه بطور متداوم مورد تبعیض قرار گرفته اند ودر زندگی زجر زیادی دیده اند.

ما خوشبختانه امروزدرزمان‌ماو در نزد دیگران چپ دست بودن وبا دست چپ کار کردن گناهی‌نیست وآنکه با دست چپ کار میکند گنهکار وبد بخت شناخته نمیشود.

قرار احصائیه ها ئیکه از ممالک مختلف جهان گرفته شده‌در بعضی از کشور ها از هربیست‌نفر آن‌یک نفر بصورت طبیعی بدست چپ کار میکند.

من وقتی به فامیل خودنظرمی اندازم می‌بینم که در بین اعضای آن سه‌نفر طفل چپ دست وجود دارد. اماآنها نه بد بخت هستند نه بی‌هوش و ذکاوت بلکه همه ذکی وزحمت کش میباشند. در مقابل آنهاخاله‌ام قرار داردکه‌باهردودستش یکسان کار میکند.

خوشبختانه جهان ورزش و سپورت همیشه از چپ دست هائیکه دریکی از سپورت ها مهارت داشته اند پشتیبانی نموده وآنها را به نظر قدر نگریسته است چنانچه در زمانهای قدیم هم مردان چپ دست مقتدر طرف تمجید و ستایش رومی ها قرار داشت.

تا صد سال قبل تصور میشد که طول عمر آنهانیکه با دست چپ کار میکنند نسبت به آنانی که با دست راست کار ها ووظایف شانرا انجام میدهند بیشتر است.

اکثر دست چپی ها در هر زمان در کار ها وورزش هائیکه انجام‌می دادند فوق العاده مهارت داشته اند چنانکه (راد لیور) تینس باز معروف جهان ورزش بل‌لاری قهرمان بازی کریکت وجیم کاروتربو کسر مشهور همه چپ دست میباشند.

با وجودیکه امروز والدین ازطرف فرزندان چپ دست شان نگرانی‌و تشویش ندارند ولی با این هم بعضااطفال شانرا نصیحت می کنند که باستعمال دست راست مبادرت ورزند وکار های شانرا با دست چپ انجام ندهند اما والدینی که فکر معقول میکنند ونمی خواهند که احساسات فرزندان چپ دستشانرا جریحه دارسازند برای آنها با مهربانی ومحبت می گویند که اگر با هر دو دست کار ومهارت پیدا نمایی خیلی بهتر ومفید تر است.

علمای تعلیم‌و تربیه باین عقیده اند که باید اطفال را تحت تربیه قرار داد تا از هر دودست خویش کار بگیرند وبکوشند که بدست‌راست ودست چپ کار های شانرا موفقانه انجام بدهند زیرا قرار تحقیقات و تجارب علمی ایکه صورت گرفته آنانیکه با دست راست کار میکنند قسمت راست‌مغز شان بیشتر فعالیت میکنند و کسانیکه با دست چپ فعالیت میکنند حصه چپ مغز او شان‌بهتر کار میکند وآنانیکه با هر دوست یکسان فعالیت مینمایند و مهارت پیدا میکنند در حقیقت همه‌ی قسمت های دماغ شانرا بکارمیاندازند وکار هایشانرا موفقانه انجام می دهندو در فعالیت های خویش نسبت به آنانیکه بیک دست کار مینمایند کمتر احساس خستگی میکنند.

پس بهتر است که والدین اطفال شانرا طوری تربیه نمایند که با هر دودست فعالیت‌کنند تا در آینده کار های شانرا خوبتر وموفقانه‌تر انجام بدهند واگر خدا نا خواسته بیکی از دستهای‌شان آسیبی‌رسید بتوانند بادست دیگر فعالیت نمایند واز کار باز نمانند ومحتاج‌ودستگیر دیگری نگردند.

اگرچه مداخه در کارهای مفید ومورد پسند اطفال عمل خوب‌نیست امااگر خواسته باشیم میتوانیم آنانراطوری باراوریم که با هر دودست شان کار کنند وبکار کردن توسط دست راست که امروز اکثر مردم جهان فقطباهمان یک‌دست فعالیت های شانرا انجام میدهند قناعت نکنند. البته این کار بمرور زمان عملی شدنی است و روزی خواهد رسید که مردم جهان متوجه این کمبود گردند ،وبکوشند باهر دو دست یکسان کار کنندو فرزندان شانرا طوری عادت بدهند که همان کاری را که با دست راست انجام میدهندبا دست چپ نیزل انجام داده بتوانند.

بعضی از دانشمندان که تعدادآنها آنقدر زیاد نیست عقیده دارند که بین چپ دستی و لکنت زبان رابطه مستقیمی وجود دارد وبرخی را عقیده بر این است که چون اشخاص چپ‌دست مورد حمایه دست راستی ها قرار نمیگیرند واز طرف‌آنها به‌نظرخوب دیده نمیشوند لذا تحت فشار زیاد روحی قرار میگیرند واین فشار روحی منجر به لکنت زبان میشود.

بخشی از علما نظریه داده اند که یک‌انسان چپ‌دست در قسمت جمجمه خود انکشاف صحیح نکرده است این دسته علما علاوه میدارند که‌انکشاف‌قسمت‌جمجمه‌انسان برای انجام فعالیت های مفید وثمر بخش خیلی ضروری ولازمیست وبیانات وخطابه هائیکه یک انسان چپ دست میدهد نمایان میسازد. که جمجمه او انکشاف نکرده وبین حرکات جسمی ودماغی وی‌همکاری وهماهنگی وجود ندارد.

وبخشی‌از مردم میگویند که چپ دستی یک مساله ارثی می باشد وچپ دستها ، چپدستی راازاجداد ونیاکان خویش‌بارث‌گرفته اند.

برسلی‌یکی دانشمندانی که درین باره مطالعات زیادی را انجام داده میگوید که همین اکنون نیز دربعضی قسمت های اروپای غربی داشتن اطفالی که با دست چپ فعالیت کنند شگون بد دانسته میشود.

تعداد زیاد کشورها و مردم جهان هنوز هم دست راست را نسبت به دست چپ ترجیح میدهند کشور ها و مردمیکه به استعمال دست راست اصرار می ورزند متوجه نیستند که دست چپ ودست راست انسان سرمایه هایست که یکی از دیگری فزونی ندارد‌چه بهتر است که یکی ازین دوسرمایه را فراموش نکنیم و هر دورا در راه انجام کار های پرارج بفعالیت اندازیم ویک دست راحاکم مطلق نسازیم.

بقیه صفحه ۲۲

در آغوش گل‌های سرخ

تو گویی لحظه‌ای آب وآتش بهم آمیخت.
امشب هنوز جامه ام از گلهای بامدادی معطر است، اگر میخواهی عطر آنها را ببویی سر بدامان من گذار ».

«ماکسیم ریلسکی» شاعری از اوکرائین شوروی در گنجینهٔ «ترانه های گزین» عدهٔ معدودی از شاعران کشور شوراها تحت‌عنوان «گلها وانگورها» ازگل‌سرخ وسوری‌وشقایق، خاطرهٔ را روی کاغذ نقش بسته که رونوشت درونمایه هایش بدین مضمون دستیاب شده است :

از کار باز آمد . دوشیزه ، خسته ،
مادرشی از کلبه آواز داد او را .

آنجا ، در آنسوی گلشن خوشبو ،
که پیچان میروید سوری و نعنا .

• • •

باز گشت از سفر مرد ماشینیست
پا تا سر در غبار ، سرا پا دود آلود :
برگ مو از آفت شده آبله گون
باید از برایش چاره ای نمود .

* * *

رمز گل دادن را با بسی دقت
جوان دانشمند پژوهید نکو ،
و اینک اندر شهر ، شقایق هر سو
گل داده شعله وش بتدبیراو .

• • •

بقیه صفحه۲۸

بهار...

ولی این اعمال‌جز تلاش مذبوحانه وناشیانه‌ای بیش نبود و مردم ماکه مدت زمان کوتاهی مزه وفرحت بهار واقعی را چشیده بودند دل بطوفان سپردند وهر قدرجبروظلم‌امین‌سفاك برطلبگاران بهاران واقعی بیشتر می‌شد آتش وشعله خشم ومبارزه‌ی آنان اوج می‌گرفت وسوزان ترمی‌شد تاآنکه روز موعود فرار رسید• آری شام ششم جدی ۱۳۵۸بمثابه شام بگور سپردن اژدهایی بنام امین ومارانی بنام باندامین فرا رسید• اردوی آزادیبخش افغانستان که می‌توان آنرا برحق یك اردوی آزادیبخش وملی نامید بابه انجام رسانیدن این ماموریت تاریخی افغانستان و مردم افغانستان رااز تباهی ، نیستی ،ظلم استبداد و • • • نجات بخشید امین این برباد دهنده‌ی بهاران واقعی مردمان ما در فعالیت های ضد انسانی و ضد وطنی‌خود از نام مقدس چون انقلاب ، مردم ، اسلام وخدا وایمان سوء استفاده می نمودزیراوی سخت محیلانه دشمن همه بود •

در شام ششم جدی مردم افغانستان باشنیدن بیانیهٔ ی ملی وتاریخی ببرك کارمل منشی‌عمومی کمیته ی مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیك افغانستان یکبار دیگر

پروبال کشیدند واین آواز نجات بخش را پیام آور بهاران دانستند : در بیانیهٔ انقلابی موصوف در مورد جنایات وجفای امین شیادو نجات مردم ماازچنگال وی چنین گفته شده است:

«مردان وزنان قهرمان کشور• ازهمه اولتر اجازه دهید تا قبل از ارائه

مشی سیاسی دولت وحکومت جمهوری دمو ـ کراتیك افغانستان از طرف کمیتهٔ مرکزی‌حزب دموکراتیك خلق افغانستان ، شو رای انقلابی وحکومت جمهوری دموکراتیك افغانستان از طرف خود اینجانب ببرك کارمل عمیق ترین تاثرات وهمدردیها، عظیم ترین احترامات ودرود های آتشین را به مناسبت رنج های بیکران واشك های خونین شما، بمناسبت‌حبس وزندان ، تبعیدو مهاجرت های جبری ، زجرو شکنجه های وحشیانه وغیر انسانی ، شهادت وکشتار جمعی دهها‌هزارمادران وپدران،برادران وخواهران ما • دختران ، پسران وکودکان ماکه از طرف حفیظ الله امین میر غضب وبدستور مستقیم این جلاد آد مکش بعمل آمده به پیشگاه شما تقدیم بدارم از طرف دیگر اعلام‌می‌گرددکه حفیظ الله امین این دشمن غدارالله وامین که بنام خدا واسلام ،بنام انسانیت وملیت ،بنام خلق وخلقی علیه‌خداواسلام‌علیه‌انسانیت،ملیت‌علیه خلق وخلقی وحشیانه جنگید ، این دشمن‌وطن وضد ملی که اردوی آزادیبخش افغانستان رابه نفع دشمنان داخلی و خارجی پارچه پارچه‌کرد وبهترین سربازان ، خرد ضابطان، افسران قهرمان وجوانان مارا، هموطنان شرافتمند و زحمتکش مارا به فجیع ترین وضع به زندان ها وکشتار گاهها فرستاد ••• برای ابداز صحنه زندگی وطن محبوب مان افغانستان محو گردید وبنابر طوفان خشم ونفرت خلق، قهرو غضب ملت دردادگاه عادلانه انقلابی خلق ومستضعفین افغانستان یکجا باچند چا کرش بسزای اعمال‌طاغوتی و شیطانی‌خود ر سیدو میرسد •••»

دریك حصهٔ دیگر این بیانیه جهت اطمینان و آرامش مردم افغانستان چنین آمده است:

(••• دولت جدید وانقلابی وملی افغانستان درحدود امکانات درتامین شرایط جبران‌خسارات مادی و معنوی تمام هموطنانیکه از ظلم وستم امینی ها چون سگ های‌زنجیری اش اسدالله امین ، عبدالله امین ، خساره مند شده اند جدو جهد خواهد ورزید •••)

آری مردم افغانستان در نتیجه پایمردی‌هاو مقاومت های قهرمانانه ی خودشان وشهامت‌واز خود گذری اردوی رهایی بخش افغانستان از چنگ امین ددمنش وباند فاسد ظالم وی نجات یافتند وبزندگانی سرافتمند وآبرو مندانه‌ی‌خود آغاز کردند •

هموطنان بلا کشیده و قهرمان !

اینك بهار سال ۱۳۵۹ را در حالی پذیرایی می‌نمائیم که توام باآن بهار امیدها وآرزوهای مان نیز فرا رسیده وبه صراحت می‌توان گفت که بهار امسال بهار دوگانه است یکی بهار طبعیت که از بخت نیك نسبت بارندگی های پرفیض وفراوان سر سبز وپر فیض خواهدبود وحاصل فراوانی‌رانصیب‌هموطنان خواهد ساخت ولی مهم تروسرورآورتر‌بهار دیگری است•بهار آزادی همه مردم شرافتمند • بهار جاودانه‌ی که هرگز خزانی نمی‌شناسد، بهاری که جغد های منحوسی چون حفیظ‌الله امین این سازمانده اجنت‌های سی ،آی ای دروطن وبربادده‌نده بهار آرزوهای وطن ومردم ،دیگر قلع‌وقمع شده‌است • بلبلان وطن همیشه بهارماآزادانه وباشور وشوق نغمه‌های‌آزادی و بهروزی می‌ـ سر ایندوهیچ‌زاغی‌رایارای درآمدن‌درین بوستان یعنی بوستان وطن محبوب مانیست •

مردم رنج دیده وعذاب کشیدهٔ ما که سرماهای مظالم امین وامینی هارا گذشتاندواینك آفتاب مرحله نوین انقلاب ثور آن همه‌یخ‌هارا آب می‌کند واز بین می‌برد •

مردم مادر عمل دیدند که دولت انقلابی شان آن چنان اقداماتی انجام‌دادند که‌می‌شودآنرا التیام بخش کلیه دردهای‌ناشی از استبدادوظلم مستکبرین دار ودسته امین وبالنتیجه‌امپریالیزم خونخوار امریکا دانست •

رهایی همه زندانیان سیاسی ایکه از زیر ساطور امین جاسوس که در ین ساطور مارکو نشان امپریالیزم امریکا بخوبی‌بمشاهده می‌رسد ازجمله اولین‌اقدامات‌وطنپرستانه وبشرخواهانه دولت جدید وانقلابی جمهوری دموکراـ تیك افغانستان شمرده‌می‌شوددرین رهایی‌عدالت ومساوات کامل موجود بود چه زعامت دولت جمهوری دموکراتیك افغانستان ضمن اعلامیه عفو عمومی همه زندانیان سیاسی بصراحت‌اعلام داشت که بدون درنظرداشت هیچ تبعیض وفرق وصرف نظر ازهمه ملحوظات از قبیل لسان مذهب ، ملیت ،ایدیالوژی سیاسی ، اختلافات سیاسی وسازمانی وغیره برهایی زندانیان اقدام می‌شود و چنان هم شد •

هموطن قهرمان ودر بند کشیده آیا این اقدام‌پیك نیك بهار، بهارواقعی‌وفارغ ازهرنوع رنج وبند نیست ؟

آیا خارج نمودن هموطنان بیگناه و رنجدیدهٔ ماازدخمه های باستیل پلچرخی خود نمایانگر شادمان ساختن دل‌های آزرده ویخزده‌هموطنان مانیست ؟

اقدامات‌بعدی دولت وزعامت انقلابی وقهرمان افغانستان جوان وانقلابی‌همه‌وهمه روشنگراین حقیقت است که دیگر یخ هاوسرماهای ناشی ازظلم‌واستبدادواستثمار بیرحمانه سلطنت‌فیودالی وسلطنت حفیظ‌الله امینی آب می‌شود وطوفان سرد وتباه کننده به نسیم‌ملایم بهاری تبدیل شده است و هموطنان مااینك امسال‌بهار دوگانه ای را بدرقه می‌کنند .بهار طبیعت وبهار آزادی کامل را •

پس ای هموطنان شریف‌وآرزومند ! نگذارید که‌جغدهاو کلاغ‌های‌منحوس‌بازهم‌این بهارجاودانه شما را باصداهای دلخراش واعمال سیاه خود مواجه به تهدیدسازد چه آنها که شوق ومنفعت شان در سردی دل مردم ویخ زدن آرزو های خلق نهفته است در کمین هستند وسخت‌در تلاش وتکاپوهستند تایکبار دیگر زمستان‌راباز گردانند، سرما را بردل ها چیره‌سازند، غنچه های امید وطن ومردم‌رادرپندك بخشنکانند وپژـ مرده سازند • ماایمان ویقین کامل دا ریم که‌این همه تلاش های مذبوحانه وبی‌فرجام‌است ولی آنهادرین مرحله می‌خواهندفرارسیدن‌سبزی وخرمی همه‌گانی خلق مارا به عقب باندازند•

آنها می‌خواهند که رسیدن رستا خیز واقعی مردم مارا بدور اندازند وطولانی سازند آنها می‌خواهند ••• ؟!

ولی چنانیکه مردم شریف وزحمتکش افغاـ نستان در عمل ثابت‌ساخته اند این‌همه دسایس وتلاش های مذبوحانه رابامتحدشدن ویکدست شدن خنثی ساخته ومی سازند•

بهار جاودانه‌ما فرارسیده‌است وهیچ نیرویی قادر نیست از پیشرفت وتکامل وسر سبز شدن آن جلو گیری نماید واگربازهم‌ناشیا نه در مقابل چرخ زمان وتاریخ بایستند سرنوشت شان چون سر نوشت امین ودارودستهٔ سفاك واو باش اوخواهد بود •

شگوفان باد بهار آرزو ها، بهار واقعی مردم قهرمان افغانستان ، آینده ازآن مردم است• آری مردم •

بیکران دوست داریم مامو سیقی را و«آفریدن» رادانیم دلپسند •

خوشبختی ما را اینك‌دوبال است:

گل سرخ باانگور ، زیبا با سودمند •

• • •

جای دیگر ودر ورای دستمایه های ادبی‌از گزیده های پذیرای «گویته»که بزیر عنوان «گذشته وحال» شمهٔ از اسرار طبیعت را بیپرده ساخته است چیده های را درین‌دسته گلهای اهدایی پیوندو پیوست میکنیم . به نحویکه بیانش از آغاز تا فرجام سخن ، «گل سرخ» کرده است . اینچنین :

«درباغ زیبا گل سرخ و زنبق کنار هم شگفته اند تا بر رخ ژاله بامدادی بوسه زلند . پشت باغ صخره ای پوشیده از گیاه وگل سرخ و پیرامون آنرا جنگلی خرم فرا گرفته است که یکسره تا درهٔ سبز ادامه دارد . همه جا مانند آنروز گاران که من در آتش عشق میگداختم وهر بامدادن باچنگ خویش به پیشباز مهر فروزان میرفتم ، از عطر گل آگنده است .

اکنون که جنگلها هر بهاران سر سبز میشوند وجاودانه زندگی را از سر میگیرند ، ما نیزدل‌قوی کنیم‌واز آنها سر مشق‌بگیریم، طعم لذایذ گذشته را بچشیم وبدیگران نیز بچشانیم تا خوشیهای جهانرا بخیلانه برای‌خود نخواسته باشیم . ازین پس باید در هر مرحلهٔ از زندگی راه ورسم شاد بودن ونشاط اندوختن را آموخت » .

بتداوم این گلفشانیها ، «منو چهری»استاد سخن با کلام پر حلاوت وپر مایه اش بگرد «گل سوری» و «گل سرخ» چنین گرایبده است :

آمده نوروز ماه با گل سوری بهم
بادهٔ سوری بگیر ـ بر گل سوری بچم
زلف بنفشه ببوی ـ لعل خجسته ببوس
دست چغانه بگیر ـ پیش چمانه بخم
شاخ برانگیخت درـخاك برانگیخت‌نقش
باد فروبیخت مشك ـ ابر فروریخت‌نم

قمری درشد بحال ـ طوطی‌درشدبرقص
بلبل درشد بلحن ـ فاخته‌درشد بدم
رنگ رخ لاله‌را ـ ازندوعود است خال
شمع گل زرد را ازمی و مشکست شم

با گزینش این نظم پر محتوای ادب پیرا افسانه‌و فسون «گل سرخ» را که از آغاز تا انجامش باراز ها ونیاز های مهر آلود آگنده است ، درینجا پایان میدهیم وخود بدامان طبیعت وسراپردهٔ رنگینیها پناه‌میبریم•

(ختم)



روز نوروز و هنر آرایش میز غذا



۱ـ حالا بااستفاده از این کتاب غذای‌لذیذی برای شوهر جانم می‌پزم .



۲ـ وای که چقدر سامان ولوازم بـرای طبخش لازم است !



۳ـخوب! به‌قرار هدایت بایدرومیزی‌راهوار کنیم.



۴ـ بعدش قاشق وبشقاب بچینیم



۵ـ برای زینت سفره شمع هارا بایدروشن بکنیم



٦ـ وبعدش گلها را بیارایم



۷ـ حالا هم آواز بخوانم تاشوهرم جانم بیاید :

بهار آمد بیا ای یار جـانـی
نوازشش کن به لطفو مهربانـی
گذ شته میرود عمر دو رو ز ه
نمی ماند همین حسن جو ا نی



وای یادم رفت که اصلا نان درست‌بکنم

بهترین رستوران

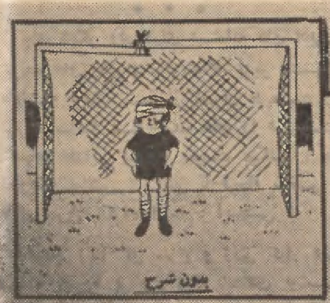
جهانگردی وارد شهر کوچکی شد ...ظهر بود وجهانگرد گرسنه ، از مردمی که درکنار خیابان نشسته بود پرسید :
ـ درین نزدیکها رستوران نیست ..
ـجرا ... ایـن شهـر دو رستوران داردکه‌هردو در چند قدمی همین جاوتقریباًروبروی هم واقع شده است .
ـ خوب ، کدامیك از آنها بهتر است .
مرد شانه ها را بالا انداخت وگفت :
ـ تفاوتی نمیکند ... شما می توانید بهرکدام که دلتان خواست بروید ... اما در هر حال پشیمان خواهید شد . که چرا بـــــه‌رستوران دیگری نرفته اید !!

ورزشکاران

دو دوست در اداره با هم گرم گفتگـــوبودند ... یکی از آنها رو بدیگری کرد و گفت :
ـ هیچ میدانی که من هرروز صبح ساعت٦ برای‌تمرین ورزش‌ازخواب بیدار میشوم...
دوست دیگری گفت :
آفرین ... پس حتماً در همین تازگیهاورزش‌میکنی !
دوست اولی جواب داد :
ـ نخیر ... دختر همسایـــه رو بـــروی‌منزل ما ورزش میکند !!

اتفاق عجیب

مرد در حالیکه دست شکسته اش را به گردن اویزان کرده بود وارد رستوران شد مدیر رستوران پرسید :
ـ اتفاق بدی افتاده ... نکند که باموتر تصادم کرده باشی ؟ مرد سری تکانداد :
نی ... دیشب که از این جاه بیرون رفتـم اتفاق عجیبی افتاد .
من بطرف موتر میرفتم که یکی از ایـــن آدمهای بی احتیاط که در خیابان راه میرفت، دستم را لگد کرد ... فکر میکنم او بسیار مست بود !!

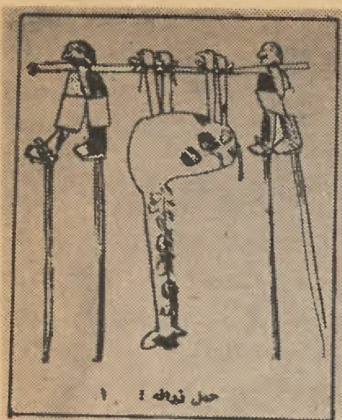


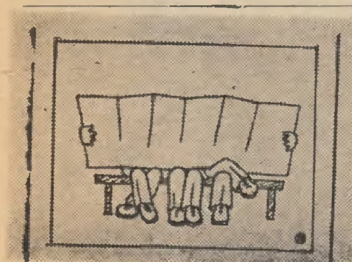
دو تصادف در یك تصادف یکی سرش‌زخم برمی‌دارد ودگر چوبهٔ گول می‌شکند.



زن‌به‌شوهر ـ شوخی بس‌است بیاکه‌برویم،هواتاریک میشود

زنی که شوهرش را دوست داشت





بدون شرح

شکارچی معروف که تازه از جنگلهـای افریقا آمده بود . پوست ببر بسیار زیبائی نیز برای زنش ارمغان آورده بود ... روزی

جریان شکار ببررا برای‌زنش تعریف‌میکرد:

ـ بلی ... نمیدانی چقدر خطر ناک بود ... یامی بایست من زنده بمانم ویا ببر ... اگر تیر ذره‌یی خطا میرفت ببر مرا پارچه پارچه می کرد زنش از روی رضایت نگاهی بـه

شوهرش انداخت وبعد به پوست قشنگ‌ببر که پیش تختخواب ، روی زمین افتاده بود ، خیره شد وگفت ، بسیار خوب خوشحالم که

مرگ نصیب ببرشد... چون‌درغیرآن صورت من‌حالا پوستی باین قشنگی برای تختخوابـم داشتم !

سفارش یک زن

داکتر بعد از آنکه مرد را معاینه دقیـق‌کرد ، سری تکانداد و گفت :

ـمتاسفانه حال شما مریضی ندارد ... بسیار چیزها باید پرهیز کنین ..

مرد حرف داکتر را برید :

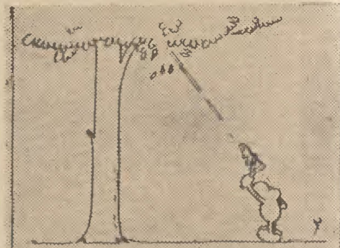
ـ مثلا چه چیز هایی داکتر ؟

ـاز سگـرت، از مشروب، قمار، از شب زنده داری واز غذا های ...

مرد مجدداً حرف داکتر را قطع کرد و بـا عجله پرسید :

ـ خواهش میکنم داکتر جان ... راستش را بمن بگو ، قبل از من زنم به اینجا نیامده بود ؟!







ازبالا به پائین بدون شرح

تهدید بزرگ

داماد جوان ، یکروز تعطیل بدیدن مـاک تاویش اسکاتلندی ، پدر زنش رفته بود ...

پدر دختر از او پرسید :

ـ خوب پسرجان ... بگو از دخترم راضی هستی ؟

داماد جوان جوابداد :

ـ نی ... به هیچوجه از دختر تان راضی نیستم . چرا ... برای چی ؟

ـ چون بسیار ایله خرج است.

ـخوب اگر دیـ ر بازم هم ایله خر جی کرد مرا خبر کنی !

ـ شما چیکار میکنین !

ـ هیچ ... فوری او را از میراث خـودم محروم میکنم !!

مسافر

مسافری که‌تازه وارد شهر ی شده بود مغازه لبنیات فروشی رفت وگفت:

آقا .. لطفا نیم کیلو شیر بمن‌بدهید.

لبنیات فروش گفت:

ـببخشید آقا ... ماشیر راوزن‌نمیکنیم.بلکه‌اندازه میگیریم.

مرد مسافر بسادگی گفت واه .. معذرت‌میخواهم ...حواسم خراب است ...پس‌لطفا نیم «متر» شیر بدهید !!



دزد ـ زود هرچه پول داری بده وگرنه‌این‌موش رابه سرت می‌اندازم.

بقیه صفحه ٤٩

ساختن دیگ...

دخترا ن جوا ن در حالیکه کوزه ها ی گلی را بر شانه حمل میکنند ، اجرا ء میگردد

وقتی مسا بقه آغاز می گردد جشـن مـذکـور به نقطه او ج خود میر سد . بهتر ین دیگ ها توسط مرد م واستا دان فن دیگ ساز ی که به تاریخچه صنعت دیگ سا ز ی بلدیت دارند نیز در هر چهار سا ل در مسا بقـه دیگ سا زی گرد هم می آیند و آنکه از بهتر ین گل بشکل کا ملا عنعنو ی ،ماهرانه و استا دانه ، قدیمی ترین نوع دیگ راساخته بود ،بهترین جایزه را دریافت میدارد کـه حکم ها ی صا حب نظر ، نظارت کننده مسا بقه میبا شند . در مسا بقه امسا ل اشیای شیشه یی نیز استثناء بـه معـرض نما یش گذاشته شده بود که چینی سازان بشکل قد یمی ترین آن آلات چینی را در آورده و به معر ض نما یش گذاشته بودند این مسا بقات بمنظور کشف معلو ما ت در بارهٔ نخستین دیگ های گلی که او لیـن بار دست بشر از گل آنرا ساخت ،میباشد تا مگر روزی برا ی در یا فت جایزه بزرگ، کسی به چنین کشف بزرگ دست یا بد.



چندتن از زنان درحال ساختن اسباب گلی. گلی .

بقیه صفحه ۱۱

وظایف اساسی واهمیت...

میدان های بازی اطفال	٥-۱۰ فیصد
میدانهای سپورت	۱۰-۳۰ فیصد
پارك های عامه	۲۰-٥٥ فیصد
باغچه هاو محل های ریزرف شده	۱۰- ۲۰ فیصد
قبرستان ها	صفر -٦ فیصد
حوض های آببازی ودیگر منبع های آبی	۳-۱ فیصد

به اساس معیار ونورم هائیکه تعین گردیده برای فی نفر (۷۰) متر مربع جای سبز درنظر- وتثبیت گردیده است وپیوست به اساس احصائیه که از مرکز تحقیقاتی مهندسی انتشار یافته برای منا طـــق مختلفه قرارذیل ساحهٔ سبز پیشنهاد گردیده است :

ساحه های سبز عامه ونوار های سبز

اطراف جاده ها	۱٥ فیصد ۸-۱۰ مترمربع
ساحه های سبز مناطق رهایشی	۲٥ فیصد ١٤-۱٦ متر مربع
ساحه سبز در مناطق تجارتی و کلتوری	١٤ فیصد ۷-۹ مترمربع
باغ ها	۲۰ فیصد ۱۰-۱٥ مترمربع
قبرستانها	٦فیصد ۳- ٥ مترمربع
ساحه های سبزاز قبیل جنگلزار هاو نوار های سبز که وظیفه عایق صوت را انجام میدهند .	۲۰فیصد ۸-۱٥ متر مربع
	۱۰۰ فیصد ٥۰- ۷۰ مترمربع

در خاتمه ناگفته نباید گذاشت که در موسم بهار از غرس نهال ها ودیگر اشجار مثمرویا غیر مثمر از هیچگونه همکاری و مساعدت دریغ نفرمایید تاباشد این آرامگاه اجداد ونیاکان ما که در حال برای ما میراث مانده است بیك مملکت سر سبز تبدیل گردیده باشد .

صفحه ٥۸

بقیه صفحه٦

سال ۱۳٥۹ سال...

خلقی که متحد و بیدا ر است ، قهرما نانه کـا ر و پیکار میکند و در نبرد پیگیری دارد ، علی الرغم تـمـا م دشوار یها پیروز میشود .

همو طنـان، خـوا هـران برادران ،دو ستان و رفقا!

وحدت حزب ، اتحاد نیرو های ملی دمو کرا تیك ، وحدت خلق ، وحدت اخوت اسلامی ما

پیوند حزب با جبهه ملـــی- پدر وطن ، پیوند حزب باتمام خلقها ی زحمتکش مسلما ن کشورضامن پیرو زی ا نقلاب آزا دی بخش ثور و دو لـت جمهور ی دموکرا تیــك افغانستا ن ، ضا مـــن افغانستا ن آزاد و مستقــل قهر ما ن و انقلا بی است .

همو طنان، خلق شرا فتمنـد وزحمتکش وطن ، نو روز باستانی ، رو زدهقان ، سال نو بشما مبار ك باد !

خداوند بزرگ حا فـــظ شما باد !

بقیه صفحه ۳۷

پندك ها...

پر ند گان مها جر کوچکنند بو جود می آیند .

در نبا تات پند کهای مخفی هم وجود دارند» بعضا در ژیر پو ست اشجار که شاید خیلی دیر در حا لت رکود وخواب بسر برند وچیز یکـه باغداران قوریه والاوسبزی کاران نمی دانند این مطلب است که اینوع پندکها قدرت عجیبی برای انتظارماندن و زنده بودن حتی برای چند ین ســال را دارند زما نیکه یك بو ته یـــا در خت برای مدت زیادی نشو ونـما کرده باشد وشا خچه های طو لانی بدون بر گ شو ندبا غبا نـان هو- شیار وبا تجر به شا خچه های آنـرا جسورا نه تا پند ك های تیر ماهـی قطع میکنند زیرا آنها میدانند کـه این یگا نه را هیست که نبا تات و اشجار تحریك به گل کردن ومیوه دار شدن میشو ند همچنان اگر ایـن عمل که بنام شا خچه بری نیز یـاد میشود روی بته گلاب درخت زرد- آلو وتاك صورت بگیرد شکل وفرم آنها رازیبا تر ومقبول تر مـــی گردا ند ودر تز ئید حا صـلات شان خیلی مو ثر ثابت م یشود .

تا کستا نهای بورووبور گاند ی همه سا له شا خچه بری میشو ندودر نتیجه تاکها شکل وزیبایی عجیبی به خود میگیرد . آیا میدا نید که ایــن کار چرا صو رت مگیرد . جواب آن خیلی ساده است وآن این است کـه بخا طر پند کهای خوا بیده ودر حال رکود وکار های تعجب آوری که این پند کها در هنگام نبودن سا ثـر پند کها جبرا انجام مید هند .

همچنان با ید شا خچه های نیلـه چنار ها بریده شوند زیراریشه های چنار ها بریده شوند زیرا ریشه های طولانی شده در هر طرف مـــی رو یند ومزا حمت بار می آور ند.

تنه های این در ختان را نیز اگـر قطع کنند بازهم پنـد کهـا ییکه در همان ریشه هاست به مرور زمان به نهالهای در می آیند واز این جا وآنجای صحن باغو یاحویلی سـر بیرون میاورند وثبوت میکنند که نیله چنار عمر طو لانی دارد .



لام علیکم خوانندگان وهمکاران ارجمند
یخوا ستم همینگونه بگویم که سال ۱۳ ، سال پر خیر ، سال پر امید ، سال سعاد وسال پر میمنت ومراد باشد به ا . میخواستم که بگویم ، حال که‌می‌بینم تم‌آنچه میخواستم . اما ناگفته رابار دیگر شعر حافظ تفال می زنیم که هر چه شد باد . این تفال زدن را از جانب من به د کام ومراد شما ، تحفهٔ سال نو بپذیرید، یم فال حافظ ، چه قرعهٔ بنام شما میزند ، به سلامت .

دست ز طلب ندارم تا کام من بر آید
یا تن رسد به جانان یا جان زتن‌برآید
بگشای تر بتم را بعد از وفات و بنگر
کز آتش درونم دود از کفن برآید
بنمای خ که خلقی واله شوندو حیران
بگشای لب که فریاد از مرد و زن‌برآید
جان رلبست وحسرت‌دردل که‌ازلبانش
نگرفته هیچ کامی جان از بدن بر آید
از حسرت دهانش آمد بتنگ جانم
خود کام تنگدستان کی‌زآن دهن‌برآید
بربوی آنکه در باغ یابد گلی‌چو رویت
آید نسیم و هردم گرد چمن بر آید
گویند ذکر خیرش در خیل عشقبازان
هر جا که نام حافظ در انجمن بر آید

* * *

دوست عزیز احمد داور «متحد» محصل ...ب ننگرهار

از همکاری‌شما ممنونیم‌وخواستارهمکاریهای ...تر تان استیم . دوست مهربان ، پارچه ...ارسالی شما ، چون موافق به اصول ...نی ما نبود ، از چاپ باز ماند .

دوست عزیز عبدالروف «مالیار» متعلم‌لیسه ...خالکی

پاسخ به سوالات صفحه‌مسابقات سرگرمیها گرفتیم وعلی الحساب ، آنرا برای‌ارزیابی متصدی صفحه‌اش سپردیم که بعد ازغور رسی ، نام شما را در لست حل کنندگان ... زنند . به امید همکاریهای دیگرشما .

دوست عزیز سیدحاجی عالمی

جدول فرستادهٔ شما رسید ، آنرا به‌اختیار ...ی صفحه مسابقات وسر گرمیها گذاشتیم ... در یکی از شماره های مجله به چاپ ...ارد . گفته بودید. این جدول را در آغاز ... ۱۳۵۸ به نشر برسانید ، میرسانیم اما ... کدام سال ، سال پار یا سال نو ؟ به انتظار نامه های دیگر شما .

دوست عزیز ناصرآرین عضو درام وداستان رادیو تلویزیون

پارچه شعر«گواهی»سرودهٔطبع کجمدار(!) شمارا خواندیم وما گواهی نمیدهیم که یار دیرینه وپارینهٔ شما خنجر بلا به رخ‌شمابکشد وآنگاه در سینه سردر وز گار ، اسیر سر نوشت گمنامی شوید ، ابدا . مارا با یأس ودرد سر جنگ است و«چرخ برهم زنیم ارغیر مرادمان گردد» . شما که‌بر قلهٔ آگاهی وفرماندهی رسالت تکیه زده اید از دردوضجه بگریزند ونوحه سرایی نکنید که بس درد آور بود .

عجالتاً این شعر پر از درد ویأس را به پاکتش میگذاریم واز چاپش میگذریم وبه امید اشعار بهتر شما انتظار میبریم ...

دوست عزیز فوزیه‌امان زی محصل صنف اول پوهنځی اقتصاد

ماهم میگوییم به‌شما سلام باد . ازاظهار علاقمندی شما به مجله ژوندون شاکریم و مشکور .

پاسخ سوالات صفحه مسابقات وسرگرمیها را گرفتیم وبرای ارزیابی آنرا به متصدی صفحه حوالت کردیم که بعداً جواب شمارا به دست «دستگاه تهی دست چاپ» بگذارد .

دوست عزیز پرتونادری از ولایت جوزجان!

بعد از دیرزمانی ، نامه یی از شما رسید. امیدواریم خیر وخیریت بوده باشد . هیچ سلام وپرسانی ، خبر واحوالی ، با نامه‌یی از مانگرفته اید مگر چرا ؟ ما اگر خبر همکاران ودوستان قلمی خوب خود را ، چند روزی نداشته باشیم، متاثر می گردیم که چرا همقلم وهمکار عزیز ما ، از یاد دوستان وخوانندگان مجلهٔ خویش غافل مانده است نکند که از شوخی های ما سرگران شده باشید .... بهر صورت دو پارچه شعر شما را خواندیم وهردوی آنرا در شماره های آینده به دست نشر مید هیم به آرزوی همکاریهای بیشتر شما .

دوست عزیز محمد ظاهر خورسند ازاداره اصلاحات اراضی !

ماهم سلام میگوییم . ازنظر وپیشنهادشما يك جهان تشکر. ماز همکاران وخوانندگان مجله همیشه تقاضا نموده ایم که کار ما را به ارزیابی بگیرند ، خوب وبد آنرا بنمایند وبرعیب کارمان انگشت انتقاد بگذارند ، زیرا ماسخت بدین باور معتقدیم که تا متکلم را عیب نگیرند سخنش صلاح نپذیرد .

پیشنهاد شمارا می پذیریم ودر جستجوی دوستان مکاتبوی میباشیم ، ا ز اینرو علاقمندان «در جستجوی دوستان مکاتبوی» میتوانند مکاتبات خودرا عنوانی صفحه‌جوانان به آدرس مجله ژوندون بفرستند وبایکدیگر تماس فکری برقرار نمایند، دیگر چه می گویید ؟ انتظار، انتقادات دیگر شما را داریم .

دوست عزیز عبدالواحد «نور» متعلم صنف دوازده لیسه حبیبیه !

بپذیرید سلام مارا نیز . از کندز به‌کابل خوش آمدید . سبب افتخار مجله خواهدبود که جوانان چیز فهم به همکاریش آستین بلند کنند .

شعر «لاله قصه میگوید» شما را خواندیم ودر یکی‌از شماره های‌مجله به‌چاپ‌میرسانیم چیز های دیگری بفرستید .

دوست عزیز خالده انوری معلم مکتب دختران افشار !

پاسخ به قسمتی از سوالات صفحه مسابقات وسرگرمیها مرور کردیم وبرای قضاوت بیشتر، آنرا به متصدی همین صفحه حوالت کردیم که ببینید جوابات چگونه است، صحیح است یا غلط ؟ انتظار همکاریهای دیگر شمارا داریم .

دوست عزیز غلام یحیی پوشنگی ازحربی پوهنځی !

جدول متقاطع شمارا گرفتیم و جهت‌ارزیابی برای نشر، آنرابه متصدی صفحه مسابقات وسرگرمیها سپردیم که در چاپش اقدام ورزد . همکاری شما دوست عزیزراخواهانیم.

دوست عزیز سید حسن «خدیر» ازفاریاب!

سلام علیکم، مطلب‌زیر عنوان «تحول رهایی‌بخش ...» به اداره‌رسید وآنرا جهت‌ارزیابی برای نشر به متصدی صفحه دوستان‌سپردیم.. به امید همکاریهای دیگر شما .

دوست عزیز مراد محمد نیاز !

شعر «نغمه موزون» را مطالعه کردیم، اینك چند بیتی از آن :

در عرصهٔ نجات بشر از فساد جنگ
کوس رفاه خلق وطن زد بنام صلح
ای خلق نوع پرور وای نسل آریا
چرخ زمان و گردش دنیا به کام صلح
جانا شراب صلح پسند است ببزم ما
می نوش‌کیف دیگری دارد زجام‌صلح...
در قله های شامخ این مرز بوم همیش
مطرب نواز نغمه موزون بنام صلح...

به امید همکاریهای دیگرشما

دوست عزیز سیدرحیم رحین ازکندز !

«عقیده بالخاصه شما در مورد صفحه جوانان» همراه با يك قطعه عکس مبارك شما به ما رسید ، لیکن اندیشه ونظر شمادرباب آزادی ومصایب طبیعی، آنقدر فشرده و مختصر است که يك چارم، يك ستون مجله هم نمیگردد ، بهر رنگ دل قوی دارید که آزادی چیزی پر شکوهی است وبقولی «بشری که حق اظهار عقیده وبیان فکر خود رانداشته باشد موجودی زنده محسوب نمی شود » به امید همکاری های شما، اظهار نظر شمارا به متصدی صفحه جوانان سپردیم، تا باشد چه قبول افتد .

دوست عزیز احمدشاه حسین هوتکی !

ترجمهٔ شمارادر باب شخصیت نویسندهٔ انقلابی ومشهور ماکسیم گورکی خواندیم... لازم بتذکر میرود که منبع وماخذ ترجمه‌را، دقیقانه بنویسید که از کدام منابع اتحاد شوروی استفاده کرده اید ، دیگراینکه ماکسیم گورکی بیش از آنکه عالم وفیلسوف باشد به همان نویسنده‌گی معروف است که داستان نویس محبوب تمام قرون و اعصار است . این ترجمهٔ شما در صفحه دوستان به چاپ میرسد ... به امید همکاری شما .

دوست عزیز غ.ح. چولی پای !

شعر کاریز را مرور کردیم، وبه انتظار اشعار خوبتر تان، قسمتی ازآنرا چاپ میکنیم:

آنجا در پای تپه
کاریز سالمند مصیبتبار
چون زال روزگار دیده، پرآژنگ چهره
اینسو آنسو، موهای بیرنگ، رونق
لاغر دستهای فلاکت دیده
چشمانی : فروکشیده ، بینور
لبهایی : فروخشکیده، اما امیدوار
که گاه - گاهی میخندد ...

والسلام



مدیرمسوول : بشیر محمد کاود
معاون : محمد زمان نیکرای
آمرچاپ : علی محمد عثمان زاده
آدرس : انصاری وات، مقابل ریاست مطابع دولتی
تیلفون دفتر : ۲۶۸۴۹

دولتی مطبعه

